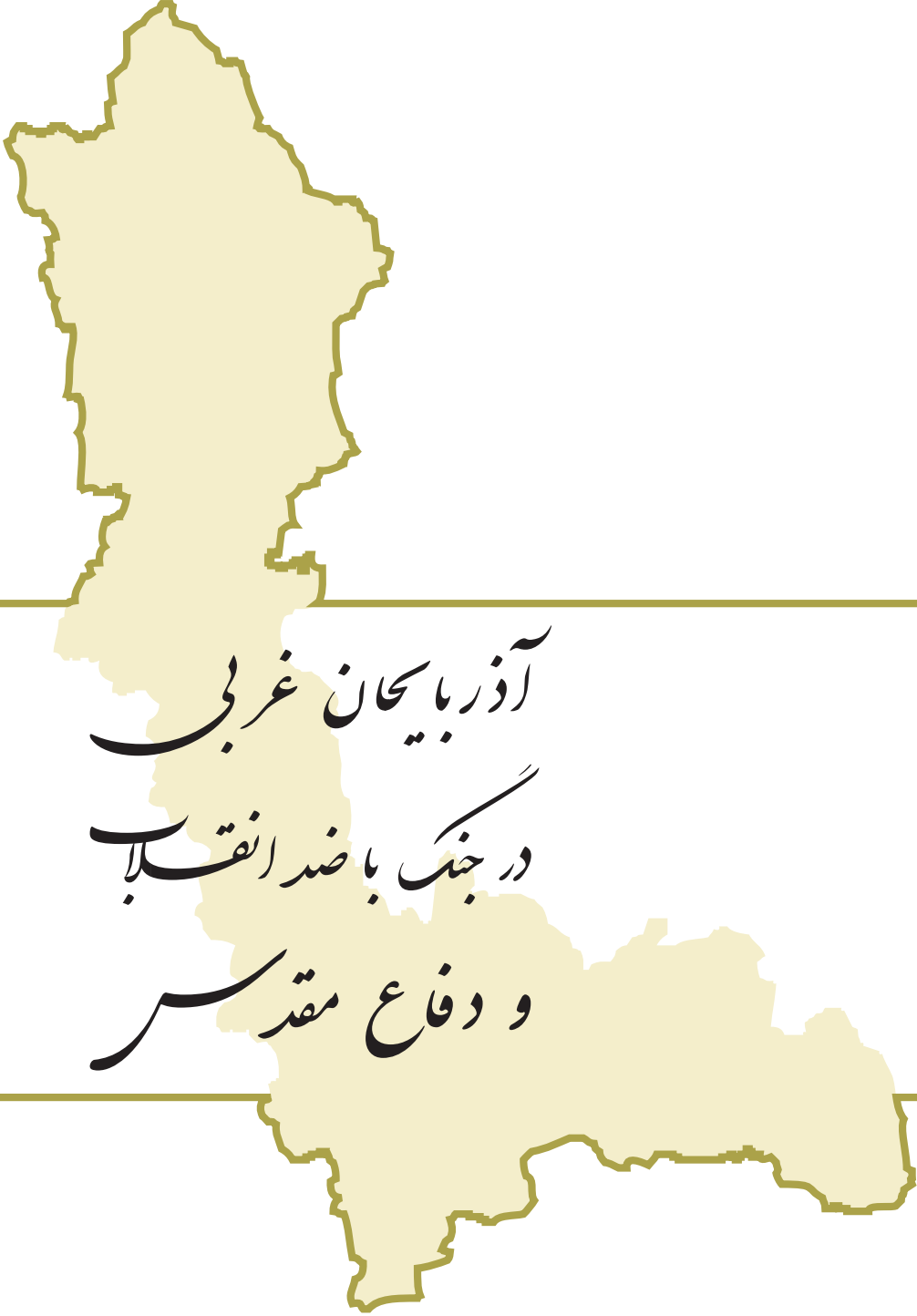


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





آذربایجان غربی  
در جنگ با ضد انقلاب  
و دفاع مقدس

## اطلس راهنما - ۱۲؛ آذربایجان غربی در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس

تحقیق و نگارش: رضا صادقی  
طرح و نظارت: شورای اطلس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس  
ترسیم نقشه و گرافیک: قاسم فرودی  
ویرایش: زهرا گل محمدی  
کنترل نهایی: قاسم فرودی  
مجری: مؤسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب

نظارت چاپ:  
قیمت:

چاپ:  
شمارگان:

لیتوگرافی:  
چاپ اول:  
شابک:

همه‌ی حقوق متعلق به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است.  
هرگونه عکس برداری، کپی برداری، اسکن و استفاده‌ی تکثیری دیگر این اثر بدون اجازه‌ی کتبی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ممنوع است.

مراکز پخش: ۱- تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فرورین، ساختمان ناشران، شماره ۴، تلفن: ۶۶۴۸۱۵۳۱  
۲- تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس  
۳- خرمشهر، جنب مسجد جامع، بازار شهید محمد جهان آرا، شماره ۲۷

مسئله، مسئله‌ی اسلامی است؛ وقتی مسئله‌ی اسلامی باشد، نباید کرد خیال بکند که اسلام بر خلاف مصالح اوست، یا این نهضت که اسلامی است بر خلاف مصالح اوست؛ و نباید ترک همچو خیالی بکند؛ و نباید دیگران این خیال را بکنند...

چنانچه واقعاً یک فردی بوده است که مردم را فرض کنید که قتل‌عام کرده است، خوب، به سزای خودش برسد؛ و اگر این دروغ بوده است، دیگر مسئله‌ای در کار نیست...

عمده این است که خود شما و خود اهالی باید در این امور همراهی بکنید با دولت. خانه‌ی خودتان است کردستان، یا فرض کنید که آذربایجان. باید [در میان] خود آقایان کردها، خود ترک‌ها، دو تا طایفه‌ای که هر دو مسلمانند، هر دو اعتقاد به پیغمبر اسلام دارند، هر دو قرآن همراهشان است، و نهضت هم نهضت خودشان است، خود آقایان با هم تفاهم داشته باشند. اختلاف نباید بین دوتا برادر مسلم باشد، دو طایفه‌اند، باید با هم تفاهم کنند...

سخنرانی امام خمینی در دیدار با روحانیون نرده و خانواده‌های شهدای  
گُرد در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۷؛ صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، صفحات ۲۶ و ۲۷

۱۱	پیشگفتار
۱۲	مقدمه

### فصل اول: جغرافیای آذربایجان غربی

۱۸	پیشینه‌ی تاریخی
۲۰	جغرافیای طبیعی
۲۲	جغرافیای انسانی
۲۴	جغرافیای اقتصادی
۲۶	جغرافیای سیاسی
۲۸	حزب دمکرات کردستان
۳۰	کومه‌له

### فصل دوم: بروز بحران در آذربایجان غربی

۳۴	پیروزی انقلاب اسلامی
۳۶	غارت پادگان مهاباد
۳۷	اعزام نمایندگان امام خمینی
۳۸	آشوب در نقده
۳۹	ادامه‌ی بحران
۴۰	پاک‌سازی شهرها
۴۲	تلاش هیئت حسن‌نیت
۴۳	حوادث خونین
۴۴	آغاز جنگ با ضد انقلاب
۴۵	تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا

### فصل سوم: آزادسازی شهرهای استان

۴۸	آزادسازی شهرها
۵۰	ماکو
۵۲	خوی
۵۴	سلماس

۵۶	ارومیه
۵۸	نقده
۶۰	اشنویه
۶۲	مهاباد
۶۴	پیرانشهر
۶۶	سردشت
۶۸	بوکان
۷۰	میاندوآب
۷۲	شاهین‌دژ
۷۴	تکاب

#### فصل چهارم: آزادسازی راه‌های ارتباطی

۷۸	آزادسازی راه‌های ارتباطی
۸۰	جاده‌ی ارومیه - مهاباد
۸۲	جاده‌ی نقده - اشنویه
۸۴	جاده‌ی مهاباد - میاندوآب
۸۵	جاده‌ی مهاباد - پسوه - پیرانشهر
۸۶	جاده‌ی میاندوآب - بوکان
۸۸	جاده‌ی تکاب - شاهین‌دژ
۹۰	جاده‌ی پیرانشهر - میرآباد - سردشت
۹۲	جاده‌ی پیرانشهر - هنگ‌آباد - سردشت
۹۴	جاده‌ی سلماس - سرو
۹۶	جاده‌ی مهاباد - سردشت
۹۸	جاده‌ی مهاباد - بوکان
۱۰۰	جاده‌ی ارومیه - اشنویه

#### فصل پنجم: آزادسازی مناطق بینابینی

۱۰۴	آزادسازی مناطق بینابینی
۱۰۶	منطقه‌ی مَرگور
۱۰۸	عملیات شهید فتحی

۱۱۰	منطقه‌ی مکریان شمالی
۱۱۲	عملیات شهید بهشتی
۱۱۴	عملیات شهید صدوقی
۱۱۶	عملیات ثارالله (منطقه‌ی صفاخانه)
۱۱۸	شهرک ربط
۱۲۰	منطقه‌ی ترگور
۱۲۲	منطقه‌ی ایل تیمور
۱۲۴	منطقه‌ی لاجان
۱۲۶	منطقه‌ی منگور
۱۲۸	عملیات شهید ناصر کاظمی
۱۳۰	عملیات شهید حسینی
۱۳۲	عملیات یا زهرا(س)
۱۳۴	عملیات شهید احمد صفرزاده
۱۳۶	عملیات فتح
۱۳۸	عملیات فجر
۱۴۰	عملیات ثارالله (منطقه‌ی گورک)
۱۴۲	عملیات عاشورای ۱

#### فصل ششم: تأمین مرزهای استان

۱۴۶	تأمین مرزهای استان
۱۴۸	عملیات رمضان
۱۵۰	عملیات جهاد
۱۵۲	عملیات لیلة‌القدر
۱۵۴	عملیات نصر
۱۵۶	عملیات شهید کاظمیان
۱۵۸	عملیات تأمین مرز اشنویه

#### فصل هفتم: آذربایجان غربی در دفاع مقدس

۱۶۲	آذربایجان غربی در دفاع مقدس
۱۶۴	تجاوزات عراق قبل از آغاز جنگ



۱۶۶	هجوم سراسری ارتش عراق
۱۶۸	بمباران زندانیان دولتو
۱۷۰	بمباران شیمیایی سردشت

#### فصل هشتم: تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز

۱۷۴	عملیات‌های منظم
۱۷۶	عملیات والفجر ۲
۱۷۸	عملیات قادر
۱۸۰	عملیات کربلای ۲
۱۸۲	عملیات کربلای ۷
۱۸۴	عملیات نصر ۷
۱۸۶	عملیات نصر ۸
۱۸۸	عملیات بیت‌المقدس ۲
۱۹۰	عملیات بیت‌المقدس ۳
۱۹۲	عملیات بیت‌المقدس ۶

#### فصل نهم: نبردهای برون مرزی

۱۹۶	عملیات‌های نامنظم
۱۹۸	عملیات فتح ۱
۲۰۰	عملیات فتح ۳
۲۰۱	عملیات فتح ۴
۲۰۲	عملیات فتح ۶
۲۰۳	عملیات فتح ۸
۲۰۴	عملیات فتح ۱۰
۲۰۵	عملیات ظفر ۱
۲۰۶	عملیات ظفر ۴
۲۰۷	عملیات ظفر ۵
۲۰۸	پایان سخن
۲۱۰	منابع

نقده	۹۶	۴۵	۳۷۶	۱۹۱	۱۵۷	۱۷۰	۱۰۰	۲۳۴	۲۴۰	۴۶	۱۵۶	۳۲
میاندوآب	۴۷	۴۴۲	۲۵۷	۶۱	۱۷۶	۱۶۶	۳۰۰	۱۴۴	۱۴۲	۱۴۲	۶۰	۱۲۸
مهاباد	۳۹۱	۲۰۶	۱۱۲	۱۲۵	۱۱۹	۲۴۹	۱۹۵	۹۱	۷۰	۷۰	۷۷	
ماکو	۱۸۵	۵۰۳	۵۱۶	۲۷۶	۱۴۲	۵۸۶	۴۲۲	۵۰۲	۳۴۹	۳۴۹	۳۴۹	
سلماس	۳۱۸	۳۳۱	۹۱	۴۳	۴۰۱	۲۳۷	۳۱۷	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	۱۶۴	
شاهین‌دژ	۲۳۷	۲۲۷	۳۶۱	۸۴	۲۰۳	۴۲	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	۱۸۹	
سردشت	۲۴۰	۳۷۴	۳۲۰	۹۵	۲۳۰	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	۱۴۳	
ارومیه	۱۳۴	۳۱۰	۱۴۶	۲۲۶	۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	۷۳	
خوی	۴۴۴	۲۸۰	۳۶۰	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	۲۰۷	
تکاب	۲۸۶	۲۰۴	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	۲۷۲	
پیرانشهر	۲۰۲	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	۴۶	
بوکان	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	۱۸۸	
اشنویه												

فواصل شهرها در استان آذربایجان غربی (کیلومتر)

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محدوده‌ی وظایف سازمانی خویش، در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کند که از جمله‌ی آن‌ها، حوزه‌ی اطلس‌های دوران جنگ است.

دایره‌ی فعالیت این مرکز در حوزه‌ی اطلس نیز چندین شاخه دارد که یکی از شاخه‌های آن تولید اطلس‌های راهنماست.

این مرکز محدوده‌ی جغرافیایی اطلس‌های راهنما را پنج استان مرزی درگیر در جنگ با متجاوزین عراقی تعیین کرده است و در این راستا، برای هر یک از استان‌های خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی یک اطلس راهنما ارائه نموده است. همچنین برای مهم‌ترین شهرهای مرزی درگیر در جنگ نیز اطلس‌های راهنمایی ارائه کرده که شامل: خرمشهر، آبادان، دشت‌آزادگان، دزفول، مهران و پاوه می‌باشد.

بدین ترتیب مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با ارائه‌ی ۱۲ عنوان از اطلس‌های راهنما کوشیده است که حداقل اطلاعات مورد نظر را در قالب متن، نقشه، آمار و تصویر در اختیار مخاطبان قرار دهد.

اطلس راهنمای شماره یک که اولین تجربه و اولین خروجی مرکز اسناد و تحقیقات در حوزه‌ی اطلس می‌باشد، درباره‌ی خوزستان به نگارش و تنظیم و ترسیم درآمد و در بهار سال ۱۳۷۹ در ۶۵ صفحه منتشر شد و آخرین مجلد این مجموعه با شماره ۱۲ در ۲۱۲ صفحه، کتاب حاضر است که با نام "آذربایجان غربی در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس" عرضه می‌شود.

امید است مجموعه‌ی ۱۲ عنوانی اطلس راهنمای جنگ که تلاشی است که از ترکیب سه حوزه‌ی پژوهش، جی.آی.اس و گرافیک حاصل شده و به اطلاعات اختصاصی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و دیگر مراکز سپاه پاسداران متکی

است، انتظار لازم را برآورده کرده باشد. این کتاب دارای ۹ فصل است که به ترتیب چنین نام‌گذاری شده‌اند: ۱- جغرافیای آذربایجان غربی؛ ۲- بروز بحران در آذربایجان غربی؛ ۳- آزادسازی شهرهای استان؛ ۴- آزادسازی راه‌های ارتباطی؛ ۵- آزادسازی مناطق بینابینی؛ ۶- تأمین مرزهای استان؛ ۷- آذربایجان غربی در دفاع مقدس؛ ۸- تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز؛ ۹- نبردهای برون مرزی.

در این‌جا لازم است از همه‌ی کسانی که این مرکز را پایه‌ریزی کردند، به ویژه راویان شهید این مرکز که در زیر آتش و خون چنین اطلاعات ارزشمندی را جمع‌آوری کردند، نیز مردم مقاوم و رزمندگانی که با حماسه‌آفرینی‌هایشان این فرصت را فراهم آوردند تا گوشه‌هایی از تعالی انسان‌های متعهد به فطرت الهی را در این نقوش به تصویر بکشیم، همچنین فرماندهانی که در وضعیت بسیار دشوار برهه‌های جنگ و دفاع مقدس به ما اجازه دادند تا از رفتار و عملکرد آنان نکته‌برداری کنیم و از پژوهشگرانی که به رغم دنیاگرایی بخش عمده‌ای از جامعه‌ی بعد از جنگ، همچنان به پاسداری و میراث‌داری از راه شهیدان پایبندی می‌کنند تشکر و قدردانی شود؛ اگر چه به غیر از رحمت الهی هیچ تقدیری پاسخگوی این همه ایثارگری نیست.

همچنین لازم است از زحمات پژوهشگر این کتاب ارزشمند برادر گرامی جناب آقای رضا صادقی، دستیار تحقیق آقای سیدموسی میرحسینی، کارتوگراف و گرافیست این پروژه آقای قاسم فرودی و شورای محترم اطلس که نظارت بر این کتاب را از آغاز تا مرحله‌ی انتشار به عهده داشتند، تشکر ویژه به عمل آید.

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس  
۱۳۹۱

## مقدمه

در این دوره، رهبر انقلاب و دولت موقت برای جلوگیری از بروز جنگ و درگیری در مناطق کردنشین تلاش بسیاری کردند و هیئت‌های متعددی به شهرهای مهاباد و سنندج اعزام شدند و امام خمینی نیز با طرح پیشنهادی هیئت حسن نیت برای خودگردانی کردها و سایر قومیت‌ها موافقت کردند؛ اما از آن‌جا که گروه‌های تندرو کمونیست، اهداف دیگری را دنبال می‌کردند، مانع از به نتیجه رسیدن مذاکرات شدند و ناامنی را گسترش دادند. به همین دلیل، نیروهای مسلح ناچار شدند برای تأمین امنیت مردم، عملیات آزادسازی مناطق کردنشین را آغاز و مناطق تحت کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب را آزادکنند.

برای تحقق این هدف مردم نیز در همکاری نزدیک با نیروهای نظامی، گام‌های مؤثری برای تأمین امنیت منطقه و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور برداشتند و در این راه شهیدان گران‌قدری را تقدیم انقلاب اسلامی کردند.

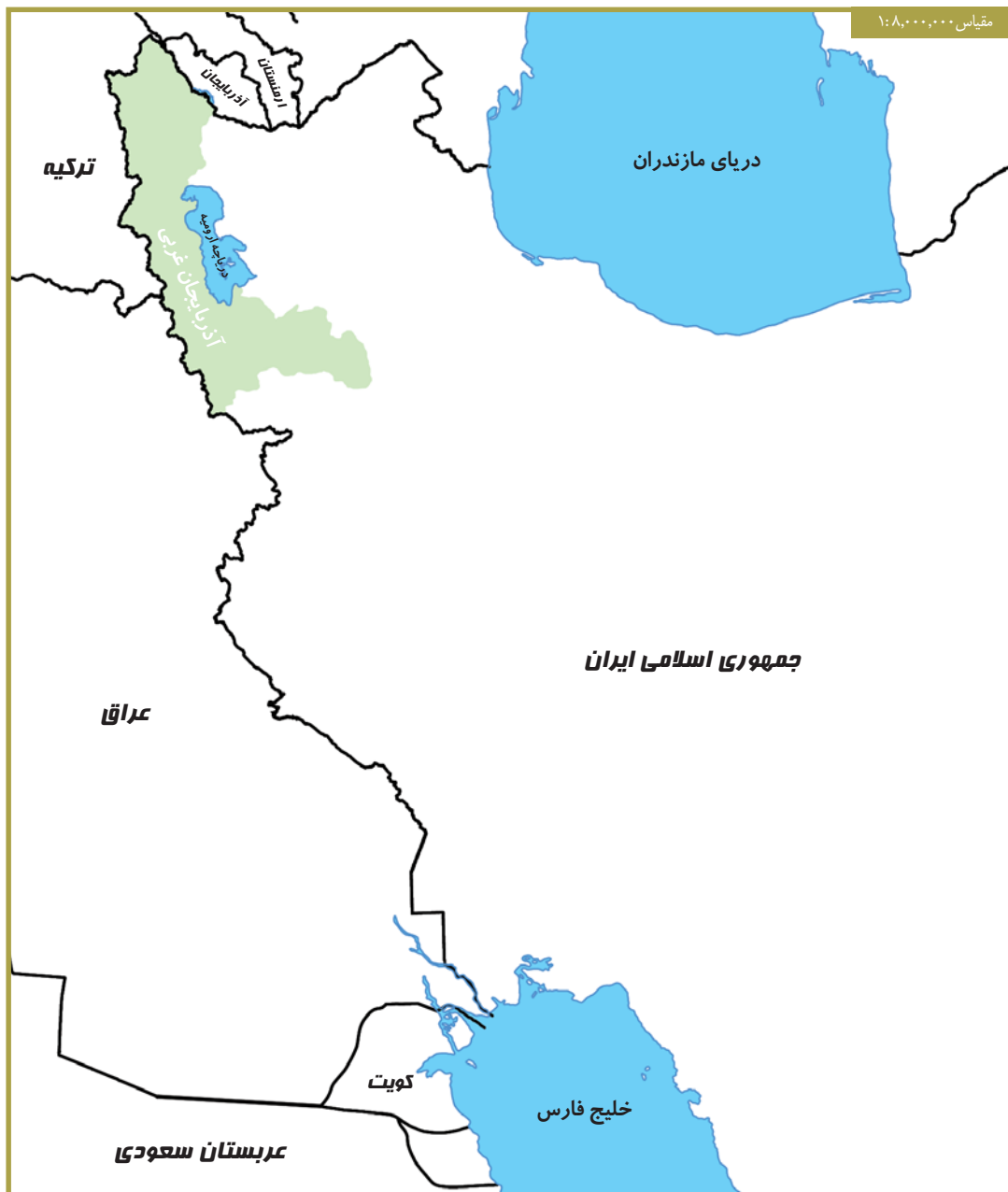
هم‌کاری مردم بومی و نیروهای مسلح نه تنها به کنترل بحران کمک کرد، بلکه در دفع تجاوز و تعقیب ارتش تجاوزگر عراق، نیز نقش مؤثری داشت.

هنگامی که انقلاب اسلامی مردم ایران با شرکت توده‌های میلیونی مردم و حضور همه‌ی اقوام از جمله فارس، آذری، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و... به رهبری حضرت امام خمینی به پیروزی رسید، دو ابرقدرت شرق و غرب که احساس می‌کردند منافع آنان در منطقه به خطر افتاده است، درصدد برآمدند با انواع طرح‌ها و برنامه‌ها، ایران را دچار بحران کنند و مانع از تثبیت نظام جمهوری اسلامی شوند.

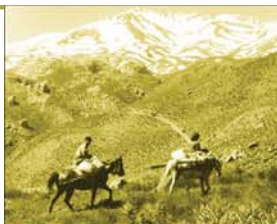
یکی از مناطقی که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی با بحران مواجه شد، شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی بود. حزب دمکرات به رهبری عبدالرحمن قاسملو به همراه گروه تازه‌تأسیس اتحادیه‌ی کشاورزان که بعدها به سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران (کومه‌له) تغییر نام یافت، در اول اسفند ۱۳۵۷، پادگان مهاباد را اشغال کردند و سلاح‌ها و تجهیزات آن را به غارت بردند.

اندکی بعد، گروه‌های کمونیست چریک‌های فدایی خلق، پیکار و... از سایر نقاط ایران به آنان ملحق شدند تا با استفاده از موقعیت، مناطق کردنشین را به مناطقی آزاد تبدیل کنند و سپس بحران را به سایر مناطق ایران تسری دهند.

موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵







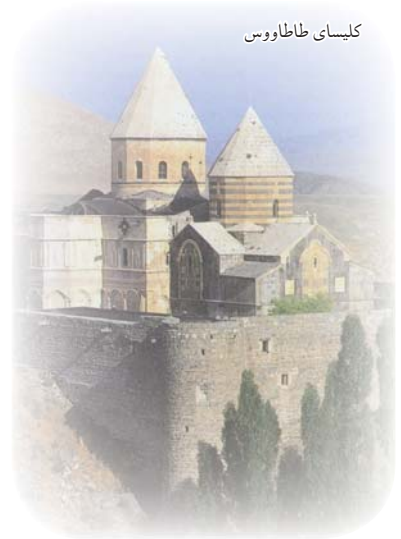
## شمیران اول

# جغرافیای آذربایجان غربی

ردیف	نام	مکان
۱	کلیسای ططاووس	روستای قره‌کلیسا در شهرستان ماکو
۲	پل قطور	غرب خوی
۳	گورچین قلعه	جنوب شرقی سلماس
۴	امام‌زاده محمد	ارومیه
۵	امام‌زاده ابراهیم	ارومیه
۶	دریاچه‌ی ارومیه	شرق ارومیه
۷	نقطه‌ی یادمانی شهید امینی و شهدای دارلک	سه‌راهی دارلک؛ شمال مهاباد
۸	نقطه‌ی یادمانی شهید محمد بروجردی و شهید حسن قمی	جنوب سه‌راهی محمدیار؛ نقده
۹	نقطه‌ی یادمانی شهید حسن آشناسان و شهدای عملیات قادر	سه‌راهی پوش‌آباد در اشنویه
۱۰	چشمه‌ی معدنی زندان سلیمان	روستای احمدآباد؛ میاندوآب
۱۱	دریاچه و سد مهاباد	مهاباد
۱۲	غار سهولان	جاده‌ی مهاباد - بوکان
۱۳	نقطه‌ی یادمانی شهدای حاج‌عمران	تمرچین؛ پیرانشهر
۱۴	نقطه‌ی یادمانی شهید ناصر کاظمی و شهید علی حسین‌پور	جاده‌ی پیرانشهر - سردشت
۱۵	قلعه‌ی صائین‌دژ	شاهین‌دژ
۱۶	تخت سلیمان	تکاب
۱۷	مسجد جامع بوکان	بوکان
۱۸	نقطه‌ی یادمانی زندان دولتو	شمال سردشت
۱۹	نقطه‌ی یادمانی شهید زین‌الدین	جاده سردشت - بانه
۲۰	نقطه‌ی یادمانی بیمارستان صحرایی و جهاد سمنان	شمال سردشت
۲۱	نقطه‌ی یادمانی شهدای بمباران شیمیایی	سردشت
۲۲	نقطه‌ی یادمانی شهدای جنگ تحمیلی در منطقه سردشت	غرب سردشت
۲۳	آبشار شلماش	جنوب سردشت



مراکز دینی و نقاط یادمانی دوران دفاع مقدس در استان آذربایجان غربی



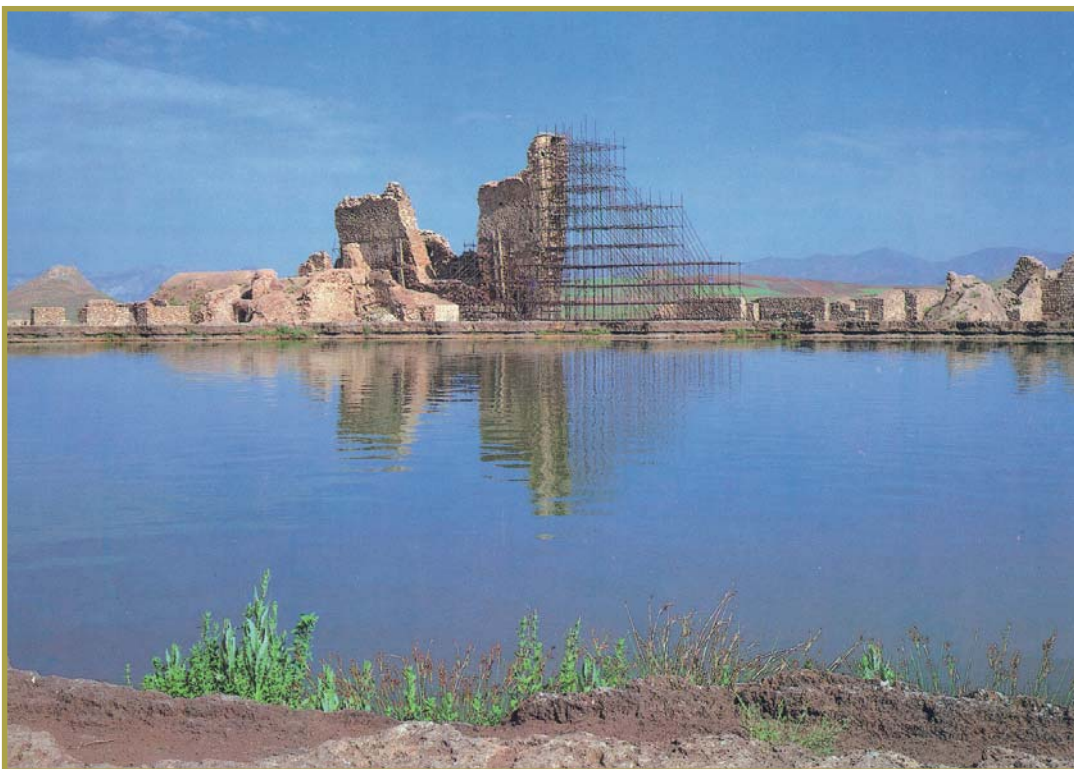
## پیشینه‌ی تاریخی

آذربایجان را تصرف کردند، اما با حمله‌ی مغولان به ایران، این منطقه به دست هلاکوخان افتاد و تا مدت‌ها ایلخانان مغول در این سرزمین حاکم بودند. پس از تصرف آذربایجان به دست شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ ه‍.ق، آذربایجان مرکز اصلی گردآوری قوای نظامی برای توسعه و حفظ دولت صفوی شد. با سقوط سلسله‌ی صفوی، آذربایجان به اشغال امپراطوری عثمانی درآمد، تا آن‌که نادرشاه مؤسس سلسله‌ی افشاریه، آن را از اشغال دولت عثمانی خارج کرد.

کاوش‌های باستان‌شناسی در نقاط گوناگون آذربایجان غربی مانند تپه‌های حاجی‌فیروز، جلبر، اهرنجان، گوی‌تپه و حسنلو بیان‌گر آن است که سکونت در این استان قدمت دیرینه دارد. آثار به دست آمده از حفاری‌ها و وجود کتیبه‌های گوناگون نشان می‌دهد جوامع ساکن این منطقه با دیگر اقوام ارتباطات گسترده‌ی داشته‌اند.

پس از ورود اسلام به ایران، حکام محلی متعددی در آذربایجان حاکم بوده‌اند که آخرین آن‌ها ساجیان (۳۱۷-۲۷۶ ه‍.ق) است. در آغاز قرن پنجم، سلجوقیان

منطقه باستانی تخت سلیمان



کردند و کنترل آذربایجان در دست دولت مرکزی قرار گرفت.

در جنگ جهانی دوم، نیروهای شوروی بار دیگر آذربایجان را اشغال کردند و قاضی محمد نیز در مهاباد جمهوری مهاباد را تأسیس کرد. عقب‌نشینی شوروی از ایران بعد از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم، مقدمات سقوط جمهوری مهاباد را فراهم کرد و مناطق آذری و کردنشین آذربایجان در کنترل دولت مرکزی قرار گرفت.

در دوره‌ی مشروطیت، آذربایجان پس از تهران بیش‌ترین نقش را در پیروزی انقلاب مشروطه داشت. هنگام هجوم روسیه به ایران، آذربایجان به اشغال روس‌ها درآمد و مناطق وسیعی از آذربایجان در طول دو عهدنامه‌ی ترکمن‌چای و گلستان از ایران جدا شد. با آغاز جنگ جهانی اول، قوای عثمانی هم وارد آذربایجان شدند و پس از خروج متحدین از آذربایجان، این منطقه به اشغال متفقین (انگلیس و روسیه) درآمد. در دوره‌ی پهلوی، قوای انگلیس از ایران عقب‌نشینی

قاضی محمد مؤسس حکومت خودمختار مهاباد



## جغرافیای طبیعی

کیلومتر است که ۱۳۵ کیلومتر مرز آبی با جمهوری نخجوان؛ ۴۸۸ کیلومتر با ترکیه و ۲۰۰ کیلومتر آن نیز با عراق است.

آب و هوای آذربایجان غربی تحت تأثیر اقلیم نیمه‌مدیترانه‌یی با ریزش جوی ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلی‌متر در سال است. درجه حرارت هوا در تابستان حداکثر تا ۳۸ درجه و در زمستان گاه تا ۳۰- درجه می‌رسد که از این نظر این استان جزء مناطق استپی سردسیر است.

وجود سلسله ارتفاعات زاگرس که در غرب استان و در طول نوار مرزی ایران با ترکیه و عراق قرار دارد، سبب شده است کوه‌های مرتفعی در استان آذربایجان غربی پدیدار شود که مهم‌ترین آن‌ها کوه‌های بزسینا و دالانپر داغ (ارومیه)، کلاشین و سپیپارز (اشنویه)، کندی‌شیخان و میدان استر (مهاباد)، قندیل (پیرانشهر)، جاسوسان، کاسه‌شکن و لک‌ک (سردشت) است.

دریاچه‌ی ارومیه با وسعت متغیری بین ۴۵۰۰ تا ۶۰۰۰ کیلومتر مربع (بیستمین دریاچه‌ی جهان) در شرق استان آذربایجان غربی واقع شده است و رودهای متعددی همچون روضه‌چای، باراندوزچای، زرینه‌رود، سیمینه‌رود و مهابادرود به آن می‌ریزند. در جنوب غربی استان، رود بزرگ کلاس قرار دارد که از ارتفاعات مرزی اشنویه و پیرانشهر سرچشمه می‌گیرد و در جنوب سردشت وارد خاک عراق می‌شود.

استان آذربایجان غربی با ۳۷,۴۶۳ کیلومتر مربع وسعت (۲/۳ درصد از مساحت کشور) در شمال غربی ایران واقع شده است. این استان از شمال به جمهوری نخجوان؛ از شرق به استان‌های آذربایجان شرقی و زنجان؛ از جنوب به استان کردستان و از غرب به مرزهای ایران با عراق و ترکیه منتهی می‌شود. آذربایجان غربی تنها استان ایران است که با سه کشور مرز مشترک دارد. طول مرزهای این استان ۸۲۳

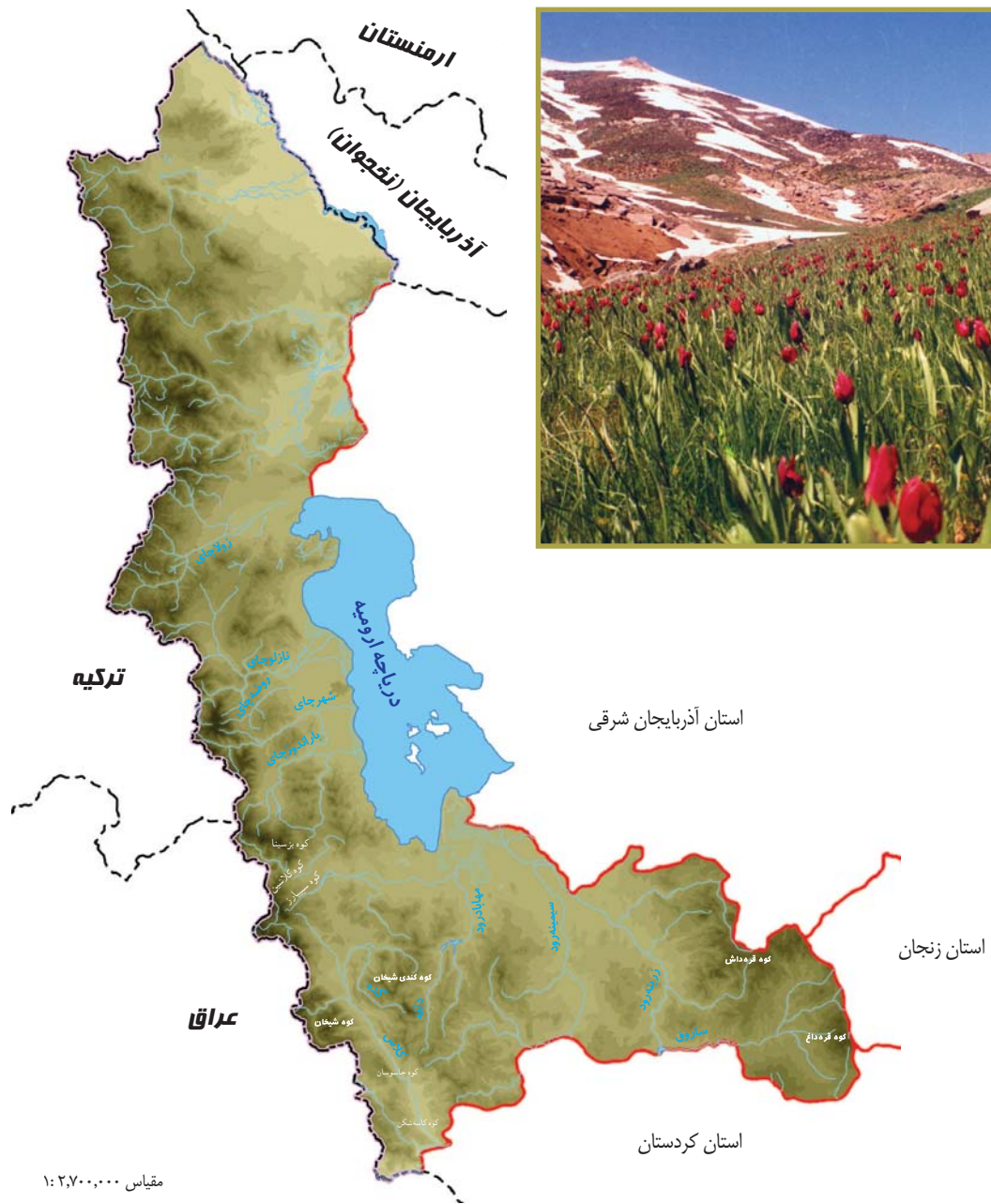
رودخانه کلاس



وسعت شهرستان‌های استان آذربایجان غربی (کیلومتر مربع)

شهرستان	مکو + چالدران	خوی	سلماس	ارومیه	نقده	اشنویه	مهاباد	پیرانشهر	سردشت	بوکان	میاندوآب	شاهین‌دژ	تکاب
وسعت	۶,۱۶۱	۵,۵۶۱	۲,۵۴۴	۵,۲۵۱	۱,۰۵۰	۱,۱۹۳	۲,۵۹۲	۲,۲۵۹	۱,۴۱۱	۲,۵۴۱	۲,۲۳۳	۲,۱۴۴	۲,۵۲۳

موقعیت طبیعی استان آذربایجان غربی



## جغرافیای انسانی



استان سکونت دارند و اکراد در مناطق غربی (حاشیه‌ی مرز ایران با ترکیه و عراق) و جنوبی استان ساکن هستند. علاوه بر این دو قوم، ارامنه و آسوریان نیز به طور پراکنده در نواحی شمالی و مرکزی استان سکونت دارند. زبان اکثر مردم آذربایجان غربی آذری و کردی است و اقلیت قومی کوچک هم به زبان ارمنی، آسوری و یهودی صحبت می‌کنند.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، استان آذربایجان غربی ۲,۴۹۶,۳۲۰ نفر جمعیت داشته است که این تعداد در سال ۱۳۸۵، به ۲,۸۷۳,۴۵۹ نفر رسیده است. در همین سال، ۵۸/۳ درصد از مردم این استان ساکن نقاط شهری و ۴۱/۷ درصد ساکن نقاط روستایی بوده‌اند. ۹۹/۵۶ درصد ساکنان این استان مسلمان هستند که شیعیان در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی و اهل سنت در مناطق غربی و جنوبی استان سکونت دارند. ۰/۴۴ درصد جمعیت استان را هم مسیحیان، زرتشتیان و کلیمیان تشکیل داده‌اند. استان آذربایجان غربی سکونتگاه دو قوم بزرگ آذری و کرد است. آذریان در مناطق شمالی، مرکزی و شرقی

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
۱۷۶,۴۱۱	۷۱۵۸۶	۴۹,۵۲۷	۲۳,۲۵۲	۱۵,۲۶۶	۱۱,۲۹۱	ماکو
۳۷۰,۰۷۲	۱۷۷,۲۶۰	۱۳۴,۱۷۴	۸۱,۶۵۳	۵۵,۵۴۸	۴۰,۳۰۹	خوی
۱۸۳,۳۸۱	۷۲,۸۸۲	۵۷,۱۳۷	۳۱,۴۷۸	۲۵,۰۴۵	۱۵,۷۸۶	سلماس
۸۷۱,۲۰۴	۴۴۴,۰۰۱	۳۰۷,۵۸۴	۱۶۵,۸۹۰	۱۱۳,۸۹۰	۶۹,۱۵۸	ارومیه
۱۱۸,۵۱۶	۷۱,۶۰۴	۵۷,۸۹۱	۲۶,۹۲۳	۱۱,۷۱۳	۲۸,۳۱۶	نقده
۶۴,۵۵۱	۲۳,۵۶۹	۱۷,۲۵۷	۷,۴۳۸	۴,۲۴۸	۲,۷۷۸	اشنویه
۲۰۱,۰۴۹	۱۰۷,۷۹۹	۷۵,۲۳۸	۴۴,۰۶۷	۲۸,۶۱۰	۱۰,۵۷۵	مهاباد
۱۱۲,۹۹۴	۳۳,۸۰۵	۱۳,۴۶۵	۱۰,۵۷۲	۴,۸۴۸	۹۶۵	پیرانشهر
۱۰۵,۵۶۹	۲۴,۴۷۴	۱۷,۸۱۷	۱۰,۲۰۷	۵,۷۵۹	۲,۶۴۵	سردشت
۲۰۴,۳۰۸	۱۲۰,۰۲۰	۶۷,۹۳۸	۲۰,۵۷۹	۹,۳۵۷	۵,۳۰۸	بوکان
۲۴۷,۳۰۷	۹۰,۱۴۱	۵۹,۵۵۱	۲۷,۷۳۹	۱۸,۷۶۷	۱۴,۷۹۶	میاندوآب
۹۰,۱۸۲	۳۹,۰۲۰	۱۹,۵۱۲	۸,۷۰۴	۶,۰۸۹	۴,۱۹۵	شاهین‌دژ
۸۲,۲۷۴	۴۲,۵۶۹	۳۲,۶۹۴	۱۲,۸۸۵	۶,۳۱۵	۴,۹۴۶	تکاب

رشد جمعیت شهرهای استان آذربایجان غربی

شهرستان‌های استان آذربایجان غربی بر اساس تقسیمات کشوری سال ۱۳۸۵



استان آذربایجان شرقی

استان زنجان

استان کردستان

## جغرافیای اقتصادی

کشور را شامل می‌شود. در این واحدهای صنعتی ۱۷,۲۴۲ نفر مشغول به کار هستند. تولیدات بخش صنعت و معدن آذربایجان غربی حدود ۴/۵ درصد از صادرات کل کشور و نزدیک به ۹۰ درصد از صادرات استان را تشکیل می‌دهد.

فعالیت واحدهای تولیدی این استان بیش‌تر در زمینه‌های محصولات غذایی، انواع آشامیدنی‌ها، منسوجات و پوشاک، دباغی و چرم، محصولات چوبی و کاغذی، محصولات شیمیایی و کانی، برق و الکترونیک، خودرو و نیروی محرکه است.

معادن استان آذربایجان غربی از نظر تنوع مواد معدنی بعد از استان‌های خراسان و سمنان در رتبه‌ی سوم قرار دارد و استخراج سرب، مس، روی، طلا، گرانتیت، مرمر، نمک طعام، زغال سنگ، گچ و آهک از جمله مهم‌ترین محصولات معدنی این استان است.

استان آذربایجان غربی به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و داشتن زمین‌های حاصل‌خیز، از جمله مناطق مهم کشاورزی و دامپروری در ایران محسوب می‌شود. در نقاط گوناگون این استان، برحسب نوع اقلیم و پتانسیل آب و خاک، فعالیت‌های کشاورزی، دامپروری، زنبورداری و پرورش آب‌زیان انجام می‌شود. فعالیت‌های تولیدی مردم استان به روش‌های گوناگون سنتی و معیشتی، نیمه‌مدرن و مدرن صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین محصولات کشاورزی استان، گندم، جو، چغندر قند، آفتاب‌گردان، انگور، سیب و گلابی است و در بخش دامپروری نیز پرورش گاو، گوسفند و طیور رواج دارد. بر اساس آمارگیری سال ۱۳۸۰، تعداد ۴۹۳ واحد صنعتی که به بیش از ۱۰ نفر نیروی کار نیاز دارند، در سطح استان آذربایجان غربی فعالیت می‌کرده‌اند که این تعداد ۴/۵ درصد از ۱۰,۹۸۷ واحد صنعتی سطح

مرکز خدمات جهاد کشاورزی در شرق مهاباد





ترکیب سرمایه‌گذاری کارگاه‌های صنعتی در سال ۱۳۸۰

کشور		استان آذربایجان غربی		نوع اموال سرمایه‌ای
درصد	ارزش	درصد	ارزش	
۶۷	۵۲۳۸۹۵۶	۷۶	۱۱۴۵۱۷	ماشین‌آلات، ابزار و وسایل کار بادوام
۵	۳۹۱۶۷۳	۸/۱	۲۷۰۱	لوازم و تجهیزات اداری
۵	۳۹۶۰۶۵	۴/۵	۸۱۸۲	وسایل نقلیه
۷/۱۸	۱۴۵۳۴۹۳	۱۴	۲۰۸۸۰	ساختمان (بدون زمین)
۵/۲	۱۹۵۴۰۳	۶/۲	۳۹۸۶	زمین
۴/۱	۱۱۳۳۱۰	۲/۰	۳۰۷	نرم‌افزارهای کامپیوتری
۱۰۰	۷۷۸۸۹۰۱	۱۰۰	۱۵۰۵۷۳	جمع

کارخانه قند نقده



## جغرافیای سیاسی



در تاریخ چند هزارساله‌ی آذربایجان، فراز و نشیب‌های بسیاری مشاهده می‌شود. کشورهای بیگانه در دوره‌های گوناگون تاریخی، بارها شهرهای آذربایجان را اشغال کرده‌اند. هنگامی که قرارداد سایکس - پیکو مناطق کردنشین ایران را بین فرانسه و انگلستان تقسیم کرد، جنبش‌های متعددی در مناطق کردنشین ایران برای کسب خودمختاری شکل گرفت. در سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳ م)، پیمان لوزان مناطق کردنشین را بین کشورهای ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم کرد. با بروز جنگ جهانی دوم، سیدجعفر پیشه‌وری در تبریز و قاضی محمد در مهاباد، برای کسب خودمختاری در مناطق آذری‌نشین و کردنشین اقداماتی انجام دادند، اما این دو جریان بعد از خاتمه‌ی جنگ و عقب‌نشینی شوروی از ایران، برچیده شدند و این مناطق همچنان در کنترل دولت مرکزی باقی ماندند.

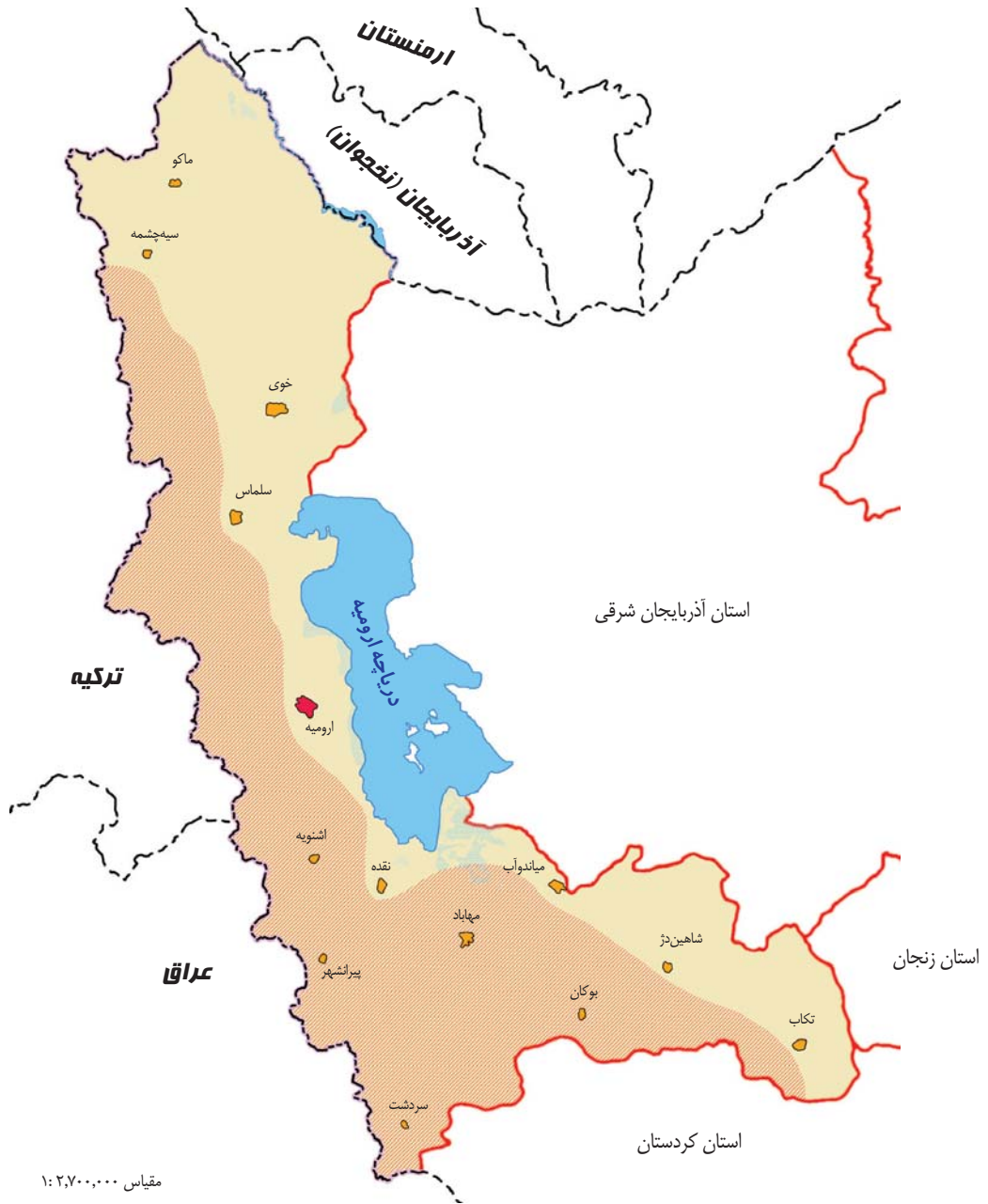
که در کشورهای غربی زندگی می‌کردند به کشور بازگشتند و به همراه زندانیان سیاسی آزادشده، جریان ناسیونالیسم کردی، سوسیالیسم و کمونیسم را ترویج کردند. آنان در جریان جابه‌جایی قدرت در کشور کوشیدند از فرصت ایجادشده استفاده کرده، مناطق کردنشین ایران را تجزیه کنند.

در این میان، برخی گروه‌های کمونیستی فعال در سایر نقاط کشور نیز که از منظر ایدئولوژیک مبارزه با نظام جمهوری اسلامی را لازم می‌دانستند، به مناطق کردنشین آمدند؛ با اقدامات مسلحانه در این مناطق بحران‌آفرینی کردند و مانع از به نتیجه رسیدن مذاکرات سیاسی شدند.

در جریان قیام همگانی مردم ایران علیه حکومت پهلوی، مردم شهرهای آذری‌زبان با برپایی تظاهرات خیابانی به سرعت به صف مبارزان پیوستند. مردم شهرهای کردنشین نیز در ماه‌های آخر به انقلابیون ملحق شدند. در این ایام، برخی فعالان سیاسی کرد

### گروه‌های غیر قانونی در مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی

نام گروه	مسئول گروه	سال تأسیس	ایدئولوژی	منطقه فعالیت
حزب دمکرات	عبدالرحمن قاسملو	۱۳۲۴	سوسیالیسم	مناطق کردنشین استان
کومه‌له	عبدالله مهدی	۱۳۵۸	کمونیسم	مناطق کردنشین استان
چریک‌های فدایی خلق	شاخه کردستان	۱۳۵۰	کمونیسم	مناطق کردنشین استان
گروه اشرف دهقان	اشرف دهقان	۱۳۵۷	کمونیسم	مناطق کردنشین استان
-	صنار مامدی	۱۳۵۷	-	اطراف سلماس و ارومیه
-	ظاهر سیمیتقو	۱۳۵۷	-	اطراف سلماس و ارومیه



## حزب دمکرات کردستان

در ۲۵ مرداد ۱۳۲۱، جمعی که ۲۸ نفر آنان مهابادی و ۲ نفر کرد عراقی بودند، گروهی به نام جمعیت رستاخیز کردستان (کومه‌له ژیانی کوردستانی) را تشکیل دادند. این جریان پس از بازگشت قاضی محمد از شوروی در سال ۱۳۲۴، تبدیل به حزب دمکرات کردستان شد و نقش مهمی در تأسیس جمهوری مهاباد ایفا کرد. بعد از سقوط جمهوری مهاباد در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، حزب دمکرات از طرف دولت مرکزی ایران منحل اعلام شد و تعدادی از سران آن اعدام یا زندانی شدند و برخی نیز به خارج از کشور گریختند.

در طول سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷، دو تن از کادرهای حزب به نام‌های اسماعیل شریف‌زاده و سلیمان معینی به ایران بازگشتند و با تشکیل تیم‌های عملیاتی، توانستند چند فقره عملیات انجام دهند، اما اعضای این تیم‌ها سرکوب شدند و شریف‌زاده و معینی هم به عراق گریختند. ملامصطفی بارزانی این دو نفر را دست‌گیر و تحویل ایران داد تا محاکمه و اعدام شوند. بعد از یک رکود چند ساله، کنگره‌ی سوم حزب در سال ۱۳۵۲ در قلعه‌دیزه‌ی عراق برگزار شد و اولین اساس‌نامه و مرام‌نامه‌ی حزب به تصویب اعضا رسید. عبدالرحمن قاسملو هم که در وزارت برنامه و بودجه‌ی عراق مشغول خدمت بود، به دبیرکلی حزب انتخاب شد، اما وی تا بهمن ۱۳۵۷ نتوانست حرکت مؤثری را در کردستان انجام دهد.

در فضای سیاسی بهمن ۱۳۵۷، قاسملو و تعدادی از کادرهای حزبی از کشورهای اروپایی به ایران بازگشتند و افراد جدیدی را جذب کردند. آنان بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با غارت چند پادگان، سلاح و تجهیزات بسیاری به دست آوردند و با مسلح کردن افراد، تشکیلات حزب را در سراسر مناطق کردنشین ایران توسعه دادند و سپس کوشیدند با افزایش دامنه‌ی درگیری در شهرهای کردنشین، مقدمات تجزیه‌ی مناطق کردنشین را فراهم کنند.

تلاش تجزیه‌طلبانه‌ی حزب دمکرات و سایر گروه‌های فعال در این منطقه سبب شد بسیاری از یگان‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری در جنگ ضد شورشگری در مناطق کردنشین درگیر شوند و عراق از همین فرصت استفاده کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ بخش وسیعی از مناطق مرزی ایران را در جنوب و غرب کشور به اشغال خود درآورد.

در طول سال‌های جنگ حزب دمکرات نهایت همکاری را با ارتش بعث عراق برای درگیر نگه داشتن واحدهای عملیاتی سپاه و ارتش در مناطق کردنشین انجام داد، اما حکومت صدام از هیچ‌گونه جنایتی در مناطق کردنشین ایران و عراق به ویژه بمب‌باران شیمیایی شهرهای سردشت و حلبچه؛ تخریب روستاها و آواره کردن مردم کرد فروگذار نکرد.

با خاتمه‌ی جنگ عراق علیه ایران، حزب دمکرات کوشید همچنان به جنگ با نیروهای مسلح ایران برای کسب خودمختاری ادامه دهد، اما با تمرکز توان نظامی واحدهای سپاه، افراد حزب به کشور عراق گریختند و سپس کادرهای اصلی به مرور به اروپا رفتند و افراد رده‌پایین را در عراق اسکان دادند.

اعدام قاضی محمد رئیس حکومت خودمختار مهاباد



کنگره	سال	محل برگزاری	دبیرکل
اول	۱۳۳۴	-	-
دوم	۱۳۴۳	کوی سنجد عراق	احمد توفیق (عبدالله اسحاقی)
سوم	۱۳۵۲	قلعه دیزه‌ی عراق	عبدالرحمن قاسملو
چهارم	۱۳۵۸	نالوس اشنویه	عبدالرحمن قاسملو
پنجم	۱۳۶۰	سردشت	عبدالرحمن قاسملو
ششم	۱۳۶۲	گلله‌ی عراق	عبدالرحمن قاسملو
هفتم	۱۳۶۴	گورده‌ی عراق	عبدالرحمن قاسملو
هشتم	۱۳۶۶	قلعه دیزه‌ی عراق	عبدالرحمن قاسملو
نهم	۱۳۷۰	زارگلی عراق	صادق شرفکنندی

عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران



## کومه‌له

تعدادی از دانشجویان کُرد دانشگاه‌های تهران و تبریز در سال ۱۳۴۸، محفلی را تشکیل دادند و با نقد و بررسی ناکامی جنبش کردها در گذشته به این نتیجه رسیدند که چون رهبران آنها، از جمله قاضی محمد به دلیل وابستگی به سران عشایر و خوانین متکی به مردم نبوده‌اند، بنابراین توان بسیج مردم و مقابله با نیروهای دولت مرکزی را نداشته‌اند. این محفل که به مرور تعدادشان به ۲۰ نفر رسید، طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳ از سوی ساواک دست‌گیر شدند و فقط برخی از آنان توانستند فرار کنند و تا بهمن ۱۳۵۷ نتوانستند هیچ‌گونه اقدام نظامی انجام دهند.

در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، زندانیان سیاسی این محفل آزاد شدند و به همراه افرادی که از خارج بازگشته بودند، جلسه‌ی تشکیل دادند و آن را کنگره‌ی اول نامیدند. در این جلسه نام گروه، "اتحادیه‌ی کشاورزان (یکتی جوتیاران)" انتخاب و فؤادمصطفی سلطانی به دبیرکی برگزیده شد. وی در ۳ شهریور ۱۳۵۸ در درگیری جاده‌ی مریوان - سقز کشته شد و بقایای گروه پس از آن، ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم را برگزیدند و نام تشکیلات را "سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران (کومه‌له)" گذاشتند.<sup>۱</sup> دومین کنگره‌ی کومه‌له در سال ۱۳۶۰ برگزار شد. در این کنگره با انتخاب عبدالله مهتدی به دبیرکی کومه‌له، بر ادامه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه تا براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید شد.

هنگامی که گروه‌های کمونیست سایر نقاط کشور نبرد مسلحانه را برگزیدند، تعدادی از افراد اتحاد مبارزان کمونیست به کردستان گریختند و در شهریور ۱۳۶۲ با کومه‌له ادغام شدند و تشکیلات جدیدی به نام حزب کمونیست ایران را تأسیس کردند؛ عبدالله مهتدی دبیرکل تشکیلات جدید شد و کومه‌له هم به دبیرکی ابراهیم علیزاده به عنوان شاخه‌ی کردستانی این حزب به فعالیتش ادامه داد.

کومه‌له به دلیل پیروی از کمونیسم، مشی سیاسی افراطی و خشن داشت و در دوره‌ی بروز بحران در مناطق کردنشین ایران، اعضای گروه برای به بن‌بست کشاندن مذاکرات هیئت حسن نیت و ادامه‌ی جنگ در کردستان تلاش بسیاری کردند. افراد این گروه حتی در سال‌های ۱۳۶۴ به بعد، با حزب دمکرات کردستان درگیر شدند و بسیاری از اعضای دو گروه به دست یکدیگر به هلاکت رسیدند. در اواخر سال ۱۳۶۴، اعضای حزب کمونیست ایران و کومه‌له درباره‌ی خط مشی گروه، اختلافاتی پیدا کردند و در نهایت از یکدیگر جدا شدند.

ضربات پی در پی رزمندگان اسلام به اعضای کومه‌له؛ درگیری آنان با حزب دمکرات و اختلافات درون‌گروهی سبب شد افراد کومه‌له در سال‌های آخر جنگ تحمیلی عراق بر ایران، در عراق ساکن و فقط تعدادی از آنان برای عملیات وارد ایران شوند، اما بعد از خاتمه‌ی جنگ، حضور کومه‌له در مناطق کردنشین کم‌تر شد تا به مرور کادرهای اصلی به اروپا رفتند و افراد عادی در عراق باقی ماندند.

۱- به دلیل آن‌که مردم کردستان مسلمان و پای‌بند به اعتقادات دینی بودند، اعضای کومه‌له ناچار شدند تا مدت‌ها عقاید خود را مخفی کرده، به هم‌کاری با شیخ عزالدین حسینی بپردازند تا از این طریق تعدادی از مردم را جذب کنند.



کنگره‌های سازمان انقلابی زحمت‌کشان کردستان ایران (کومه‌له)

دبیرکل	محل برگزاری	سال	کنگره
فؤاد مصطفی سلطانی	-	۱۳۵۷	اول
عبدالله مهتدی	خانقاه بوکان	۱۳۶۰	دوم
عبدالله مهتدی	برده‌سور سردشت	۱۳۶۱	سوم
ابراهیم علیزاده	-	۱۳۶۲	چهارم
ابراهیم علیزاده	عراق	۱۳۶۴	پنجم
ابراهیم علیزاده	عراق	۱۳۶۷	ششم
ابراهیم علیزاده	عراق	۱۳۷۱	هفتم







## شمیرا دوم

# بروز بحران در آذربایجان غربی

## پیروزی انقلاب اسلامی

سلاح‌ها و تجهیزات آن را به غارت بردند. سپس با ترویج شعار کسب خودمختاری برای کردستان، فعالیت‌های‌شان را در ابعاد سیاسی و نظامی سازمان‌دهی کرده، با جذب تعدادی از مردم، به پادگان‌ها و پاسگاه‌های انتظامی حمله کردند و کنترل اداره‌های شهر را به دست گرفتند.

در این وضعیت، امام خمینی در دیدار علما و مردم مناطق کردنشین با ایشان در ۷ اسفند ۱۳۵۷، فرمودند:

«الآن وقت سازندگی است که اهمیتش بیش‌تر از قدم اول است و امروز است که یک روز حساس است بر ملت ایران می‌گذرد و بر کشور ما که باید همه با هم، هم‌صدا؛ بدون هیچ اختلاف؛ بدون هیچ اغراض شخصیه قیام کنیم و این کشور را از سر نو بسازیم. بر شما مأمورین کردستان و علمای کردستان بر حسب وظیفه‌ی ملی و شرعی است که اگر چنانچه آن‌جا نغمه‌ی از جهان یا از مفسده‌جوها در این امور بلند شد، بدانید که این از حلقوم اجانب است.»

هرچند نصایح و هشدارهای حضرت امام بر مردم و روحانیان مستقل کردستان اثر مثبتی گذاشت، اما گروه‌ها همچنان به



سرنگونی سریع سلسله‌ی پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سبب شد قبل از تثبیت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی در ایران، شهرها و به ویژه مناطق دورافتاده برای مدتی به دست افراد انقلابی یا روحانی اداره شوند. در همین دوره، فعالان سیاسی کرد که از خارج آمده بودند به همراه زندانیان آزادشده و برخی روحانیون مناطق کردنشین تصمیم گرفتند با توجه به خلأ قدرت در ایران، به جای تلاش برای استقرار نظام جدید، اهداف گروهی خود را دنبال کنند.

این افراد در اول اسفند ۱۳۵۷، پادگان تیپ مهاباد را اشغال کردند و

یا بهتر بگویم وجود و حضور نداشتند و این احزاب  
چپ مسلح شدند؛ قوای نظامی را خلع سلاح کردند؛  
مسلحانه به شهرها ریختند؛ راه‌ها را مسلحانه  
بستند؛ بی‌گناهان را کشتند؛ مخالفین خود را تصفیه  
کردند و بر کردستان سیطره‌ی نظامی یافتند.»

شرارت و ایجاد ناامنی در مناطق کردنشین ادامه دادند.  
دکتر مصطفی چمران (شهادت ۳۱ خرداد ۱۳۶۰)  
در باره‌ی وضعیت مناطق کردنشین در ماه‌های اول  
انقلاب می‌گوید:  
«به مدت هفت ماه، دولت و ارتش سکوت کردند.

راهپیمایی هواداران حزب دمکرات در مهاباد



## غارت پادگان مهاباد

هنگامی که این اقدام نظامیان شورشی با اعتراض داریوش فروهر مسئول هیئت اعزامی دولت موقت مهاباد مواجه شد، عزالدین حسینی امام جمعه‌ی مهاباد و عبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب دمکرات نقش حزب دمکرات را کتمان کرده، وانمود می‌کردند که پرسنل انقلابی پادگان علیه فرماندهان و مسئولان وابسته به حکومت گذشته شورش کرده‌اند. در حالی که شورش‌گران از این پادگان ۱۳ تانک؛ چندین عراده توپ؛ ده‌ها خمپاره‌انداز؛ تیربار و آرپی‌جی ۷ به همراه تعدادی سلاح سبک و مهمات مربوط به آن‌ها به غارت برده بودند. هفت ماه بعد پادگان مهاباد در جریان آزادسازی شهر مهاباد در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸، از کنترل نیروهای شورشی خارج شد و دوباره مأموریت‌های ذاتی خود را برای برقراری امنیت در منطقه آغاز کرد.

پادگان تیپ سوم لشکر ۶۴ ارومیه در شهر مهاباد واقع شده و همواره نقشی اساسی در پشتیبانی از شهربانی و ژاندارمری مهاباد برای حفظ امنیت این شهرستان داشته است.

یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مخالف کرد که برای آغاز جنگ مسلحانه در کردستان نیاز به سلاح و مهمات داشتند و وجود این پادگان و سایر پادگان‌های ارتش را مانع تحقق اهدافشان می‌دانستند، طرحی تهیه کردند که در آن، شماری از نیروهای نظامی هماهنگ با گروه‌های کرد، در اول اسفند ۱۳۵۷ به بهانه‌ی وابسته بودن فرمانده پادگان و برخی افراد ستادی تیپ ۳ به حکومت سابق، آنان را خلع سلاح کرده و ضمن انتخاب یک افسر کرد به فرماندهی پادگان، با شورای انقلاب مهاباد اعلام همبستگی کردند.

بازار فروش اسلحه در مهاباد



## اعزام نمایندگان امام خمینی

منطقه زیر نظر شورایی متشکل از اکراد اداره شود. پس از وقایع شهر سنندج که در ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ رخ داد، بار دیگر امام خمینی هیئتی را به سرپرستی آیت‌الله طالقانی و عضویت آیت‌الله بهشتی، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، دکتر بنی‌صدر و دکتر حاج سیدجوادی برای ملاقات با مردم و روحانیون محلی به کردستان فرستادند تا به آنان اطمینان دهند در جمهوری اسلامی حقوق مردم کرد همانند سایر اقوام رعایت خواهد شد، اما با تشدید اقدامات گروه‌های شورشی در حمله به پادگان‌ها و مراکز نظامی و افزایش بحران در مناطق کردنشین، امام خمینی درصدد برآمدند حجت‌الاسلام حاج شیخ حسینی کرمانی را نماینده‌ی خود در غرب کشور کنند تا ایشان در ارتباط دائمی با مردم و سران مذهبی و سیاسی منطقه، مانع از بروز جنگ و درگیری در مناطق کردنشین شود.

هنگامی که شایعه‌ی خودمختاری مناطق کردنشین در اولین هفته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شد، هم‌زمان، دو هیئت از سوی امام خمینی و دولت موقت به مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی اعزام شدند. هیئت اول به سرپرستی دکتر محمد مکرری و هیئت دوم به سرپرستی داریوش فروهر از ۳۰ بهمن تا دوم اسفند ۱۳۵۷، از شهرهای مهاباد، پیرانشهر و نقده بازدید کردند و پیام امام خمینی را به متنفذین مذهبی و سیاسی و همچنین مردم این شهرها رساندند. در ملاقات انجام‌شده بین داریوش فروهر با عزالدین حسینی، عبدالرحمن قاسملو و غنی بلوریان، آنان شایعه‌ی خودمختاری کردها را رد کردند، اما در قطع‌نامه‌ی ۸ ماده‌یی که به عنوان درخواست گروه‌ها تحویل وزیر کار و امور اجتماعی دولت موقت شد، خواستار اداره‌ی فدراتیو مناطق کردنشین ایران شدند و خواهان آن بودند که پادگان‌های نظامی مستقر در

اعضای هیئت سیاسی اعزامی از سوی امام خمینی از راست به چپ: ابوالحسن بنی‌صدر، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله طالقانی



## آشوب در نقده

بررسی علل و عوامل بروز درگیری به نقده اعزام کرد و سپس در اطلاعیه‌ی اعلام کرد چنانچه درگیری تا ساعت ۱۶ روز یکشنبه قطع نشود به ارتش مأموریت می‌دهد امنیت را در نقده برقرار کند.

توجه نکردن طرفین درگیری به این هشدار سبب شد یگانی از لشکر ۶۴ ارومیه به فرماندهی سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد به نقده اعزام شود. گروه‌های مسلح کرد در مسیر ستون اعزامی سنگر گرفتند و با نیروهای ارتش درگیر شدند، اما پس از مدتی این یگان توانست وارد شهر شود و افراد مسلح به روستاهای اطراف نقده گریختند. درگیری‌ها تا روز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۸ در روستاهای اطراف شهر ادامه داشت تا این‌که به تدریج امنیت به نقده و روستاهای اطراف بازگشت.

از آن‌جا که اجساد افراد کشته‌شده در این درگیری‌ها به شهرها و روستاهای اطراف منتقل شد، آمار دقیقی از آسیب‌دیدگان این واقعه ثبت نشده است، اما اسامی ۷۰ کشته و ۲۹۰ گروگان از دو طرف، به طور رسمی اعلام شد. طبق آمار حدود ۲۰۰ خانه نیز در این درگیری‌ها غارت شدند.

حزب دمکرات برای نمایش قدرت، با فراخوان طرفدارانش در مناطق کردنشین، در روز جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ تجمعی در ورزشگاه شهر نقده برگزار کرد. این مراسم در ساعت ۹ صبح با حضور حدود ۲۰ هزار نفر از افراد مسلح و غیر مسلح آغاز شد و در حین سخنرانی، عده‌یی در بین جمعیت شروع به تیراندازی کردند که این اقدام سبب وحشت افراد حاضر در ورزشگاه و پراکنده شدن آنان در نقاط گوناگون شهر شد.

افراد مسلح بی‌درنگ در خانه‌ها، روی بام‌ها و باغ‌های اطراف سنگر گرفتند و با تیراندازی به هر سو، رعب زیادی در بین جمعیت آذری‌نشین شهر نقده به وجود آوردند. دو طرف به تصور این‌که طرف مقابل درصدد ضربه زدن به آنان است، تلاش می‌کردند به طرف مقابل تلفات بیش‌تری وارد کنند.

روحانیان شیعه و اهل تسنن نقده و سپس روحانیون شهرهای ارومیه و مهاباد، برای خاتمه‌ی درگیری بسیار تلاش کردند، اما نتیجه‌ی کسب نکردند و نقده تا روز یکشنبه عرصه‌ی خونین‌ترین درگیری بین اکراد و آذری‌ها بود، طوری که بسیاری از مردم ناچار شدند زیر آتش سلاح‌های نیمه‌سنگین و سبک، شهر را ترک کنند. بدین جهت گروهی از پاسداران ارومیه عازم نقده شده و بر تپه‌های اطراف شهر مسلط شدند.

وزارت کشور نیز برای برقراری آرامش، یک هیئت سیاسی را به منظور

ورود نیروهای نظامی به نقده



## ادامه‌ی بحران

به گروهان ژاندارمری خوی حمله کردند و مرکز گروهان و ۶ پاسگاه آن را خلع سلاح کردند و تعدادی از ژاندارم‌ها را به گروگان بردند.

این افراد در همین روز، ایستگاه راه‌آهن رازی را تصرف کردند و ۶۰ نفر از کارمندان، زنان و کودکان ساکن در این ایستگاه را گروگان گرفتند و مانع رفت و آمد قطار بین ایران و ترکیه شدند.

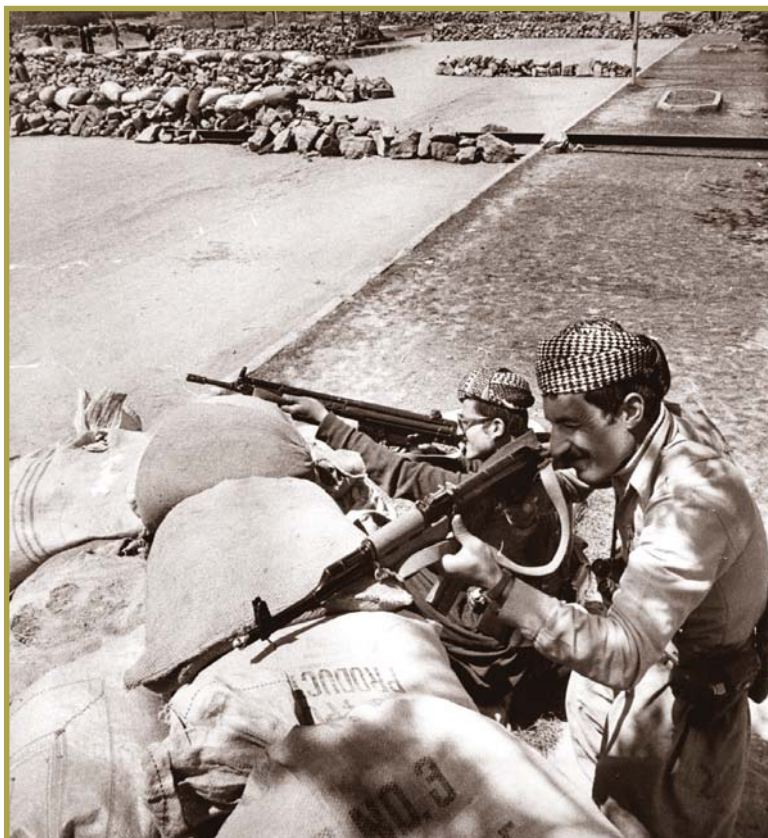
در ۲ شهریور ۱۳۵۸ نیز شورشیان حزب دمکرات با همکاری افراد اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق پادگان ژاندارمری سردشت را اشغال و همهی افراد غیر بومی را خلع سلاح کردند و تجهیزات و مهمات پادگان را به غارت بردند.

امام خمینی که تا اواسط مرداد ۱۳۵۸، می‌کوشیدند با تدابیر گوناگون بحران مناطق کردنشین را کنترل کنند، پس از شورش‌های پی‌در پی در سنندج، نقده، مریوان و پاوه، در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، فرمان پاک‌سازی مناطق آلوده به تجزیه‌طلبان را صادر کردند.

بعد از فروکش کردن فاجعه‌ی نقده، تجزیه‌طلبان همچنان به اقدامات آشوب‌گرانه‌شان ادامه می‌دادند. در یکی از این اقدامات که در ۲۷ تیر ۱۳۵۸ انجام شد، گروه‌های تجزیه‌طلب با حمله به یک ستون از نیروهای ژاندارمری در گردنه‌ی نازلو - که برای کنترل مرز ایران در سرو عازم این منطقه بودند - ۳ نفر از نیروهای ژاندارمری را شهید و ۵ نفر را مجروح کردند. باقی‌مانده‌ی نیروها نیز ناچار شدند با هماهنگی مقامات استان، به خاک ترکیه بروند تا از ضایعات بیش‌تر در امان بمانند.

در اقدامی دیگر، اشرار وابسته به صنار مامدی و ظاهر بدری، در اول مرداد ۱۳۵۸،

سنگر بندی خیابانی در شهرهای کردنشین



## پاک‌سازی شهرها

شهر طراحی و هماهنگ می‌شد، به دست گرفتند. همچنین یک ستون از یگان‌های ارتش و سپاه به فرماندهی سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد و همراهی استان‌دار آذربایجان غربی از ارومیه به طرف اشنویه حرکت کردند. هم‌زمان با حرکت ستون نظامی، مردم اشنویه، گروه‌های شورشی را از شهر بیرون کردند و این ستون در میان استقبال مردم در ۱۴ شهریور ۱۳۵۸، وارد اشنویه شد. در همین زمان، نیروهایی که به همراه دکتر مصطفی چمران شهر بانه را در استان کردستان پاک‌سازی کرده بودند به سمت شهر سردشت حرکت کردند و در ۱۵ شهریور ۱۳۵۸، به این شهر رسیدند. نیروهای دکتر چمران زمانی وارد شهر شدند که مردم سردشت شورشیان را از شهر بیرون کرده بودند. مردم این شهر با استقبال از ستون نظامی، کنترل سردشت را به آن‌ها سپردند. بدین ترتیب، همه‌ی شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی در مدت ۶ روز از کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب خارج شد و تحت حاکمیت دولت مرکزی قرار گرفت. در پی این موفقیت فرماندهی ارتش به یگان‌های خود دستور داد به پادگان‌ها بازگردند و پاک‌سازی مناطق روستایی به ژاندارمری سپرده شد، اما واحدهای ژاندارمری نتوانستند گروه‌های تجزیه‌طلب را در مناطق روستایی و کوهستانی تعقیب و منهدم کنند.

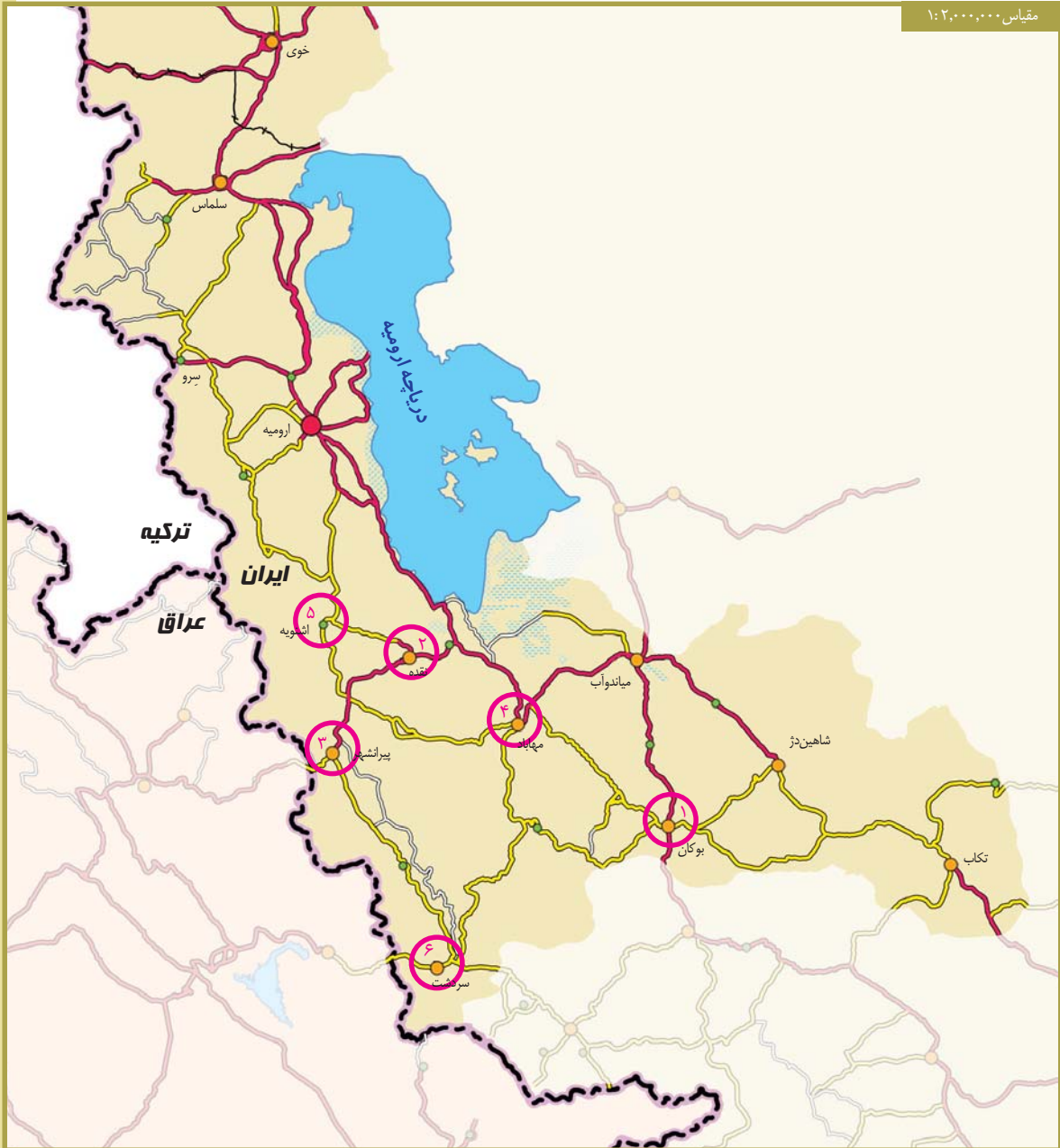
استقبال مردم اشنویه از ستون ارتش



بحران آفرینی پی در پی گروه‌های تجزیه‌طلب موجب تهییج افکار عمومی علیه آنان شده بود. به همین دلیل، در پی فرمان امام خمینی برای پاک‌سازی مناطق آشوب‌زده، نیروهای مسلح به همراه گروه‌های مردمی ابتدا پاوه و کردستان را پاک‌سازی کردند و سپس عازم مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی شدند؛ نیروهایی که سقز را پاک‌سازی کرده بودند، به طرف شمال حرکت کرده، بوکان را در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸، پاک‌سازی کردند و کنترل این شهر را به دست گرفتند. سپس، ستونی مرکب از یگان‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری از شهر ارومیه حرکت کردند و در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸، پس از عبور از شهر نقده وارد پیرانشهر شدند و ضمن پاک‌سازی این شهر در منطقه‌ی مرزی تمرچین مستقر شدند تا امنیت را در این منطقه‌ی مرزی برقرار کنند.

دو ستون دیگر که از ارومیه و میاندوآب وارد عمل شده بودند، در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸، وارد مهاباد شدند و کنترل مهم‌ترین شهر مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی را که بسیاری از برنامه‌های گروه‌ها در این







## تلاش هیئت حسن‌نیت

هم‌زمان با عملیات یگان‌های نظامی، انتظامی و نیروهای مردمی برای پاک‌سازی مناطق کردنشین آذربایجان غربی، سران گروه‌هایی که مذاکرات قبلی را به بن‌بست کشانده بودند، بار دیگر از دولت موقت درخواست کردند هیئتی را به مناطق کردنشین اعزام کند. به دنبال این درخواست، آیت‌الله طالقانی و مهندس هاشم صباغیان به نمایندگی از دولت موقت در ۸ شهریور ۱۳۵۸، در ملاقاتی با امام خمینی درخواست گروه‌های تجزیه‌طلب را مطرح کردند. در این دیدار که آیت‌الله صدوقی نیز حضور داشت، امام خمینی با مذاکره‌ی مجدد مخالفت کردند و درخواست گروه‌ها را ترفندی برای وقت‌کشی و تجهیز بیشتر شورشیان دانستند. با وجود این، در ۱۸ شهریور ۱۳۵۸، امام خمینی اعلام کردند شورشیانی که سلاح‌شان را تحویل دهند مشمول عفو عمومی می‌شوند.

دولت موقت نیز که تا مدتی موضوع مذاکره را مسکوت گذاشته بود، در ۲۳ مهر ۱۳۵۸، داریوش فروهر را به مناطق کردنشین فرستاد تا با سران گروه‌های ضد انقلاب ملاقات کند. پس از بازگشت فروهر از سفر و ارائه‌ی گزارش ملاقات‌هایش به امام خمینی، ایشان با آغاز دور جدید مذاکرات موافقت کردند.

در ۷ آبان ۱۳۵۸، دولت موقت دستور توقف عملیات نظامی را به نیروهای مسلح ابلاغ کرد. در ۱۰ آبان ۱۳۵۸، اولین سفر هیئت حسن‌نیت متشکل از آقایان مهندس صباغیان (وزیر کشور)، مهندس عزت‌الله سحابی (وزیر مشاور و رئیس سازمان

برنامه و بودجه) و داریوش فروهر (وزیر مشاور) در حالی انجام شد که دکتر مصطفی چمران به دلیل مخالفت با مذاکره، در جمع اعضای هیئت حضور نداشت. چهار روز بعد، یعنی در ۱۴ آبان ۱۳۵۸، دولت موقت استعفا کرد و از آن پس فعالیت هیئت حسن‌نیت زیر نظر شورای انقلاب قرار گرفت. در نیمه‌ی دوم آبان ۱۳۵۸، دور اول مذاکرات هیئت حسن‌نیت پایان یافت.

در ۲۶ آبان ۱۳۵۸، با پیام امام خمینی، بر حق اداره‌ی امور داخلی و محلی برای همه‌ی اقوام، از جمله کردها تأکید و از مسئولان کشور خواسته شد قوانین و مقررات مربوط به آن را تهیه و تصویب کنند. در پی این اقدام مردم مناطق کردنشین، یک هفته به جشن و پای‌کوبی پرداختند.

هیئت حسن‌نیت در ۲۹ آذر ۱۳۵۸، "طرح خودگرانی استان‌ها" را منتشر کرد تا اقوام گوناگون نظرهای‌شان را درباره‌ی آن بیان کنند.

در ۸ دی ۱۳۵۸، "هیئت نمایندگی خلق کرد" ضمن رد این طرح، طرح دیگری را در ۲۶ ماده ارائه کرد.

در ۱۱ دی ۱۳۵۸، داریوش فروهر بر مصاحبه‌ی اعلام کرد، طرح پیشنهادی هیئت نمایندگی خلق کرد پذیرفته نمی‌شود و از اصرار این هیئت برای استفاده از کلمه‌ی خودمختاری به جای خودگردانی ابراز تعجب کرد. در ۱۴ دی ۱۳۵۸، حزب دمکرات در اطلاعیه‌ی اعلام کرد: مذاکرات به بن‌بست رسیده است و احتمال وقوع جنگ در کردستان وجود دارد. در این اطلاعیه با لحن تهدیدآمیزی بیان شده بود که عواقب وخیمی برای انقلاب در سراسر کشور پیش‌بینی می‌شود.

## حوادث خونین

حمله و ۱۲۰ نفر از پرسنل ژاندارمری را خلع سلاح کردند. این اقدامات که قبل، حین و بعد از مذاکرات هیئت حسن نیت با سران شورش‌گران انجام می‌شد، حاکی از آن بود که شورش‌گران، مذاکره با دولت مرکزی را اقدام راهبردی نمی‌پنداشتند و می‌کوشیدند با به‌کارگیری سلاح، خواسته‌های‌شان را به دولت مرکزی تحمیل کنند.

حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی در کنار پیکر شهدای مناطق کردنشین



شورش‌گران آذربایجان غربی در حالی که گفت‌وگو و مذاکره را شعار خود قرار داده بودند، دست به اقدامات فاجعه‌آمیز می‌زدند. در ۱۵ مهر ۱۳۵۸، بیش از ۳۰۰ نفر از شورشیان در مسیر ۶۲ نفر از نیروهای سپاه که مأموریت آنان در شهر ربط سردشت به پایان رسیده بود، در محدوده‌ی پل فلزی کله‌کمین کردند و ۲۵ نفر را شهید؛ ۱۰ نفر را مجروح و ۲۰ نفر را اسیر کردند. در این حادثه‌ی اسفبار فقط ۷ نفر توانستند با عبور از مناطق جنگلی به سلامت به سردشت بازگردند.

در ۲۰ مهر ۱۳۵۸، شورشیان به ۷ نفر از پاسداران که در حال عبور از خیابانی در مهاباد بودند، حمله کردند. با شروع این عملیات تروریستی، پاسداران به ساختمان شهرداری مهاباد پناه بردند. متقابلاً گروه‌های مسلح به سرعت شهرداری مهاباد را محاصره و به آن حمله کردند. در این تهاجم، سروان محسن یارچانی رئیس شهرداری مهاباد و ۳ افسر دیگر شهید و ۷ نفر نیز مجروح شدند.

در ۲۲ مهر ۱۳۵۸، گروه‌های شورشی با کمین کردن در مسیر بازگشت دکتر چمران وزیر دفاع و تیمسار فلاحتی فرمانده نیروی زمینی ارتش، از روستای شند، با آر.پی.جی ۷ خودرو آنان را منهدم کردند. در این حادثه به دکتر چمران و تیمسار فلاحتی آسیبی نرسید. در ۱۰ آبان ۱۳۵۸، گروه‌های تجزیه‌طلب با کمین کردن در مسیر حرکت ستون ارتش از سردشت به بانه، ۳۳ نفر را شهید؛ ۷۰ نفر را مجروح و ۶۰ نفر را اسیر کردند.

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، در آستانه‌ی ورود نماینده‌ی هیئت حسن نیت به سردشت، شورشیان در عملیاتی، ۸ نفر از رزمندگان را شهید و ۳۵ نفر را مجروح کردند. شورشیان در همین روز با توپ و خمپاره به محل فرود بال‌گرد حامل داریوش فروهر حمله کردند که آسیبی به اعضای هیئت حسن نیت نرسید.

در ۱۵ آبان ۱۳۵۸، گروه‌های شورشی به پایگاه ژاندارمری اشنویه حمله و ۳ نفر را شهید و ۱۸ نفر را مجروح کردند. روز بعد، هیئتی برای بررسی موضوع از سوی استانداری و ژاندارمری آذربایجان غربی به اشنویه رفت، اما شورشیان بار دیگر به این پایگاه حمله و ۵ ژاندارم دیگر را شهید و ۲ نفر را نیز مجروح کردند.

در ۱۷ دی ۱۳۵۸، شورشیان، با هماهنگی عزالدین حسینی به ستون نیروهای ژاندارمری - که از ارومیه به مهاباد می‌رفت -

## آغاز جنگ با ضد انقلاب

در حالی که هیئت حسن‌نیت برای حل مسالمت‌آمیز بحران در مناطق کردنشین تلاش بسیاری می‌کرد، گروه‌های تجزیه‌طلب به اقدامات نظامی‌شان ادامه می‌دادند و همان‌گونه که امام خمینی پیش‌بینی کرده بود، سرگرم تجدید سازمان؛ تهیه‌ی تجهیزات و امکانات و کسب آمادگی برای توسعه‌ی قدرت نظامی خود بودند. بنابراین، ادامه‌ی مذاکرات بی‌نتیجه بود و نیروهای نظامی و انتظامی تصمیم گرفتند مناطق پاکسازی‌شده را که دوباره تحت سلطه‌ی شورش‌گران قرار گرفته بود، پاکسازی کنند تا مانع از تحقق اهداف تجزیه‌طلبانه‌ی آنان شوند. بر همین اساس، تدبیر جدیدی برای پاکسازی این مناطق اندیشیده شد.

در دور اول پاکسازی شهرها، گروه‌ها به محض آغاز عملیات نیروهای نظامی و انتظامی، از شهرها خارج می‌شدند و در روستاها و ارتفاعات پناه می‌گرفتند و در

فرصت مناسب دوباره به شهرها بازمی‌گشتند. به همین دلیل، سپاه غرب کشور به فرماندهی محمد بروجردی (شهادت ۱ خرداد ۱۳۶۲) تصمیم گرفت که واحدهای رزمی با راهبردی جدید و مرحله به مرحله، شورشیان را از مناطق کردنشین بیرون کنند تا با برقراری امنیت نسبی در هر مرحله، عملیات مرحله‌ی بعد آغاز شود. این راهبرد مدت زمان عملیات پاکسازی را طولانی‌تر، اما امنیت پایدارتری را در منطقه برقرار می‌کرد.

سپاه غرب کشور پس از بحث و بررسی‌های لازم تصمیم گرفت راهبرد جدید را در پنج مرحله اجرا کند:

۱. آزادسازی شهرها از تسلط گروه‌های شورشی.
۲. آزادسازی جاده‌های ارتباطی بین شهرها.
۳. آزادسازی مناطق بینابینی جاده‌ها.
۴. تأمین مرزهای بین‌المللی کشور در محدوده‌ی استان آذربایجان غربی.
۵. تعقیب و تنبیه متجاوزان بعثی و نیروهای شورش‌گر.

مذاکره هیئت حسن‌نیت با سران حزب دمکرات کردستان



## تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا



شهید محمد بروجردی

سال، شهرها، جاده‌های اصلی و فرعی، مناطق بینابینی و مناطق مرزی را تحت کنترل نیروهای خودی درآورد. در سال ۱۳۶۳، به مرور آن دسته از یگان‌های ارتش که تحت پوشش قرارگاه حمزه بودند به قرارگاه خط مقدم جبهه‌ی جنگ با عراق مأمور شدند و سپاه به تنهایی فرماندهی قرارگاه حمزه را به عهده گرفت تا با هماهنگی ژاندارمری و شهربانی این مأموریت را به پایان برساند.

در سال ۱۳۶۵، هدایت لطفیان به فرماندهی قرارگاه حمزه‌ی سپاه منصوب شد. در این دوره واحدهای سپاه و ژاندارمری با انهدام گروه‌های شورشی - که با از دست دادن مقرهای ثابت خود به شکل پارتیزانی فعالیت می‌کردند - امنیت شبانه‌روزی را به طور نسبی در بیش‌تر شهرها و جاده‌های منطقه برقرار کردند، اما در اوایل بهار هر سال، شورشیان از خاک عراق به مناطق کردنشین ایران نفوذ می‌کردند و عملیات‌هایی را در شهرها، روستاها و جاده‌های ارتباطی انجام می‌دادند.



شهید حسن آبشناسان

در ابتدای سال ۱۳۷۱، سرتیپ پاسدار احمد کاظمی، فرمانده قرارگاه حمزه شد. در زمان فرماندهی وی با در نظر گرفتن وضعیت منطقه، طرح قدر تهیه و پس از تصویب اجرا شد. بر اساس این طرح، پایگاه‌های تأمینی در بیش‌تر نقاط جمع‌آوری شدند و یگان‌های مانوری سپاه با تعقیب گروه‌های شورشی در دو سوی مرز آنان را سرکوب کردند و امنیت را به گونه‌ای مطلوب به مناطق کردنشین ایران بازگرداندند.



شهید احمد کاظمی

در دوران آغازین جنگ ضد شورشی در مناطق کردنشین ایران، هماهنگی چندانی بین سازمان‌های عمل‌کننده وجود نداشت و فقط روابط فراسازمانی بین فرماندهان منطقه و ویژگی‌های اخلاقی فرمانده سپاه غرب کشور (محمد بروجردی) موجب می‌شد برخی امور بین سازمان‌ها هماهنگ شود. بنابراین، طبیعی بود که برخی مشکلات سازمانی و اداری بین نهادها و ارگان‌های رسمی، حل‌نشده باقی بماند. به خصوص آن‌که، واحدهای تابعه‌ی این سازمان‌ها نیز که در ۳ استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه مستقر بودند، با یکدیگر هماهنگ نبودند و اقدامات مربوط به جنگ ضد شورشی، اغلب با سیاست‌های محلی فرماندهان هر استان اجرا می‌شد.

در سال ۱۳۶۱، مقرر شد برای ایجاد هماهنگی بیش‌تر در برخورد با گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در مناطق کردنشین ایران، قرارگاه حمزه توسط سپاه، ارتش و ژاندارمری در ارومیه تأسیس شود تا بین این سازمان‌ها و واحدهای تابعه‌شان، هماهنگی ایجاد کند. بر این اساس، محمدابراهیم سنجقی به فرماندهی قرارگاه حمزه‌ی سپاه؛ سرهنگ حسن آبشناسان به فرماندهی قرارگاه حمزه‌ی ارتش و سرهنگ بیژن بهرامپور به فرماندهی قرارگاه حمزه‌ی ژاندارمری منصوب شدند.

در اواسط سال ۱۳۶۲، مصطفی ایزدی فرماندهی قرارگاه حمزه‌ی سپاه را به عهده گرفت. قرارگاه حمزه در طول ۲





# فصل سوم

## آزادسازی شهرهای استان

## آزادسازی شهرها

بی‌رحمانه‌ی بی‌دو نژاد کرد و آذری شود، اما فرهنگ عمومی مردم استان همراه با مدیریت صحیح این بحران‌ها، مانع از بروز فاجعه‌ی بزرگ شد. شهرهای استان آذربایجان غربی علاوه بر پشت سر گذاشتن صبورانه‌ی بحران‌های ایجادشده بر اثر تحریک‌های تجزیه‌طلبان، در برابر تجاوزهای نیروی هوایی ارتش عراق نیز بدون تزلزل مقاومت کردند و در برابر فجایع بزرگی چون بمباران شیمیایی سردشت کمر خم نکردند.

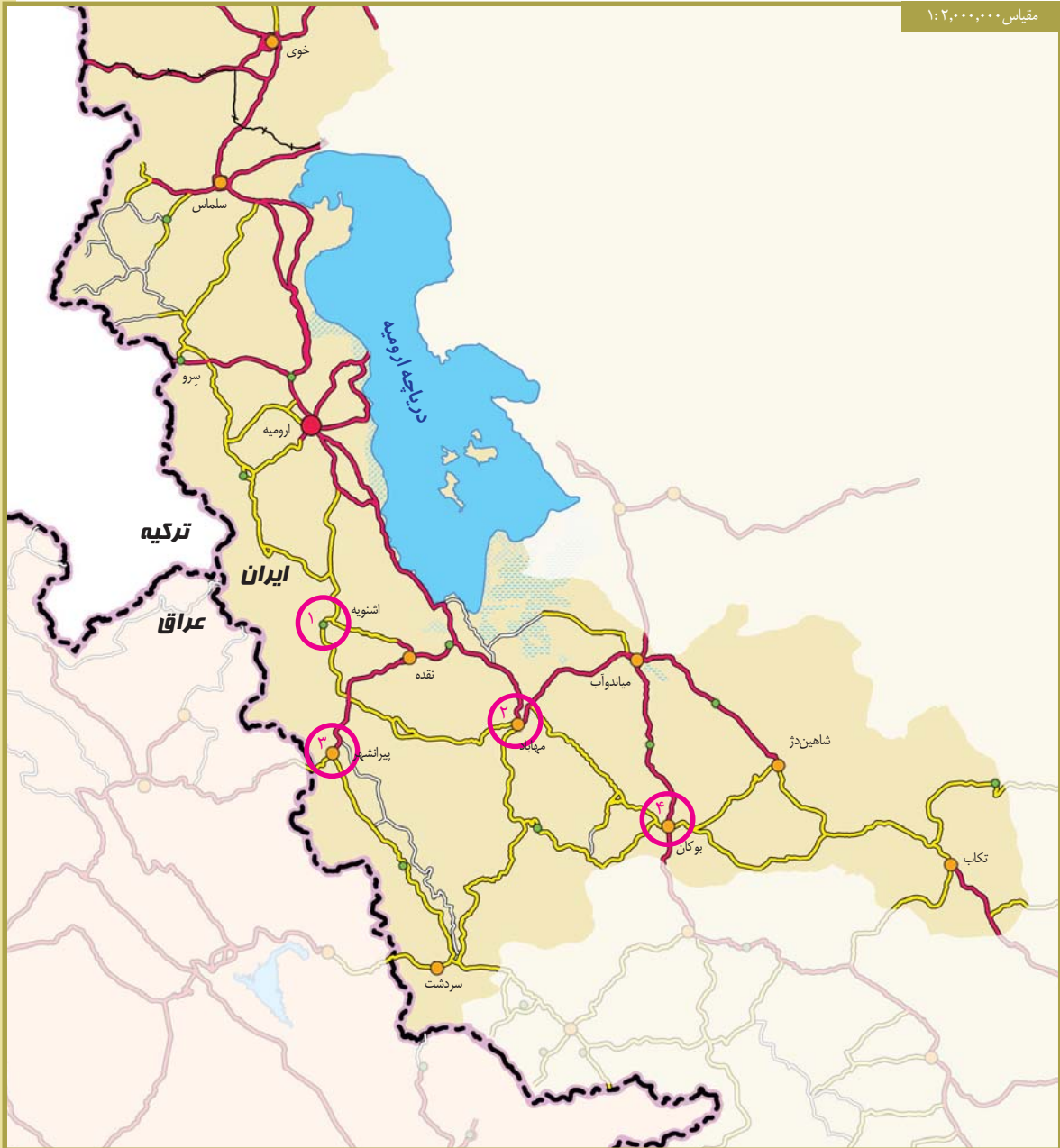
شهرهای استان آذربایجان غربی که دارای ترکیب جمعیتی آذری و کرد هستند، به تناسب جمعیت و موقعیت جغرافیایی‌شان از آشوب‌های افراد تجزیه‌طلب در امان نبودند و در حالی که تجزیه‌طلبان برای تقویت حس ناسیونالیستی به اختلافات قومی و نژادی دامن می‌زدند، این شهرها انسجام ترکیب جمعیتی خود را حفظ کردند. بحران نقده و حادثه‌ی قارنا - که اولی از سوی تجزیه‌طلبان و دومی از جانب خوانین بازی‌خورده به وقوع پیوست - هر کدام به تنهایی می‌توانست سبب بروز جنگ

ستون اعزامی ارتش و سپاه برای پاک‌سازی مناطق کردنشین

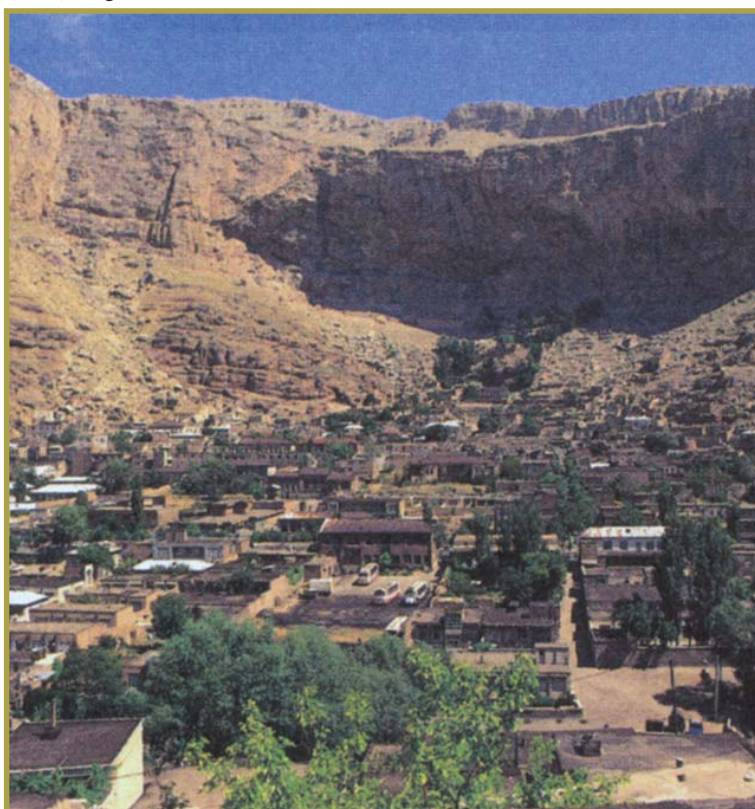


آزادسازی	سکونت‌گاه	شهر
-	آذری‌ها	ماکو
-	آذری‌ها	خوی
-	آذری - کردی	سلماس
-	آذری - کردی	ارومیه
-	آذری - کردی	نقده
-	آذری‌ها	میاندوآب
-	آذری‌ها	شاهین‌دژ
-	آذری‌ها	تکاب
۱۳۵۹/۶/۱۹	کردها	اشنویه
۱۳۵۹/۶/۲۶	کردها	مهاباد
۱۳۵۹/۷/۲۷	کردها	پیرانشهر
۱۳۶۰/۷/۱۱	کردها	بوکان
-	کردها	سردشت





نمایی از شهر ماکو



برای بازدید به روستای یارمقیه رفته بودند - گروگان گرفتند و سپس آنان را به شهادت رساندند. بعد از این حادثه، هنگ ژاندارمری ماکو مأمور شد منطقه را پاک‌سازی کند، اما قبل از آن ضرب‌الاجلی را صادر کرد تا مردم سلاح‌هایشان را تحویل دهند که در طول آن ۳۶۶۹ اسلحه به ژاندارمری تحویل داده شد.

در دوران جنگ تحمیلی، نیروی هوایی ارتش عراق درصدد برآمد در ۲۳ مرداد ۱۳۶۰، ماکو را بمباران کند که به دلیل وجود کوه‌های مرتفع در شمال شهر، هواپیماهای عراقی بمب‌هایشان را در اطراف ماکو ریختند و خسارت‌هایی به تأسیسات و برخی اماکن وارد کردند.

شهرستان ماکو ۴۳۳۵ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۷۶,۴۱۱ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر ماکو است که در ۲۷۶ کیلومتری شمال ارومیه قرار دارد.

ماکو در گذشته یکی از قلعه‌های مستحکم سرحدات ایران با عثمانی بوده و جنگ چالدران در سال ۹۲۰ هـ ق بین ارتش عثمانی با ایران در جنوب این منطقه رخ داده است.

بیش‌تر جمعیت ماکو آذری‌زبان هستند، اما در نواحی روستایی غربی و جنوب غربی این شهرستان کردها زندگی می‌کنند و همین موضوع سبب شده بود گروه‌های شورشی با ایجاد تشکیلاتی در مناطق کردنشین این شهرستان، شرارت‌هایی را در اطراف ماکو انجام دهند.

شورشیان در یکی از مهم‌ترین حوادث در ۲۱ خرداد ۱۳۵۹، جواد قنبری فرمانده سپاه ماکو؛ سرهنگ سلطان‌بیگی فرمانده هنگ ژاندارمری و استوار محمدزاده رئیس یکی از پاسگاه‌های مرزی را - که



با فعالیت در این مناطق از اواخر سال ۱۳۵۷، منطقه‌ی خوی را ناامن کردند. شورشیان در اول مرداد ۱۳۵۸، مرکز گروهان ژاندارمری خوی و ۶ پایگاه مرزی آن را خلع سلاح کردند و تعدادی از ژاندارم‌ها را گروگان گرفتند. در همین روز، ایستگاه راه‌آهن رازی نیز به اشغال شورشیان درآمد و ۶۰ نفر از کارکنان، زنان و کودکان ساکن در این ایستگاه گروگان گرفته شدند و عبور و مرور قطار بین ایران و ترکیه متوقف شد.

در حادثه‌ی دیگری در ۱۹ اسفند ۱۳۵۸، شورشیان به اعضای شورای تأمین شهرستان که مشغول بازدید از منطقه‌ی مرزی قطور بودند، حمله کردند و ۶ نفر از جمله فرمانده هنگ ماکو را شهید و ۴ نفر دیگر را مجروح کردند. در این حادثه قربانعلی کوچری فرماندار و عسگر رحیمی مسئول واحد عملیات سپاه خوی با ۱۳ نفر دیگر به اسارت شورشیان درآمدند. این دو نفر در ۲۷ خرداد ۱۳۵۹، به شهادت رسیدند. بعد از این شرارت‌ها، ژاندارمری در ۱۰ خرداد ۱۳۵۹، جاده‌ی خوی - قطور را به مدت ۲۴ روز پاک‌سازی کرد و با این اقدام امنیت رفت و آمد قطارها در مسیر ایران - ترکیه برقرار شد.

شهر خوی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، ۶ بار هدف حمله‌ی هواپیماهای عراق قرار گرفت که در این حملات تعدادی از مردم این شهر شهید و مجروح شدند.

شهرستان خوی که در مسیر فرعی جاده‌ی ابریشم واقع شده است، ۵۵۶۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۳۷۰,۰۷۲ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر خوی است که در ۱۳۴ کیلومتری شمال ارومیه قرار دارد. در مناطق مرزی خوی کردها سکونت دارند و گروه‌های تجزیه‌طلب

بل خاتون در خوی

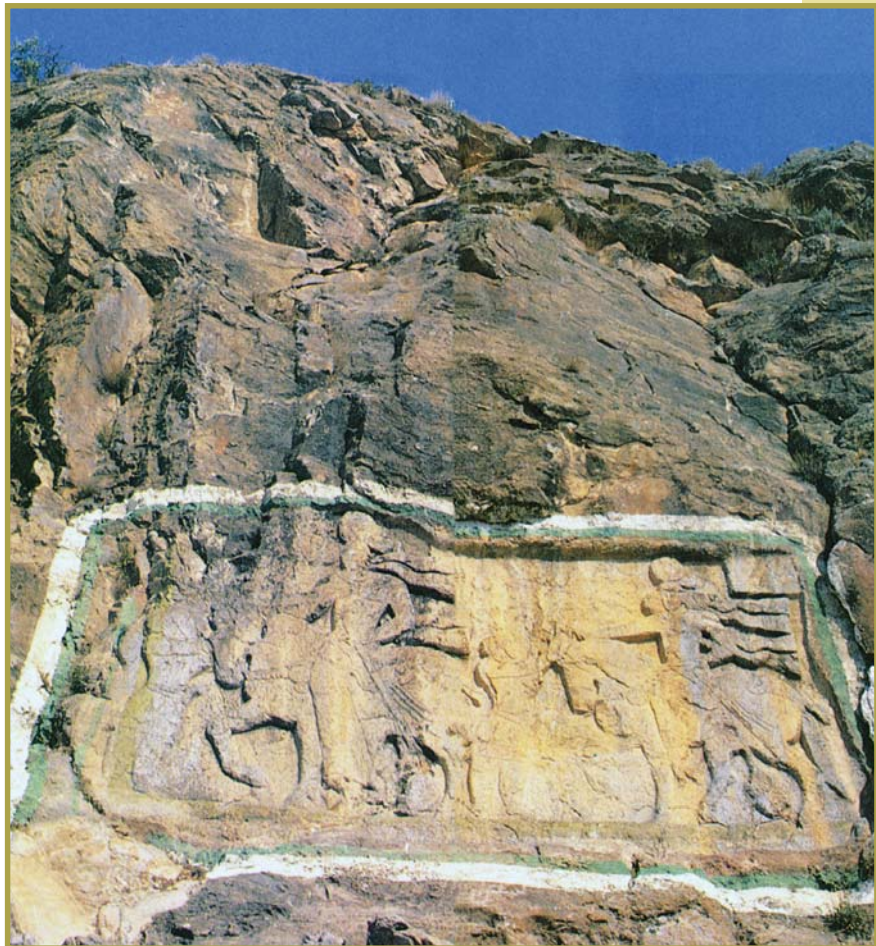




بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران حزب دمکرات و کومه‌له و اشرار وابسته به صنار مامدی و طاهر سیمیتقو، روستاهای غرب و جنوب غربی سلماس را که محل سکونت کردها است، به آشوب کشیدند؛ به مصادره‌ی زمین و منازل روستاییان پرداختند و حدود ۲۰۰ نفر را در فروردین ۱۳۵۸، آواره کردند. آنان همچنین، بارها در جاده‌ی سلماس - ارومیه، به ویژه در گردنه‌ی قوشچی، کمین گذاشتند و ضمن غارت اموال مردم تعدادی خودرو را به آتش کشیدند. در روز شنبه ۳ شهریور ۱۳۵۸، اشرار وابسته به صنار مامدی به طور گسترده به سلماس حمله کردند که با تلاش نیروهای نظامی و انتظامی و نیز همکاری مردم متواری شدند. به دنبال این شرارت‌ها، یگان‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری با همکاری نیروهای عشایر و مردم منطقه، در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴، با اجرای عملیات‌های متعدد توانستند امنیت را به این شهرستان برگردانند. هواپیماهای ارتش بعث عراق در طول جنگ تحمیلی، ۹ بار شهر سلماس را هدف قرار دادند که در مجموع، در این حملات ۷۵ نفر از مردم شهید و ۱۸۹ نفر مجروح شدند.

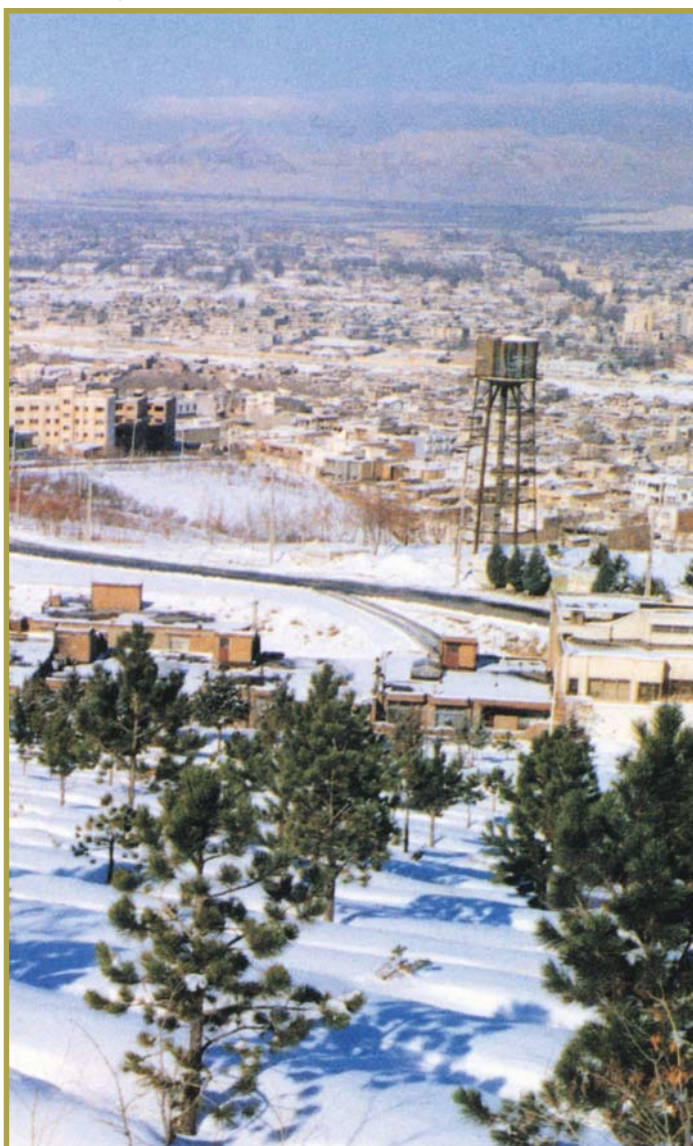
شهرستان سلماس ۲۵۴۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۸۳,۳۸۱ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر سلماس است که در ۹۱ کیلومتری شمال ارومیه و ۳۰ کیلومتری مرز ترکیه قرار دارد. سلماس در زلزله‌ی سال ۱۳۰۹ به طور کامل ویران شد و شهر جدید در کنار بقایای شهر قبلی بنا شد.

نقش برجسته خان تختی





نمایی از شهر ارومیه



شهرستان ارومیه ۵۲۵۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۸۷۱,۲۰۴ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر ارومیه است که مرکز استان آذربایجان غربی می‌باشد.

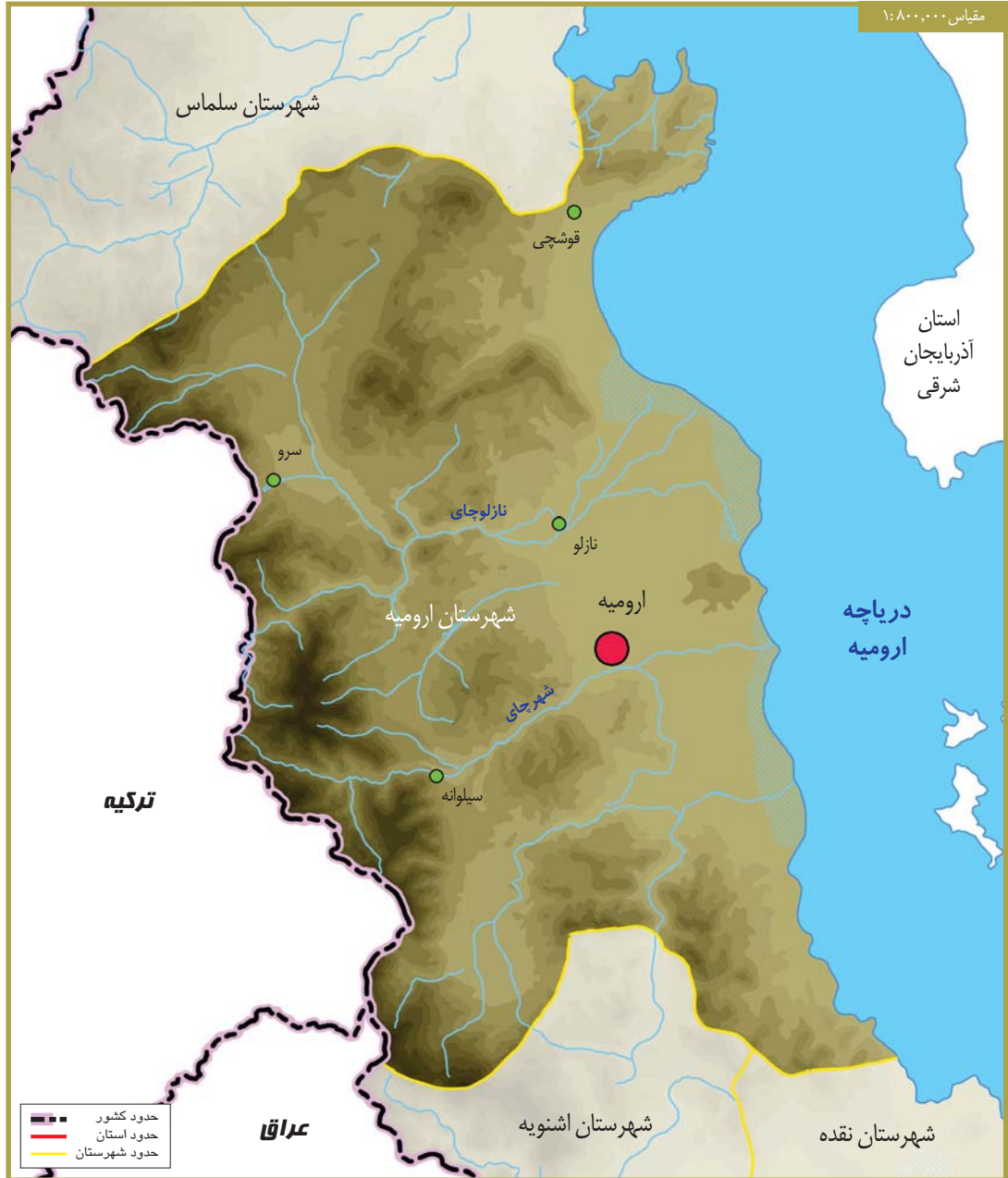
این شهرستان محل تلاقی ادیان اسلام و مسیحیت (ارمنی و آسوری) و دو قوم بزرگ آذری و کرد است.

با آغاز بحران در مناطق کردنشین ایران، به دلیل موقعیت استراتژیک شهرستان ارومیه، این شهرستان بسیار ناامن شد، طوری که منطقه‌ی وسیعی از شمال، غرب و جنوب آن در کنترل شورشیان قرار گرفت و پیوسته در جاده‌های منتهی به آن کمین اجرا می‌شد.

یگان‌های سپاه، ارتش، ژاندارمری و بسیج عشایری تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا، با همکاری حزب دمکرات کردستان عراق عملیات‌های متعددی در مناطق گوناگون این شهرستان در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴، انجام دادند تا امنیت نسبی در ارومیه و روستاهای آن برقرار شد و بقایای نیروهای ضد انقلاب به ترکیه و عراق گریختند.

ارومیه در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۷۴ بار هدف حمله‌ی هوایی ارتش عراق قرار گرفت که در طول آن ۵۹۵ نفر شهید و ۱۲۲۵ نفر مجروح شدند.





شهرستان نقده ۱۰۵۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۱۸،۵۱۶ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر نقده است که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب ارومیه قرار دارد. حدود نیمی از جمعیت این شهر آذری و نیمی دیگر کرد هستند.

با شروع فعالیت گروه‌های مسلح تجزیه‌طلب در نقده، آنان بسیار تلاش کردند که کردها و آذری‌ها را در مقابل هم قرار دهند و درگیری را در بقیه‌ی مناطق استان گسترش دهند. به همین منظور، گروه‌های تجزیه‌طلب در ۳۱ فروردین ۱۳۵۸، موجب فاجعه‌ی نقده شدند.

گروه‌های شورشی همچنین در تیرماه ۱۳۵۸، اعضای ایل زرزا را - که از طرف ژاندارمری مسلح شده بودند - محاصره و خلع سلاح کردند. شورشیان در ۱۱

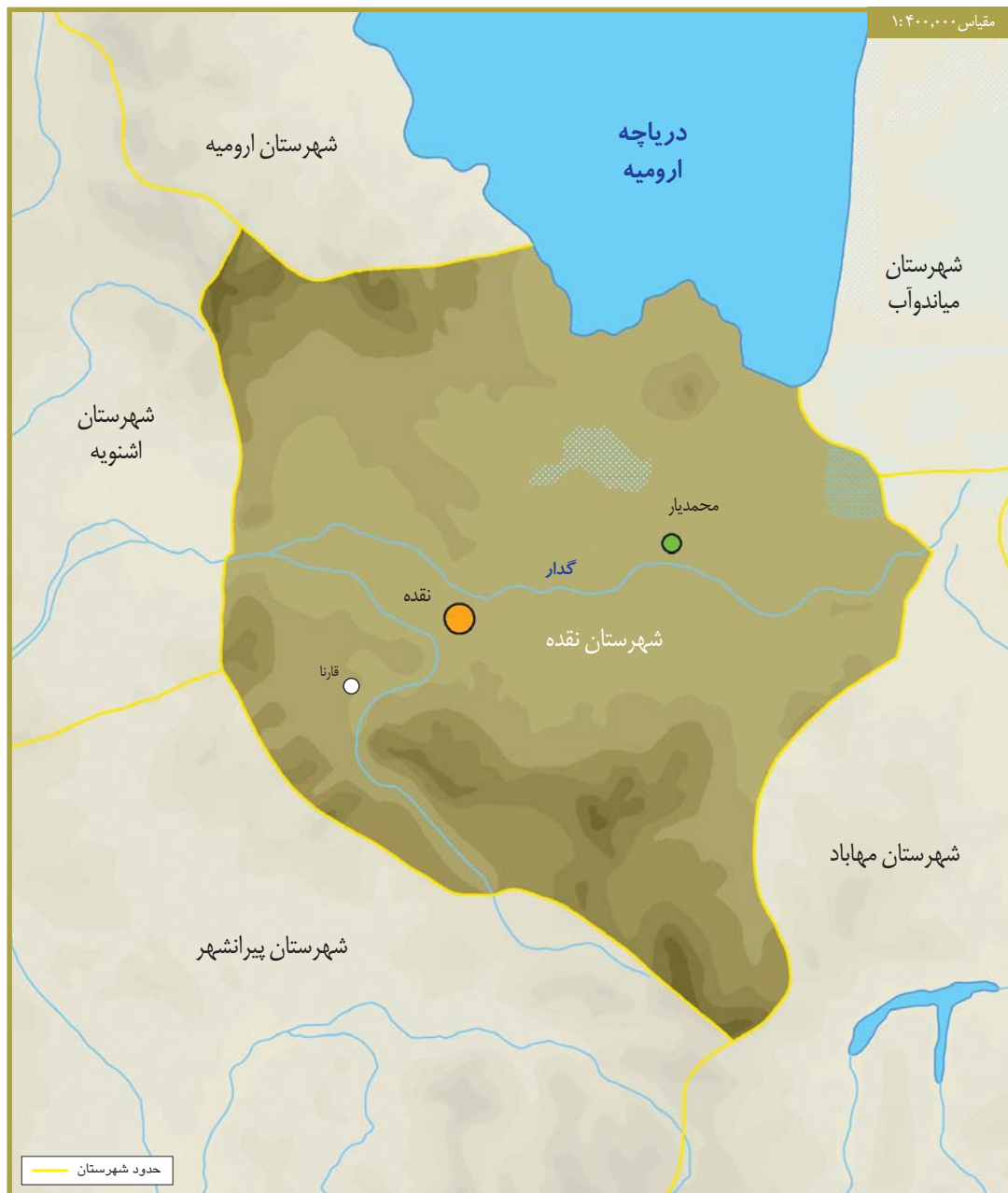
شهریور ۱۳۵۸، با پرتاب چند نارنجک در جاده‌ی نقده - پیرانشهر، ۱۵ نفر از نیروهای ژاندارمری را شهید و ۶ نفر را مجروح کردند.

حادثه‌ی روستای قارنا زمانی اتفاق افتاد که نیروهای ژاندارمری به تعقیب شورشیان پرداختند و در درگیری‌های ایجادشده ۴۶ نفر از مردم روستا و ۷ نفر از شورشیان کشته شدند. در پی این حادثه، هیئتی از تهران به قارنا اعزام شد تا پیام تسلیت امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران را به اطلاع مردم این روستا برساند.

در طول هشت سال جنگ تحمیلی، هواپیماهای ارتش عراق ۴ بار شهر نقده را بمباران کردند که بر اثر آن شماری از ساکنان این شهر شهید یا مجروح شدند و خسارت‌هایی به اماکن عمومی و منازل مردم وارد شد.

نمایی از شهر نقده





## اشنویه

هیئت حسن‌نیت، گروه‌های جدایی‌طلب بار دیگر شهر اشنویه را به کنترل خود درآوردند. به همین دلیل، یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری در ۱۹ شهریور ۱۳۶۰، با متواری کردن شورشیان وارد اشنویه شدند و در طول سال‌های بعد، راه‌های ارتباطی، مناطق بینابینی و نواحی مرزی را تحت کنترل خود درآوردند. بعد از برقراری امنیت نسبی در محدوده‌ی شهرستان اشنویه، ارتش ایران عملیات قادر را در منطقه‌ی مرزی شمال عراق انجام داد و قرارگاه رمضان سپاه نیز با همکاری حزب دمکرات کردستان عراق (به رهبری مسعود بارزانی) چندین عملیات نامنظم در مناطق کردنشین شمالی عراق اجرا کرد.

در دوران جنگ تحمیلی، هواپیماهای عراق ۹ بار اشنویه را بمباران کردند که بر اثر آن تعداد زیادی از مردم این شهر شهید و مجروح شدند.

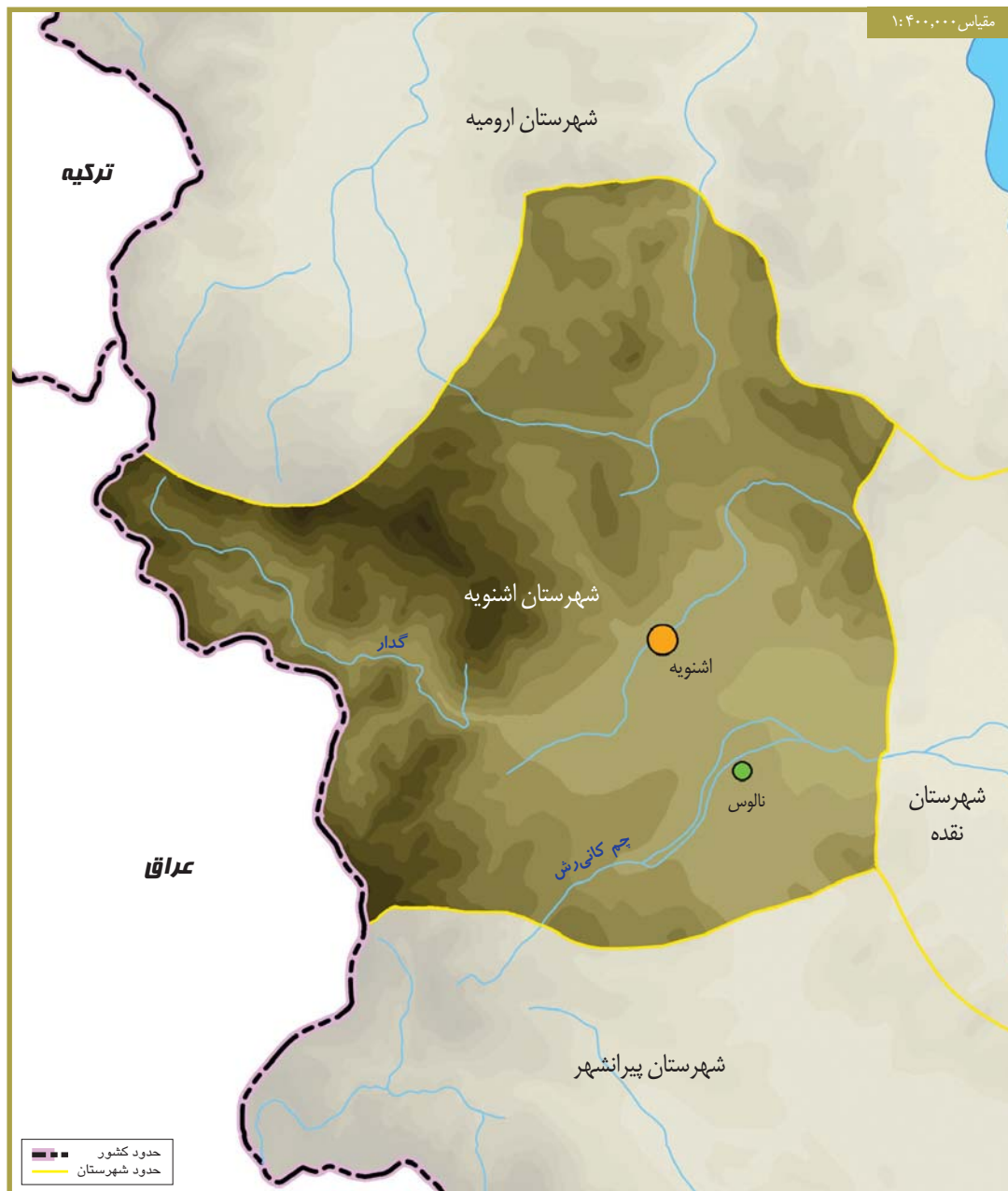
شهرستان اشنویه ۱۱۹۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۶۴,۵۵۱ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر اشنویه است که در ۷۳ کیلومتری جنوب ارومیه و ۱۵ کیلومتری مرز عراق قرار دارد.

اشنویه در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، شهر کوچکی بود و زمانی که گروه‌های تجزیه‌طلب با ایجاد تشکیلاتی در آن، کنترل شهر را به دست گرفتند، دچار بحران شد. فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸، موجب شد مردم شورشیان را در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ از شهر بیرون کنند. دو روز بعد، نیروهای ارتش و سپاه وارد شهر شدند و امنیت را در این منطقه‌ی مرزی برقرار کردند.

آرامش در شهر اشنویه، مدتی طولانی ادامه نیافت و بعد از اعلام آتش‌بس در منطقه برای پیشبرد مذاکرات

نمایی از شهر اشنویه





کردند. غارت سلاح‌ها و تجهیزات پادگان مهاباد موجب شد گروه‌های شورشی به سرعت بسیاری از هواداران ساده‌اندیش را جذب و مسلح کنند و ناامنی را در سطح استان گسترش دهند. بنابراین، یگان‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری ناچار شدند در ۱۲ شهریور ۱۳۵۸، شورشیان را سرکوب کنند و با استقرار در مهاباد، کنترل شهر را در اختیار بگیرند.

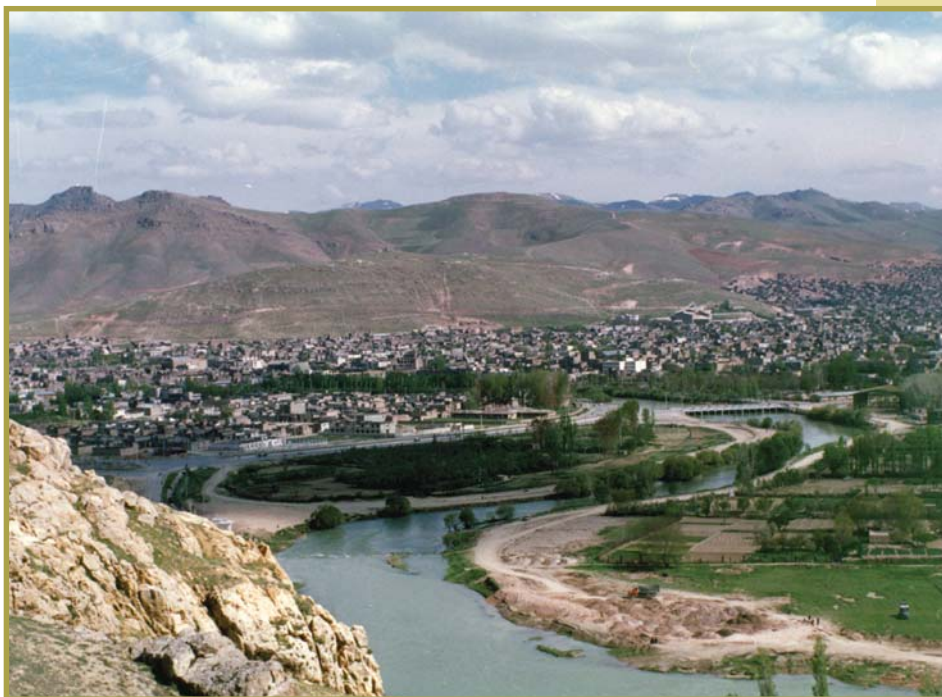
در چنین وضعیتی، به درخواست گروه‌های جدایی‌طلب، هیئت حسن‌نیت از سوی دولت موقت برای مذاکره و حل مسالمت‌آمیز بحران در مناطق کردنشین در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ عازم شهر مهاباد شد و چند دور مذاکره با سران گروه‌ها و متنفذان محلی انجام داد، اما هنگامی که با کارشکنی

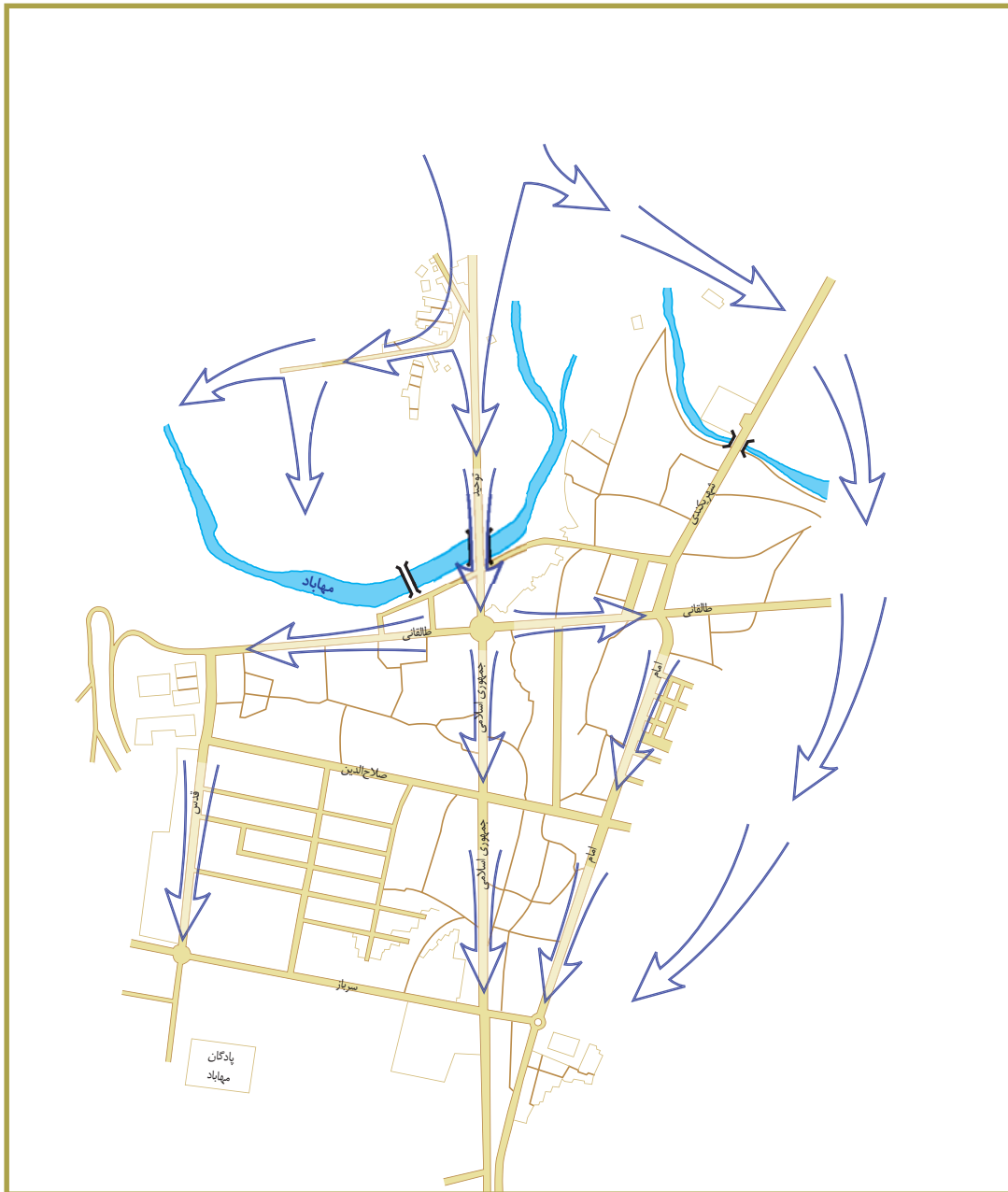
عزالدین حسینی و گروه‌های چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و کومه‌له مذاکرات به بن‌بست رسید، نیروهای سپاه، ارتش و ژاندارمری بار دیگر در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، با نیروهای ضد انقلاب درگیر شدند و شهر را از کنترل آنان خارج کردند و اقدامات بعدی را برای توسعه‌ی امنیت در مناطق روستایی و کوهستانی مهاباد و جاده‌های مواصلاتی بین شهری انجام دادند. در دوران جنگ تحمیلی، هواپیماهای عراق ۱۳ بار مهاباد را بمباران کردند که بر اثر آن ۸۰ نفر شهید و ۳۳۶ نفر مجروح شدند.

شهرستان مهاباد ۲۵۹۲ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۰۱,۰۴۹ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر مهاباد است که در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه قرار دارد. نام این شهر ابتدا ساوجبلاغ (چشمه سرد) بود و در سال ۱۳۱۴ به مهاباد تغییر یافت.

تأسیس جمهوری مهاباد توسط قاضی محمد در ۳ بهمن ۱۳۲۴، این شهر را به یکی از مهم‌ترین شهرهای کردنشین تبدیل کرد. در پی پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، گروه‌های تجزیه‌طلب، مهاباد را پایگاه اصلی خود قرار دادند و بحران در مناطق کردنشین را با اشغال پادگان تیپ مهاباد در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷، آغاز

نمایی از شهر مهاباد





یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری در پیرانشهر، بار دیگر امنیت به شهر بازگشت.

شهر پیرانشهر در تهاجم ارتش عراق به مرزهای ایران در شهریور ۱۳۵۹ نیز چندین بار به وسیله‌ی هواپیماهای عراقی بمباران شد، اما یگان‌های زمینی ارتش عراق وارد منطقه‌ی پیرانشهر نشدند. بعد از آزادسازی مناطق اشغالی جنوب کشور، یگان‌های سپاه و ارتش چند عملیات در منطقه‌ی مرزی پیرانشهر انجام دادند و قرارگاه رمضان نیز با همکاری نیروهای مسعود بارزانی، عملیات‌های نامنظم متعددی در مناطق کردنشین شمال عراق لجرکرد.

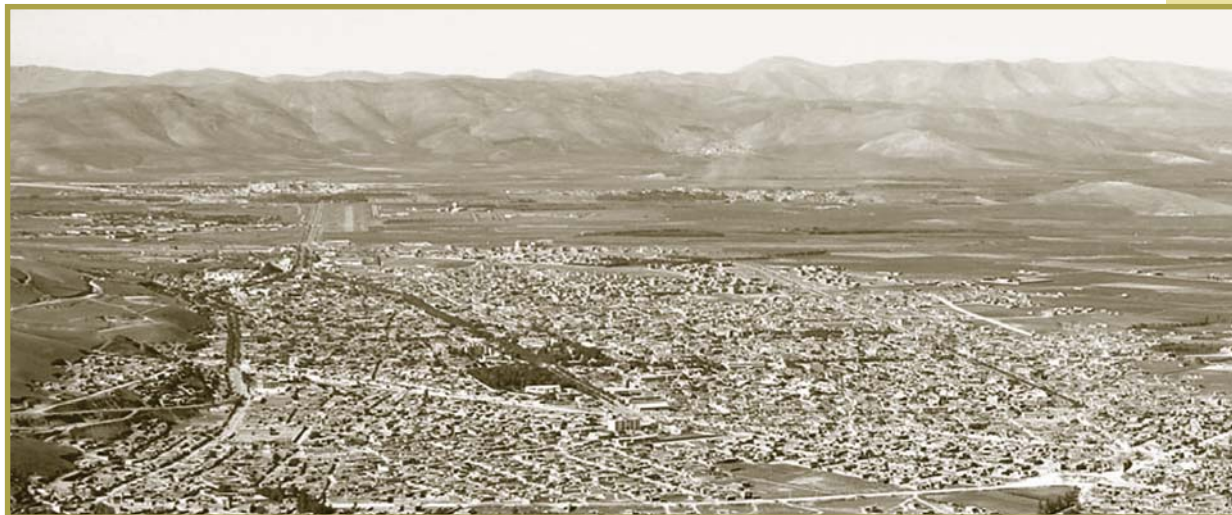
شهر پیرانشهر در طول جنگ ۶۵ بار هدف حملات هواپیماهای عراق قرار گرفت و بارها توپخانه‌های ارتش عراق نقاط مسکونی این شهر را گلوله‌باران کردند. در جریان این حملات ۶۶۳ نفر از اهالی این شهر شهید و ۳۹۴ نفر مجروح شدند.

شهرستان پیرانشهر ۲۲۵۹ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۱۲,۹۹۴ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر پیرانشهر است که در ۱۴۶ کیلومتری جنوب ارومیه و ۷ کیلومتری مرز عراق قرار دارد.

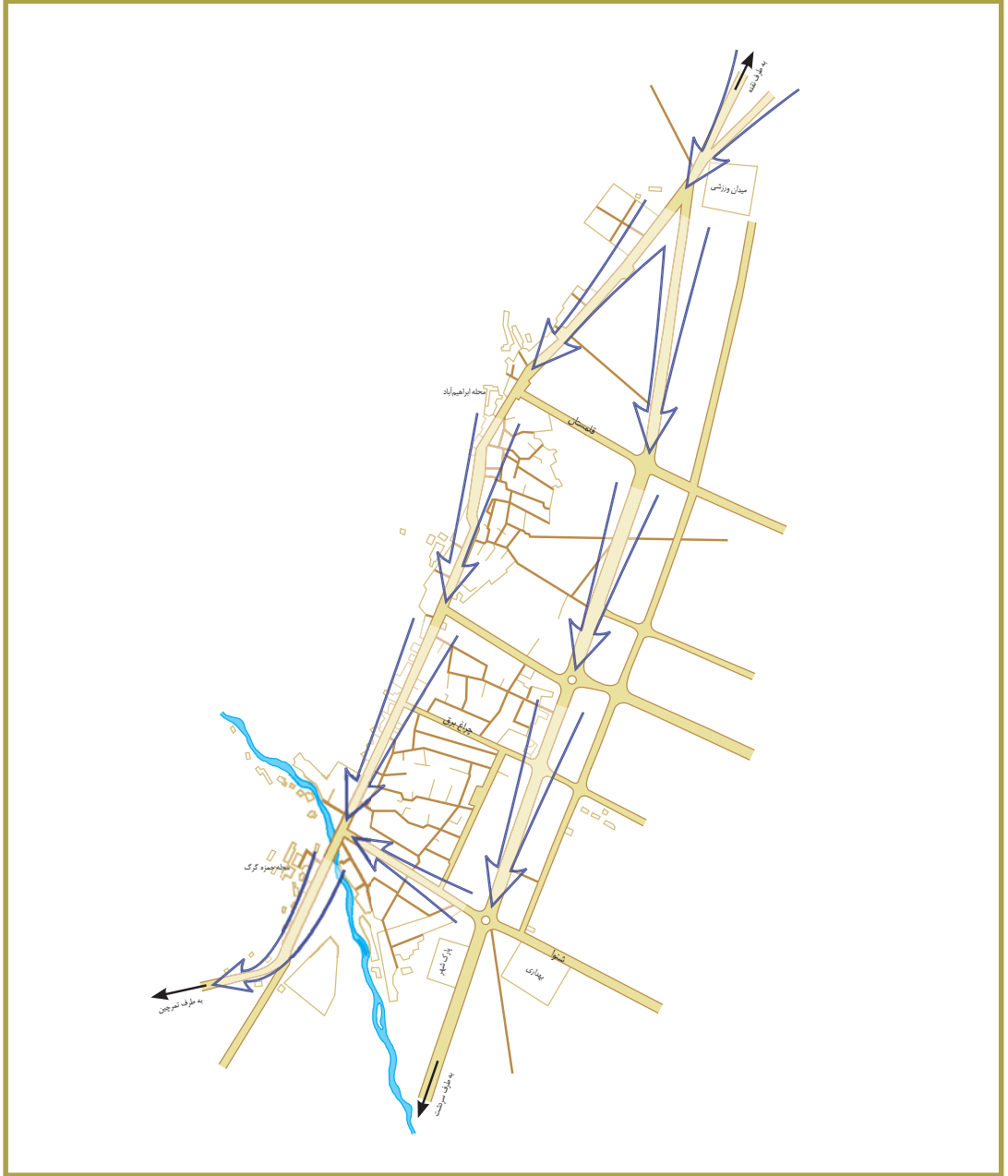
اهمیت این منطقه‌ی مرزی موجب شده بود در نظام گذشته دو پادگان از ارتش در پیرانشهر و پسوه و یک پادگان از ژاندارمری در جلدیان احداث شود. به همین دلیل نیز گروه‌های تجزیه‌طلب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این پادگان‌ها حمله کردند.

در پی صدور فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ مبنی بر پاکسازی مناطق آلوده به ضد انقلاب، پیرانشهر در ۱۱ شهریور ۱۳۵۸ از تسلط گروه‌های شورشی خارج شد، ولی در پی مذاکرات هیئت حسن‌نیت و خروج ارتش، سپاه و ژاندارمری از شهر، شورشیان دوباره به شهر بازگشتند و بر دامنه‌ی ناامنی‌ها افزودند، تا این‌که در ۲۷ مهر ۱۳۵۹، با حضور

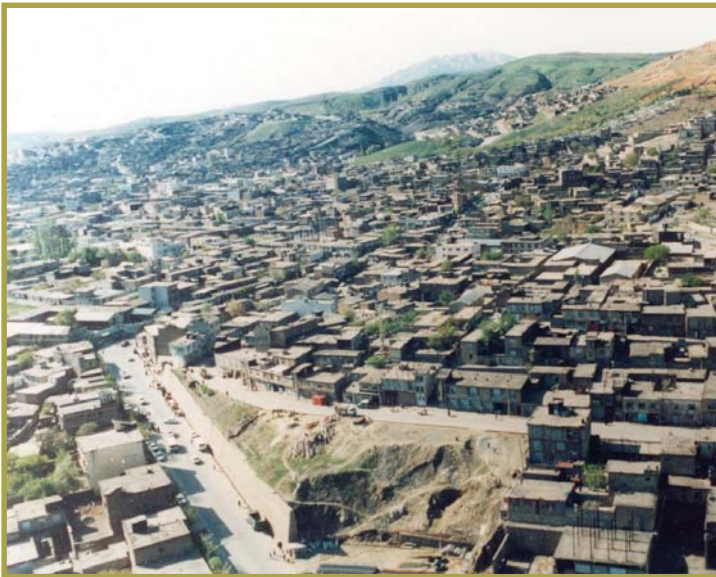
نمایی از شهر پیرانشهر







نمایی از شهر سردشت



شهرستان سردشت ۱۴۱۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۰۵,۵۶۹ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر سردشت است که در منتهی‌الیه جنوب غربی استان آذربایجان غربی و ۱۲ کیلومتری مرز عراق واقع شده و فاصله‌ی آن تا ارومیه ۲۴۰ کیلومتر است. مجاورت سردشت با عراق و مناطق جنگلی این شهرستان فضای مناسبی را برای گروه‌های تجزیه‌طلب فراهم آورده بود و آنان با بهره‌گیری از این موقعیت توانسته بودند دفتر سیاسی، زندان و برخی مراکز وابسته را در محدوده‌ی این شهرستان (در جنگل‌های آلواتان و منطقه‌ی دولتو) راه‌اندازی کنند. آنان همچنین با حمله به هنگ ژاندارمری سردشت در ۲ شهریور ۱۳۵۸، این پادگان مرزی را اشغال و تجهیزات آن را غارت کردند.

در پی صدور فرمان امام خمینی در ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ مبنی بر آزادسازی شهرهای کردنشین، مردم سردشت در ۱۲ شهریور همین سال، شورشیان را از شهر بیرون کردند و سه روز بعد نیروهای ارتشی، پاسدار و مردمی که تحت فرماندهی دکتر مصطفی چمران عملیات می‌کردند

در ۱۵ شهریور ۱۳۵۸، وارد سردشت شدند.

هنگامی که مذاکرات هیئت حسن‌نیت به دلیل همکاری نکردن گروه‌های کمونیستی با شکست رو به رو شد، یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری با همکاری عشایر منطقه، جاده‌های ارتباطی، مناطق بینابینی جاده‌ها و نواحی مرزی سردشت را از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب خارج و امنیت را در این منطقه‌ی مرزی برقرار کردند.

در دوران جنگ هشت ساله نیز سپاه و ارتش در منطقه‌ی مرزی سردشت چند عملیات علیه عراق انجام دادند و چندین عملیات نفوذی نیز با همکاری قرارگاه رمضان سپاه و اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق در مناطق کردنشین عراق انجام شد.

هوایمماهای عراق ۷۳ بار سردشت را بمباران کردند و توپخانه‌ی عراق نیز بارها این شهر را گلوله‌باران کرد. در این تحرکات ۵۴۰ نفر از ساکنان سردشت شهید و هزاران نفر مجروح شدند. در یکی از تلخ‌ترین حوادث دوران جنگ، هوایمماهای عراق در ۷ تیر ۱۳۶۶، شهر سردشت را بمباران شیمیایی کردند که در این اقدام جنایت‌کارانه ۱۰۸ نفر شهید و صدها تن شیمیایی شدند.

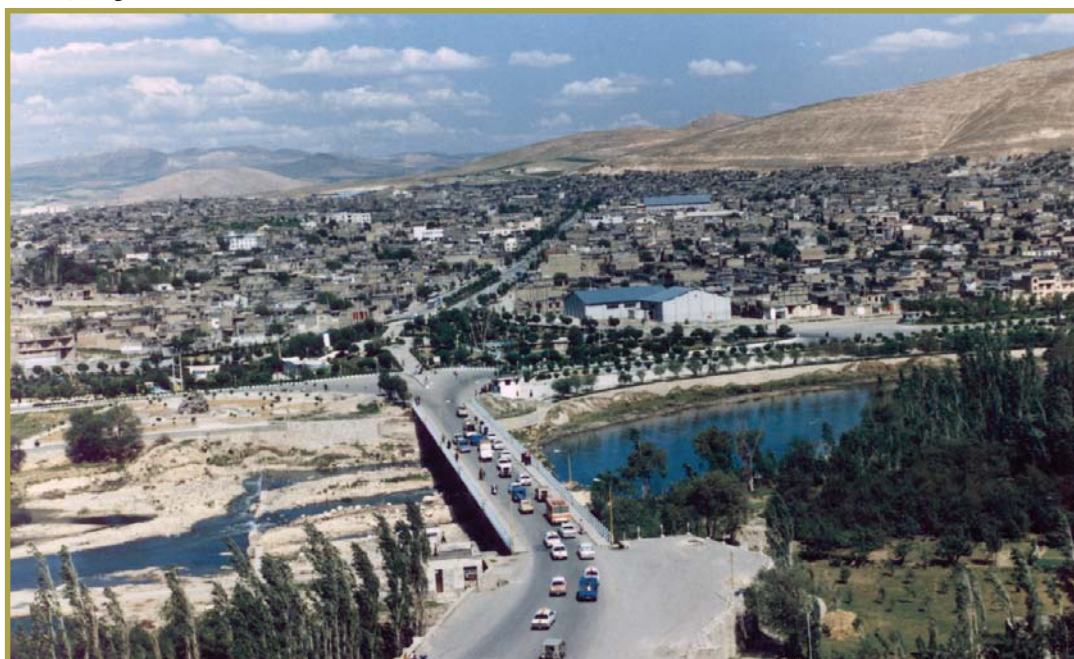


بار دیگر به بوکان بازگشتند و به شرارت ادامه دادند. بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات، عملیاتی از سه محور برای آزادسازی بوکان آغاز شد. فرماندهان محور سقز - بوکان، سرهنگ علی صیاد شیرازی؛ محور میاندوآب - بوکان، محمد بروجردی و محور مهاباد - بوکان ناصر کاظمی (شهادت ۶ شهریور ۱۳۶۱) بودند. در این عملیات، شهر در ۱۱ مهر ۱۳۶۰، از تسلط شورشیان خارج شد و عملیات آزادسازی جاده‌ها و مناطق بینابینی در سال‌های بعد ادامه یافت. بوکان در سال ۱۳۶۷، سه بار به وسیله‌ی هواپیماهای عراقی بمباران شد که در این حملات ۱۵ نفر از مردم این شهر شهید و ۱۶۰ نفر مجروح شدند.

شهرستان بوکان ۲۵۴۱ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۰۴,۳۰۸ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر بوکان است که در جنوب استان آذربایجان غربی و در ۲۲۶ کیلومتری ارومیه قرار دارد.

با آغاز بحران در مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی، گروه‌های شورشی بارها به مراکز سپاه، ژاندارمری و ادارات دولتی حمله کردند و کنترل شهر را به دست گرفتند تا این‌که بوکان در ۱۰ شهریور ۱۳۵۸، به کمک یگان‌های ارتش، سپاه، ژاندارمری و با همکاری نیروهای مردمی که از محور سقز آمده بودند، از کنترل شورشیان خارج شد. با آغاز مذاکرات هیئت حسن‌نیت، طرفداران گروه‌ها

نمایی از شهر بوکان





## میان‌دوآب

مراغه در نزدیکی میان‌دوآب حمله کردند و در ۲۶ آذر ۱۳۵۹، با اجرای کمینی در مسیر سستونی مرکب از نیروهای ارتش، سپاه و بسیج، ۲۴ رزمنده را شهید و ۱۹ نفر را مجروح کردند. در این درگیری حدود ۱۰۰ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند.

اقدامات شصت‌ت‌آمیز گروه‌های تجزیه‌طلب سبب شد سپاه و ژاندارمری میان‌دوآب، با همکاری تیپ ویژه‌ی شهدا و تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی، عملیات‌های متعددی در اطراف میان‌دوآب انجام دهند تا امنیت در شهر و روستاهای اطراف و همچنین جاده‌های ارتباطی میان‌دوآب برقرار شود.

در دوران جنگ تحمیلی، هواپیماها و موشک‌های عراق ۹ بار میان‌دوآب را هدف قرار دادند که بر اثر آن ۸۷ نفر از اهالی این شهر شهید و ۱۷۵ نفر مجروح شدند.

شهرستان میان‌دوآب ۲۲۳۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۲۴۷,۳۰۷ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر میان‌دوآب است که در ۱۶۶ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه قرار دارد. این شهر به دلیل واقع شدن بین دو رودخانه‌ی زرینه‌رود و سیمینه‌رود، میان‌دوآب نامیده می‌شود. بیش‌تر مردم میان‌دوآب آذری‌زبان هستند و کردها در روستاهای جنوب و غرب این شهرستان سکونت دارند.

با آغاز بحران در مناطق کردنشین ایران، گروه‌های تجزیه‌طلب بارها به میان‌دوآب نفوذ کردند و ناامنی‌هایی به وجود آوردند. شورشیان در جاده‌های اطراف این شهر نیز کمین می‌گذاشتند یا به مراکز نظامی و انتظامی حمله می‌کردند. برای نمونه، گروه‌های شورشی در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، با توپ و خمپاره به مقر گروه ۱۴ توپ‌خانه

میدان دفاع مقدس در شهر میان‌دوآب

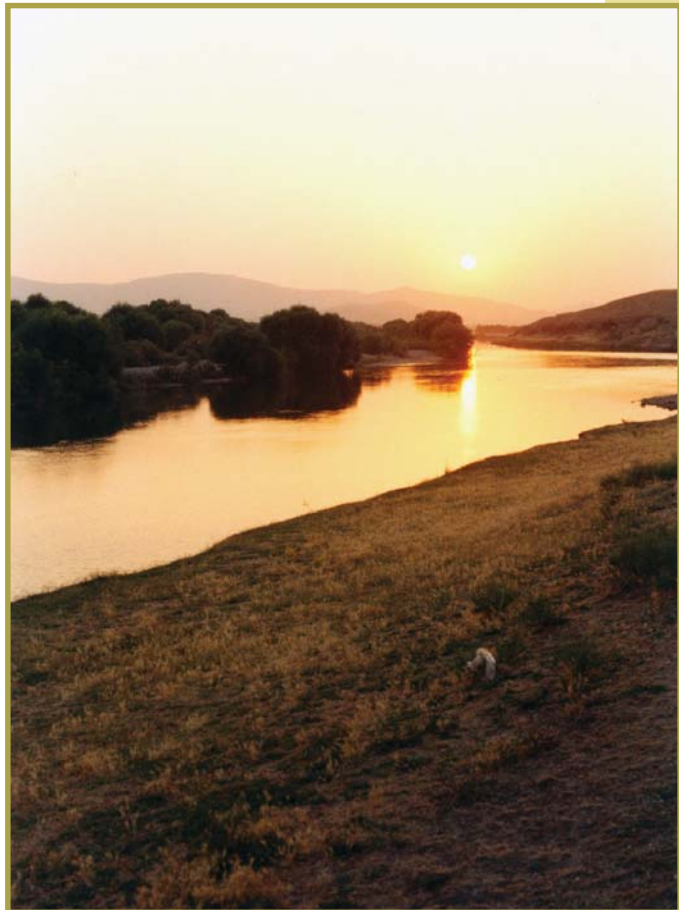




## شاهین دژ

شهرستان شاهین دژ ۲۱۴۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۹۰,۱۸۲ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر شاهین دژ است که در ۲۲۷ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه قرار دارد. در این شهر، آذری زبانان و کردها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند.

رودخانه زرینه رود در نزدیکی شاهین دژ



ناصر صفرزاده

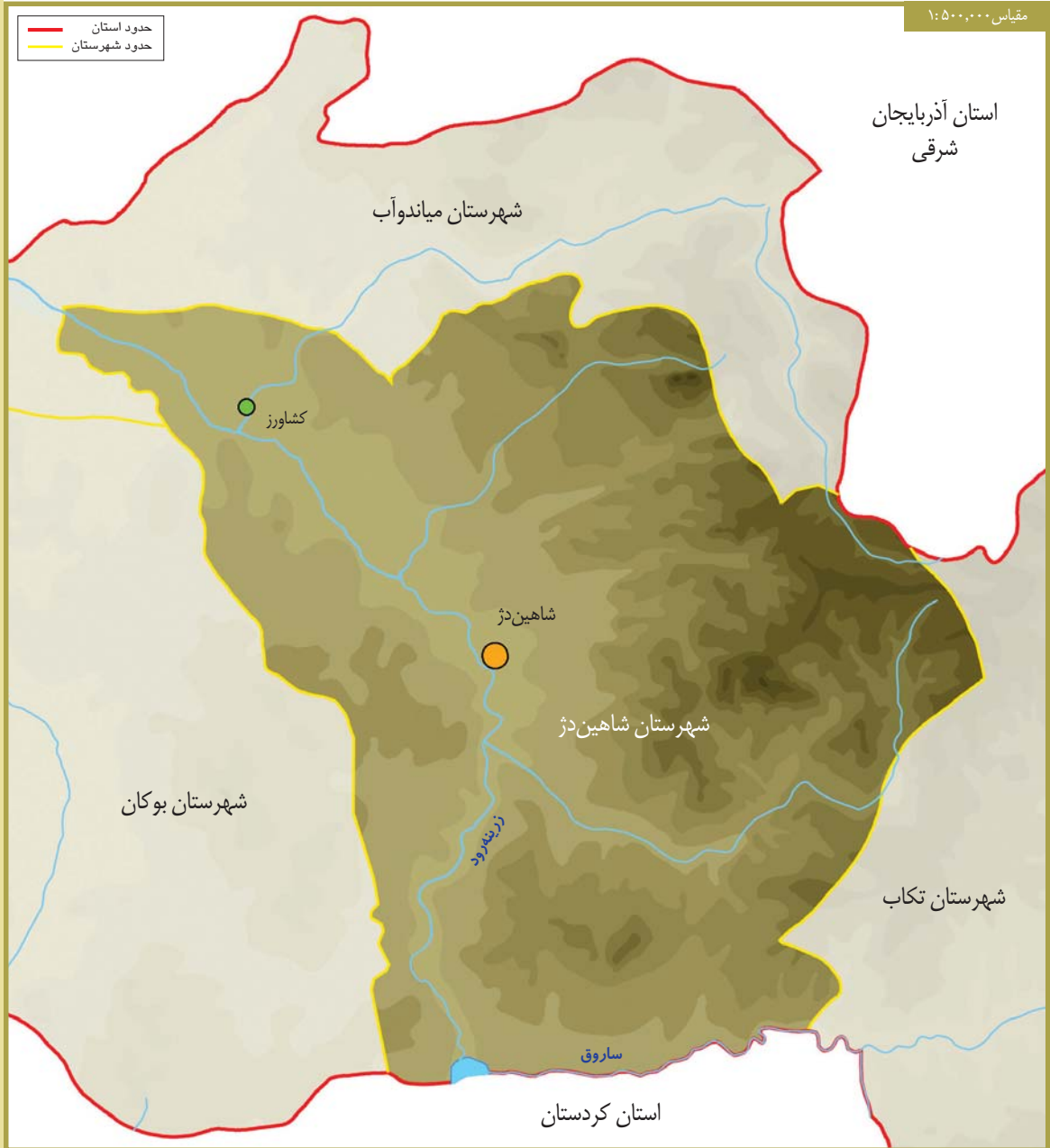


وقوع بحران در مناطق کردنشین سبب شد جمعیت بسیاری از روستاها به شاهین دژ مهاجرت کرده، این شهر کوچک را به شهری نسبتاً بزرگ تبدیل کنند. گروه‌های بحران‌زا علاوه بر ایجاد ناامنی در روستاها، به طور مداوم در جاده‌های اطراف شاهین دژ - که اغلب شنی یا خاکی بودند - مین‌گذاری می‌کردند یا با حمله به شهر و ایجاد ناامنی، آرامش ساکنان این شهر را برهم می‌زدند. شورشیان در یکی از مهم‌ترین حوادث در ۱۷ شهریور ۱۳۵۹، در مسیر حرکت فتحعلی راثی بخش‌دار و حسین قمی فرمانده وقت سپاه شاهین دژ، کمین کرده، آنان را دستگیر کردند و بعد از دو روز به شهادت رساندند.

یگان‌های سپاه و ژاندارمری برای برقراری امنیت در شاهین دژ عملیات‌های متعددی انجام دادند تا گروه‌های تجزیه‌طلب سرکوب شدند و امنیت در محدوده‌ی این شهرستان برقرار شد. در این عملیات‌ها، ناصر صفرزاده فرمانده وقت سپاه شاهین دژ و بوکان نقش مؤثری داشت.

در دوران جنگ ایران و عراق، هواپیماهای عراق ۳ بار شاهین دژ را بمباران کردند که بر اثر آن ۱۵ نفر از اهالی این شهر شهید و تعدادی نیز مجروح شدند.



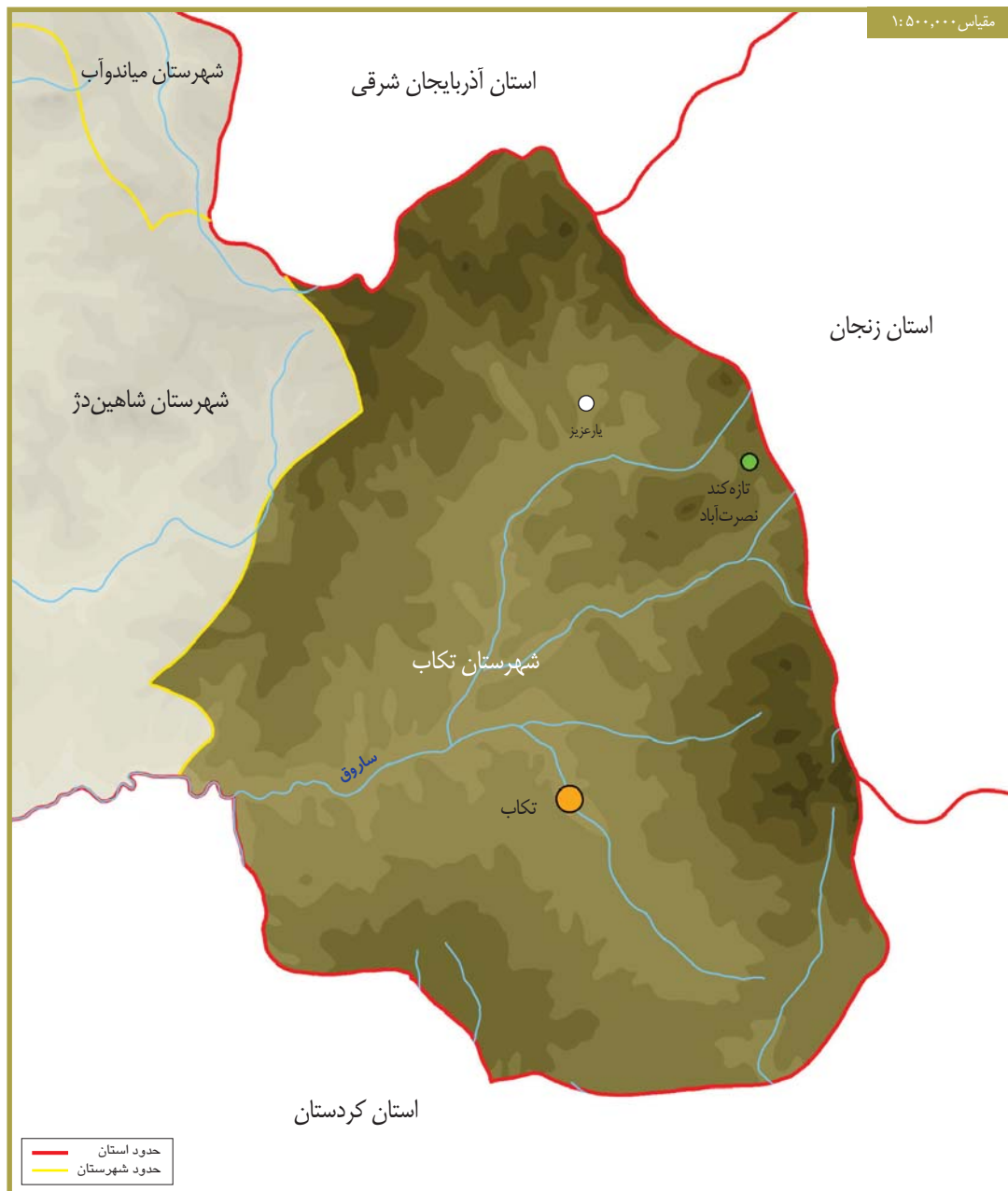


روستا، منازل آنان را به آتش کشیدند. در شهریور ۱۳۵۹، سپاه تکاب از مردم خواست به منظور افزایش ضریب امنیتی تکاب، سلاح و تجهیزاتشان را تحویل دهند. مردم شهر در مدت کوتاهی ۱۲۰۰ قبضه اسلحه از انواع گوناگون به سپاه تحویل دادند، اما با این اقدام نیز امنیت مطلوب در این شهرستان برقرار نشد. به همین دلیل، یگان‌های سپاه و ژاندارمری با همکاری نیروهای بومی به ویژه پیش‌مرگان مسلمان کرد، عملیات‌های متعددی را در روستاها و ارتفاعات اطراف تکاب انجام دادند تا با سرکوب گروه‌های ضد انقلاب، امنیت در این شهرستان برقرار شود. در این عملیات‌ها غلامحسین نسرین‌پور فرمانده سپاه تکاب نقش مؤثری داشت.

شهرستان تکاب ۲۵۲۳ کیلومتر مربع وسعت دارد و در سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۸۲،۲۷۴ نفر بوده است. مرکز شهرستان، شهر تکاب است که در منتهی‌الیه جنوب شرقی استان آذربایجان غربی و در ۳۱۰ کیلومتری جنوب شرقی ارومیه قرار دارد. ترکیب جمعیتی تکاب را آذری‌زبان‌ها و کردزبانان تشکیل داده‌اند. با آغاز بحران در استان آذربایجان غربی، گروه‌های تجزیه‌طلب، شهرها، روستاها و جاده‌های این شهرستان را ناامن کردند و با آتش‌زدن منازل و یا محصولات کشاورزی مردم، آنان را مجبور به مهاجرت کردند. شورشیان در ۱ مرداد ۱۳۵۹، به روستای یار عزیز حمله کردند و با آواره کردن ۱۶۰ خانوار ساکن این

گلزار شهدای تکاب









# فصل چهارم

## آزادسازی راه‌های ارتباطی

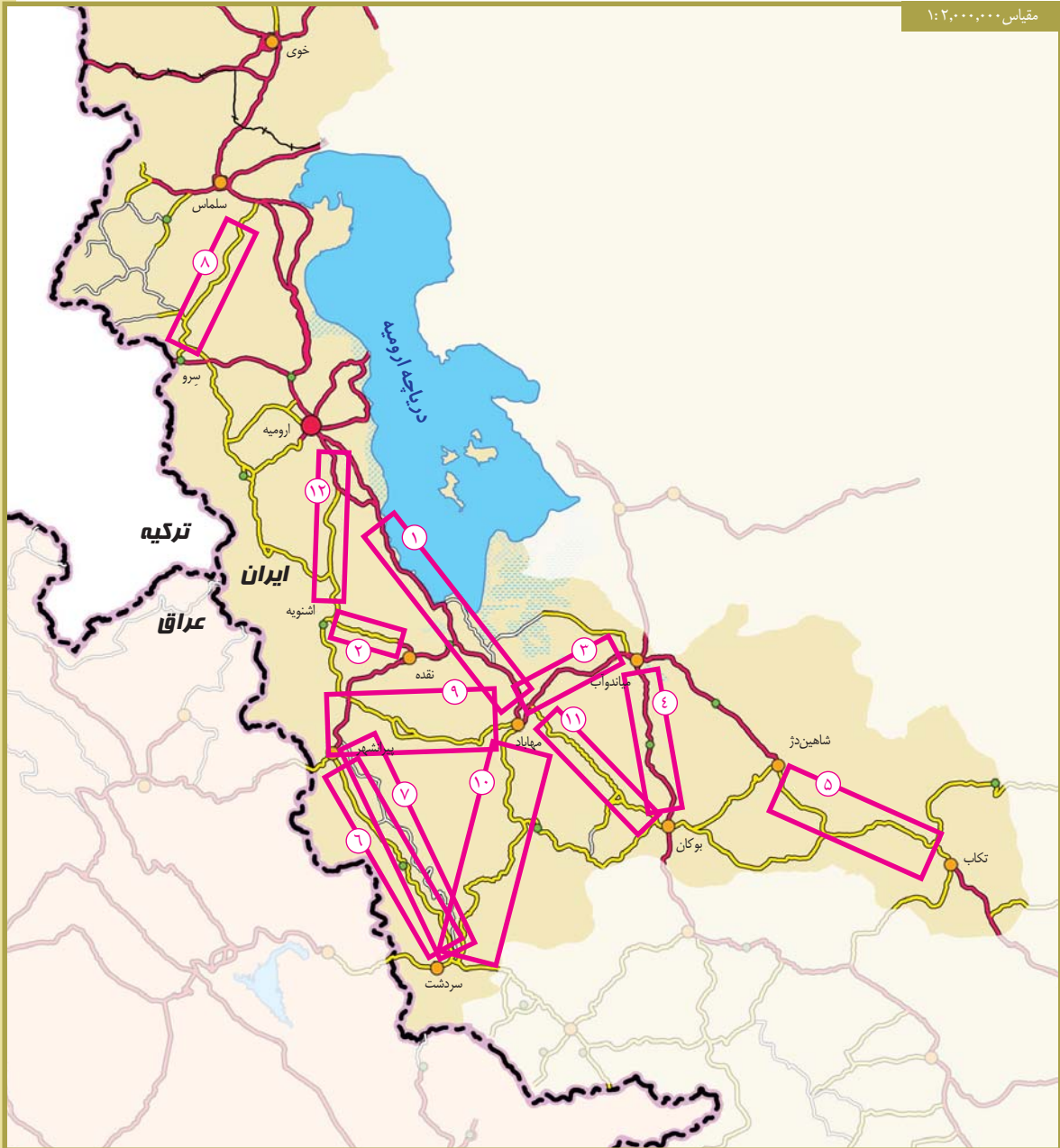
## آزادسازی راه‌های ارتباطی

مرحله‌ی دوم آزادسازی مناطق کردنشین از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب، آزادسازی راه‌های ارتباطی بود. البته، این بدان معنا نبود که یگان‌های مستقر در منطقه ابتدا همه‌ی شهرها را از کنترل شورشیان خارج و سپس محورهای مواصلاتی را آزاد کنند، بلکه بعد از آن‌که واحدهای سپاه، ارتش و ژاندارمری، شهری را از کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب خارج می‌کردند، پس از برقراری و تحکیم امنیت در آن شهر و به محض فراهم شدن مقدمات اجرای عملیات، آزادسازی جاده‌های ارتباطی آن شهر را آغاز می‌کردند. بدیهی است آزادسازی جاده‌های اصلی - که شهرها را به یکدیگر متصل می‌کردند - نسبت به جاده‌های فرعی، اولویت بیشتری داشتند.

عملیات آزادسازی جاده‌ها را نیز معمولاً یگان‌های عملیاتی مستقر در شهرهای دو سوی جاده مرحله به مرحله انجام می‌دادند تا پس از مدتی، جاده به طور کامل آزاد شود. بر اساس این راهبرد، همه‌ی جاده‌های اصلی بین شهری مناطق کردنشین در یک دوره‌ی زمانی سه ساله از کنترل گروه‌های شورشی خارج شد. با آزادسازی جاده‌ها از تسلط گروه‌های ضد انقلاب، شورشیان مخفیانه به کنار جاده‌ها می‌آمدند و در مسیر عبور خودروها کمین می‌گذاشتند.

بنابراین، مدت‌ها پس از آزادسازی هر جاده، پایگاه‌هایی در کنار آن ایجاد می‌شد و افرادی برای تأمین جاده در بین پایگاه‌ها مستقر می‌شدند تا شورشیان نتوانند به اقدامات شرارت‌آمیز دست بزنند. در این دوره، عبور و مرور در جاده‌ها فقط در طول روز امکان‌پذیر بود و شب‌ها رفت و آمدی انجام نمی‌شد، اما بعد از بهبود وضعیت امنیت شهرها و جاده‌ها، امنیت لازم برای عبور و مرور، به طور شبانه‌روزی نیز برقرار شد.

ردیف	جاده	طول (کیلومتر)	تاریخ آزادسازی
۱	ارومیه - مهاباد	۱۱۹	۱۳۵۹/۶/۲۶
۲	نقده - اشنویه	۳۲	۱۳۶۰/۶/۲۳
۳	مهاباد - میاندوآب	۴۷	۱۳۶۰/۷/۷
۴	میاندوآب - بوکان	۶۰	۱۳۶۰/۷/۱۰
۵	تکاب - شاهین دژ	۸۴	۱۳۶۱/۴/۲۷
۶	پیرانشهر - سردشت	۹۵	۱۳۶۱/۷/۲۵
۷	پیرانشهر - هنگ آباد - سردشت	۱۱۰	آبان ۱۳۶۱
۸	سلماس - سرو	۹۰	۱۳۶۲/۱/۷
۹	مهاباد - پسوه - پیرانشهر	۹۱	۱۳۶۲/۲/۱
۱۰	مهاباد - سردشت	۱۲۵	اردیبهشت ۱۳۶۲
۱۱	مهاباد - بوکان	۷۰	اردیبهشت ۱۳۶۲
۱۲	ارومیه - اشنویه	۷۳	شهریور ۱۳۶۲



## جاده ارومیه - مهاباد

شهید مهدی امینی



یادمان شهید محمد بروجردی در جاده ارومیه - مهاباد



جاده‌ی ارومیه - مهاباد با ۱۱۹ کیلومتر طول، مهم‌ترین مسیر ارتباطی بین شهرهای شمالی و جنوبی استان آذربایجان غربی است. دریاچه‌ی ارومیه در سمت شرق و ارتفاعات اجاق و خان‌طاووس در سمت غرب جاده قرار دارند.

زمانی که مهاباد در کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب بود، این جاده در حد فاصل سه‌راهی محمدیار تا مهاباد در تسلط شورشیان قرار داشت و آنان در حد فاصل ارومیه تا سه‌راهی محمدیار، با نفوذ در آن محدوده کمین و به خودروهای در حال عبور حمله می‌کردند.

با آزادسازی شهر مهاباد در ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، جاده‌ی ارومیه - مهاباد در حد فاصل سه‌راهی محمدیار تا مهاباد از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب خارج و در طول مسیر، پایگاه‌های متعددی برای برقراری امنیت ایجاد شد. با وجود برقراری امنیت در طول جاده، شورشیان همواره در این مسیر کمین می‌گذاشتند یا در روستاهای اطراف با نیروهای نظامی و انتظامی درگیر می‌شدند.

برای نمونه، شورشیان در ۹ مهر ۱۳۵۹، به ستون ارتش در این جاده حمله و ۹ نفر را مجروح کردند. همچنین، در عملیاتی که برای بیرون کردن شورشیان از روستای دارلک واقع در شرق جاده‌ی ارومیه - مهاباد در ۲۴ فروردین ۱۳۶۰، انجام شد، نیروهای رزمنده در کمین دشمن افتادند و ۱۸ نفر از آنان از جمله مهدی امینی شهید و ۵۶ نفر مجروح شدند.

در حادثه‌ی دیگری، نیروهای سپاه و بسیج ارومیه و نقده، در ۱۸ خرداد ۱۳۶۰، به کمین گروه‌های شورشی افتادند که در این درگیری، ۲ بال‌گرد هوانیروز سقوط کرد و ۳۵ نفر از نیروهای سپاه، هوانیروز و بسیج به شهادت رسیدند.

در همین محور، در جاده‌ی فرعی واقع در جنوب سه‌راهی نقده، خودرو حامل محمد بروجردی فرمانده تیپ ویژه‌ی شهدا، در ۱ خرداد ۱۳۶۲، روی مین رفت و وی به شهادت رسید.





## جاده نقده - اشنویه

### مین‌گذاری در جاده‌ی نقده - اشنویه

تاریخ	تعداد	وسیله‌ی نقلیه	شهید	مجروح
۱۳۵۹/۴/۷	۱	خودرو سپاه	۵	-
۱۳۵۹/۵/۱۷	۱	خودرو ژاندارمری	-	۱
۱۳۵۹/۶/۵	۲	خودرو ژاندارمری و یک دستگاه کمباین شخصی	-	۳
۱۳۵۹/۶/۵	۱	خودرو ارتش	-	۳

نفر شهید و ۷ نفر مجروح شدند.

این وضعیت تا شهریور سال ۱۳۶۰، ادامه داشت تا این‌که بعد از آزادسازی شهر اشنویه، نیروهای ژاندارمری در ۲۳ شهریور ۱۳۶۰، جاده‌ی نقده - اشنویه را از تسلط شورشیان خارج و با ایجاد پایگاه در اطراف آن، امنیت عبور و مرور در این جاده را برقرار کردند.

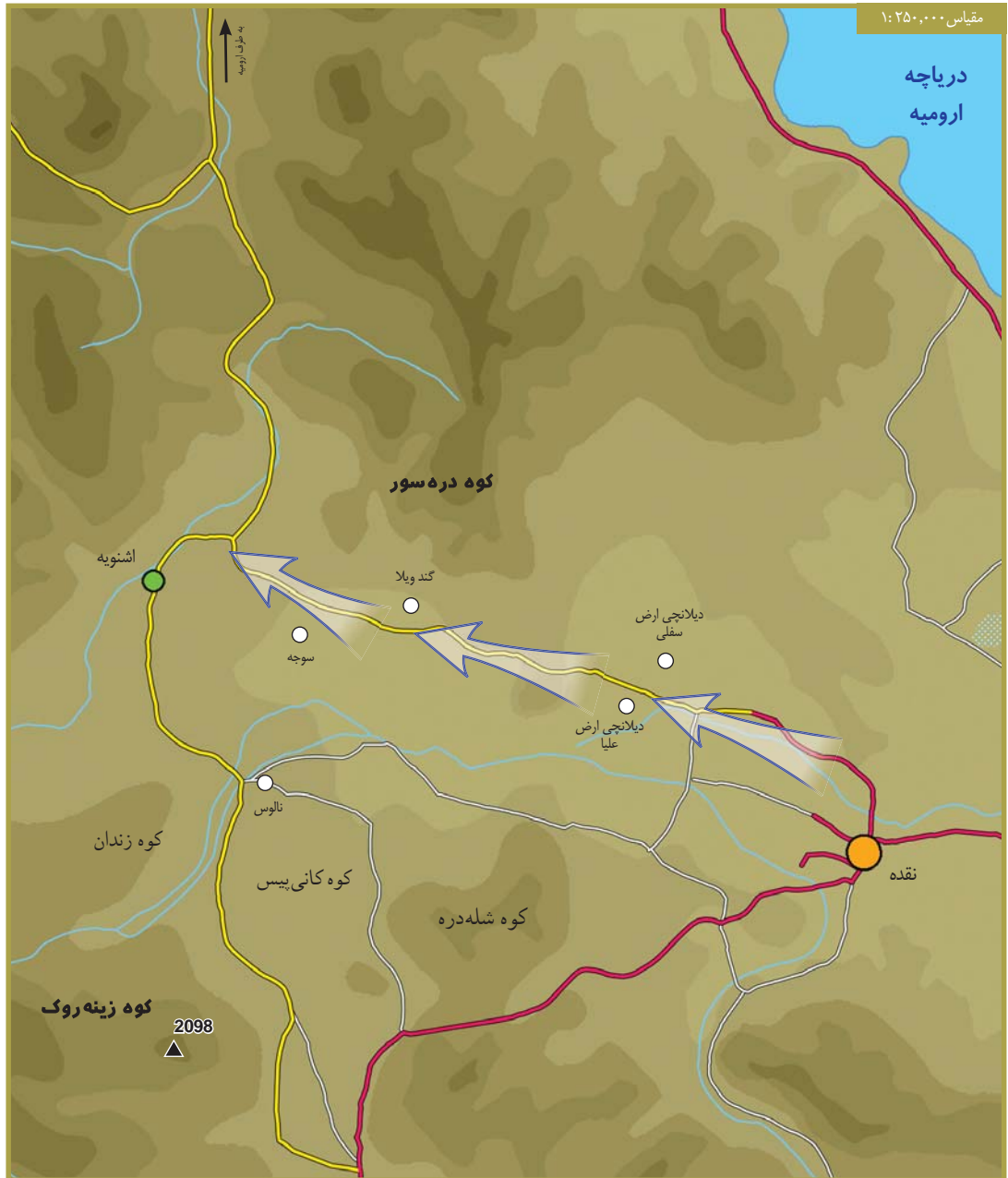
طول جاده‌ی نقده - اشنویه ۳۲ کیلومتر است و ارتفاعات دره‌سور در شمال آن قرار دارد. این جاده با عبور از دشت وسیعی به جاده‌ی ارومیه - اشنویه متصل و سپس به اشنویه منتهی می‌شود.

هنگامی که اقدامات ناامن‌کننده‌ی گروه‌های تجزیه‌طلب در جاده‌ی نقده - اشنویه افزایش یافت، گردانی از لشکر ۶۴ ارومیه در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹، مأمور شد با سرکوب شورشیان، امنیت این جاده را برقرار کند. شورشیان با محاصره‌ی نیروهای در حال حرکت این گردان، درصدد برآمدن آنان را خلع سلاح کنند، اما با مقاومت نیروها و دست‌گیری چند نفر از اشرار، این گردان وارد اشنویه شد.

پس از این ناکامی، گروه‌های تجزیه‌طلب اقدام به مین‌گذاری در جاده‌ی نقده - اشنویه کردند که به رغم کشف و خنثی شدن تعدادی مین در این جاده در طول دو ماه، ۵ مین در این جاده منفجر شد که بر اثر آن ۵

پاسگاه تأمین جاده در کنار جاده‌ی نقده - اشنویه

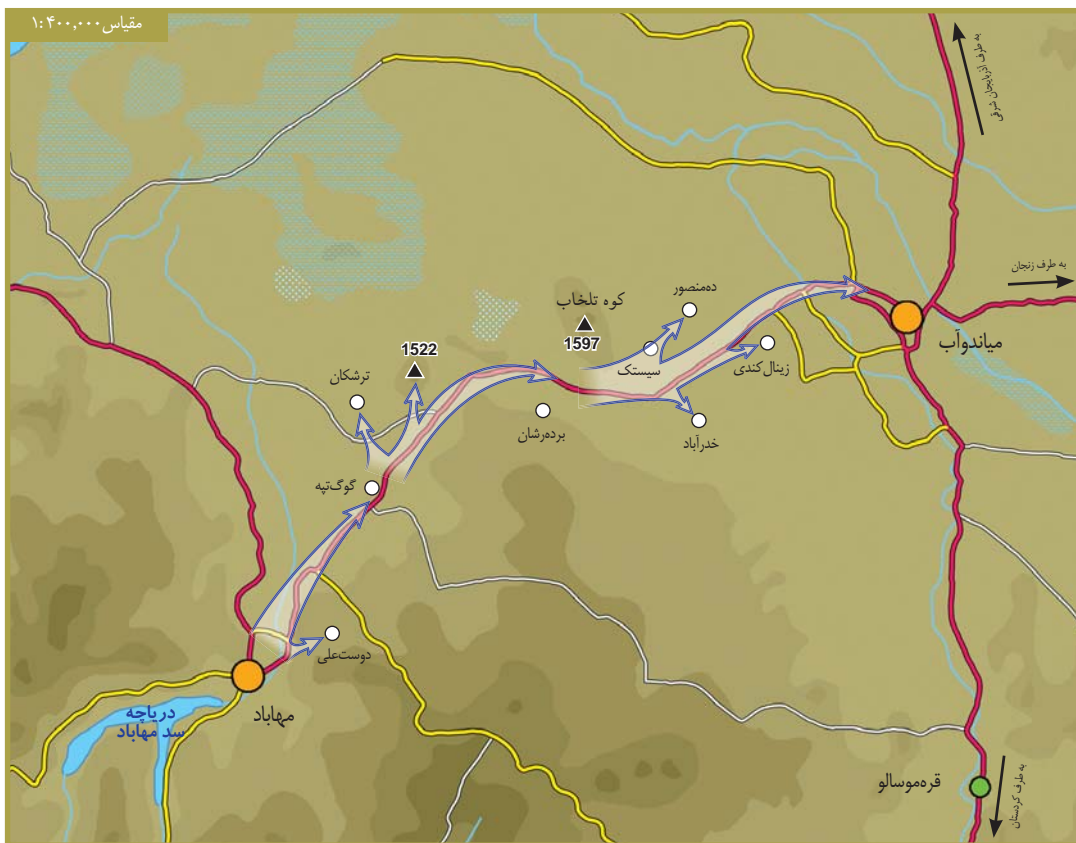




## جاده مهباد - میاندوآب

می‌گذاشتند. تا قبل از مهر ۱۳۶۰، یگان‌های سپاه و ارتش، امنیت این جاده را تأمین کرده بودند، اما به دلیل نبود پایگاه در طول مسیر، جاده همچنان ناامن بود. در ۷ مهر ۱۳۶۰، واحدهای عملیاتی سپاه، ارتش، ژاندارمری و پیش‌مرگان مسلمان کرد عملیات بزرگی را در طول این جاده اجرا کردند که در طول آن مقرهای شورشیان در روستاهای اطراف مسیر منهدم و با استقرار پایگاه در نقاط حساس، عبور و مرور در این جاده برقرار شد.

جاده‌ی مهباد - میاندوآب، ۴۷ کیلومتر طول دارد. اطراف این جاده در سمت مهباد، باغ‌های میوه و درختان بسیاری وجود دارد. جاده‌ی مهباد - میاندوآب که بخشی از راه ارتباطی ارومیه - مرکز استان - به استان‌های آذربایجان شرقی، زنجان و کردستان به شمار می‌آید، اهمیت فراوانی در اقتصاد استان دارد و روزانه خودروهای بسیاری از آن عبور می‌کنند. به همین دلیل، گروه‌های تجزیه‌طلب بخش وسیعی از این جاده را در کنترل داشتند و در سایر نقاط نیز کمین



آزادسازی جاده‌ی مهباد - میاندوآب

## جاده مهاباد - پسوه - پیرانشهر

از جاده را در حد فاصل قاضی آباد تا دهیکر در اختیار گرفتند. سپس همین واحدها ۱۵ کیلومتر دیگر را تا گردنه‌ی میران به تصرف درآوردند.

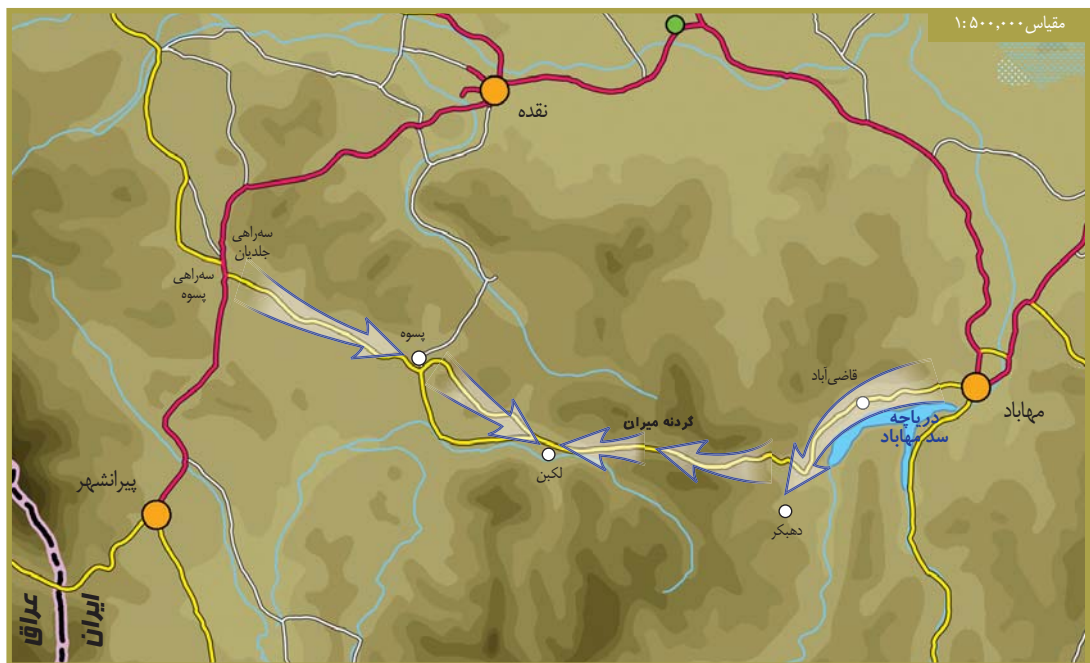
پس از آن، واحد جندالله سپاه پیرانشهر با پشتیبانی گروهانی از ارتش، این جاده را در حد فاصل سه راهی پسوه تا شهر پسوه از کنترل شورشیان خارج کرد. در این درگیری ۳۵ نفر از شورشیان کشته و ۱۵ نفر زخمی شدند.

در آخرین مرحله از عملیات، یگان‌های سپاه مهاباد و پیرانشهر؛ واحدهای ارتش و عشایر منطقه‌ی مهاباد و پیرانشهر، در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۲، از دو محور وارد عمل شدند و باقی مانده‌ی جاده را در حد فاصل گردنه‌ی میران تا پسوه آزاد و عبور و مرور در این جاده را پس از ۴ سال برقرار کردند.

جاده‌ی ۹۱ کیلومتری مهاباد - پسوه - پیرانشهر از شمال دریاچه‌ی سد مهاباد عبور می‌کند و پس از گذر از چند گردنه به پسوه می‌رسد و از آنجا تا سه راهی نقده - پیرانشهر ادامه می‌یابد. با وجود آن‌که در پادگان پسوه یگانی از ارتش مستقر بود، اما گروه‌های تجزیه‌طلب دمکرات، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و مجاهدین خلق (منافقین) در پسوه پایگاه داشتند و ضمن تسلط بر شهر، رفت و آمد را در جاده نیز کنترل می‌کردند. به همین دلیل، نیروهای خودی تصمیم گرفتند در طول چند مرحله عملیات، جاده‌ی مهاباد به پسوه و پیرانشهر را از کنترل شورشیان خارج کنند.

یگان‌های مانوری سپاه و ارتش با همراهی رزمندگان سلحشور عشایر منگور در ۲۳ شهریور ۱۳۶۱، ابتدا از محور مهاباد، به شورشیان حمله کردند و ۱۵ کیلومتر

آزادسازی جاده‌ی مهاباد - پسوه - پیرانشهر



## جاده میاندوآب - بوکان

مهر ۱۳۶۰، تأمین نشد و جاده در کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب بود. هنگامی که یگان‌های سپاه، ارتش و پیش‌مرگان مسلمان کرد درصد برآمدند شهر بوکان را از کنترل شورشیان خارج کنند، مقرر شد ابتدا جاده‌ی میاندوآب - بوکان آزاد و سپس عملیات آزادسازی شهر اجرا شود.

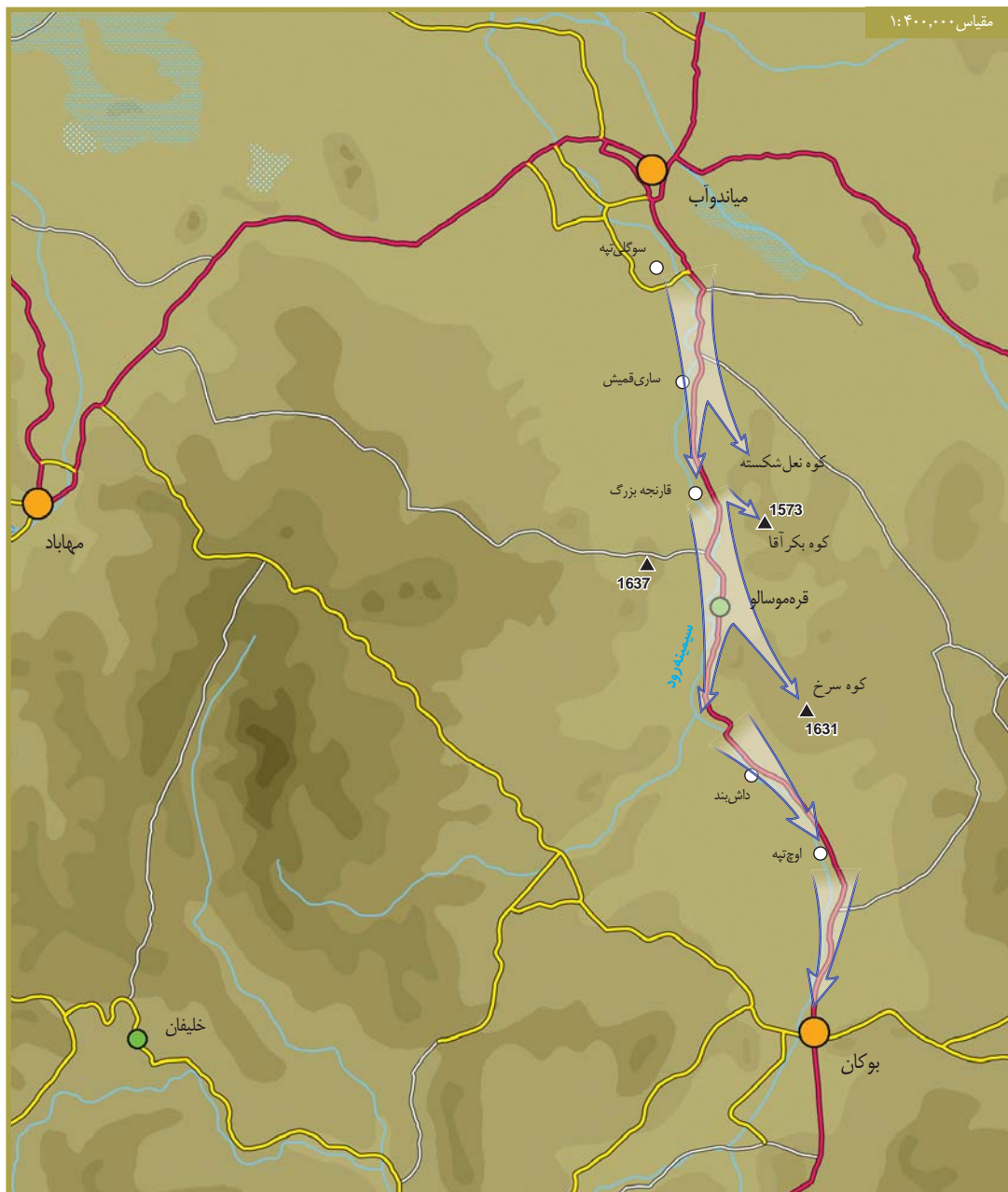
بدین منظور، ۱۶۰ نفر از نیروهای سپاه به همراه یک گردان از ارتش و تعدادی از پیش‌مرگان مسلمان کرد به فرماندهی محمد بروجردی در ۱۰ مهر ۱۳۶۰، وارد عمل شدند و مرحله به مرحله، جاده‌ی میاندوآب - بوکان را از کنترل گروه‌های تجزیه‌طلب خارج و -مقدمات آزادسازی شهر بوکان را فراهم کردند.

جاده‌ی میاندوآب - بوکان، ۶۰ کیلومتر است و رودخانه‌ی سیمینه‌رود از غرب آن عبور می‌کند. در دوره‌ی که شهر بوکان در اشغال گروه‌های شورشی بود، پاسداران شهر میاندوآب گه‌گاه عملیاتی را در روستاهای اطراف این جاده انجام می‌دادند تا هم امنیت شهر میاندوآب حفظ شود و هم شورشیان از محدوده‌ی جنوب غربی میاندوآب دور شوند. در یکی از این عملیات‌ها که در ۱ خرداد ۱۳۶۰ انجام شد، نیروهای سپاه مهاباد به مقر شورشیان حزب دمکرات در روستای ساری‌قمیش حمله کردند و ۳۰ نفر از آنان را به هلاکت رساندند.

با وجود این، امنیت جاده‌ی میاندوآب - بوکان تا

منطقه کمین‌گاهی در جاده‌ی میاندوآب - بوکان





## جاده تکاب - شاهین دژ

کردستان) و سرهنگ بهرام پور (فرمانده ژاندارمری استان کردستان) در ۲۲ تیر ۱۳۶۱، جاده تکاب - شاهین دژ در حد فاصل اینچه تا سانجود آزاد شد. مرحله‌ی سوم عملیات که در ۲۷ تیر ۱۳۶۱، با حضور محمد بروجردی و جواد استکی مسئول عملیات قرارگاه حمزه اجرا شد، جاده در حد فاصل شاهین دژ تا سانجود به تصرف رزمندگان اسلام درآمد. در عملیات آزادسازی این جاده، ۸ نفر از نیروهای خودی شهید و ۲۲ نفر مجروح و از گروه‌های ضد انقلاب نیز ۵۳ نفر کشته و ۲۴ نفر زخمی شدند.

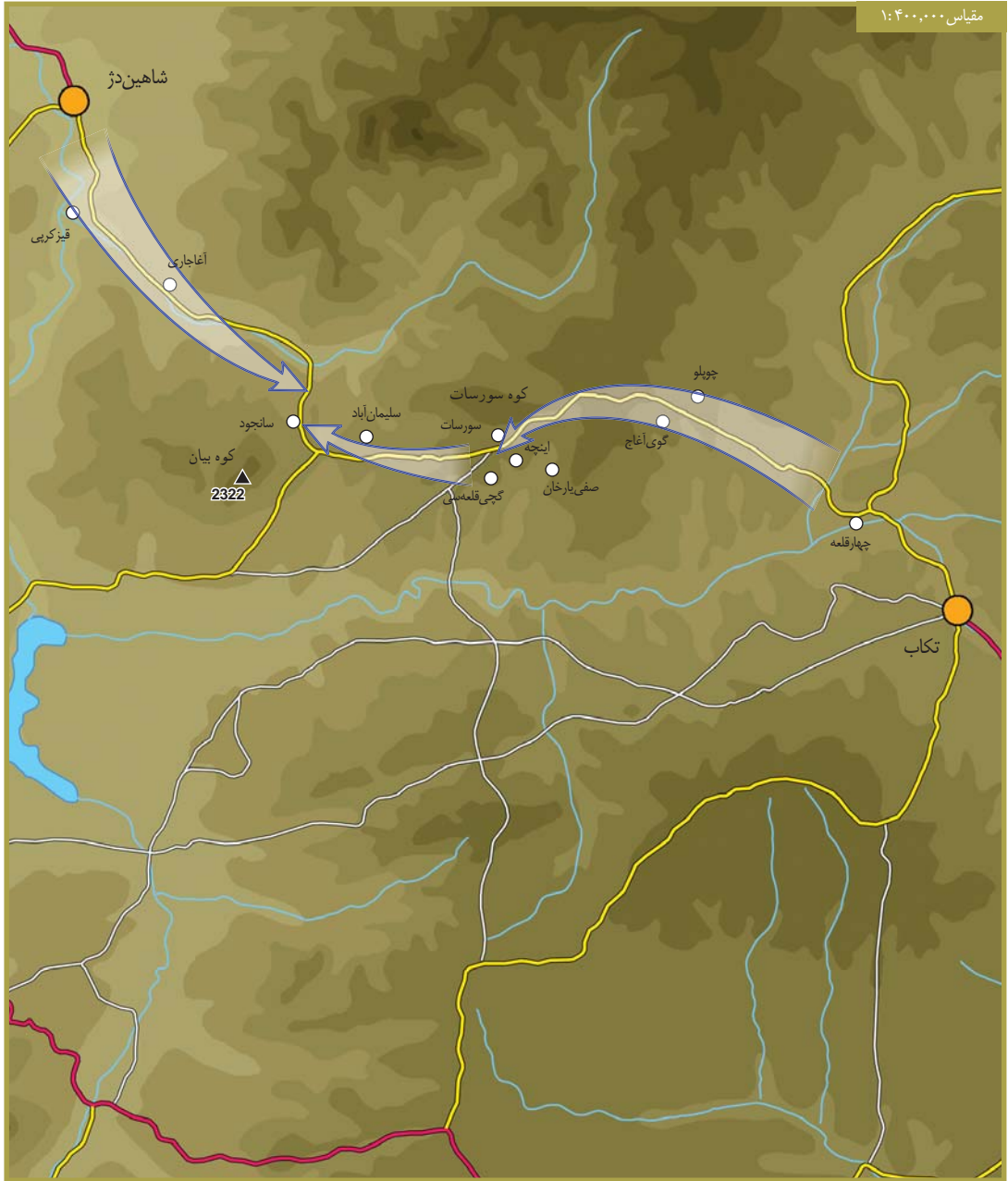
فاصله بین تکاب تا شاهین دژ ۸۴ کیلومتر است. جاده‌ی غیرآسفالته بین این دو شهر مدت‌ها در کنترل گروه‌های شورشی قرار داشت و ارتباط تکاب با مرکز استان قطع بود تا این‌که عملیات آزادسازی این جاده در سه مرحله انجام شد.

در مرحله‌ی اول، نیروهای سپاه تکاب با پشتیبانی آتش بال‌گردهای هوانیروز، روستاهای صفی‌یارخان، اینچه، گچی‌قلعه‌سی و سورسات را از کنترل شورشیان خارج و ۳۵ کیلومتر از جاده را آزاد کردند. در مرحله‌ی دوم، با هماهنگی ناصر کاظمی (فرمانده سپاه

روستایی در جاده‌ی تکاب - شاهین دژ







## جاده پیرانشهر - میرآباد - سردشت

سمت راست: شهید ناصر کاظمی؛ سمت چپ: شهید محمدعلی گنجی زاده



عملیات که از دو سمت این جاده (پیرانشهر و سردشت) انجام شد، گروه‌های شورشی را سرکوب و عبور و مرور در این جاده‌ی غیرآسفالته را که بسیار باریک و صعب‌العبور بود، برقرار کنند.

عملیات از محور پیرانشهر در ۵ مرحله انجام شد. در این عملیات‌ها که از اول خرداد تا آخر مهر سال ۱۳۶۱، طول کشید، ۳۸ نفر از نیروهای خودی شهید؛ ۸۷ نفر مجروح و ۱۴ نفر مفقود یا اسیر شدند و ۴ نفر از نیروهای خودی که قبلاً به اسارت گروه‌های ضد انقلاب درآمده بودند، آزاد شدند. از گروه‌های شورشی نیز ۲۱۰ نفر کشته و حدود ۳۵۰ نفر مجروح شدند.

عملیات از محور سردشت نیز در ۳ مرحله انجام شد که از ۲۴ شهریور ۱۳۶۱ تا ۲۵ مهر ۱۳۶۱، ادامه داشت. در این محور ۷۰ نفر از شورشیان کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شدند.

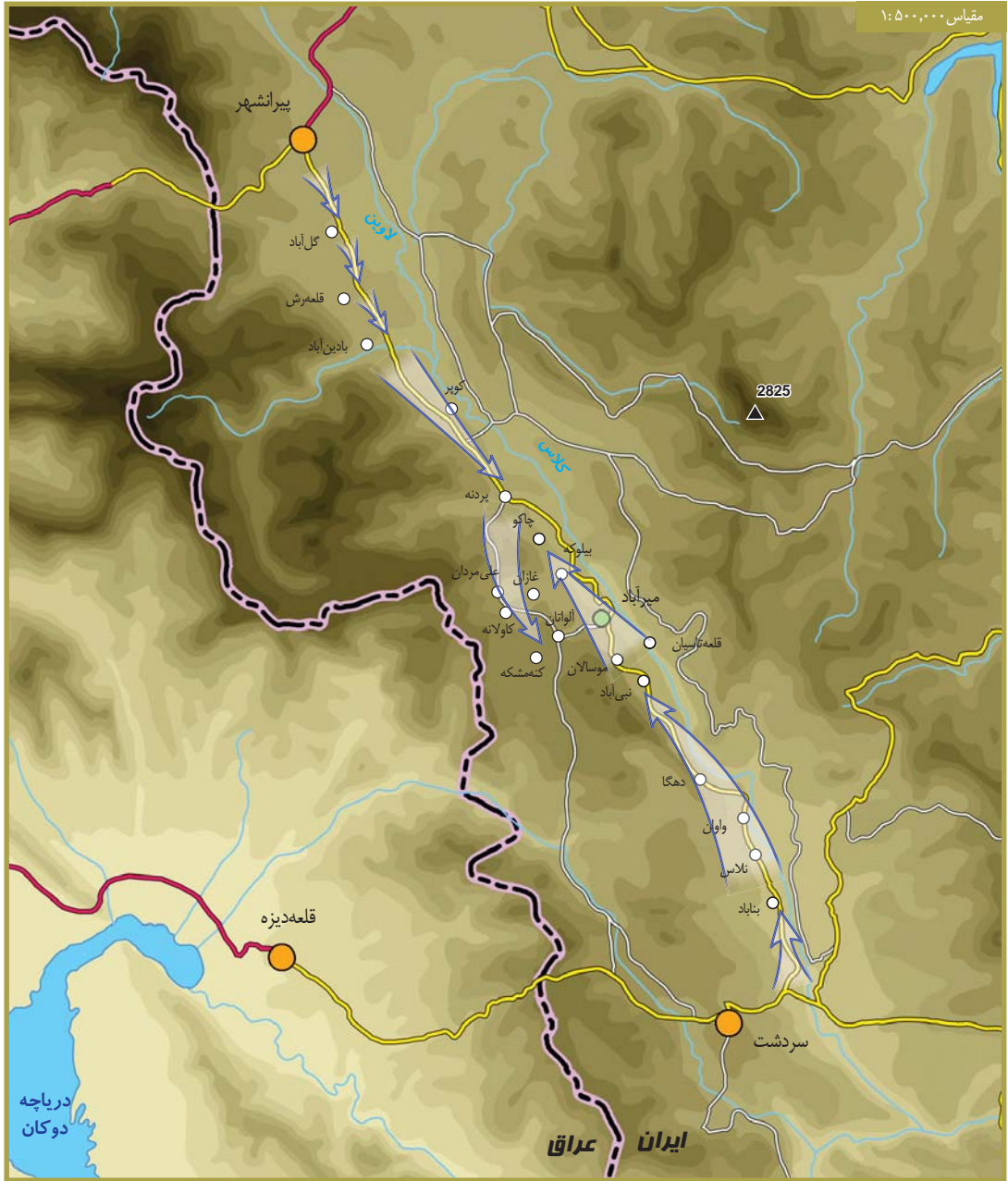
آزادسازی این جاده آن قدر اهمیت داشت که شهادت ناصر کاظمی و محمدعلی گنجی‌زاده دو تن از فرماندهان عالی‌رتبه‌ی قرارگاه حمزه سیدالشهدا - که نقش تعیین‌کننده‌ی در موفقیت این عملیات‌ها داشتند - نتوانست مانع از تداوم آن شود و یگان‌ها تا آزادسازی کامل جاده به عملیات ادامه دادند و امام خمینی نیز در پایان عملیات پیام تبریکی برای رزمندگان اسلام ارسال کردند.

طول جاده‌ی پیرانشهر - میرآباد - سردشت ۹۵ کیلومتر است که نیمی از آن از مناطق جنگلی و دره‌ی رودخانه‌ی کلاس می‌گذرد. گروه‌های تجزیه‌طلب دمکرات، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و سازمان مجاهدین (منافقین) با توجه به اهمیت این جاده - که به موازات مرز ایران و عراق قرار دارد - اصلی‌ترین مقرهای خود را در روستاهای اطراف این جاده مستقر کرده بودند و در وضعیتی که ایران در حال جنگ با کشور عراق بود، سران این گروه‌ها تصمیم گرفته بودند با کمک ۴۰۰ نفر از نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، مانع از تسلط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر این جاده شوند.

در چنین وضعیتی، یگان‌های سپاه، ارتش و پیش‌مرگان مسلمان کرد با پشتیبانی نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق موفق شدند در چند مرحله

دره‌ی رودخانه‌ی کلاس در جاده‌ی پیرانشهر - سردشت





## جاده پیرانشهر - هنگ آباد - سردشت

از محور سردشت نیز عملیات در سه مرحله اجرا شد. در مرحله‌ی اول که از ۲۲ مهر ۱۳۶۱ آغاز شد، جاده در حد فاصل روستاهای عثمان‌آباد تا ولیو به کنترل یگان‌های خودی درآمد.

مرحله‌ی دوم عملیات در آبان ۱۳۶۱ انجام و در طول آن روستاهای ولیو تا شیوه‌جو از تسلط گروه‌های شورشی خارج شد.

در مرحله‌ی سوم عملیات - که در همین ماه اجرا شد - رزمندگان اسلام بعد از پاک‌سازی روستاهای سلمان، شیواوشان، اسپیدره، گور، نیواش، آلاوان و دشت‌قوره، نقاط پاک‌سازی‌نشده‌ی این جاده را تصرف و ارتباط شهرهای پیرانشهر و سردشت را از طریق هنگ‌آباد نیز برقرار کردند.

در این عملیات ۳۰ نفر از نیروهای خودی شهید و ۵۵ نفر مجروح و از نیروهای تجزیه‌طلب نیز ۷۰ نفر کشته و حدود ۱۴۰ نفر زخمی شدند. در پایان عملیات، در میان کشته‌شدگان گروه‌های شورشی، ۳ کرد عراقی شناسایی شدند.

جاده‌ی پیرانشهر - هنگ‌آباد - سردشت که در گذشته جاده‌ی اصلی بین دو شهر پیرانشهر و سردشت بود، حدود ۱۱۰ کیلومتر طول دارد و بعد از روستای هنگ‌آباد وارد منطقه‌ی جنگلی می‌شود. عملیات آزادسازی این جاده‌ی غیرآسفالت‌ه هم‌زمان با آزادسازی جاده‌ی پیرانشهر - میرآباد - سردشت در چند مرحله انجام شد.

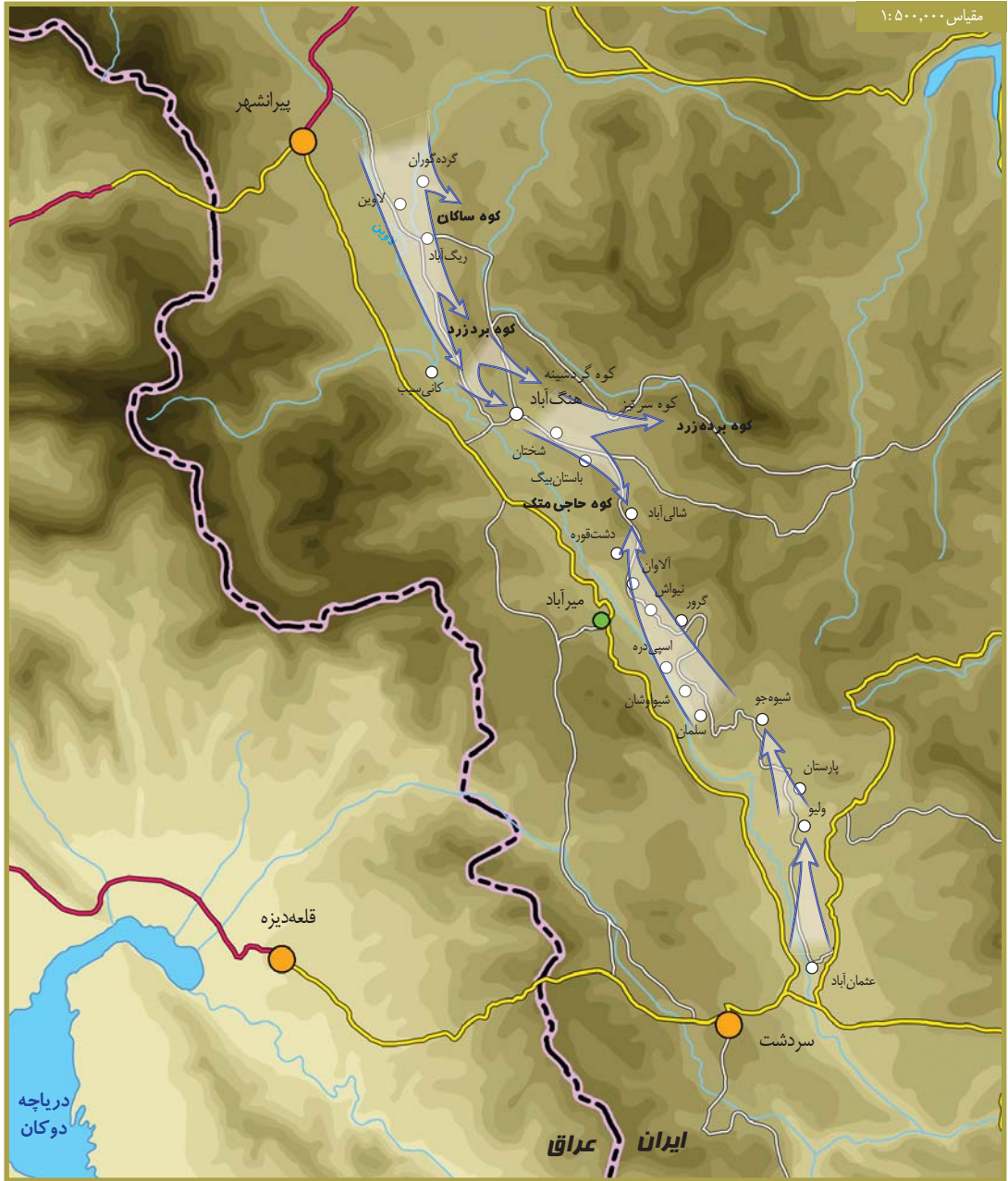
مرحله‌ی اول عملیات در ۱۷ شهریور ۱۳۶۱، از سمت پیرانشهر آغاز شد و علاوه بر ارتفاعات ساکان و بردزرد (۱۹۹۱ متر)، روستاهای گرده‌گوران، لاین، ریگ‌آباد و کانی‌سیب به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

مرحله‌ی دوم عملیات در ۲۳ شهریور ۱۳۶۱ انجام شد و در طول آن کوه گردشینه از کنترل شورشیان خارج شد.

در مرحله‌ی سوم که در ۲ مهر ۱۳۶۱ آغاز شد، ارتفاعات سرتیز، برده‌زرد (۲۲۴۴) و حاجی‌متک و همچنین ۱۵ روستای منطقه از جمله شختان، باستان‌بیگ و شالی‌آباد به تصرف یگان‌های عملیاتی درآمد.

بل جاده‌ی پیرانشهر - هنگ‌آباد - سردشت (محل شهادت ناصر کاظمی)





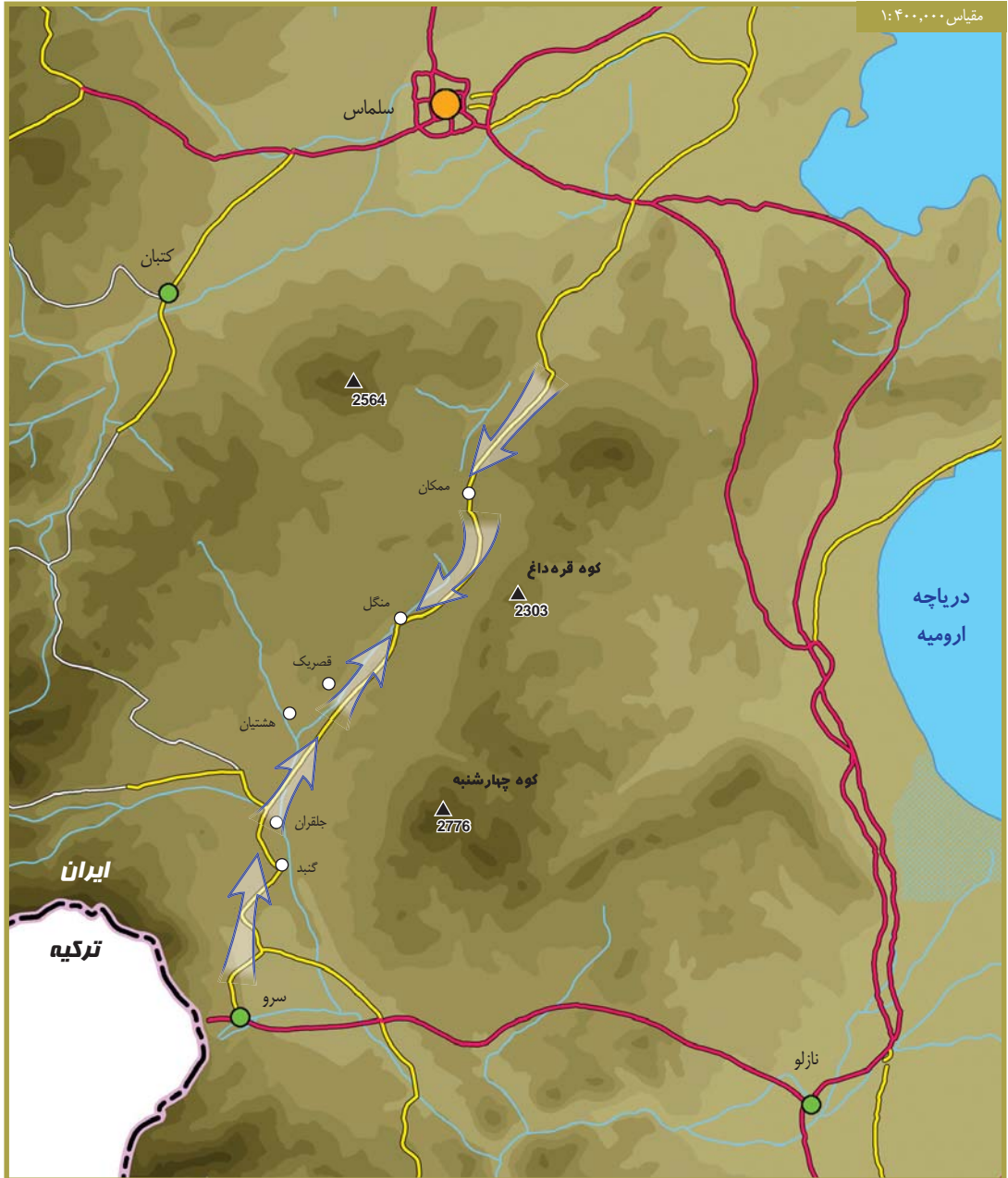
## جاده سلماس - سرو

فروردین ۱۳۶۲، عملیاتی را از دو سمت سلماس و سرو آغاز کردند که در طول آن روستاهای گنبد، جلقران، هشتیان، قصریک، منگل و امکان از کنترل شورشیان و اشراخ خارج و عبور و مرور در این راه برقرار شد. در این عملیات، ۲۰ نفر از شورشیان کشته و ۱۰ نفر دستگیر شدند و یک خودرو و ۲۵ قبضه سلاح سبک و سنگین به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

جاده‌ی سلماس - سرو، ۹۱ کیلومتر طول دارد و از منطقه‌ی صومای می‌گذرد. در این منطقه، علاوه بر نیروهای گروه‌های ضد انقلاب، تعداد زیادی از اشراخ به سرکردگی صنار مامدی و طاهر سیمیتقو مستقر بودند و جاده‌ی سلماس - سرو را تحت کنترل داشتند و مانع از رفت و آمد در این جاده می‌شدند. یگان‌های سپاه و ارتش با همکاری عشایر کرد محلی در ۷

نیروهای ارتش در هنگام عملیات پاک‌سازی





## جاده مهاباد - سردشت

روستاهای عثمان آباد، میکل آباد، مرانه، هندآباد، لیلانه و شالگه پاک‌سازی شدند و جاده در حد فاصل پل کلته تا شهرک ربط به کنترل نیروهای خودی درآمد. در آبان ۱۳۶۱، نیروهای خودی جاده را در حد فاصل ربط تا روستای سارتکه از تسلط گروه‌های شورشی خارج کردند.

در مرحله‌ی پایانی، برای آزادسازی گردنه‌ی زمزیران در ۲۷ فروردین ۱۳۶۲ از دو محور عملیات شد؛ نیروهای محور مهاباد از سه راهی آمید و نیروهای محور سردشت از منطقه‌ی ربط وارد عملیات شدند. یگان‌های سپاه (به‌خصوص تیپ ویژه‌ی شهدا)، ارتش و ژاندارمری با همکاری عشایر کرد، در طول ۲۰ روز گروه‌های شورشی را سرکوب کردند. بدین ترتیب گردنه‌ی زمزیران آزاد و عبور و مرور بعد از ۴ سال در این جاده برقرار شد.

طول جاده‌ی مهاباد - سردشت ۱۲۵ کیلومتر است. این جاده بعد از عبور از کنار دریاچه‌ی سد مهاباد از تنگه‌های متعددی می‌گذرد تا به گردنه‌ی زمزیران می‌رسد و سپس با عبور از یک منطقه‌ی جنگلی به شهرک ربط و سردشت منتهی شود.

سران گروه‌های شورشی، به دلیل اهمیت جاده مصمم بودند کنترل آن را از دست ندهند، اما یگان‌های عملیاتی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در چند مرحله عملیات از دو محور مهاباد و سردشت، این جاده را از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب خارج کردند.

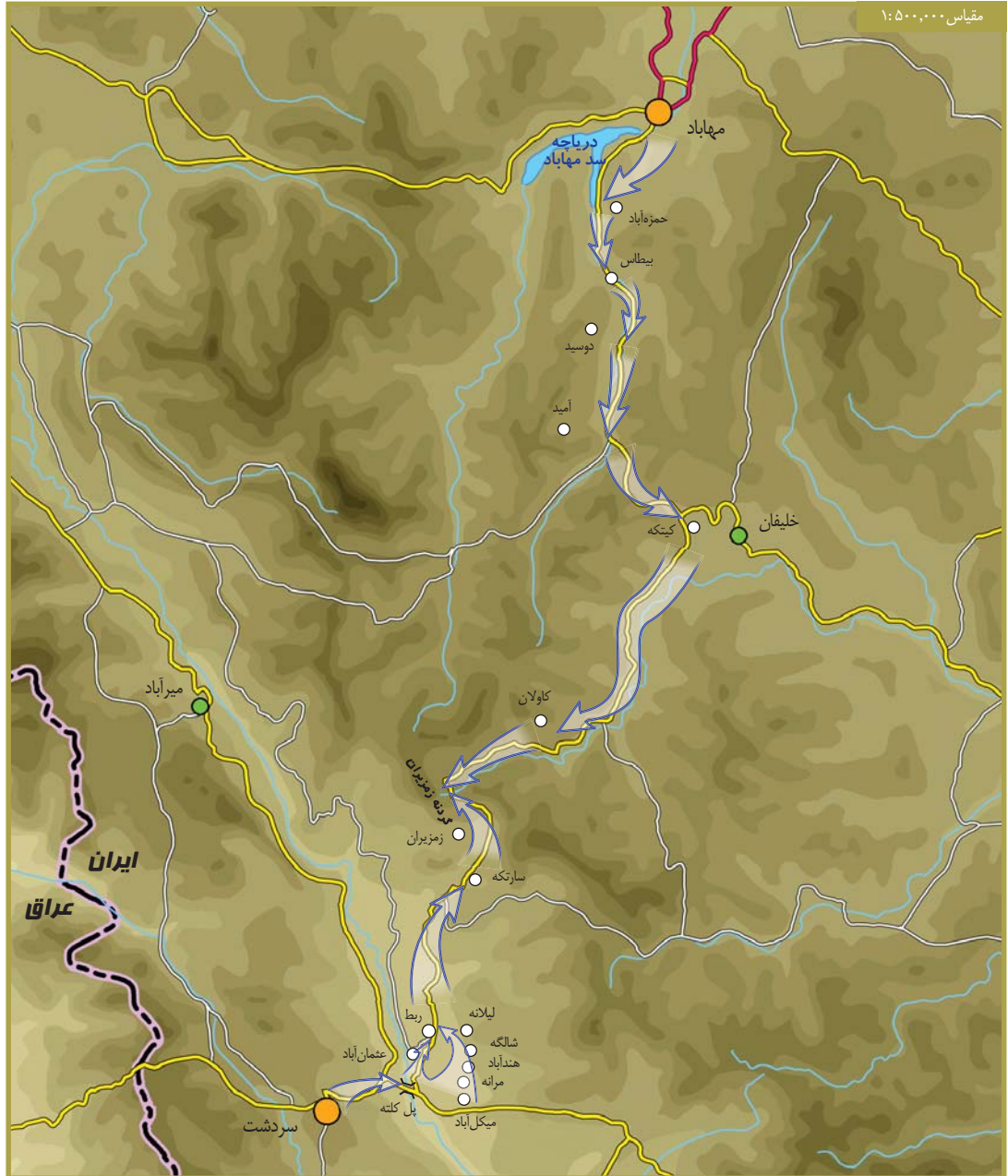
در عملیاتی که در ۶ دی ۱۳۶۰، از محور مهاباد آغاز شد، جاده در حد فاصل شهر مهاباد تا روستای حمزه‌آباد به کنترل رزمندگان اسلام درآمد. در این عملیات، ۷ نفر از شورشیان کشته و ۱۳ نفر دستگیر شدند. در ۳ فروردین ۱۳۶۱، با اجرای عملیاتی در

حد فاصل روستای حمزه‌آباد تا بیطاس، این محدوده نیز از کنترل شورشیان خارج شد. یگان‌های عملیاتی مهاباد در ۴ خرداد ۱۳۶۱، جاده‌ی مهاباد - سردشت را تا کیلومتر ۲۵ تصرف کردند؛ ۵۰ نفر از شورشیان را به هلاکت رساندند و ۲ نفر را دستگیر کردند. در ۲۷ فروردین ۱۳۶۲، در عملیات دیگری، جاده در حد فاصل روستای دوسید تا روستای آمید به کنترل نیروهای خودی درآمد. از محور سردشت، ابتدا یگان‌های مانوری، ۱۰ کیلومتر از جاده را در حد فاصل سردشت تا پل کلته در ۲۴ فروردین ۱۳۶۱، از تسلط گروه‌های شورشی خارج کردند. سپس، در ۲۸ مهر ۱۳۶۱،

چشمه گراو در نزدیکی ربط واقع در جاده‌ی مهاباد - سردشت







## جاده مهاباد - بوکان

کردند. مرحله‌ی اول عملیات در نیمه‌شب ۴ فروردین ۱۳۶۲، آغاز شد و در طول آن روستاهای قره‌کند، سیف‌الدین و چاورچین از تسلط گروه‌های شورشی خارج شدند. مرحله‌ی دوم در ۹ فروردین ۱۳۶۲، انجام و مقر شورشیان در روستای تازه‌قلعه منهدم شد. در مرحله‌ی سوم - که در ۱۳ فروردین ۱۳۶۲ اجرا شد - مقر کومله در روستای خراسانه منهدم شد و نیروهای خودی، روستای آتش‌گلان - زادگاه عزالدین حسینی - را از تسلط شورشیان خارج و تا روستای کانی‌طومار پیشروی کردند. در مرحله‌ی چهارم، نیروهای عملیاتی در ۱۷ فروردین ۱۳۶۲، جاده را تا روستای برهان از کنترل گروه‌های شورشی خارج کردند.

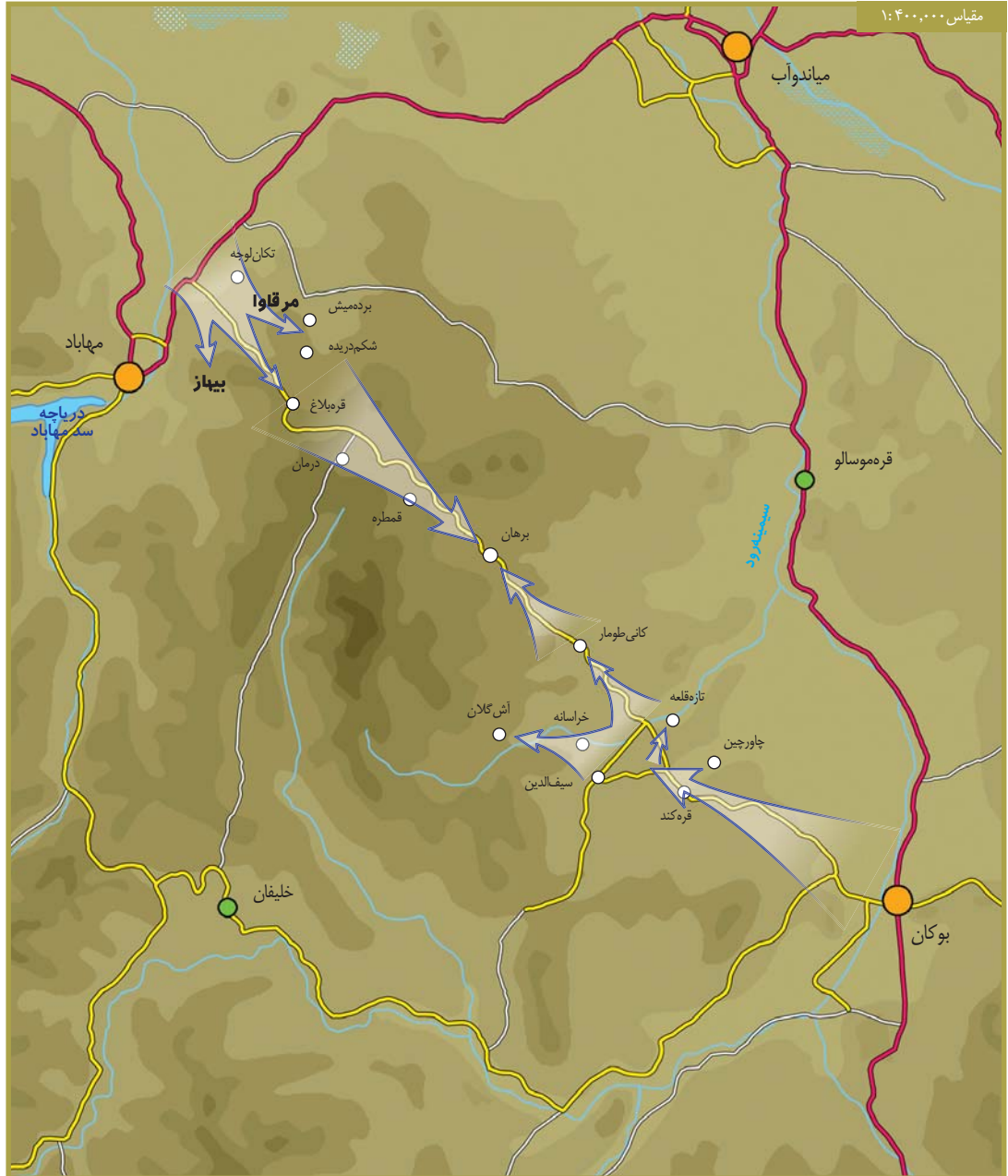
از محور مهاباد، تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی با گردان‌های جندالله و نبی‌اکرم سپاه مهاباد، در مرحله‌ی اول، ارتفاعات بیهاز و مرقاوا را تصرف و شورشیان را در روستاهای تکان‌لوجه، برده‌میش و شکم‌دریده منهدم کردند. ادامه‌ی عملیات به دلیل بروز سرما مدتی به تأخیر افتاد، اما پس از چند روز در مرحله‌ی دوم عملیات، روستاهای حد فاصل قره‌بلاغ تا برهان به کنترل رزمندگان اسلام درآمد و پس از چهار سال، عبور و مرور در این محور برقرار شد. در مراحل گوناگون این عملیات، ۸ نفر از نیروهای خودی شهید و ۱۹ نفر مجروح و از شورشیان نیز ۲۸ نفر کشته و ۲۷ نفر زخمی شدند.

فاصله‌ی مهاباد تا بوکان ۷۰ کیلومتر است. این جاده در زمان بروز بحران در مناطق کردنشین، خاکی بود و تردد چندان‌ی در آن انجام نمی‌شد و مردم بیشتر از مسیر مهاباد به میاندوآب و بوکان رفت و آمد می‌کردند. گروه‌های تجزیه‌طلب هم از این فرصت استفاده کرده، چند مقر مهم در روستاهای این مسیر ایجاد کرده بودند. عملیات آزادسازی جاده‌ی مهاباد - بوکان با نام شهید علی مصطفوی از فروردین ۱۳۶۲، در چند مرحله آغاز شد.

از محور بوکان، تیپ ویژه‌ی شهدا؛ گردان‌های جندالله و نبی‌اکرم سپاه بوکان و یک گران از تیپ مهاباد ارتش در چهار مرحله محدودی تصرف‌شده را آزاد

رزمندگان اسلام در هنگام آزادسازی جاده‌ی مهاباد - بوکان





## جاده ارومیه - اشنویه

ترتیب دادند و در طول آن ۲۰ نفر از شورشیان را نیز به هلاکت رساندند، اما امنیت در این جاده برقرار نشد. در نهایت، فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا به تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی مأموریت داد با همکاری یک گردان از لشکر ۲۳ نهد، جاده ارومیه به اشنویه را از کنترل شورشیان خارج کند.

برای موفقیت در هر مرحله از عملیات، ابتدا یک تیم شناسایی به دستور فرمانده تیپ مخفیانه به پشت منطقه‌ی شورشیان نفوذ می‌کرد و سپس دو گردان، یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ جاده به پیشروی می‌پرداختند. این تلاش‌ها در طول یک هفته نتیجه داد و شورشیان با دادن تعدادی کشته و زخمی، مجبور به فرار شدند. نیروهای خودی نیز با ایجاد چند پایگاه دائمی در مسیر جاده، امنیت نسبی را برقرار کردند و رفت و آمد بین ارومیه و اشنویه از سر گرفته شد.

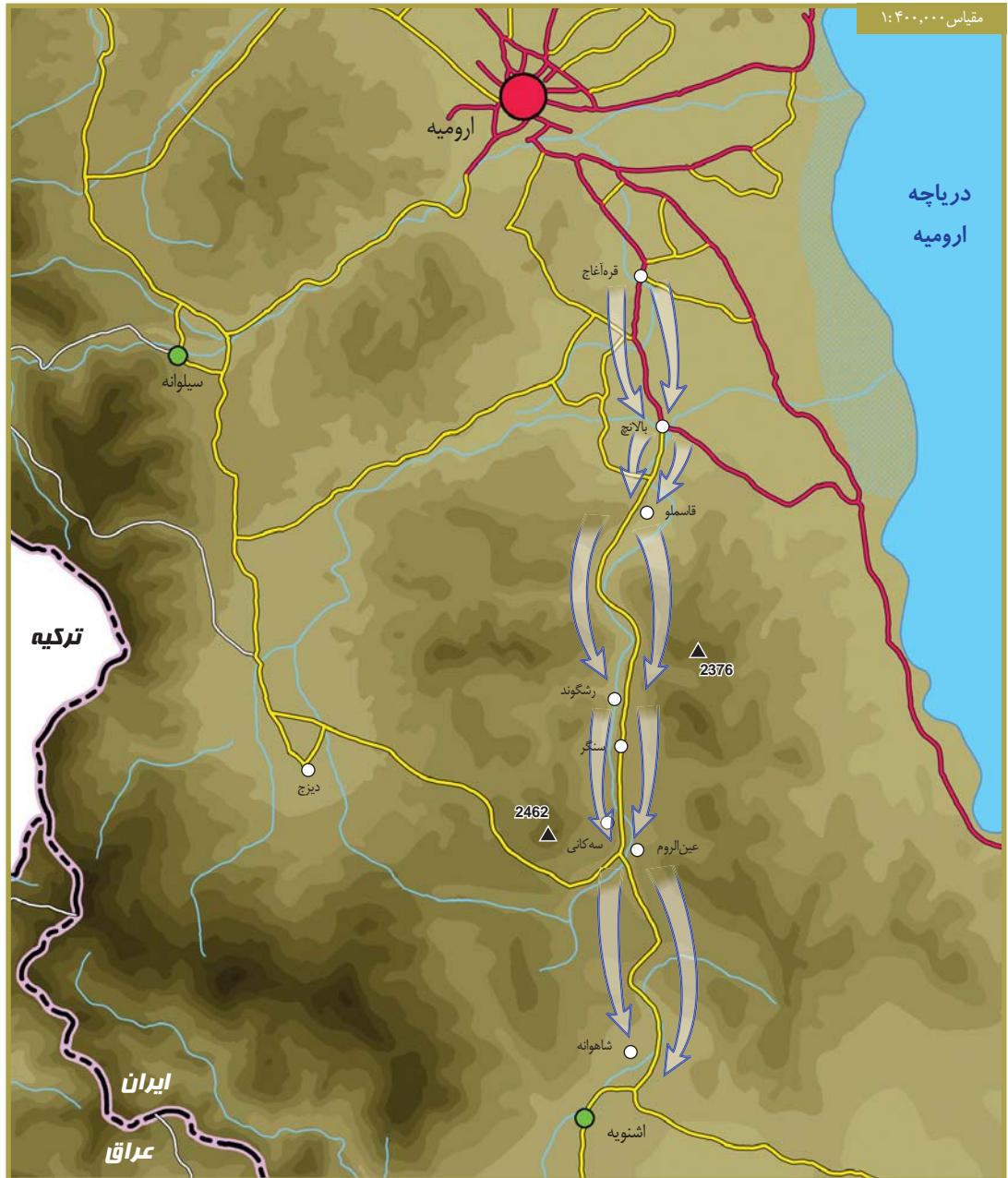
جاده‌ی ارومیه - اشنویه با طول ۷۳ کیلومتر بعد از عبور از یک دشت، وارد دره‌ی باریک شهیدان می‌شود و سپس با گذشتن از میان روستاها، باغ‌های میوه و گلگاه‌های متعدد به اشنویه می‌رسد. گروه‌های تجزیه‌طلب با توجه به موقعیت خاص این جاده، بعد از هر عملیاتی که از سوی نیروهای خودی انجام می‌شد، بار دیگر کنترل عبور و مرور در این جاده را به دست می‌گرفتند.

برای نمونه، شورشیان در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹، با گردان ۱۸۵ لشکر ۱۶ قزوین که در حال عبور از این جاده بود، درگیر شدند؛ ۶ نفر را به شهادت رساندند و ۲۵ نفر را مجروح کردند. آنان برای نمایش قساوت خود، تا مدت‌ها جنازه‌ی شهیدان را با طناب از درختان مسیر آویزان کرده بودند.

در ۲۴ شهریور ۱۳۶۰، یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری برای برقراری امنیت در این جاده عملیاتی

سنگر تأمین در جاده‌ی ارومیه - اشنویه









# شمیرا پنجم

## آزادسازی مناطق بینابینی

## آزادسازی مناطق بینابینی

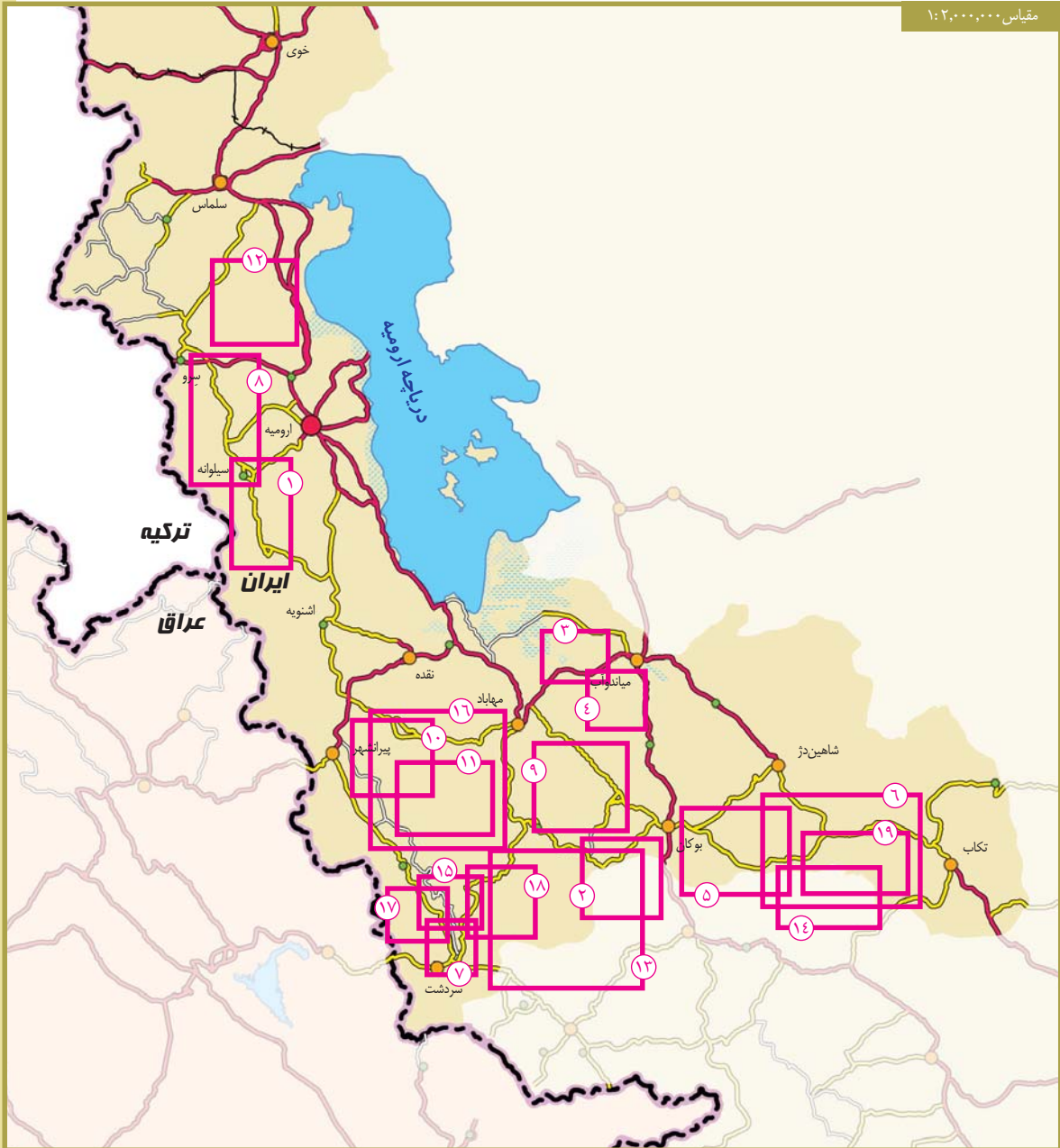
سومین مرحله از راهبرد ترسیم شده برای آزادسازی کامل مناطق کردنشین از تسلط گروه‌های تجزیه طلب، آزادسازی روستاها و ارتفاعات بین جاده‌ها بود. از آن جا که نیروهای ضد انقلاب پس از برقراری امنیت در شهرها و تأمین جاده‌ها، به روستاها و

ارتفاعات اطراف گریختند - تا پس از کاهش نیروهای خودی دوباره به شهرها بازگردند - تصمیم گرفته شد مرحله سوم از راهبرد آزادسازی، به پاکسازی مناطق بینابینی اختصاص یابد تا امنیت در مناطق آزادشده تثبیت شود و نیروهای ضد انقلاب نتوانند در این مناطق به فعالیت‌شان ادامه دهند.

به همین جهت یگان‌های عملیاتی در مناطق بینابینی اقدامات متعددی انجام دادند که بیش‌تر آن‌ها برای تعقیب گروه‌های شورشی یا گشت‌زنی در روستاها و ارتفاعات محل حضور شورشیان بود. از مهم‌ترین اقدامات واحدهای خودی در این مرحله، اجرای عملیات‌های متعدد در مناطق بینابینی بود که به آزادسازی روستاها و ارتفاعات بسیاری انجامید و نیروهای خودی با استقرار در پایگاه‌ها و پاسگاه‌های عملیاتی، برقراری و تداوم امنیت را در این مناطق تضمین کردند.

ردیف	نام عملیات	تاریخ	منطقه	موقعیت
۱	---	۱۳۶۰/۵/۳۰	مرگور	جنوب غربی ارومیه
۲	شهید فتحی	۱۳۶۱/۱/۱۶	ترجان	بوکان - سقز
۳	---	۱۳۶۱/۲/۲۹	مکریان شمالی	مهاباد - میاندوآب
۴	شهید بهشتی	۱۳۶۱/۴/۷	محال آختاچی	جنوب غربی میاندوآب
۵	شهید صدوقی	۱۳۶۱/۴/۲۲	فیض‌الله بیگی	بوکان - تکاب - سقز
۶	ثارالله	۱۳۶۱/۶/۱	صفاخانه	بوکان - شاهین دژ - تکاب
۷	---	۱۳۶۱/۷/۲۵	شهرک ربط	شمال شرقی سردشت
۸	---	۱۳۶۱/۱۰/۵	ترگور	غرب ارومیه
۹	---	۱۳۶۲/۳/۱۹	ایل تیمور	بوکان - مهاباد
۱۰	---	۱۳۶۲/۴/۱۹	لاجان	شرق پیرانشهر
۱۱	---	۱۳۶۲/۵/۳	منگور	مهاباد - پیرانشهر - سردشت
۱۲	شهید ناصر کاظمی	۱۳۶۲/۶/۵	انزل	ارومیه - سلماس
۱۳	شهید حسینی	۱۳۶۲/۶/۱۳	سلامت	بوکان - سردشت - بانه
۱۴	یا زهرا(س)	۱۳۶۲/۱۱/۲۹	گل‌تپه	بوکان - تکاب - سقز
۱۵	شهید احمد صفرزاده	۱۳۶۳/۱/۱۴	ملکاری	شمال سردشت
۱۶	فتح	۱۳۶۳/۵/۲۵	منگور و لاجان	مهاباد - پیرانشهر
۱۷	فجر	۱۳۶۳/۶/۱۸	آلواتان	شمال غربی سردشت
۱۸	ثارالله	۱۳۶۳/۷/۱	گورک	شمال شرقی سردشت
۱۹	عاشورای ۱	۱۳۶۴/۵/۸		شاهین‌دژ - تکاب





## منطقه مرگور

لشکر به منظور پاکسازی منطقه تا ارتفاعات بزسینا پیشروی کردند، اما با بازگشت واحدها، شورشیان متواری دوباره به روستاها بازگشتند.

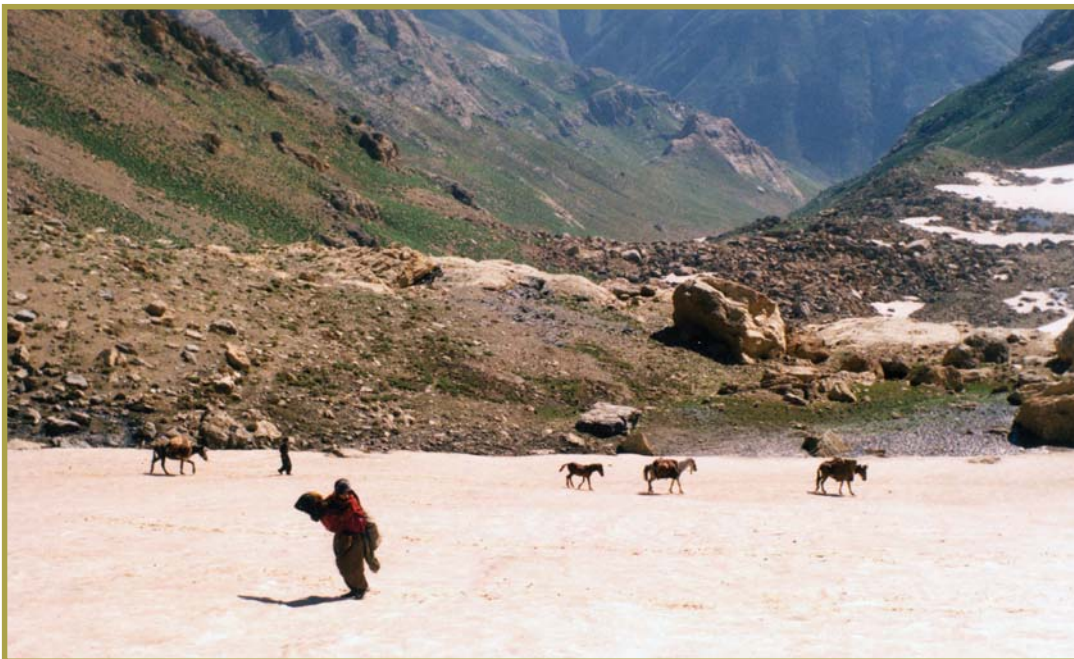
در ۳۰ مرداد ۱۳۶۰، یگان‌های سپاه و ژاندارمری با همراهی عشایر منطقه برای برقراری امنیت، عملیاتی را به مدت ۱۵ روز انجام دادند که ۲۸ روستا از کنترل گروه‌های ضد انقلاب خارج و چند پایگاه دائمی نیز در منطقه ایجاد شد. در این عملیات ۱۳ نفر از شورشیان کشته؛ ۵ نفر زخمی و ۶ نفر اسیر شدند. همچنین، خودروهای بسیاری از گروه‌های شورشی به غنیمت گرفته شد.

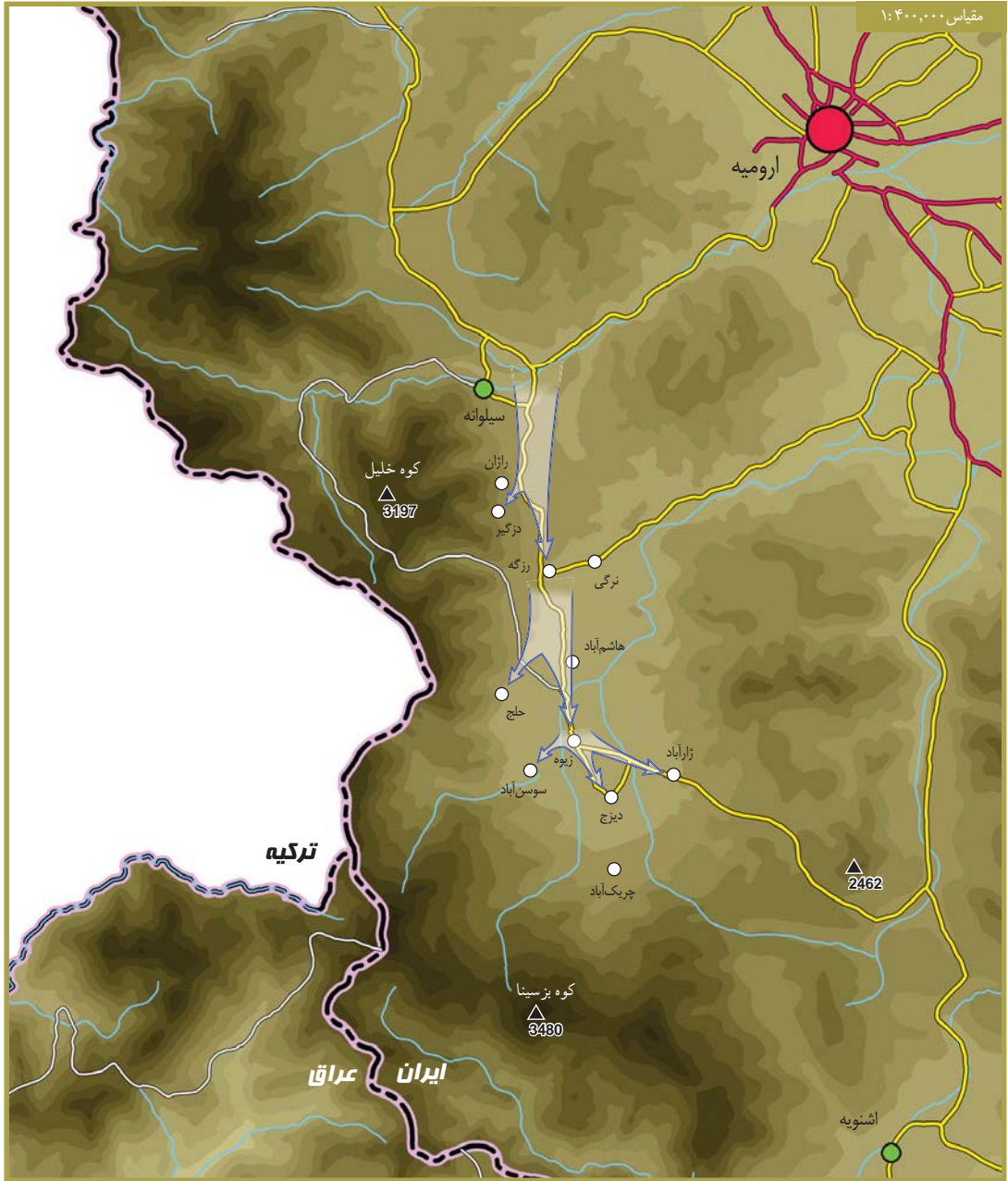
در این عملیات ۱۳ نفر از نیروهای خودی که در اسارت گروه‌ها بودند، آزاد شدند.

در جنوب غربی ارومیه و در امتداد مرز ایران با ترکیه و عراق، منطقه‌ی مرگور واقع شده است که کوه‌های مرتفعی آن را از دو کشور هم‌جوار جدا می‌کند. در این منطقه که محل سکونت عشیره‌ی هرکی است، تعداد زیادی از نیروهای دمکرات و کومه‌له مقرهایی ایجاد کرده بودند و ضمن اخاذی از روستاییان، در جاده‌ها مین‌گذاری می‌کردند. آنان گاه به شهر ارومیه نیز حمله می‌کردند یا در روستاهای آذری‌نشین ناامنی به وجود می‌آوردند.

در چنین وضعیتی ستاد لشکر ۶۴ ارومیه برای ایجاد امنیت در این منطقه اطلاعیه‌ی خطاب به شورشیان صادر کرد تا آنان سلاح و تجهیزات‌شان را تحویل دهند و سپس در ۱۱ خرداد ۱۳۵۹، تعدادی از واحدهای

منطقه‌ی بیلاقی مرگور





## عملیات شهید فتحی

سپاه بوکان و ارتش به همراه پیشمرگان مسلمان کرد در ۱۶ شهریور ۱۳۶۱، اجرا کردند و در طول آن با تصرف کوه ۲۲۵۱ متری استاد مصطفی، روستاهای کوچک پایین، کوچک بالا، باغلوچه، کانی زرینه، کهریزه، گردگلان و جسان را پاکسازی و مقر کومه‌له را در روستای ترجان منهدم کردند.

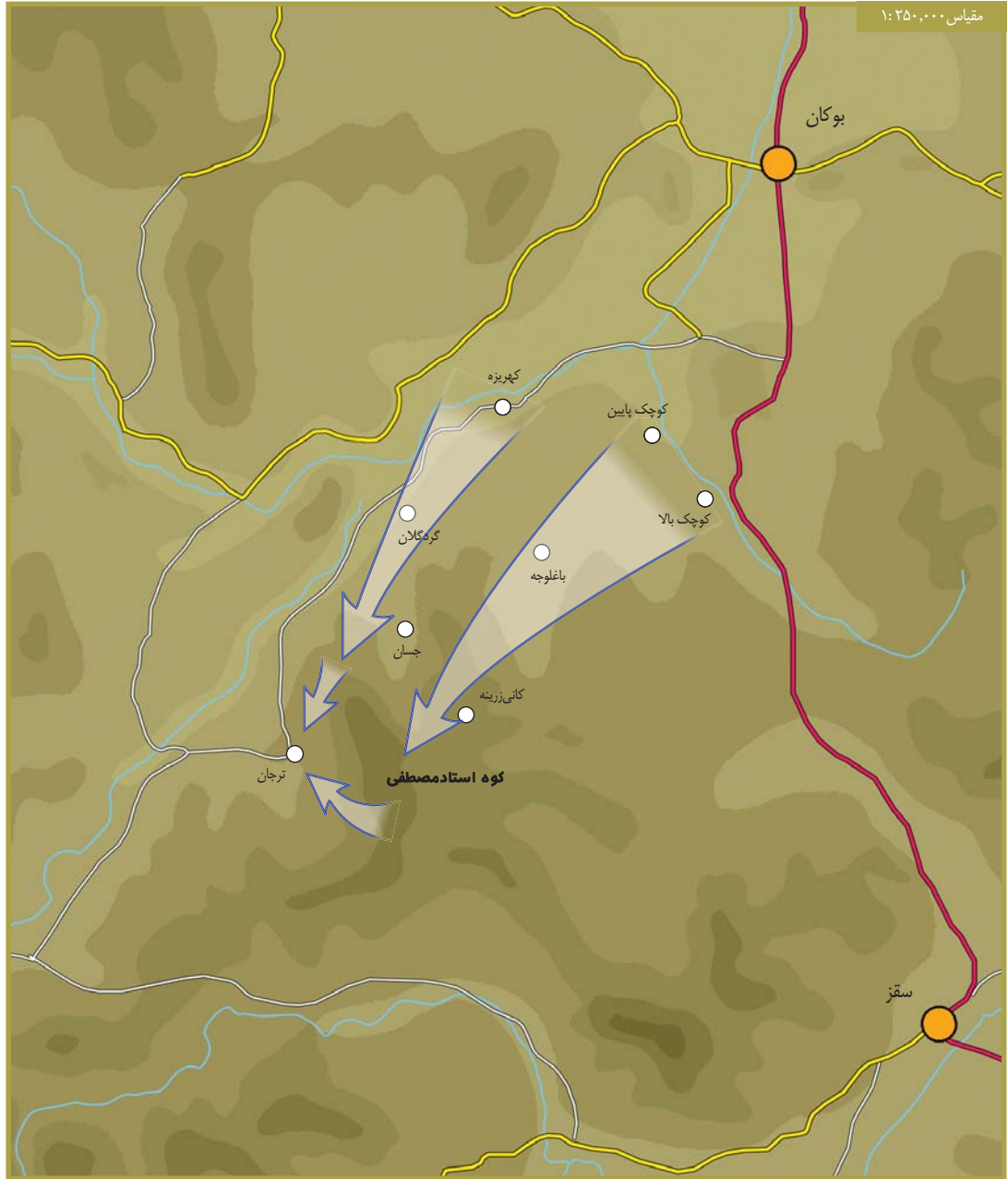
در این عملیات ۱۵ نفر از نیروهای خودی شهید؛ ۳۰ نفر مجروح و ۱۰ نفر اسیر شدند. همچنین، ۴۰ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند؛ ۳۰ نفر زخمی و ۶ نفر دستگیر شدند.

نیروهای ضد انقلاب مستقر در بوکان بعد از آزادسازی این شهر به منطقه‌ی ترجان در شهرستان سقز رفته بودند و با نفوذ شبانه به شهر بوکان و اجرای کمین و مین‌گذاری در جاده‌ها، جنوب غربی بوکان را ناامن می‌کردند. به همین دلیل، سپاه بوکان چند عملیات در منطقه‌ی ترجان انجام داد تا شورشیان را سرکوب و امنیت را به منطقه‌ی جنوب غربی بوکان بازگرداند.

یکی از مهم‌ترین عملیات‌های انجام‌شده در این منطقه عملیات شهید فتحی نام داشت که گردان‌های عملیاتی

شلیک خمپاره توسط رزمندگان اسلام





## منطقه مکریان شمالی

در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۱، نیروهای سپاه، ارتش و عشایر منگور، عملیاتی در منطقه‌ی مکریان شمالی انجام دادند و با سرکوب شورشیان، روستاهای تلخاب، سیستک، دلکدش، ویس آقا و قپی باباعلی را پاک‌سازی کردند. در این عملیات، ۳ نفر از رزمندگان اسلام شهید و ۱۰ نفر از نیروهای تجزیه‌طلب کشته شدند.

پس از این عملیات، چند پایگاه در منطقه‌ی مکریان شمالی ایجاد شد تا علاوه بر ممانعت از بازگشت گروه‌های ضد انقلاب به روستاهای منطقه، امنیت مطلوب‌تری برای رفت و آمد خودروها در جاده‌ی مهاباد به میاندوآب برقرار شود.

بعد از آزادسازی شهر مهاباد، تعدادی از نیروهای دمکرات و کومه‌له با حضور در منطقه‌ی مکریان شمالی که مابین مهاباد و میاندوآب واقع شده است، گه‌گاه به شهرهای مهاباد و میاندوآب حمله می‌کردند یا در جاده‌ی ارتباطی بین این دو شهر به اجرای کمین می‌پرداختند و امنیت عبور و مرور را در جاده از بین می‌بردند.

یگان‌های سپاه مهاباد و میاندوآب چند بار در منطقه‌ی مکریان شمالی عملیات انجام دادند، اما شورشیان با جابه‌جایی یا مخفی شدن در کوه تلخاب، دوباره به روستاهای این منطقه بازمی‌گشتند.

رزمندگان اسلام در منطقه‌ی عملیات





## عملیات شهید بهشتی

بالکه، علی‌آباد، قره‌گل، حاجی‌لک، اتابلاغی و آغلیان پاک‌سازی؛ ۲۵ نفر از شورشیان کشته و ۲۵ نفر زخمی شدند. از نیروهای خودی نیز ۱۵ نفر شهید و مفقودالامر و ۸ نفر مجروح شدند.

هنوز دو ماه از عملیات نگذشته بود که نیروهای ضد انقلاب دوباره به روستاهای منطقه بازگشتند. فرماندهان سپاه با بروز این وضعیت تصمیم گرفتند با واحدهای عملیاتی سپاه مهاباد و میاندوآب عملیات دیگری را در این منطقه انجام دهند. عملیات در ۲۴ مهر ۱۳۶۱ آغاز شد و نیروهای خودی با محاصره‌ی شورشیان در دو روستای قلقله و باجوند، ۳۰ نفر از آنان را به هلاکت رساندند و ۶ نفر دیگر را اسیر کردند. در این درگیری یک پاسدار شهید و ۲ نفر نیز مجروح شدند.

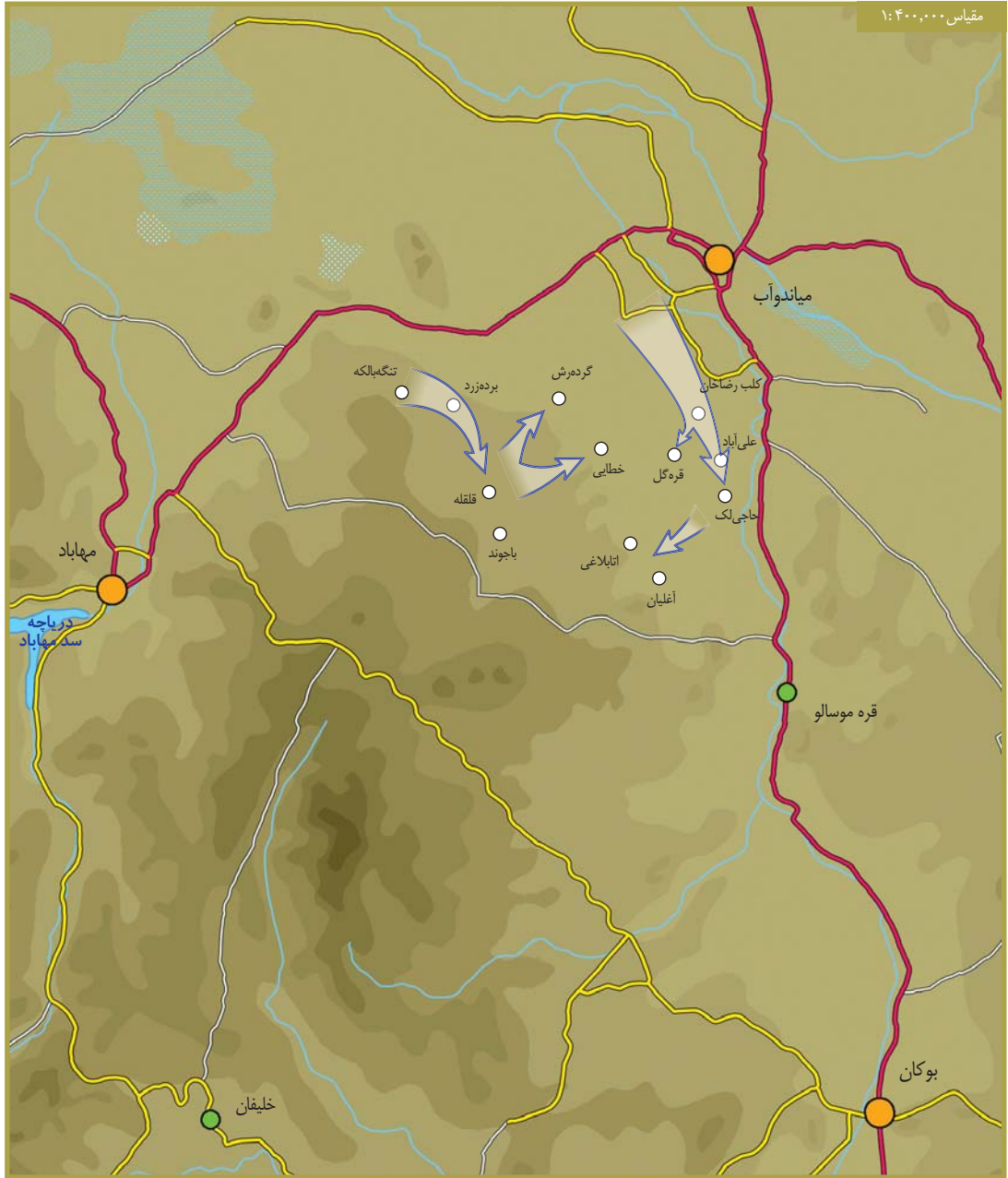
منطقه‌ی محال آختاچی بین شهرهای میاندوآب، مهاباد و بوکان قرار دارد و جاده‌های ارتباطی بین این سه شهر از اطراف آن عبور می‌کند. نیروهای ضد انقلاب پس از گریختن از شهرهای میاندوآب، مهاباد و بوکان، این منطقه را برای استقرارشان انتخاب کرده و روستاهای اطراف را ناامن کرده بودند.

در ۷ تیر ۱۳۶۱، فرماندهان پایگاه‌های سپاه مهاباد و میاندوآب تصمیم گرفتند برای برقراری امنیت در این منطقه، عملیاتی را در این محور اجرا کنند. این عملیات به دلیل مصادف شدن با اولین سالگرد انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، شهید بهشتی نام‌گذاری شد. در این عملیات روستاهای خطایی، کلب‌رضاخان، گرده‌رش، قلقله، برده‌زرد، تنگه

روستای قره‌بلاغ مرکز دهستان آختاچی







## عملیات شهید صدوقی

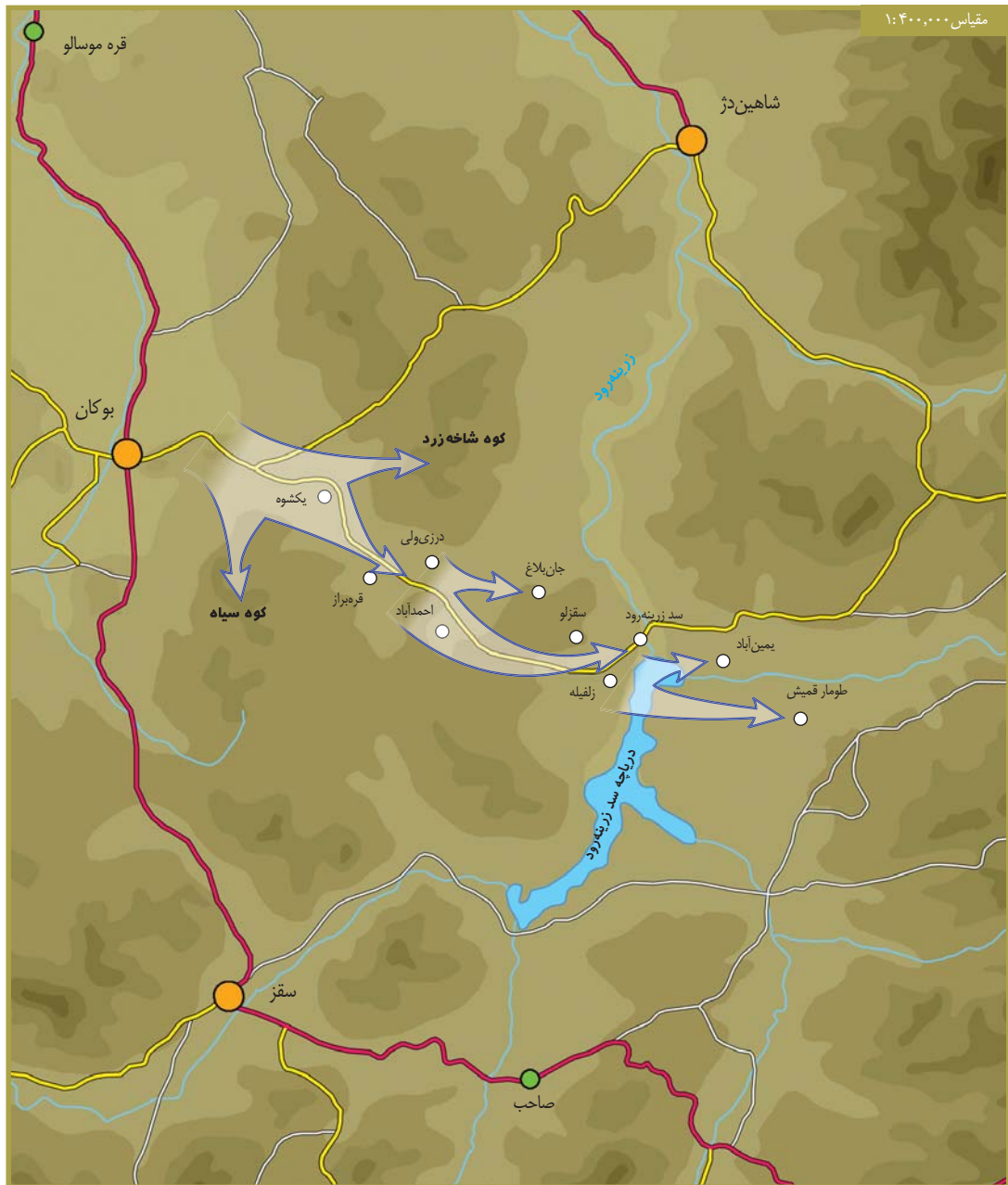
در این عملیات که ۱۵ روز طول کشید، جاده‌ی ۳۵ کیلومتری بوکان به سد زرینه‌رود به کنترل رزمندگان اسلام درآمد و روستاهای یکشوه، قره‌براز، درزی‌ولی، احمدآباد، جان‌بلاغ، سقزلو، زلفیله، یمین‌آباد و طومار قمیش پاک‌سازی شدند. همچنین باقی‌مانده‌ی تأسیسات سد نیز در اختیار پیمانکار مربوط قرار گرفت تا در خصوص تکمیل آن برای بهره‌برداری مردم منطقه به ویژه کشاورزان اقدام کند. در عملیات شهید صدوقی تعدادی از شورشیان کشته یا زخمی شدند و ۸۰ نفر از آنان و هواداران محلی‌شان نیز دست‌گیر شدند. از نیروهای خودی نیز ۵ نفر مجروح شدند.

تأسیسات سد زرینه‌رود در منطقه‌ی فیض‌الله‌بیگی در جنوب شرقی بوکان واقع شده است. این تأسیسات از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در کنترل گروه‌های ضد انقلاب بود و آنان در این مدت ضمن غارت اموال حمل‌شدنی، صدمات بسیاری به تأسیسات سد وارد کرده بودند.

در ساعت ۹ صبح سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۶۱، یک گردان از تیپ ویژه‌ی شهدا؛ گردان جندالله سقز؛ گردان جندالله بوکان و یک گردان از ژاندارمری، عملیات شهید صدوقی را برای سرکوب گروه‌های تجزیه‌طلب و برقراری امنیت در این منطقه آغاز کردند.

نیروهای عملیاتی در حین عملیات شهید صدوقی





## عملیات ثارالله

قوزلو و گوزلبلاغ و در مرحله‌ی دوم، در ۶ شهریور ۱۳۶۱، روستاهای گل‌چرمو، بیگتولی علیا، باغ بالا، باغ پایین و علی‌آباد پاک‌سازی شدند. نیروهای خودی، ۸ شهریور ۱۳۶۱ در مرحله‌ی سوم عملیات، نیروهای ضد انقلاب را در روستاهای صفاخانه، خوش‌قشلاق، عباس‌رقه و حاجی‌حسن سرکوب و بخشی از تجهیزات به غارت رفته از سد بوکان را آزاد کردند. مرحله‌ی چهارم عملیات در ۱۷ و ۱۸ شهریور ۱۳۶۱ نیز با پاک‌سازی روستاهای ایاغچی، کوپه‌قران، قلعه‌کرفتو، قولدره علیا و قولدره سفلی به پایان رسید.

در این عملیات که به مدت ۱۸ روز ادامه داشت، ۱۸ نفر از شورشیان کشته؛ ۵ نفر از آنان زخمی و ۲۹ نفر نیز دستگیر شدند و امنیت نسبی برای فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری روستاییان و خدمات‌رسانی به آنان در منطقه برقرار شد.

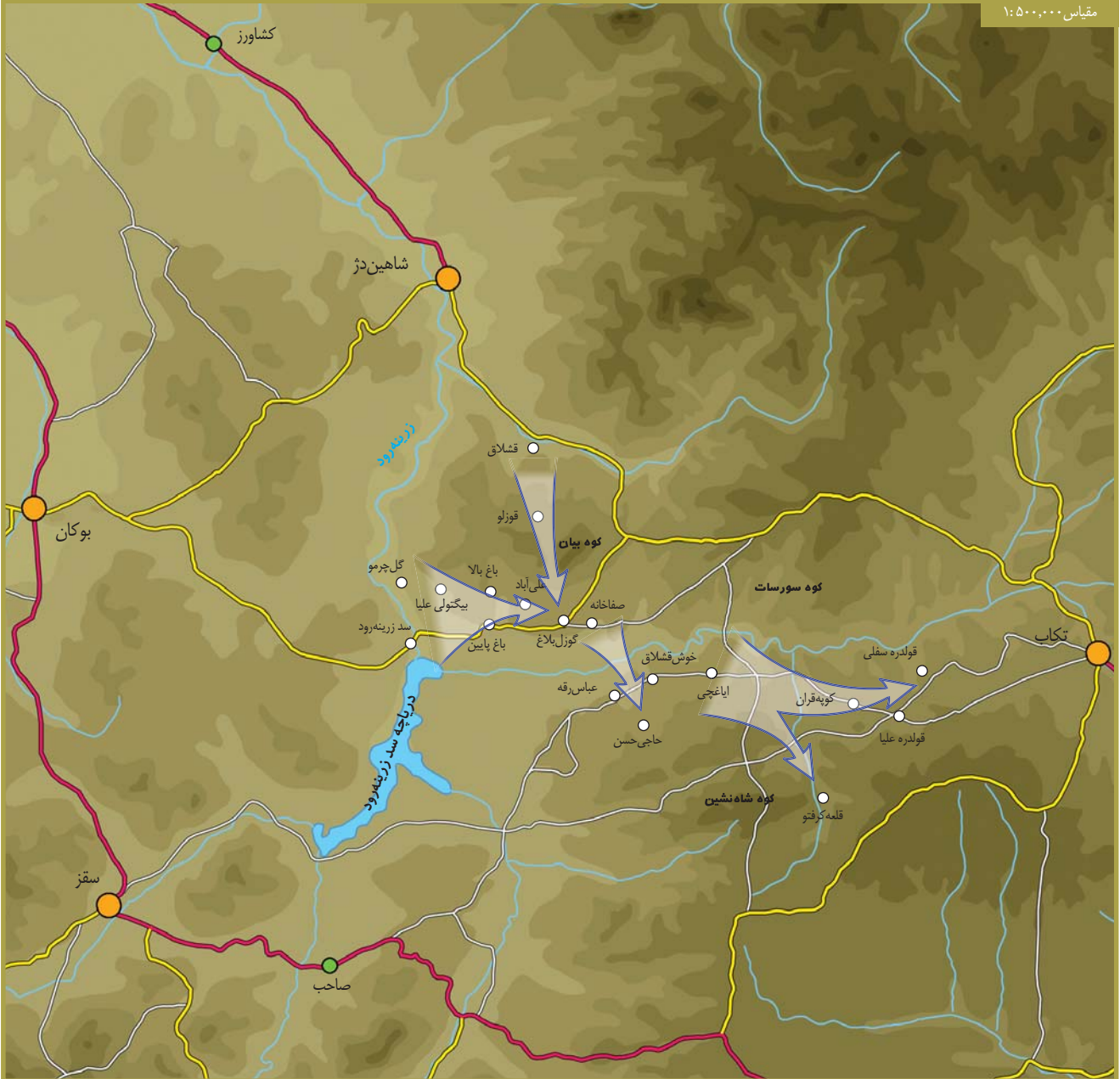
منطقه‌ی صفاخانه در فاصله‌ی دوری از شهرهای بوکان، شاهین‌دژ و تکاب قرار دارد. وجود ارتفاعات متعدد و دریاچه‌ی پشت سد زرینه‌رود در این منطقه موقعیت مناسبی را برای نیروهای ضد انقلاب فراهم کرده بود و آنان با پناه بردن به این منطقه خود را در امنیت کامل تصور می‌کردند و گه‌گاه برای شرارت در شهرها و جاده‌های اطراف، از این منطقه خارج می‌شدند و سپس به مقرهای خود بازمی‌گشتند.

در چنین وضعیتی، فرماندهان سپاه در شهرهای بوکان، شاهین‌دژ و تکاب تصمیم گرفتند با به‌کارگیری گردان‌های عملیاتی‌شان، برای برقراری امنیت در منطقه‌ی صفاخانه، حرکتی انجام دهند. به همین منظور، عملیات ثارالله در ۱ شهریور ۱۳۶۱، در چهار مرحله اجرا شد.

در مرحله‌ی اول، کوه بیان و روستاهای قشلاق،

سنگر فرماندهی؛ سمت راست؛ شهید علی‌اوسط فکری فرمانده گردان تکاب، سمت چپ؛ جلال صادقی فرمانده قرارگاه زین‌الدین





## شهرک ربط

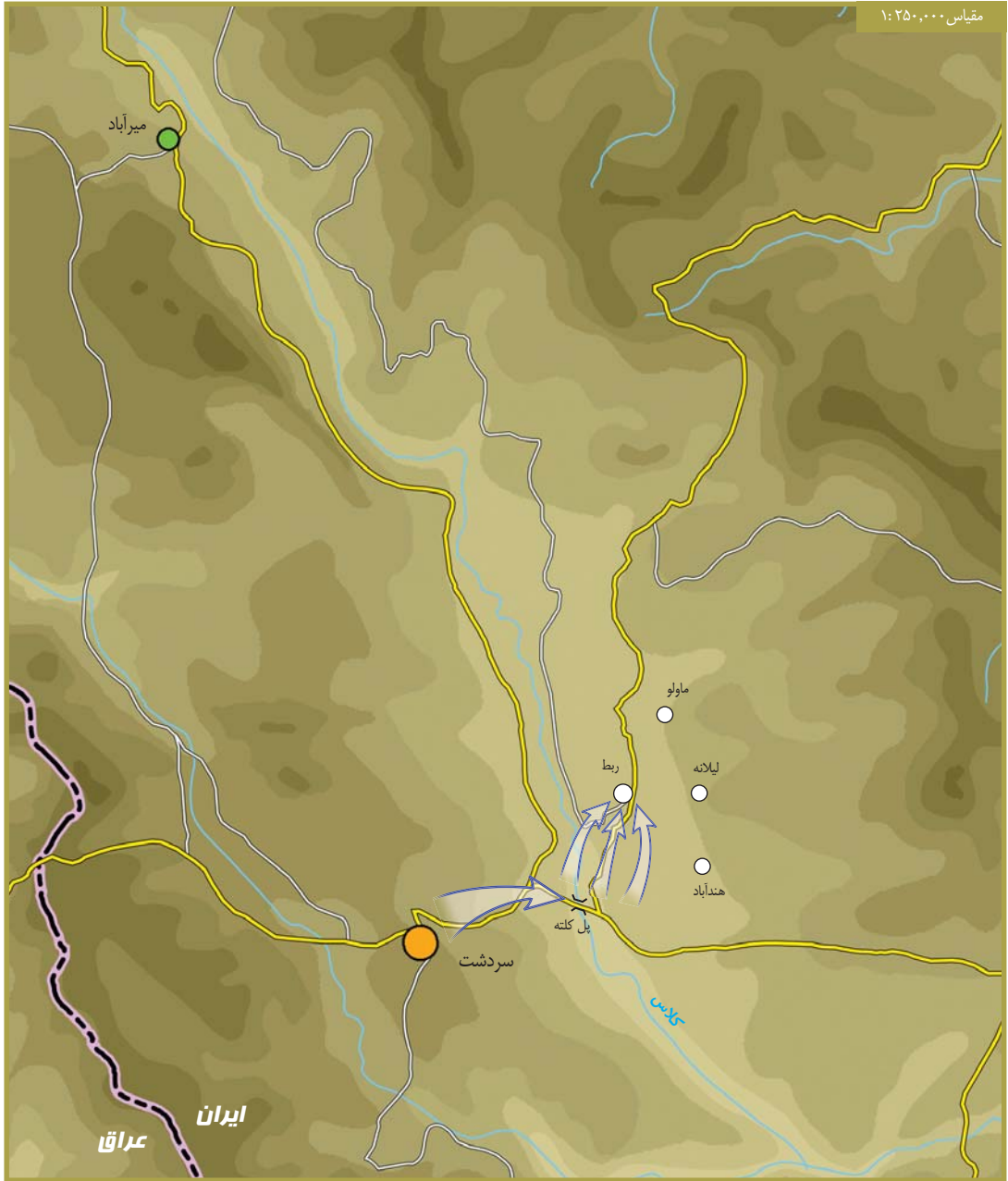
عملیات آزادسازی شهرک ربط در ۲۵ مهر ۱۳۶۱ اجرا شد و یگان‌های عملیاتی موفق شدند در کمتر از ۲۴ ساعت شهرک را آزاد کنند، اما گروه‌های شورشی با حمله به مواضع گردان ۱۵۵ ارتش - که پس از عملیات در شهرک ربط مستقر شده بود - توانستند بار دیگر شهرک را در روز بعد به اشغال خود درآورند. در ساعت ۲۴ همان شب، گردان‌های سپاه حمله‌ی دیگری را به مقرهای ضد انقلاب در شهرک ربط آغاز کردند و صبح روز ۲۷ مهر ۱۳۶۱، دوباره کنترل شهرک را به دست گرفتند. پس از عملیات، با تدبیر فرمانده قرارگاه حر، چند پایگاه از سپاه و ارتش در شهرک ربط مستقر شد تا امنیت را در این شهرک و جاده‌ی سردشت به مهاباد برقرار کند.

شهرک ربط در ۱۵ کیلومتری سردشت و در کنار جاده‌ی سردشت به مهاباد واقع شده است. در این شهرک نوساز که خالی از سکنه بود، تعداد زیادی از نیروهای ضد انقلاب وابسته به دمکرات، کومه‌له و چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) مستقر بودند و علاوه بر ناامن کردن جاده‌ی سردشت به مهاباد، به پایگاه‌های نظامی و انتظامی در اطراف سردشت حمله می‌کردند.

با دستور قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرارگاه حر - که در شهر سردشت مستقر بود - مأموریت یافت با به‌کارگیری ۴ گردان جندالله از سپاه پاسداران شهرهای سردشت، پیرانشهر، بانه و مهاباد و ۲ گردان پیاده از ارتش و پشتیبانی بال‌گردهای هوانیروز، شهرک ربط را از اشغال گروه‌های تجزیه‌طلب آزاد کند.

منطقه عمومی شهرک ربط در شهرستان سردشت





## منطقه ترگور

نفر از آنان را به هلاکت رساندند. در این عملیات، همان گونه که پیش بینی می شد، بسیاری از نیروهای ضد انقلاب به خاک ترکیه گریختند. در پایان عملیات نیز تعداد زیادی سلاح و اسناد مربوط به گروه‌ها به دست رزمندگان افتاد و ۲ نفر از عشایر منطقه به شهادت رسیدند.

بعد از عملیات، چند پایگاه در روستاهای منطقه‌ی ترگور ایجاد شد تا ضمن جلوگیری از بازگشت شورشیان به روستاها، امنیت مطلوب در این منطقه‌ی مرزی برقرار شود.

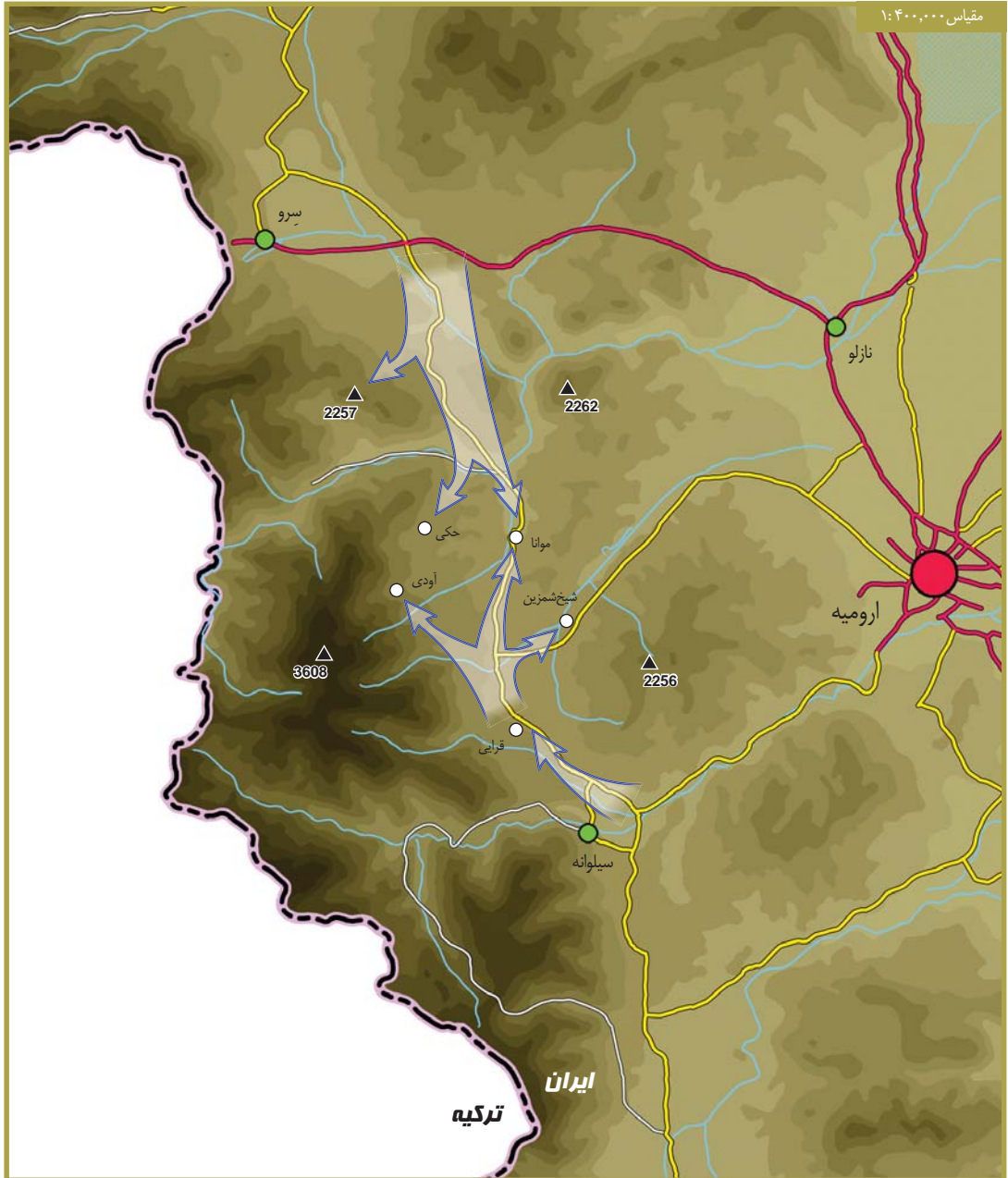
منطقه‌ی ترگور در شمال غربی ارومیه، مجاور مرز ترکیه واقع شده است. گروه‌های شورشی به منظور ارتباط با خارج از کشور و انجام دادن پشتیبانی‌های لازم، چند پایگاه در این منطقه ایجاد کرده بودند و هنگام حمله‌ی یگان‌های سپاه و ارتش به آسانی به آن سوی مرز می‌گریختند.

با اقدامات مؤثر قرارگاه حمزه سیدالشهدا، یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری با همکاری عشایر منطقه، در ۱۵ دی ۱۳۶۱، از شمال (سرو) و جنوب (سیلوانه) منطقه، به مقر گروه‌های تجزیه طلب حمله کردند و ۲۵

منطقه‌ی بیلاقی ترگور







## منطقه ایل تیمور

از کنترل شورشیان خارج و امنیت به آن بازگردانده شود. گردان‌های تیپ شهدا در ۱۹ خرداد ۱۳۶۲، در محدوده‌یی به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع وارد عمل شدند و مقرهای شورشیان را در روستاهای قادرآباد، حسین‌آباد، سردارآباد، علم‌آباد، کانی‌رش، سرباغچه، باغچه بزرگ و قلعه‌تپه منهدم و ارتفاعات منطقه را نیز پاک‌سازی کردند.

در این عملیات، حدود ۱۰۰ نفر از شورشیان کشته و زخمی شدند و ۱۷ خودرو و موتورسیکلت؛ تعدادی بی‌سیم؛ دستگاه تایپ و تکثیر؛ ۴۰ قبضه سلاح و مقادیری مهمات به غنیمت نیروهای خودی درآمد. از نیروهای تیپ شهدا نیز ۳ نفر به شهادت رسیدند.

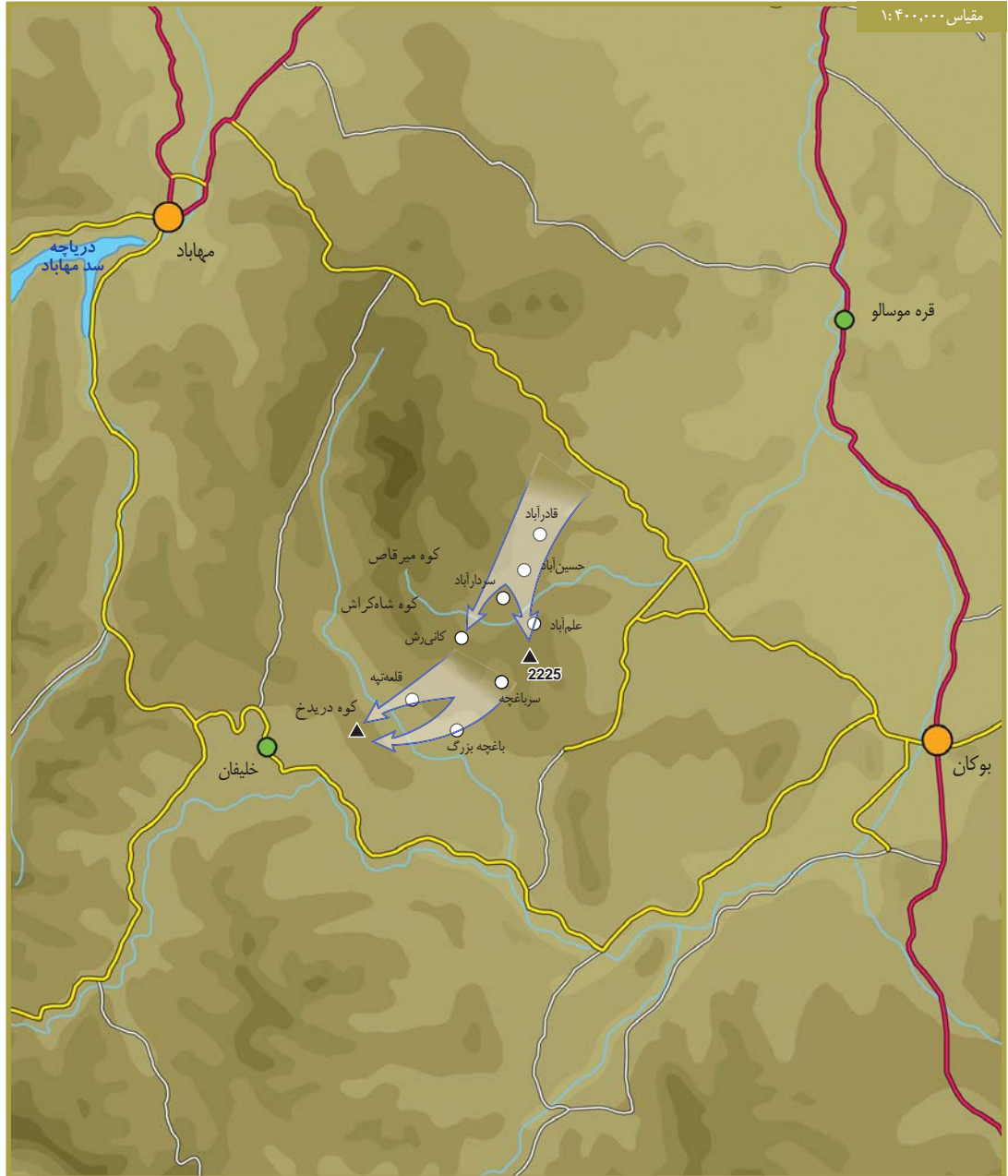
منطقه‌ی ایل تیمور در غرب بوکان قرار دارد و کوه‌های پراکنده‌یی مانند دریدخ با ۱۸۶۳، شاه‌کراش با ۲۲۶۷، میرقاص با ۲۱۰۵ و پرسلیمان با ۲۲۲۵ متر ارتفاع، اطراف آن را فراگرفته‌اند.

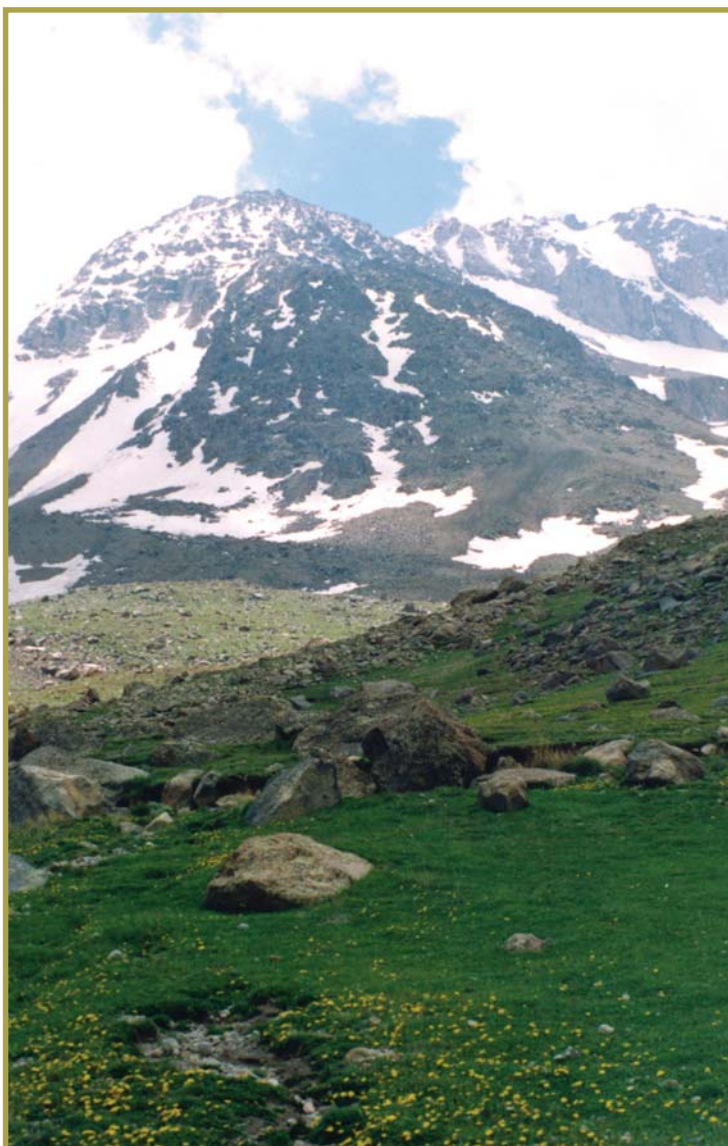
بعد از آزادسازی شهر بوکان، تعدادی از نیروهای حزب دمکرات، کومه‌له و چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) در روستاهای این منطقه پایگاه ایجاد کردند، تا ضمن ایجاد رعب و وحشت در مردم، به پایگاه‌های سپاه و ژاندارمری که در اطراف این منطقه مستقر بودند، حمله کنند.

بر اساس مأموریتی که از سوی قرارگاه حمزه به تیپ ویژه‌ی شهدا واگذار شد، مقرر گردید منطقه‌ی ایل تیمور

غار سهولان؛ بین بوکان و مهاباد



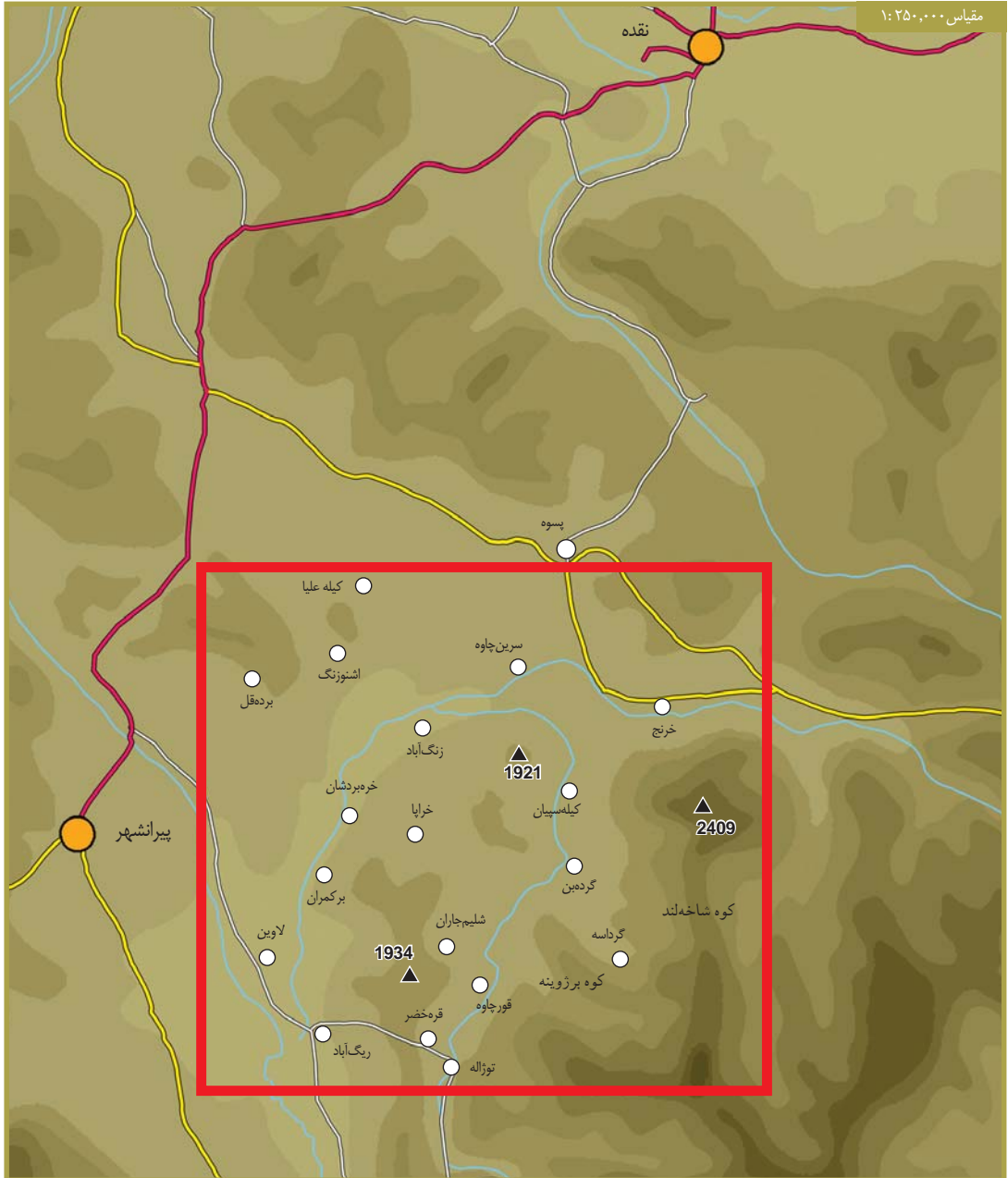




منطقه‌ی لاجان با روستاهای پراکنده و متعدد در شرق پیرانشهر و جنوب پسوه قرار دارد و کوه‌های خولونه با ۲۴۰۹؛ شاخه‌لند با ۲۵۰۰؛ برژوینه با ۲۰۱۷؛ ساکان با ۱۹۳۴ و زاوه‌کوه با ۱۹۲۱ متر ارتفاع در آن واقع شده‌اند. گروه‌های جدایی‌طلب با ایجاد مقر در برخی روستاهای این منطقه گه‌گاه به شهرهای پیرانشهر و پسوه حمله می‌کردند و در جاده‌ی پسوه به پیرانشهر و نقده به پیرانشهر کمین می‌گذاشتند.

با هماهنگی‌های انجام‌شده از سوی قرارگاه حمزه سیدالشهدا، یگان‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری با همکاری نیروهای بسیج عشایری پیرانشهر و پشتیبانی بال‌گردهای هوانیروز در سحرگاه روز یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۶۲، عملیات آزادسازی روستاهای منطقه‌ی لاجان را آغاز کردند و موفق شدند ۲۱ روستای این منطقه از جمله روستاهای توژاله، قره‌خضر، شلیم‌جاران، گرده‌بن، گرداسه و کیله‌سپیان را پاک‌سازی کنند.

در این عملیات، ۴۵ نفر از نیروهای ضد انقلاب کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. نیروهای خودی پس از عملیات چند پایگاه مهم در منطقه‌ی لاجان ایجاد کردند تا امنیت روستاها را حفظ کنند.



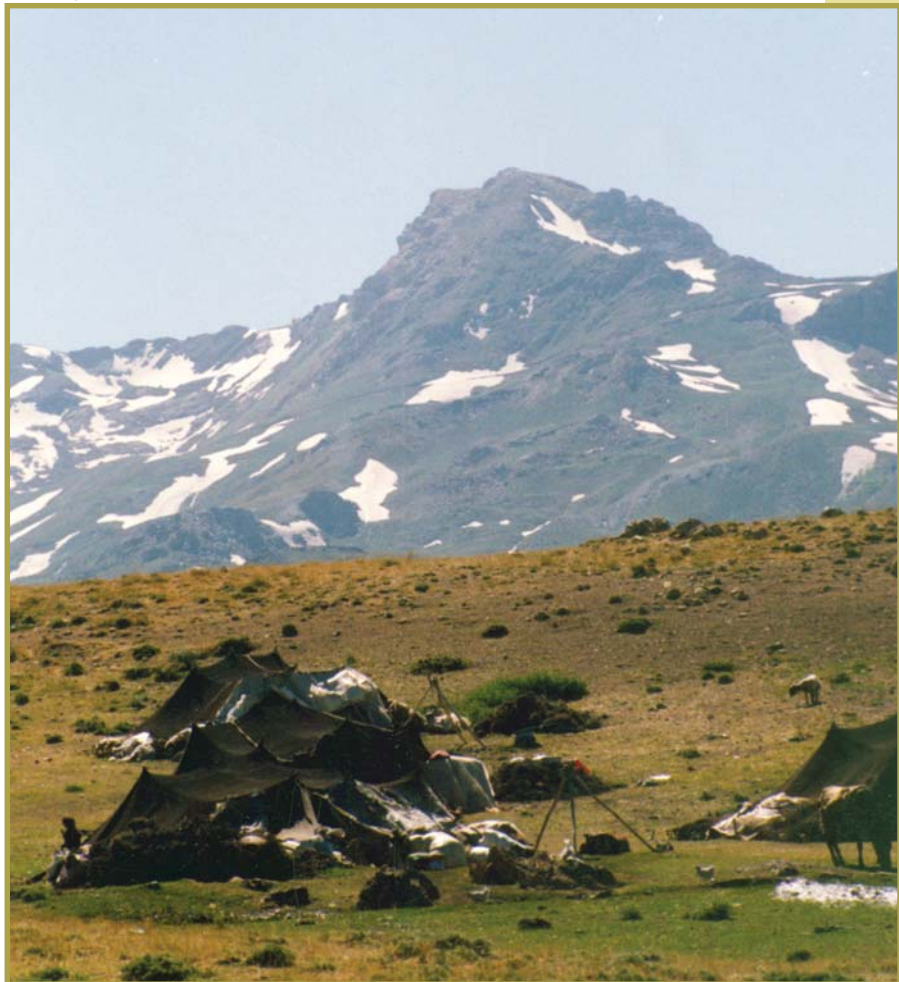
## منطقه منگور

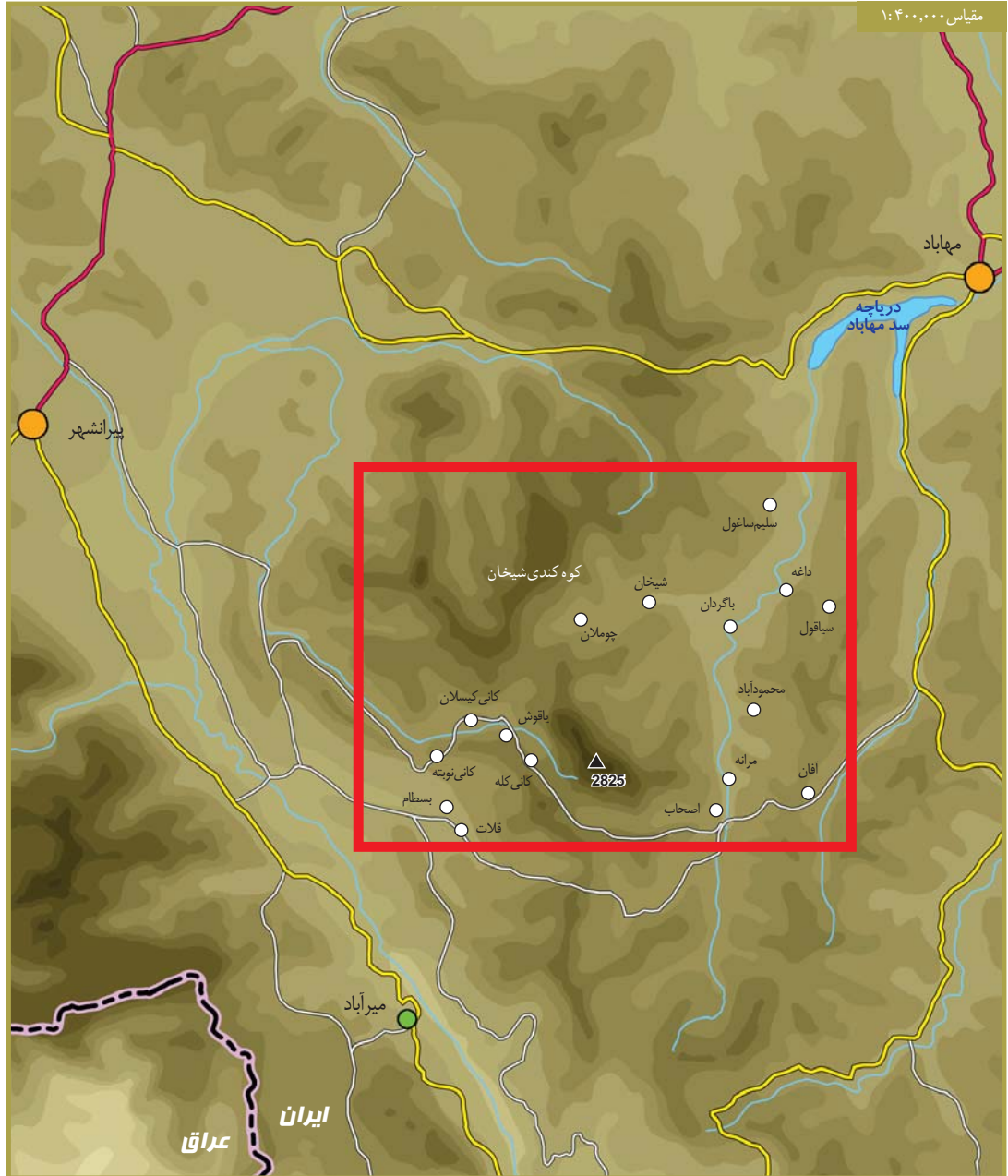
منگور منطقه‌ی کوهستانی در جنوب غربی مهاباد است که در آن عشایر منگور سکونت دارند. افراد این عشیره از جمله مردم وفادار به جمهوری اسلامی هستند که به دلیل حمایت از نظام، تحت فشار گروه‌های تجزیه‌طلب قرار گرفتند و مجبور شدند این منطقه را ترک و به شهر مهاباد مهاجرت کنند.

بسیاری از مهاجران منگوری به دلیل احساس قربانیت به جمهوری اسلامی، به عضویت سپاه و بسیج درآمدند و به مقابله با گروه‌های شورشی پرداختند.

با هماهنگی‌های انجام‌شده از سوی قرارگاه حمزه، در ۳ مرداد ۱۳۶۲، عملیاتی با شرکت تیپ قدس؛ تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی؛ گردان جندالله سقز؛ گردان جندالله بانه و ۲ گردان از لشکر ۲۳ ارتش، در منطقه‌ی منگور اجرا و در طول آن ۳۰ روستای منطقه از کنترل شورشیان خارج شد و ۴۵ نفر از نیروهای تجزیه‌طلب کشته شدند. در این عملیات، ۸۰ نفر از نیروهای سپاه، ارتش، ژاندارمری، بسیج و بومی‌هایی که به اسارت گروه‌های تجزیه‌طلب درآمده بودند، آزاد شدند و ۱۵ خودرو؛ ۵ توپ ۱۰۵م.م؛ یک تفنگ ۱۰۶م.م و ۷ تیربار و خمپاره‌انداز به غنیمت رزمندگان اسلام درآمد. همچنین انبار بزرگی حاوی هزاران دست لباس و کفش که حکومت بعثی عراق به گروه‌های شورشی اهدا کرده بود، کشف شد و مورد بهره‌برداری نیروهای خودی قرار گرفت.

منطقه‌ی بیلاقی منگور





## عملیات شهید ناصر کاظمی

به‌کارگیری یگان‌های سپاه، ارتش، ژاندارمری و عشایر محلی، این عملیات را در اولین سال‌گرد شهادت ایشان در ۵ شهریور ۱۳۶۲ اجرا کرد. در این عملیات، ۱۴ روستای این منطقه، از جمله روستاهای حاجی‌بایرام، کاسب، خرم‌آباد و نورالدین پاک‌سازی و تعدادی از شورشیان کشته شدند. همچنین، ۲۰ نفر از مسئولان محلی گروه‌های شورشی و ۸۰ نفر از هم‌کاران و هواداران فریب‌خورده‌ی آنان دست‌گیر شدند و سلاح و مهمات بسیاری به غنیمت نیروهای خودی درآمد.

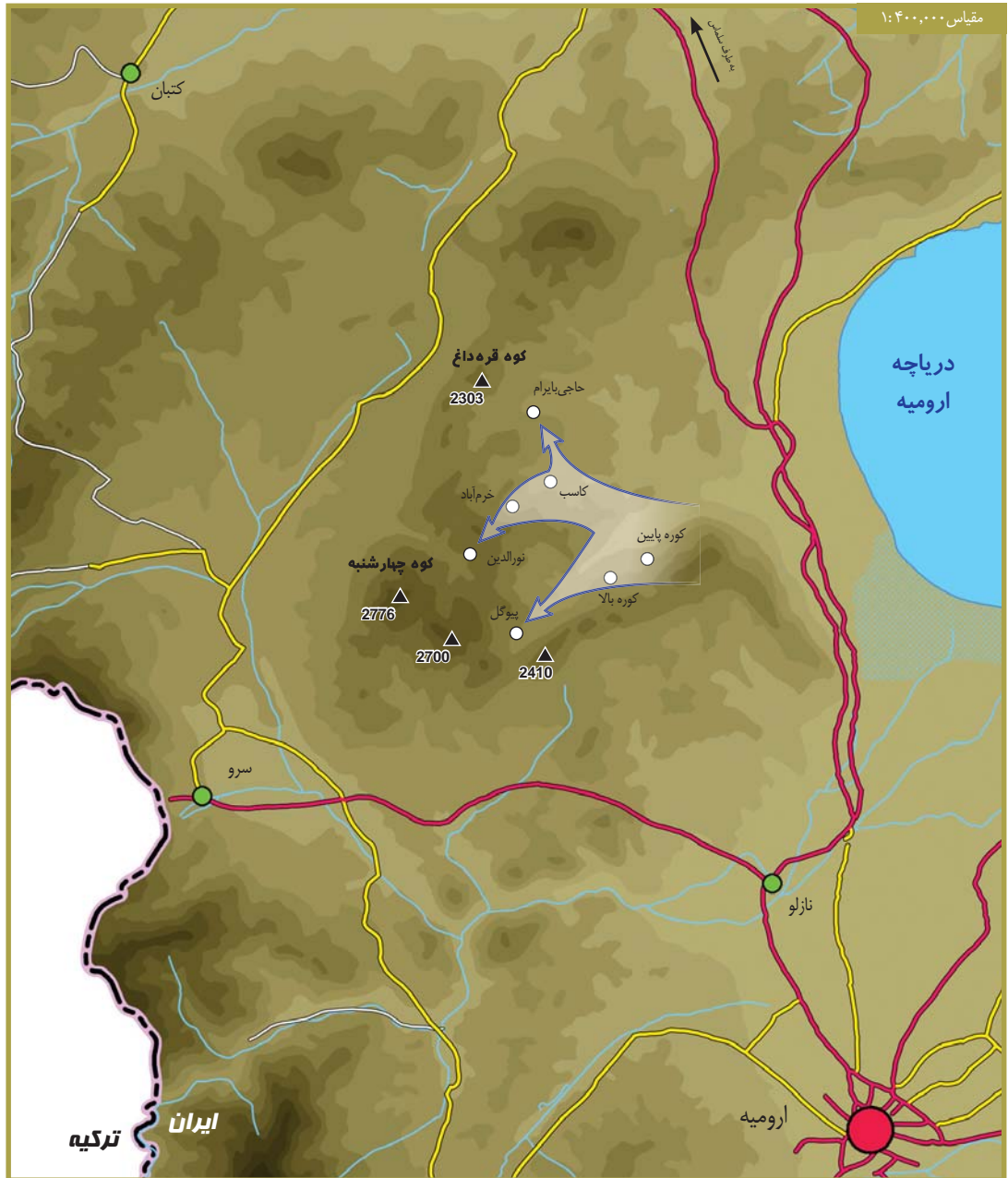
منطقه‌ی محال‌انزل در شمال ارومیه قرار دارد و ارتفاعات شیخ‌بایزید با ۲۷۰۰؛ چهارشنبه‌با ۲۷۷۶؛ بلندوک با ۲۴۱۰ و قره‌داغ با ۲۳۰۳ متر در آن واقع شده‌اند و جاده‌ی ارتباطی ارومیه به سلماس نیز از این منطقه عبور می‌کند. گروه‌های تجزیه‌طلب با استقرار چند پایگاه در روستاهای این منطقه، ضمن ناامن کردن روستاها، پیوسته در جاده‌ی ارومیه به سلماس کمین می‌گذاشتند و از عبور و مرور خودروها جلوگیری می‌کردند.

قرارگاه حمزه سیدالشهدا برای برقراری امنیت در این منطقه، طرح عملیات شهید ناصر کاظمی را تهیه و با

رزمندگان اسلام در منطقه‌ی عملیات







## عملیات شهید حسینی



■ محور اول، از بوکان به طرف گولان پایین و بالا و سپس روستای سلامت.

■ محور دوم، از بوبکتان سقز به طرف روستای سلامت.

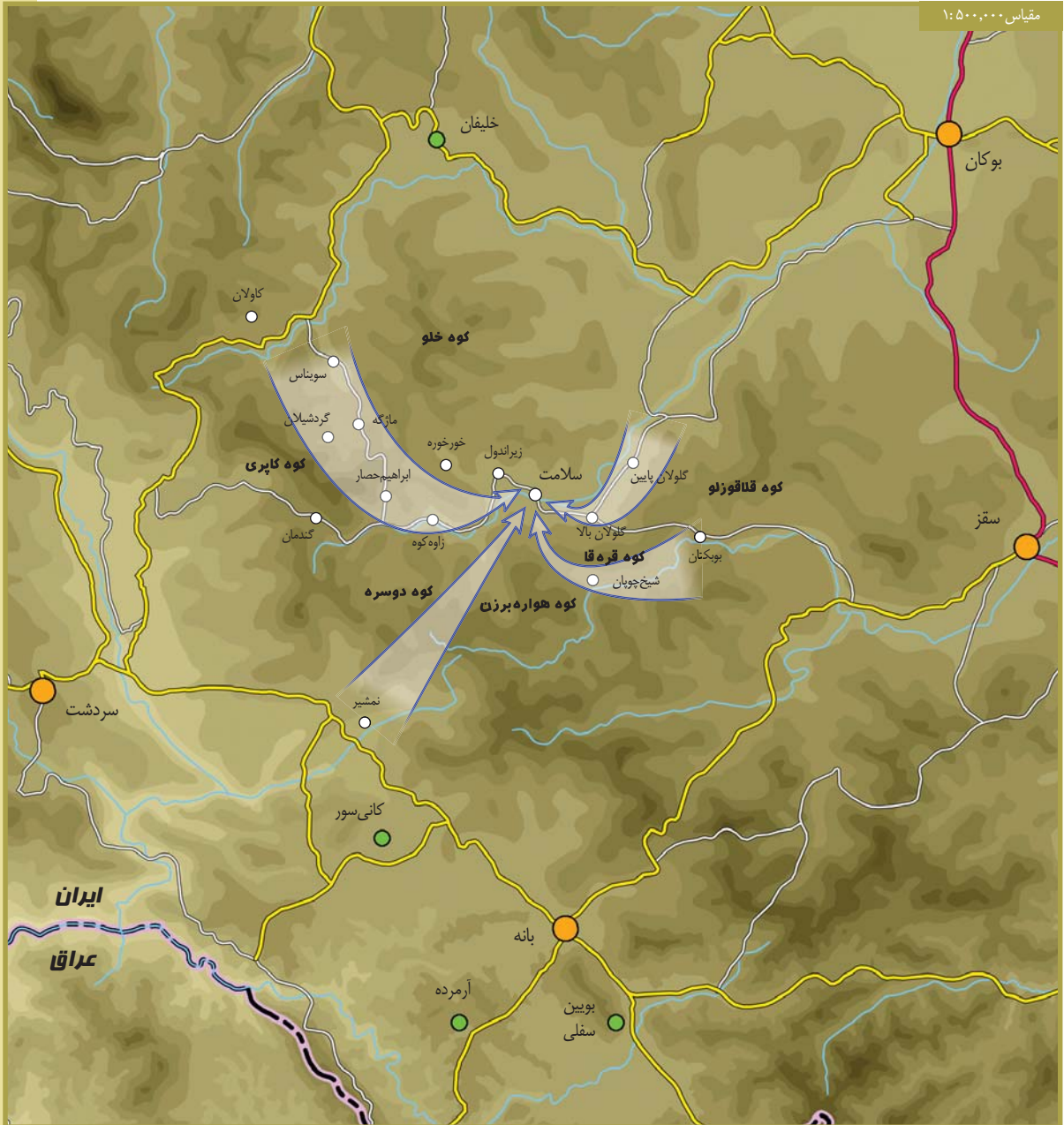
■ محور سوم، از نمشیر پانه به طرف کوه‌های هواره‌برزن و دوسره و روستای سلامت.

■ محور چهارم، از روستای کاولان واقع در جاده‌ی مهاباد به سردشت به طرف روستای سلامت.

در این عملیات که ۵ روز ادامه داشت، ۲۲ روستای منطقه از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب خارج شد و ۱۲ نفر از نیروهای خودی که چند سال در اسارت افراد ضد انقلاب بودند، آزاد شدند. همچنین، حدود ۱۰۰ خودرو سبک و سنگین؛ ۵ توپ ۱۰۵م.م؛ ۷ تفنگ ۱۰۶م.م؛ ۱۰ توپ ۵۷م.م (خودکششی پدافند هوایی) و ۳ زاغ‌های مهمات گروه‌های ضد انقلاب به دست رزمندگان اسلام افتاد.

منطقه‌ی سلامت بین شهرهای بوکان، سردشت و پانه قرار گرفته و کوه‌های مرتفعی همچون کاپری با ۲۴۱۷؛ خلو با ۲۱۶۶؛ قلاقوزلو با ۲۰۴۶؛ قره‌قا با ۲۱۹۸؛ هواره‌برزن با ۲۲۴۰ و دوسره با ۲۱۵۶ متر آن را از مناطق هم‌جوار جدا کرده است.

بسیاری از افراد گروه‌های دمکرات، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، مجاهدین خلق (منافقین) و برخی نیروهای اتحادیه‌ی میهنی، بعد از آزادسازی شهرهای بوکان، سردشت، پانه و سقز، در روستاهای این منطقه تجمع کرده بودند و با نفوذ به مناطق هم‌جوار، در شهرها، روستاها و جاده‌های ارتباطی ناامنی ایجاد می‌کردند. در چنین وضعیتی، فرمانده قرارگاه حمزه تصمیم گرفت برای سرکوب گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در منطقه‌ی سلامت، عملیاتی را تدارک ببیند. به همین منظور، عملیات شهید حسینی در ۱۳ شهریور ۱۳۶۲، در ساعت ۲۴، از ۴ محور آغاز شد:



## عملیات یا زهرا (س)

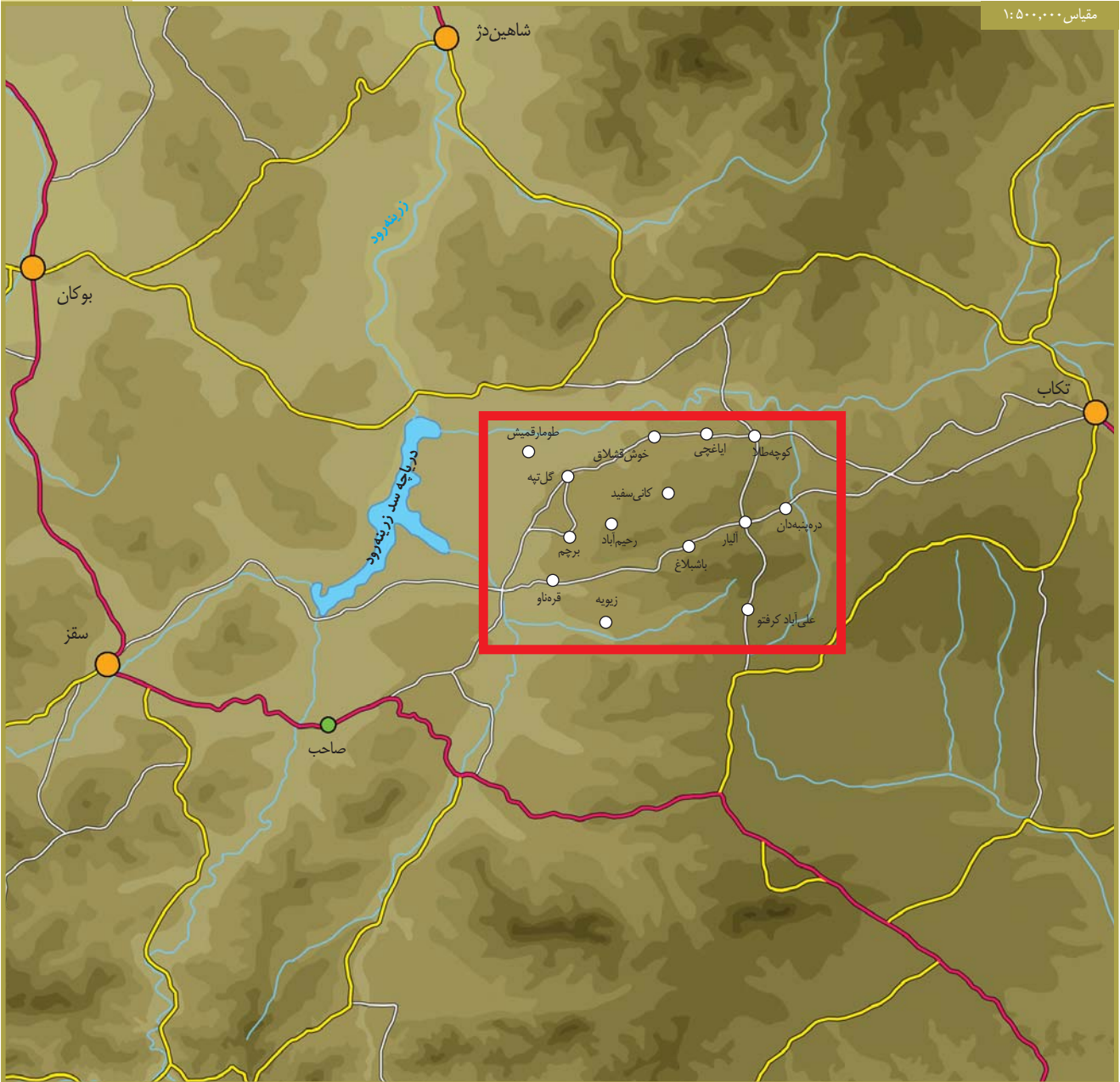
یا زهرا (س) را برای آزادسازی منطقه‌ی گل تپه از تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب آغاز کردند. در این عملیات که در ۲۹ بهمن ۱۳۶۲ انجام شد، ۲۰ روستای منطقه از جمله روستاهای رحیم‌آباد، باشبلاغ، برچم، قره‌ناو، زیویه، آلیار، دره‌پنبه‌دان، کانی‌سفید، ایاچی و خوش‌قشلاق پاک‌سازی و ۶۶ نفر از نیروهای دمکرات و کومه‌له و چند نفر از مسئولان محلی آنان کشته شدند.

منطقه‌ی گل تپه بین شهرهای بوکان، تکاب و سقز و در مرز دو استان آذربایجان غربی و کردستان واقع شده است. گروه‌های شورشی از مدت‌ها قبل در روستاهای این منطقه مقر ایجاد کرده بودند و مانع از برقراری امنیت در این منطقه و مناطق هم‌جوار می‌شدند.

یگان‌های عملیاتی سپاه، ارتش و ژاندارمری بر اساس تدابیر قرارگاه حمزه سیدالشهدا، عملیات

رزمندگان سپاه تکاب در بین مردم روستای آغ‌دره قزقیان





## عملیات شهید احمد صفرزاده

آغاز شد:

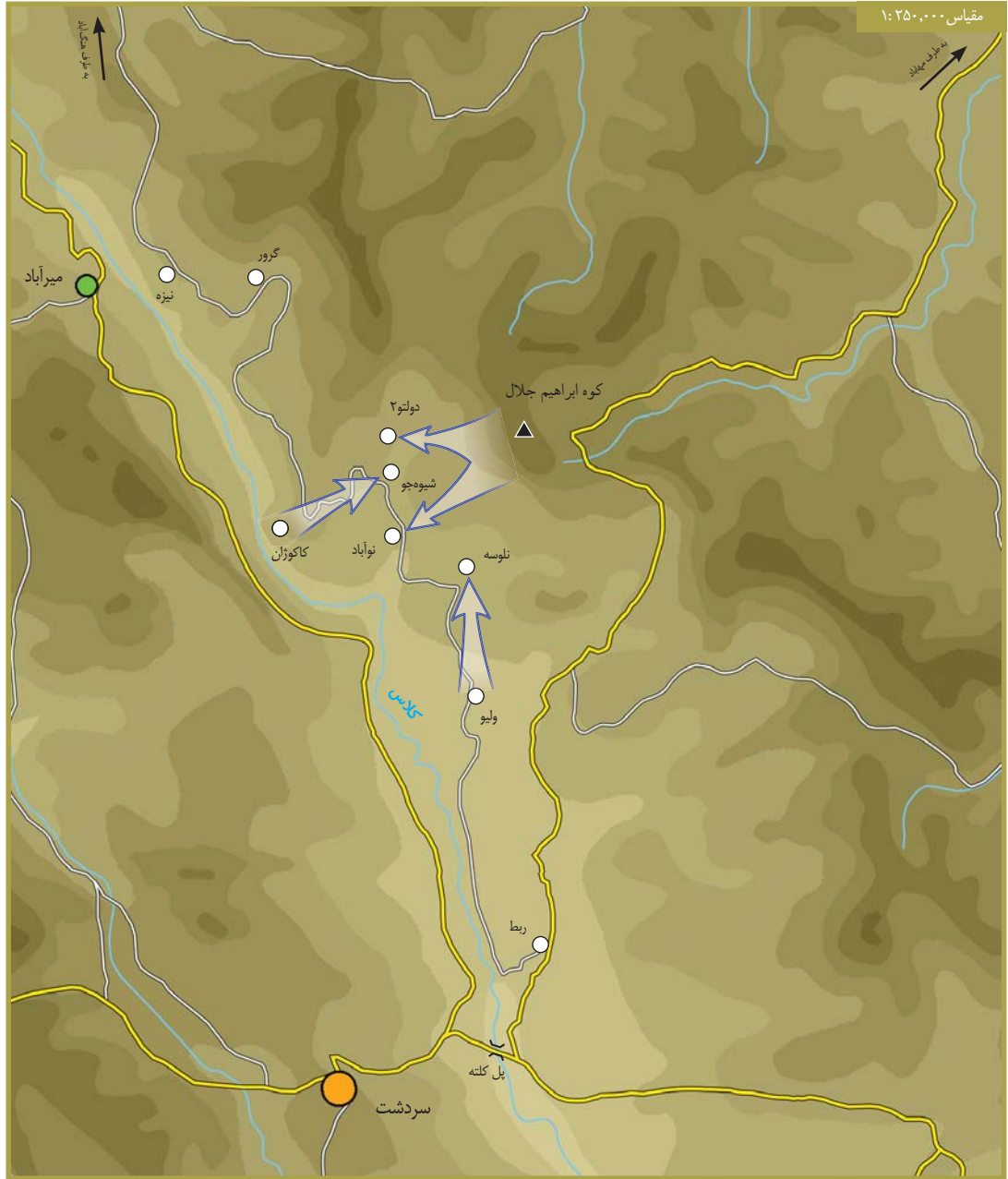
- محور اول، از روستای کاکوژان به طرف روستاهای شیوه‌جو و دولتوآ.
  - محور دوم، از کوه ابراهیم جلال به طرف روستاهای دولتوآ، شیوه‌جو و نوآباد.
  - محور سوم، از روستاهای ولیو به طرف روستای نلوسه.
- در این عملیات، ۲۸ نفر از رزمندگان سپاه و بسیج به شهادت رسیدند و ۴ نفر مجروح شدند. از نیروهای ضد انقلاب نیز ۵۰ نفر به هلاکت رسیدند و پایگاه‌های‌شان منهدم شد. بعد از عملیات، نیروهای خودی چند پایگاه در روستاهای مهم ایجاد و امنیت را در منطقه‌ی ملکاری برقرار کردند.

منطقه‌ی جنگلی ملکاری بین جاده‌ی سردشت به مهاباد و رودخانه‌ی کلاس قرار دارد و جاده‌ی سردشت به هنگ‌آباد از میان آن عبور می‌کند. پس از آزادسازی جاده‌ی سردشت به هنگ‌آباد، ۳۵۰ نفر از نیروهای ضد انقلاب به روستاهای چانداران، نلوسه، میرگه‌پیرگه، دولتوآ، شیوه‌جو و نوآباد بازگشتند و ضمن حمله به پایگاه‌های رزمندگان اسلام، در این جاده نیز کمین می‌گذاشتند. برای مقابله با این وضعیت، در ۱۴ فروردین ۱۳۶۳، در حالی که ارتفاعات منطقه پوشیده از برف بود، تیپ ویژه‌ی شهدا به همراه گردان حضرت رسول سردشت، عملیات شهید احمد صفرزاده را به منظور انهدام پایگاه‌ها و نیروهای ضد انقلاب طرح‌ریزی کردند. این عملیات از سه محور

منطقه‌ی جنگلی ملکاری



عملیات شهید احمد صفرزاده



## عملیات فتح

منطقه‌ی وسیع لاجان و منگور بین شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر واقع شده است و کوه‌های بلندی همچون کنده‌شیخان با ۲۸۰۳، روته با ۲۱۱۲؛ اسپه‌سنگ با ۲۴۰۹؛ میدان‌استر با ۲۸۲۵؛ برده‌زرد با ۲۲۴۴ و هوارصوفی با ۲۴۴۳ متر ارتفاع، این منطقه را فراگرفته‌اند.

بعد از برقراری امنیت در شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر، حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای حزب دمکرات؛ ۲۵۰ نفر از نیروهای کومه‌له؛ ۵۰ نفر از نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و تعدادی از افراد چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، چندین مقر در روستاهای منطقه ایجاد کرده بودند و علاوه بر ایجاد ناامنی در روستاهای منطقه، در جاده‌های مواصلاتی نیز کمین می‌گذاشتند و گاه به این شهرها حمله می‌کردند.

در چنین وضعیتی، قرارگاه حمزه سیدالشهدا تصمیم گرفت برای افزایش امنیت شهرهای مهاباد، نقده و پیرانشهر و نیز جاده‌های ارتباطی آن، عملیات فتح را

در ۲۵ مرداد ۱۳۶۳، با به‌کارگیری یگان‌هایی از سپاه، ارتش، ژاندارمری و عشایر منطقه از طریق شش قرارگاه فرعی اجرا کند:

■ قرارگاه حمزه ۱، با به‌کارگیری تیپ ویژه‌ی شهدا و گردان جندالله ارومیه از محور لکبن (واقع در غرب مهاباد) به طرف جنوب منطقه.

■ قرارگاه حمزه ۲، با به‌کارگیری تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی؛ تیپ ۳ لشکر ۲۳ نوه؛ عشایر منگور؛ گردان جندالله مهاباد و گردان جندالله نقده از محور سلوک (واقع در جنوب مهاباد) به طرف شمال غربی منطقه.

■ قرارگاه حمزه ۳، با به‌کارگیری تیپ قدس؛ تیپ ۱ لشکر ۲۳ نوه؛ گردان جندالله سنندج و گردان جندالله کامیاران از محور آفان (جنوب مهاباد) به طرف غرب منطقه.

■ قرارگاه حمزه ۴، با به‌کارگیری تیپ ۲ لشکر ۲۳ نوه؛ گردان‌های جندالله بوکان، پیرانشهر و سردشت از هنگ آباد (جنوب شرقی پیرانشهر) به طرف شرق منطقه.

■ قرارگاه حمزه ۵، با به‌کارگیری گردان جندالله تکاب و گردان جندالله اشنویه به منظور کنترل معابر نفوذی جاده‌ی مهاباد به پسوه و پیرانشهر.

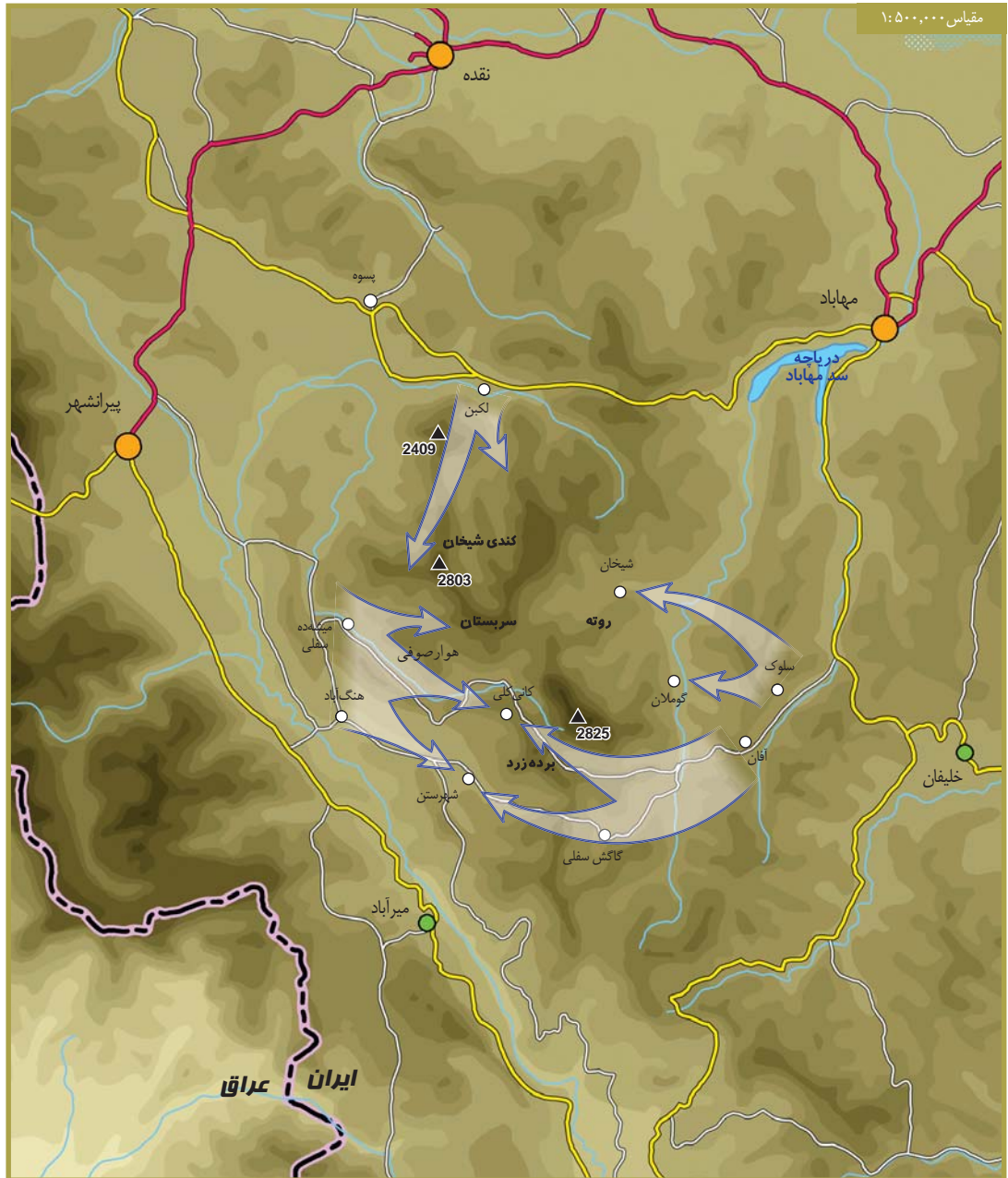
■ قرارگاه حمزه ۶، با به‌کارگیری گردان صاحب‌الزمان ژاندارمری و گردان جندالله میان‌دوآب به منظور کنترل معابر نفوذی جاده‌ی مهاباد به سردشت.

همچنین گردان‌های جندالله سلماس، خوی و شاهین‌دژ در احتیاط قرارگاه حمزه قرار داشتند. در این عملیات که یک هفته ادامه داشت، ۴۳ روستای منطقه از تسلط گروه‌های شورشی خارج و حدود ۱۰۰ نفر از شورشیان کشته و نزدیک به ۲۰۰ نفر از آنان زخمی شدند. در این عملیات، ۳۶ نفر از مردم و رزمندگانی که در اسارت گروه‌های تجزیه‌طلب بودند، آزاد شدند.

منطقه‌ی بیلاقی در جنوب غربی مهاباد







## عملیات فجر

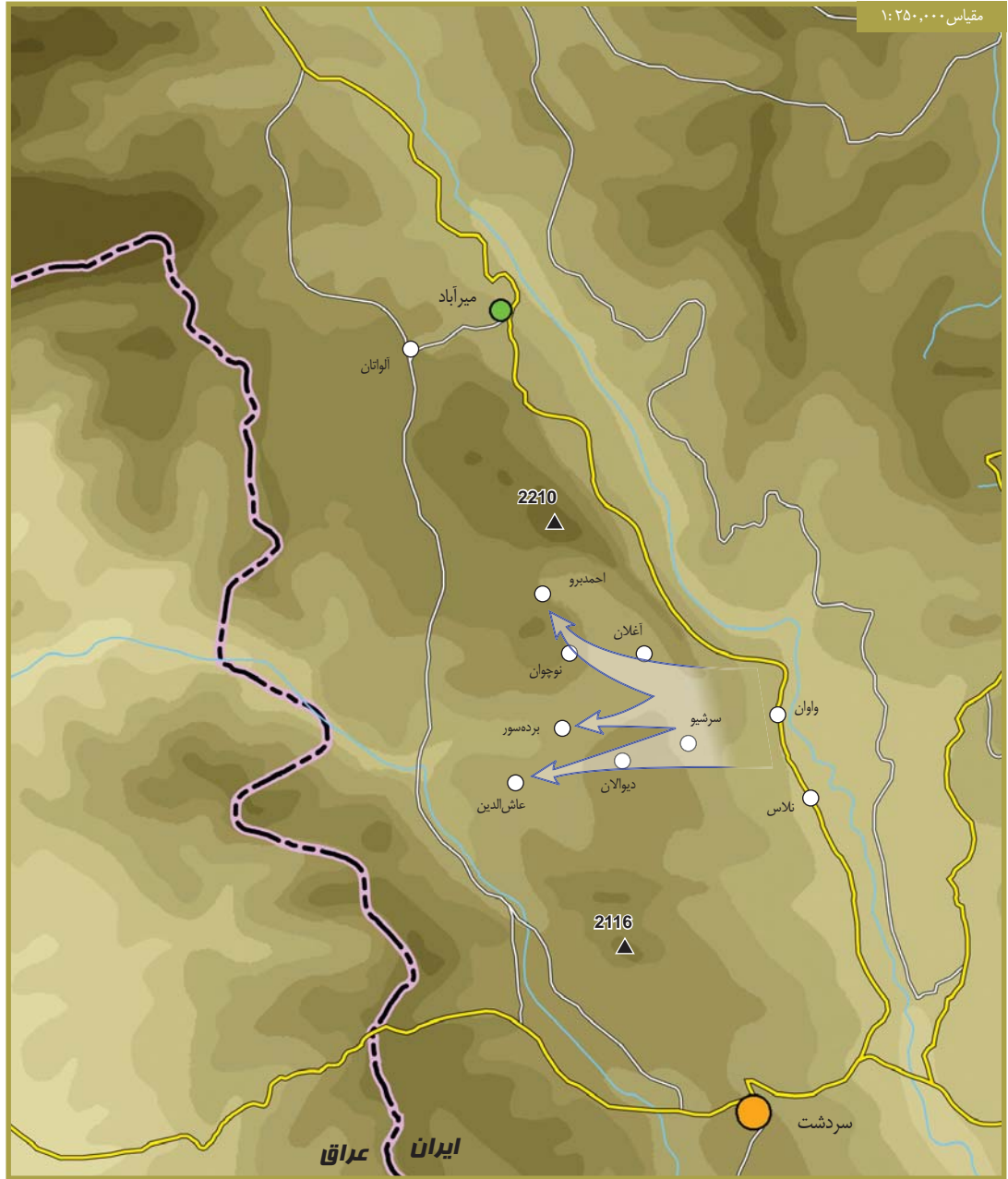
■ محور اول، از روستای واوان به طرف روستاهای آغلان، نوچوان و احمدبرو.  
 ■ محور دوم، از روستای واوان به طرف روستای برده‌سور.  
 ■ محور سوم، از روستای واوان به طرف روستاهای سرشیو، دیوالان و عاش‌الدین.  
 نیروهای ضد انقلاب کومه‌له به محض مشاهده‌ی یگان‌های سپاه و ارتش از منطقه گریختند و نیروهای خودی بدون هیچ‌گونه مقاومتی وارد این روستاها شدند، اما شماری از نیروهای کومه‌له در مسیر یک گروه از نیروهای لشکر ۲۳ نهد کمین کردند و ۶ نفر از آنان را به شهادت رساندند.

در تابستان ۱۳۶۳، یک گردان از نیروهای کومه‌له وارد منطقه‌ی آلوأتان سردشت شدند و روستاهایی را که پایگاه نظامی نداشتند ناامن و به برخی پایگاه‌های رزمندگان اسلام در منطقه نیز حمله کردند. قرارگاه حمزه سیدالشهدا برای بازگرداندن امنیت به این منطقه، به تیپ ۱۱۰ شهید بروجردی مأموریت داد تا با همکاری یک گردان از لشکر ۲۳ نهد و گردان پیاده کوهستانی سپاه سردشت، نیروهای ضد انقلاب کومه‌له را در منطقه‌ی آلوأتان محاصره و آنان را سرکوب کند.

واحدهای عملیاتی پس از شناسایی منطقه، عملیات فجر را در ۱۸ شهریور ۱۳۶۳، از ۳ محور آغاز کردند:

جمعی از شهدای منطقه‌ی سردشت





## عملیات ثارالله

■ محور دوم، از کوه کاپری به طرف روستاهای گندمان و موسی.

■ محور سوم، از ارتفاع بناکیله به طرف روستای زاوه کوه.

در این عملیات واحدهای عملیاتی توانستند ارتفاعات منطقه‌ی گورک را پست سر بگذارند، اما به دلیل این که عبور از ارتفاعات به سختی انجام می‌شد، حلقه‌ی محاصره به موقع کامل نشد و به همین دلیل بسیاری از شورشیان به مناطق هم‌جوار گریختند و تنها ۵ نفر از آنان کشته؛ ۳ نفر مجروح و ۳ نفر اسیر شدند. نیروهای خودی بعد از عملیات نیز چند پایگاه در روستاهای منطقه‌ی گورک احداث کردند تا امنیت روستاییان تأمین شود.

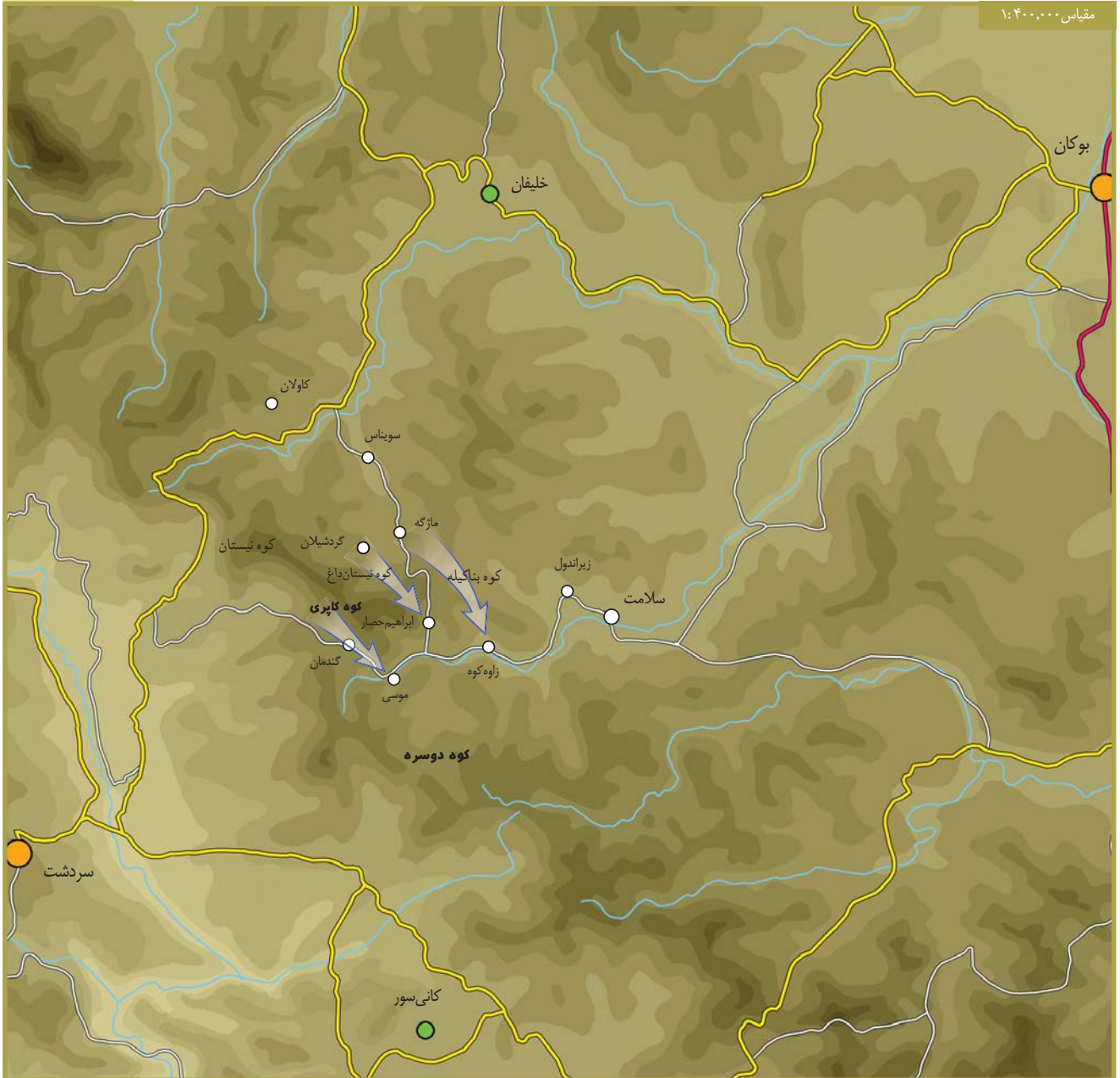
تعداد زیادی از نیروهای ضد انقلاب دمکرات، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) مدت‌ها در روستاهای منطقه‌ی گورک (بین سردشت و بوکان) استقرار یافته بودند و دوری پایگاه‌های آنان از شهرهای سردشت و بوکان و قرارگرفتن‌شان در بین ارتفاعات نیستان‌داغ، کاپری و بناکیله برای آنان امنیت روانی ایجاد کرده بود.

در مقابل، قرارگاه حمزه سیدالشهدا با استفاده از غفلت نیروهای ضد انقلاب و به‌کارگیری یگان‌های سپاه، ارتش و عشایر منگور مهاباد، عملیات ثارالله را در ۱ مهر ۱۳۶۳، از ۳ محور آغاز کرد:

■ محور اول، از ارتفاع نیستان‌داغ به طرف روستای ابراهیم‌حصار.

جلسه‌ی فرماندهان سپاه سردشت؛ از راست به چپ: داود عسگری، محمود صلاحی، ناصر صفرزاده، سیدجعفر امینی





## عملیات عاشورای ۱

با هماهنگی انجام شده بین سپاه تکاب و سپاه شهرهای شاهین‌دژ و کامیاران، گردان جندالله شاهین‌دژ و گردان نبی‌اکرم کامیاران به کمک گردان خاتم تکاب شتافتند و با تصرف ارتفاعات اطراف روستا، شورشیان را محاصره و در ۸ مرداد ۱۳۶۴، به آنان حمله کردند.

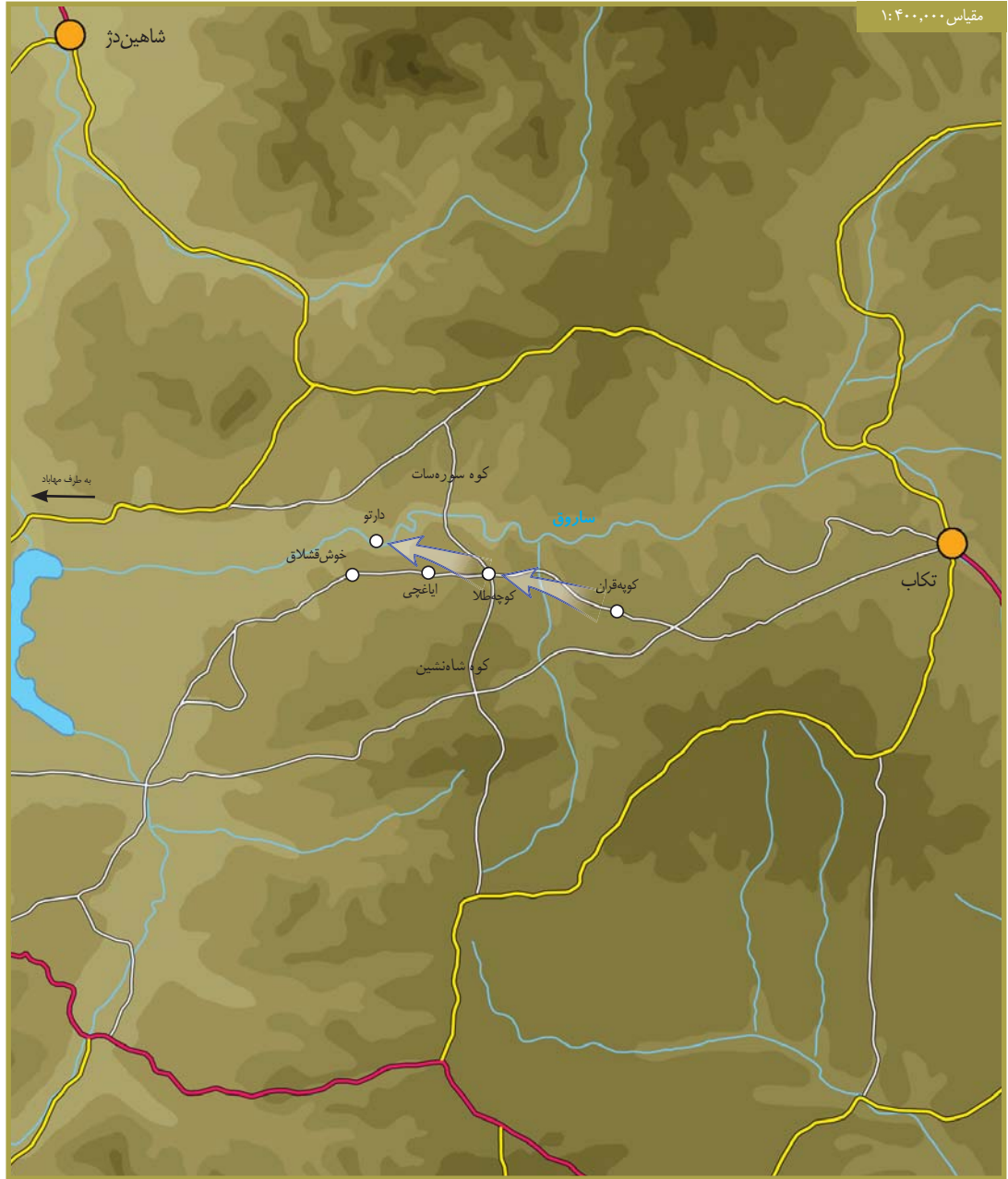
در این عملیات که به فرماندهی جلال صادقی انجام شد، ۵۱ نفر از شورشیان کشته و ۲۷ نفر اسیر شدند و غنائم بسیاری از جمله خودرو، سلاح‌های نیمه‌سنگین و سبک مانند خمپاره‌انداز، بازوکا، تیربار و مین ضد خودرو به دست نیروهای سپاه افتاد. بعد از عملیات نیز ۴۰ نفر از شورشیان همین گردان، خود را تسلیم رزمندگان اسلام کردند. در نتیجه‌ی این عملیات، هیز افشار کاملاً متلاشی شد.

تعدادی از نیروهای هیز (گردان) افشار وابسته به حزب دمکرات در روستای دارتو در منطقه‌ی گل‌تپه که بین شهرهای تکاب، شاهین‌دژ و بوکان قرار دارد، تجمع کرده بودند تا پس از چند روز استراحت، شرارت‌هایشان را در منطقه آغاز کنند.

در این زمان، روستاییان خبر حضور شورشیان را به اطلاع سپاه تکاب رساندند. نیروهای گردان خاتم سپاه تکاب نیز که در نزدیکی این منطقه در روستای کوچه‌طلا در حال گشت بودند، به دارتو اعزام شدند. آنان پس از کسب اطلاعات لازم از وضعیت شورشیان، منتظر رسیدن نیروهای کمکی ماندند تا در زمان مناسب عملیات علیه نیروهای ضد انقلاب را آغاز کنند.

رزمندگان سپاه تکاب در عملیات عاشورای ۱











# فصل ششم

## تأمین مرزهای استان

## تأمین مرزهای استان

جمعی از فرماندهان و مسئولان در قرارگاه حمزه



ایستاده از راست: منصور، حاج بزدی، صفوری، ربیعی، گنجی، حاج غابد، صادقی  
نشسته از راست: کلباشادی، استکی، عباسی، حبیبی تاشی

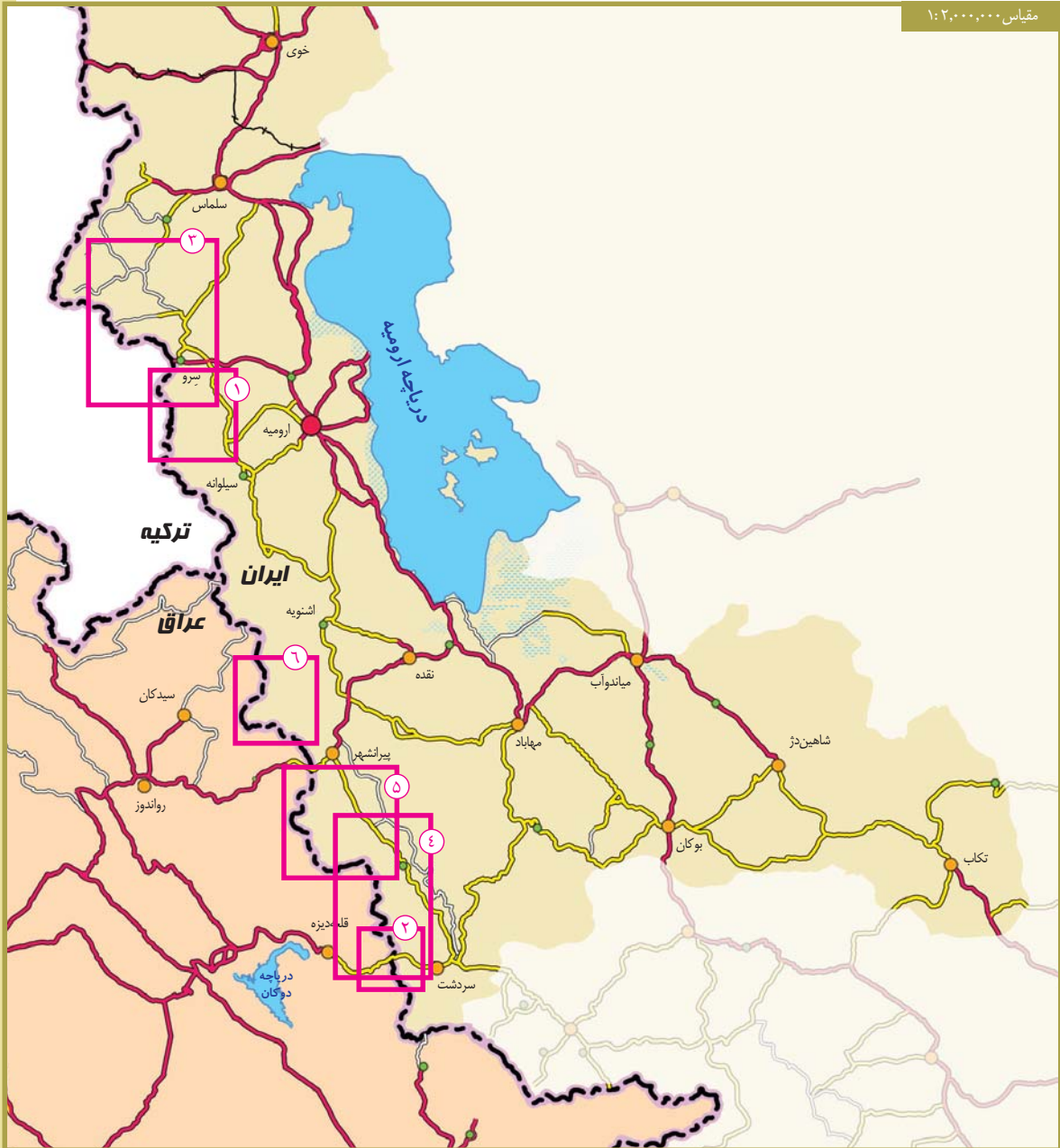
چهارمین مرحله از راهبرد ترسیم‌شده برای جنگ ضد شورش‌گری در مناطق کردنشین ایران، آزادسازی مرزهای استان بود. گروه‌های ضد انقلاب با توجه به همکاری وسیعی که با دو حکومت عراق و ترکیه داشتند به آسانی به آن سوی مرزها تردد و سلاح و تجهیزات مورد نیازشان را وارد کشور می‌کردند.

شورشیان مجروحان‌شان را نیز به آن سوی مرز منتقل و ابتدا در درمانگاهی در نزدیکی مرز و سپس در بیمارستان‌های عراق مداوا می‌کردند.

پس از مدتی که شهرها، راه‌های ارتباطی و برخی مناطق بینابینی آزاد شد، دفاتر سیاسی گروه‌های شورشی، مراکز آموزشی و زندان‌های آن‌ها به عراق منتقل شد و حتی بیش‌تر شورشیان در اواخر پاییز هر سال به عراق می‌رفتند و هماهنگ با استخبارات (سازمان اطلاعات) ارتش بعث در روستاهای عراق مستقر می‌شدند و سپس در اوایل بهار با مناسب شدن هوا، شبانه به ایران باز می‌گشتند.

بنابراین، اجرای عملیات برای کنترل و تأمین مرزهای استان آذربایجان غربی و جلوگیری از تردد شورشیان و ارسال کمک‌های ارتش عراق به گروه‌های شورشی، ضرورت داشت. اجرای این عملیات‌ها از اوایل سال ۱۳۶۲ آغاز شد و تا اواخر سال ۱۳۶۳ - که بیش‌تر مناطق مرزی استان به کنترل سپاه و ارتش درآمد - ادامه یافت. در این بین، اجرای برخی عملیات‌های منظم علیه ارتش عراق در مرزهای استان، به کنترل مرزها و جلوگیری از رفت و آمد شورشیان بسیار کمک کرد.

ردیف	عملیات	تاریخ	منطقه
۱	رمضان	۱۳۶۲/۲/۲۱	منطقه‌ی مرزی جنوب سرو
۲	جهاد	۱۳۶۲/۳/۲۸	منطقه‌ی مرزی بریاجی در غرب سردشت
۳	لیلة‌القدر	۱۳۶۳/۳/۳۰	منطقه‌ی مرزی شمال و جنوب سرو
۴	نصر	۱۳۶۳/۴/۲۷	منطقه‌ی مرزی آلاتان در شمال غربی سردشت
۵	شهید کاظمیان	۱۳۶۳/۶/۷	منطقه‌ی مرزی منگور غربی در جنوب غربی پیرانشهر
۶	تأمین مرز اشنویه	۱۳۶۳/۱۱/۲۵	منطقه‌ی مرزی غرب و جنوب غربی اشنویه



## عملیات رمضان

شهید بروجردی و گردان‌های جندالله سلماس، ارومیه، شاهین‌دژ و تکاب مأموریت یافتند با پشتیبانی آتش هوانیروز، عملیات رمضان را در این منطقه کوهستانی و دورافتاده آغاز کنند.

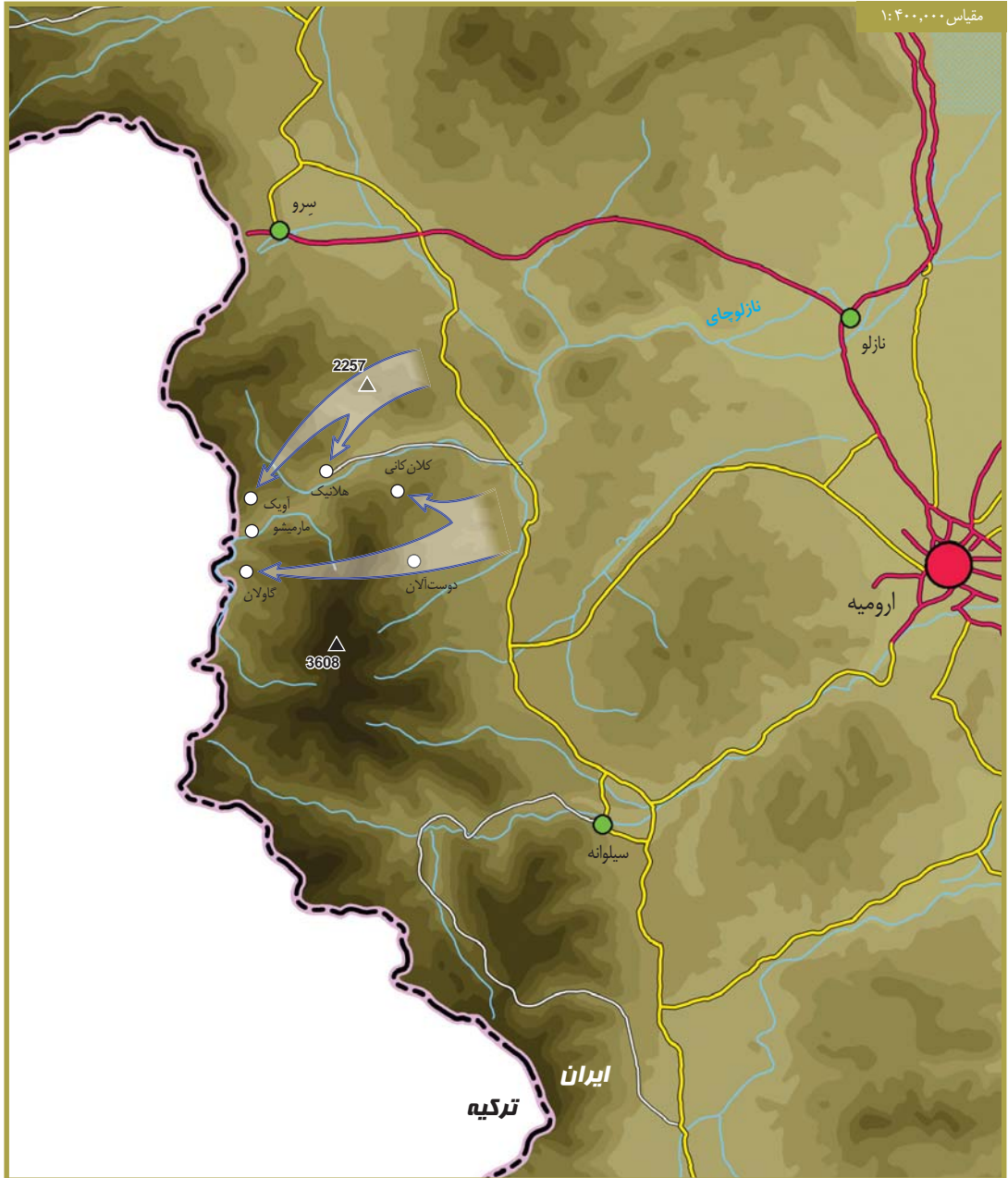
در این عملیات، روستاهای آویک، مارمیشو، هلانیک، گاولان، کلان‌کانی و دوست‌آلان پاک‌سازی شدند و ۱۲ نفر از شورشیان به هلاکت رسیدند و بقیه به خاک ترکیه گریختند. پس از این عملیات، نیروهای خودی چند پایگاه در این روستاها ایجاد کردند. نیروهای ضد انقلاب فراری به دلیل آن‌که نمی‌توانستند دوباره به روستاهای منطقه بازگردند، مجبور به تسلیم شدند و ۴۸۱ نفر از آنان، از جمله ۵ فرمانده و کادر سیاسی محلی، خود را به جمهوری اسلامی ایران معرفی و امان‌نامه دریافت کردند.

از ارتفاعات مرزی جنوب سرو، رودخانه‌ی نازلوچای سرچشمه می‌گیرد که در ابتدای آن دریاچه‌ی زیبایی مارمیشو واقع شده است و تعدادی روستا در اطراف آن قرار دارد. حدود ۲۲۵ نفر از افراد گروه‌های شورشی دمکرات، کومه‌له و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در برخی روستاهای این منطقه پایگاه داشتند و با استقرار نیروهای بسیار، نوار مرزی ایران و ترکیه را ناامن می‌کردند.

شورشیان با گماردن دیدبان روی ارتفاعات بلند منطقه، با مشاهده‌ی ورود یگان‌های عملیاتی جمهوری اسلامی ایران، به ترکیه می‌گریختند و پس از بازگشت آنان، دوباره به روستاهای این منطقه بازمی‌گشتند. در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۲، به منظور سرکوب گروه‌های شورشی و برقراری امنیت در این منطقه، تیپ ۱۱۰

رزمندگان سپاه سردشت در حین عملیات





## عملیات جهاد

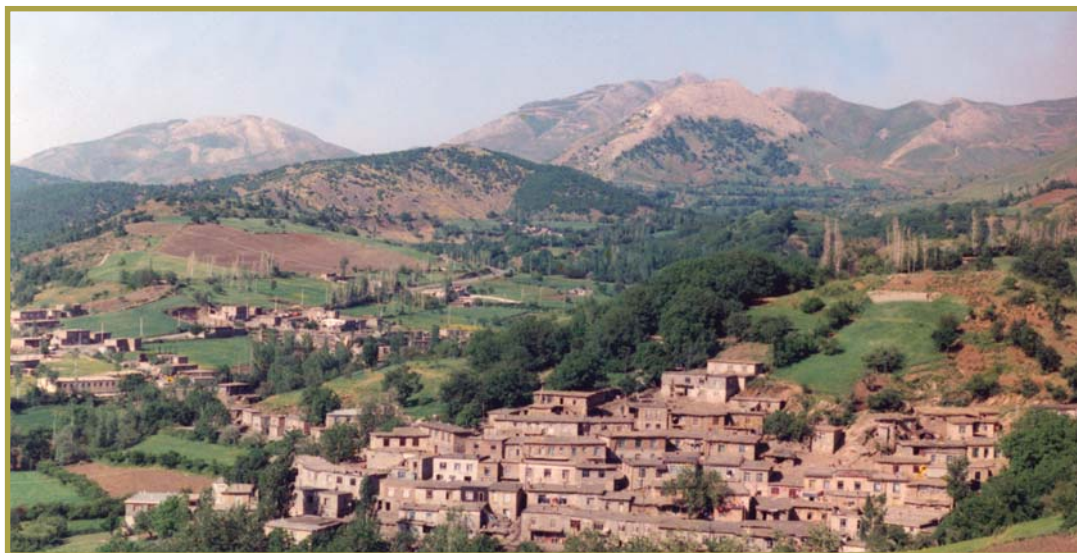
این عملیات آزاد شد. نیروهای خودی با استفاده از موفقیت به دست آمده، ارتفاعات کاسه‌شکن، کانی‌رش، رستم‌آلیان و بلفت را تصرف کردند، اما نتوانستند روی کوه دوپازا مستقر شوند.

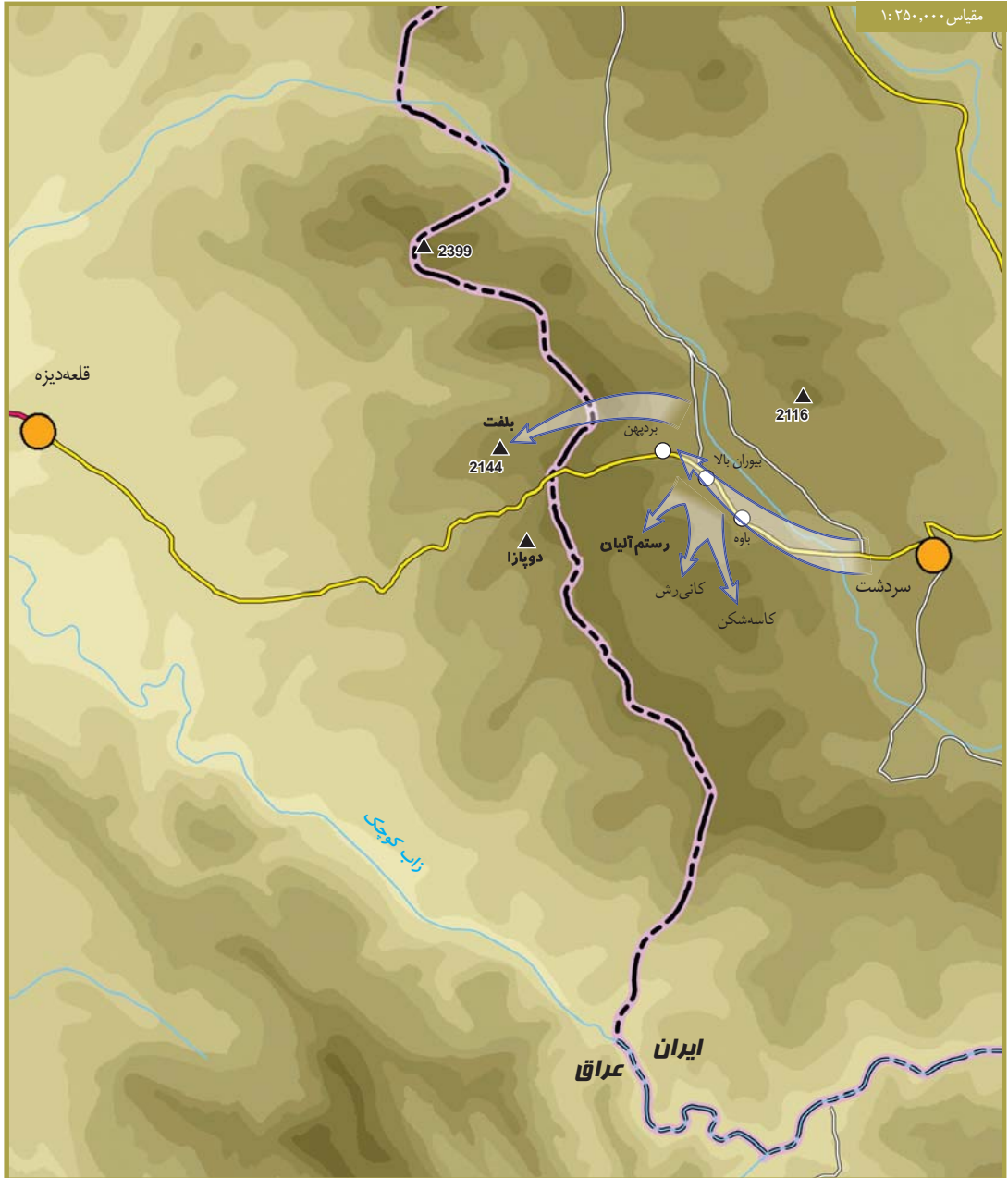
در شب اول تیر ۱۳۶۲، ارتش عراق با همکاری گروه‌های شورشی برای بازپس‌گیری ارتفاع بلفت عملیاتی را آغاز کردند، اما با مقاومت رزمندگان اسلام و به جای گذاشتن ۴۰ کشته مجبور به عقب‌نشینی شدند. در شب پنجم تیرماه، یگان‌های سپاه و ارتش کوشیدند ارتفاع دوپازا را تصرف کنند، اما با جاسوسی گروه‌های شورشی، ارتش عراق روی ارتفاع دوپازا مستقر شد و تلاش رزمندگان اسلام برای تصرف کوه دوپازا به نتیجه نرسید. در این عملیات از نیروهای خودی ۲۰۰ نفر شهید، مجروح و اسیر و از نیروهای ارتش عراق نیز تعداد زیادی کشته شدند.

در غرب شهرستان سردشت، منطقه‌ی بریاجی قرار دارد و کوه‌های کاسه‌شکن، کانی‌رش، رستم‌آلیان، بلفت و دوپازا در این منطقه‌ی مرزی واقع شده‌اند. در میان این ارتفاعات، دو ارتفاع بلفت و دوپازا به دلیل تسلط بر شهر قلعه‌دیزه‌ی عراق، اهمیت بیشتری دارند. پس از تسلط کامل رزمندگان بر شهر سردشت، بسیاری از نیروهای گروه‌های تجزیه‌طلب به نزدیکی مرز ایران و عراق گریخته و روستاهای منطقه‌ی بریاجی، جاده‌ی مرزی سردشت به بردپهن و ارتفاعات مرزی را اشغال کرده بودند.

با اقدامات مؤثر قرارگاه حمزه سیدالشهدا، عملیات جهاد در ۲۸ خرداد ۱۳۶۲، با همکاری یگان‌های سپاه، ارتش، ژاندارمری و عشایر منطقه‌ی سردشت اجرا شد. در این عملیات تعداد زیادی از شورشیان کشته و روستاهای منطقه‌ی بریاجی پاک‌سازی شدند. جاده‌ی ۱۵ کیلومتری سردشت به بردپهن نیز با اجرای

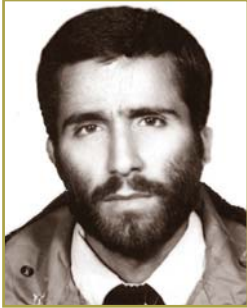
روستای بیوران در منطقه‌ی بریاجی سردشت





## عملیات لیلۃ القدر

شهید حسن طاهر نژاد



قرارگاه اول به فرماندهی اسماعیل احمدی مقدم، از جنوب غربی سلماس به سمت روستای دوستان که مقر طاهرخان سیمیتقو بود، حرکت کرد.

قرارگاه دوم به فرماندهی ناصر صفرزاده، از

روستای هشتیان به طرف روستای اسپه دره که محل استقرار صنار مامدی بود، حمله کرد.

قرارگاه سوم به فرماندهی محمود کاوه، از روستای هورسین به طرف روستای حسنلو و سلطانی واقع در

مرز ایران و ترکیه، حرکت کرد.

قرارگاه چهارم نیز به فرماندهی جواد شمسی، از سه راهی چره به طرف

گل شیخان و اربیلان واقع در مرز ایران و ترکیه، حمله کرد.

در این عملیات، بسیاری از شورشیان از حضور یگان‌های

سپاه، ژاندارمری و عشایر محل در منطقه مطلع شدند و به خاک

ترکیه گریختند، با وجود این، ۳۲ نفر از آنان کشته؛ ۴۱ نفر

زخمی و ۱۰ نفر اسیر شدند. بعد از عملیات نیز حدود ۴۰۰

نفر از شورشیان، خود را تسلیم رزمندگان سپاه اسلام کردند تا

امان‌نامه دریافت کنند.

در این عملیات حسن طاهر نژاد مسئول اطلاعات عملیات قرارگاه

حمزه و ۱۵ نفر دیگر از نیروهای خودی به شهادت رسیدند و ۲۰

نفر نیز مجروح شدند.

پس از برقراری امنیت در روستاهای منطقه‌ی محال‌انزل، مرگور و ترگور، حدود ۷۰۰ نفر از شورشیان دمکرات، کومه‌له، چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و اشرار وابسته به صنار مامدی و طاهرخان سیمیتقو، در روستاها و ارتفاعات نوار مرزی شمال و جنوب سرو مستقر شدند و با اعزام گروه‌هایی، جاده‌ها و روستاهای اطراف ارومیه را ناامن می‌کردند.

با تصمیم قرارگاه حمزه سیدالشهدا، قرارگاه مقدم عملیاتی به فرماندهی غلامرضا جلالی در روستای

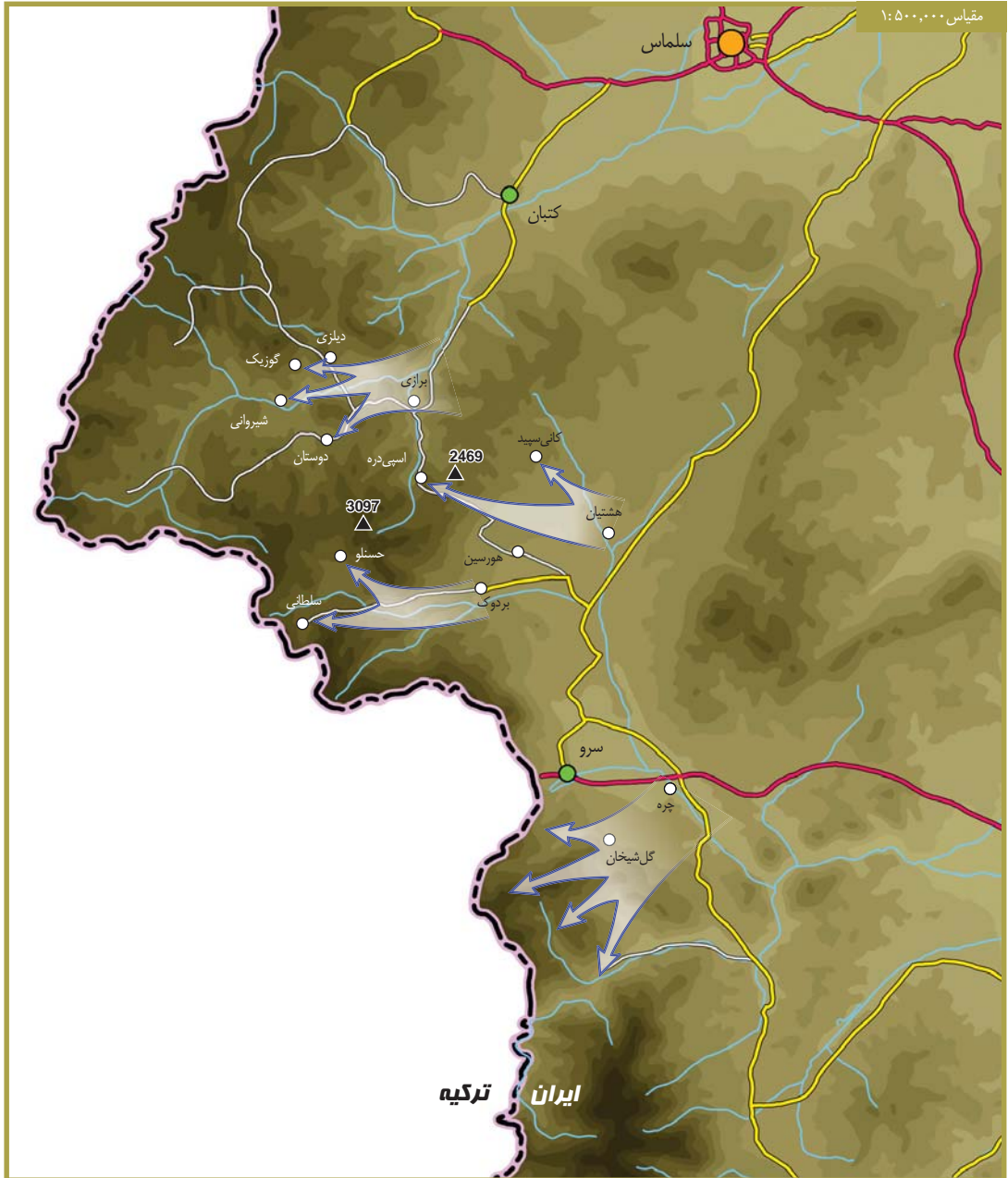
هورسین مستقر شد و با ایجاد ۴ قرارگاه فرعی، عملیات لیلۃ القدر را در ۳۰ خرداد ۱۳۶۳ مصادف با ۲۱

رمضان، برای پاک‌سازی منطقه و برقراری امنیت بدین ترتیب آغاز کرد:

از راست به چپ: غلامرضا جلالی، شهید محمود کاوه، سرهنگ مرعشی، جواد شمسی







## عملیات نصر

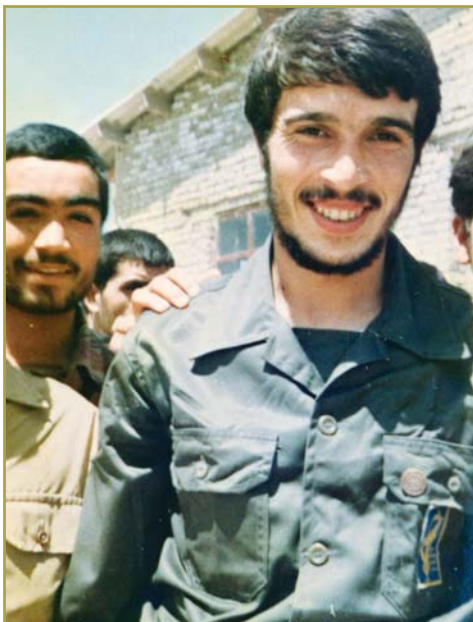
منطقه‌ی آلوأتان در شمال غربی سردشت و در مجاور مرز ایران با عراق قرار دارد. اطراف روستاهای این منطقه پوشیده از درختان جنگلی است و کوه‌های جاسوسان با ۲۰۹۲؛ سرکما با ۲۲۱۰؛ توژال با ۲۳۹۹ و بردسپیان با ۲۱۷۹ متر ارتفاع در اطراف آن واقع شده‌اند. گروه‌های تجزیه‌طلب در برخی روستاهای این منطقه پایگاه داشتند و افراد آنان با استفاده از دره‌های بین ارتفاعات به عراق تردد می‌کردند و به تدارک نیروهایشان می‌پرداختند. با هماهنگی قرارگاه حمزه سیدالشهدا در ساعت ۲۴ روز ۲۷ تیر ۱۳۶۳، عملیات نصر برای آزادسازی روستاهای منطقه‌ی آلوأتان و تأمین ارتفاعات مرزی از سه محور آغاز شد:

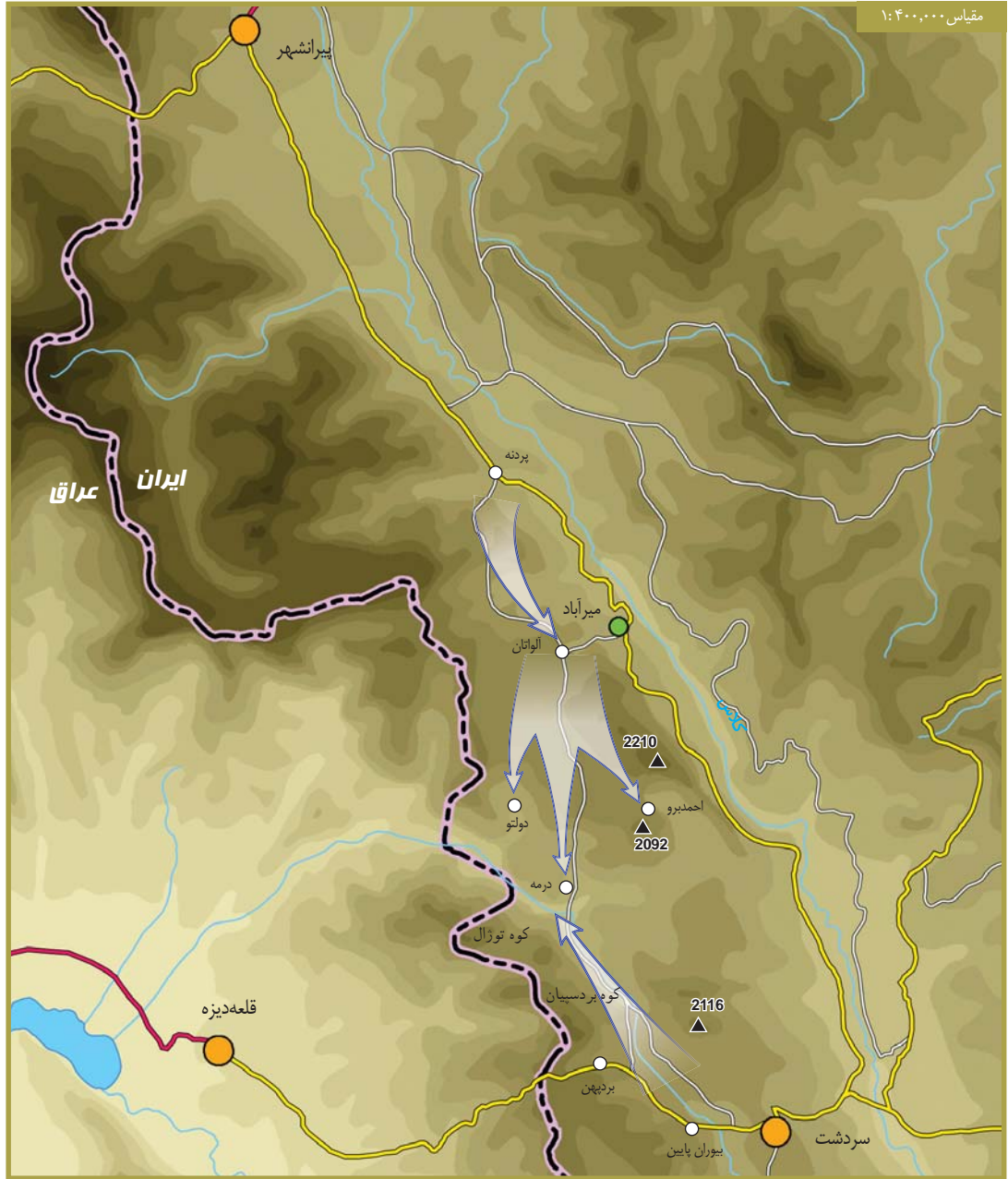
■ محور اول به فرماندهی ناصر صفرزاده از سه راهی آلوأتان در جاده‌ی پیرانشهر - سردشت به طرف جنوب. محور دوم به فرماندهی محمود کاوه از میرآباد به طرف جنوب.

■ محور سوم به فرماندهی علیرضا عسگری از بیوران به طرف شمال.

با آغاز عملیات، دیدبان‌های گروه‌های ضد انقلاب که روی ارتفاعات اطراف منطقه مستقر بودند، با مشاهده‌ی حرکت یگان‌های عملیاتی سپاه و ارتش، موقعیت رزمندگان اسلام را به اطلاع نیروهایشان رساندند و آنان نیز به سرعت کادرها و نیروهای اصلی‌شان را به عراق منتقل کردند. با انتقال کادربانی اصلی ضد انقلاب به عراق، باقی‌مانده‌ی نیروهای تجزیه‌طلب به مقابله با نیروهای خودی پرداختند. این عملیات به مدت ۱۳ روز ادامه یافت و در طول آن ۱۶ روستا پاک‌سازی شد و ارتفاعات مهم منطقه به تصرف نیروهای سپاه و ارتش درآمد. در این عملیات، ۱۵ نفر از رزمندگان اسلام بر اثر آتش توپخانه‌ی عراق یا گلوله‌های شورشیان شهید و ۱۷ نفر مجروح شدند. از نیروهای ضد انقلاب نیز ۱۶ نفر و از نیروهای ارتش عراق ۱۵ نفر کشته شدند.

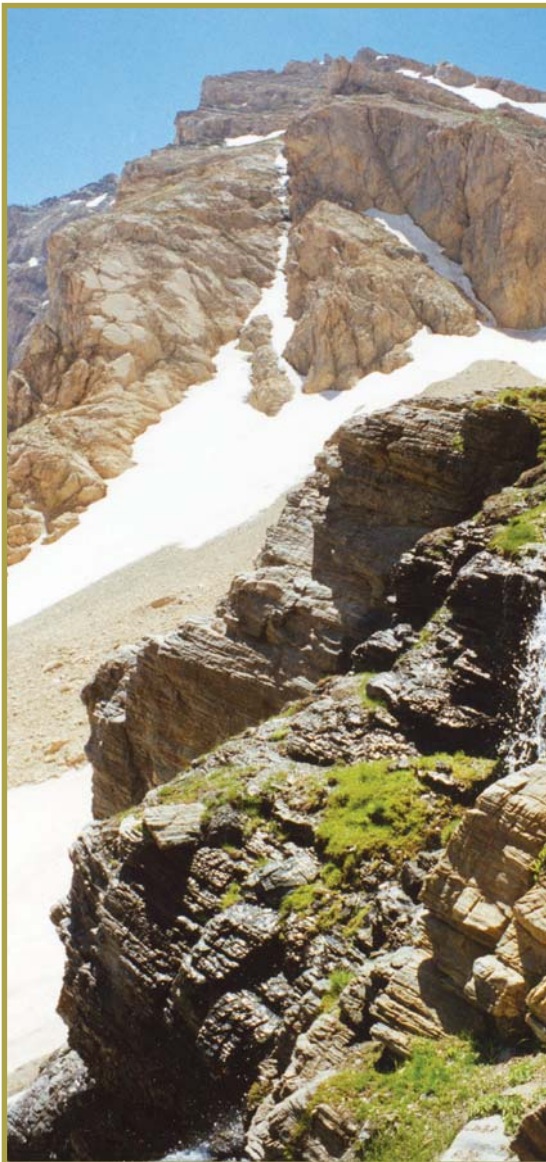
شهید محمود کاوه





## عملیات شهید کاظمیان

کوه قندیل

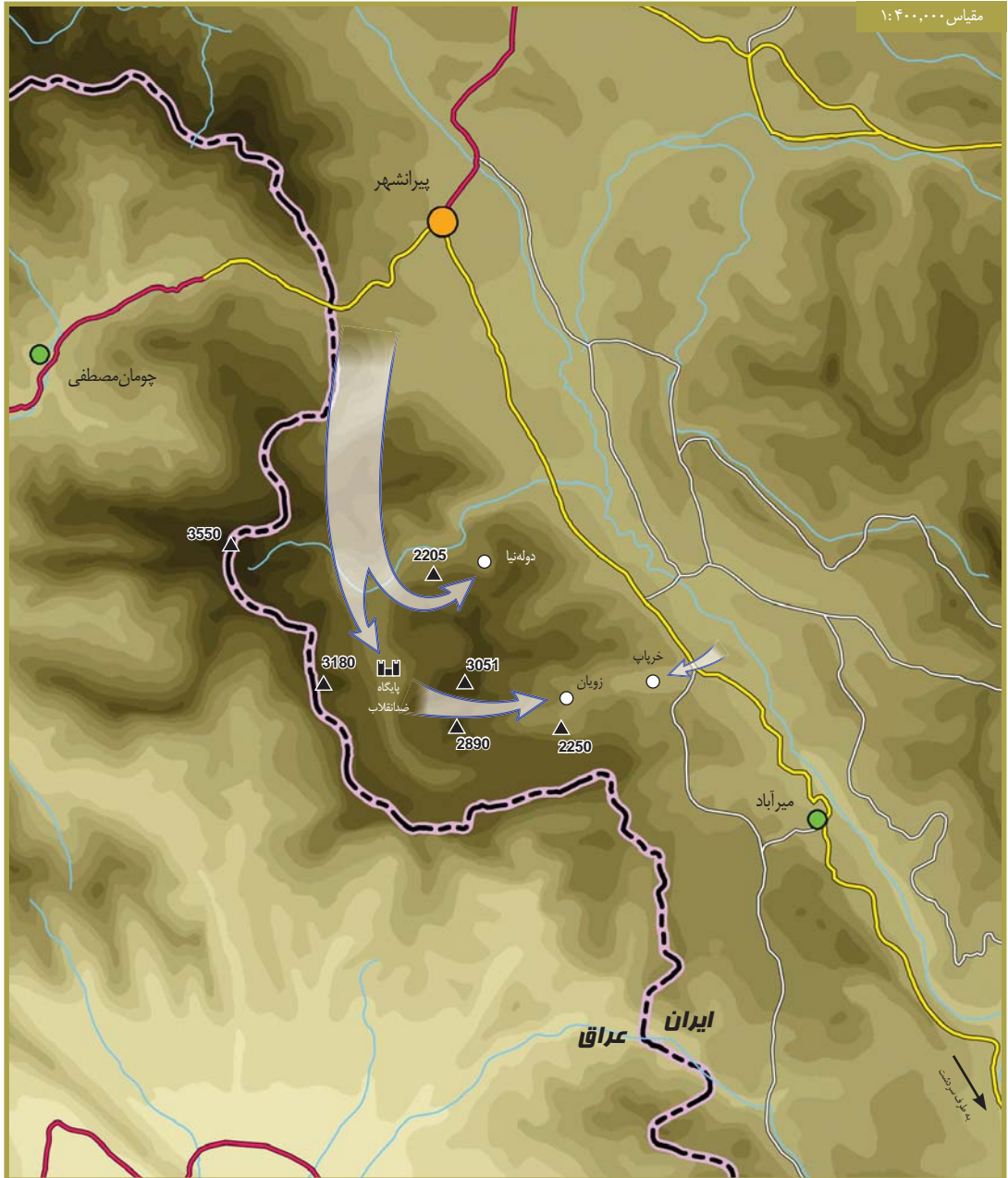


منطقه‌ی منگور غربی در جنوب غربی پیرانشهر و نزدیک مرز ایران و عراق قرار دارد. در بین کوه‌های مرتفع این منطقه مانند قندیل با ۳۱۸۰؛ حاجی‌ابراهیم با ۳۵۵۰؛ کیله‌قلان با ۲۲۰۵؛ آقاسر با ۲۲۵۰ و کاسه‌بردین با ۲۸۹۰ متر ارتفاع، روستاهای دوله‌نیا، خریاپ و زویان قرار دارد.

نیروهای ضد انقلاب دمکرات، کومه‌له و مجاهدین خلق (منافقین) در این سه روستا پایگاه داشتند و در دامنه‌ی کوه قندیل در مسیر پيله‌وران مرزی، پست کنترلی دایر کرده بودند و از روستاییان و مردم منطقه عوارض ورود و خروج کالا دریافت می‌کردند. این گروه‌ها گه‌گاه به پایگاه‌های سپاه، ارتش و ژاندارمری که در روستاهای اطراف منطقه یا در اطراف جاده‌ی پیرانشهر - سردشت مستقر بودند، حمله می‌کردند و با اجرای کمین، جاده‌ها را ناامن و رفت و آمد مردم را با مشکل مواجه می‌کردند.

قرارگاه حمزه سیدالشهدا مأموریت تأمین امنیت این منطقه‌ی مرزی کشور را به تیپ ویژه‌ی شهدا واگذار کرد و محمود کاوه فرمانده تیپ، برای انهدام مقر گروه‌های تجزیه‌طلب در روستاهای دوله‌نیا، خریاپ و زویان تصمیم گرفت با استفاده از مانور احاطه‌ی و با اجرای یک راه‌پیمایی طولانی، نیروهایش را شبانه به پشت پایگاه گروه‌های تجزیه‌طلب برساند و سازمان آنان را متلاشی کند.

عملیات شبانه‌ی شهید کاظمیان در ۷ شهریور ۱۳۶۳ اجرا شد و نیروهای تیپ ویژه‌ی شهدا توانستند ۷۱ نفر از شورشیان را به هلاکت برسانند و مقدار زیادی از اجناسی را که گروه‌ها به زور از مردم گرفته بودند، جمع‌آوری کنند. بعد از عملیات، ۴۰ نفر از شورشیان که هنگام عملیات متواری شده بودند، خود را تسلیم جمهوری اسلامی کردند.



## عملیات تأمین مرز اشنویه

کردستان عراق (نیروهای مسعود بارزانی)، گروه‌های شورشی مستقر در این منطقه را سرکوب؛ ارتفاعات مرزی اشنویه را تصرف و چند پایگاه در روستاهای کانی‌رش، گل‌زده، لولان، کانی‌سرخ و آغ‌بلاغ ایجاد کند.

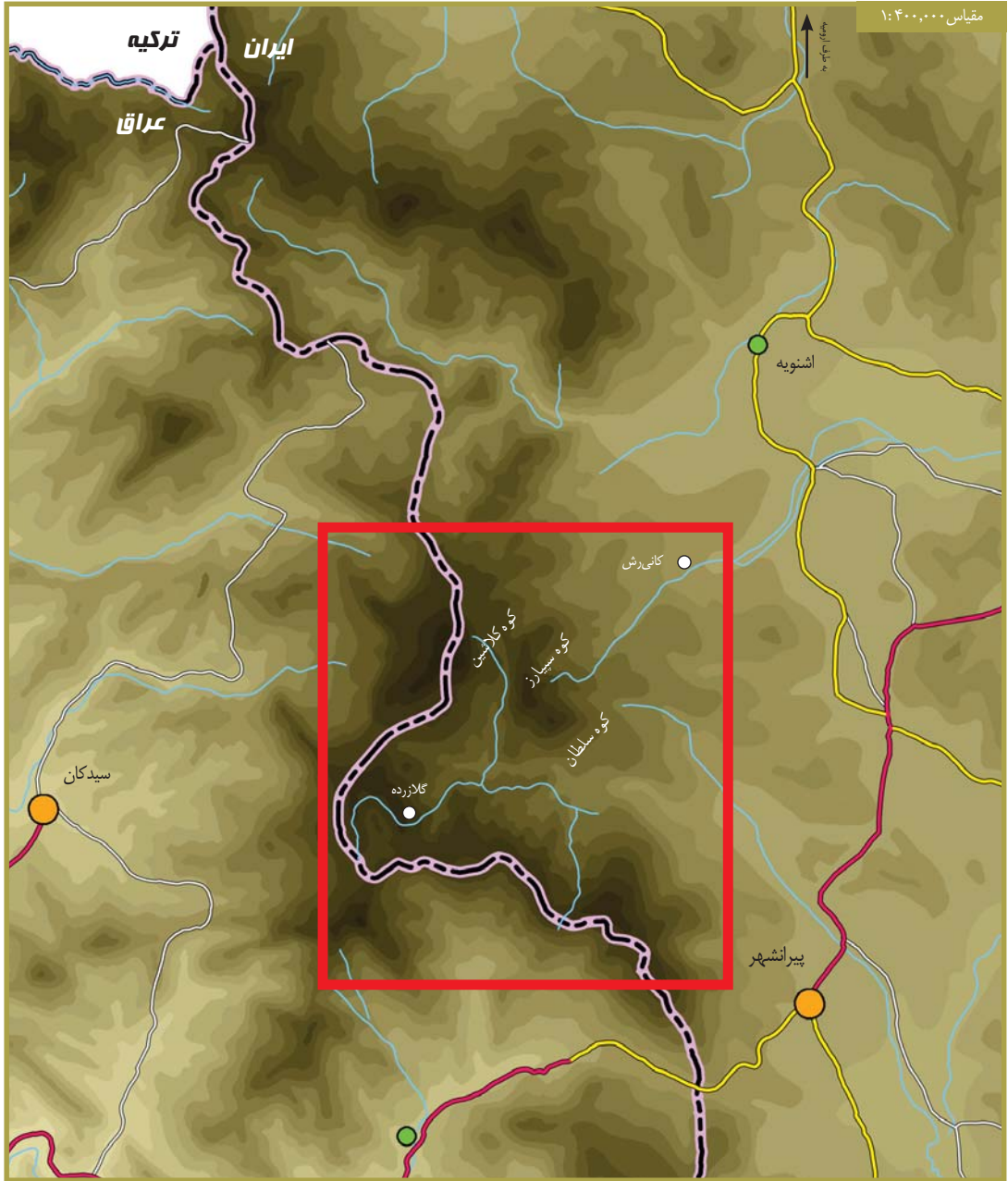
قرارگاه نصر، این عملیات را در ۲۵ بهمن ۱۳۶۳ در حالی آغاز کرد که همه‌ی ارتفاعات منطقه پوشیده از برف بود. شورشیان نیز با مشاهده‌ی رزمندگان، به خاک عراق گریختند و به همین دلیل ضربه‌ی اساسی به آنان وارد نشد. اما یگان‌های عملیاتی چند پایگاه در ارتفاعات و روستاهای مورد نظر احداث کردند و با برقراری امنیت منطقه، هدف‌های اصلی عملیات تأمین شد.

پس از آن‌که شهر اشنویه به کنترل نیروهای جمهوری اسلامی ایران درآمد، گروه‌های شورشی در ارتفاعات مرزی اشنویه مستقر شدند و چند پایگاه در خاک عراق به ویژه در دره‌ی خاکورک ایجاد کردند و سپس نیروهای‌شان را برای ایجاد ناامنی به روستاها و جاده‌های ارتباطی و حتی شهرهای اشنویه و ارومیه می‌فرستادند و آرامش مردم را سلب می‌کردند.

قرارگاه حمزه سیدالشهدا، به منظور افزایش ضریب امنیتی شهرهای اشنویه، ارومیه و روستاهای نواحی مرزی، به قرارگاه نصر مستقر در اشنویه مأموریت داد با به‌کارگیری یک تیپ از ارتش؛ ۲ گردان جندالله از اشنویه و پیرانشهر؛ گردان نبی‌اکرم اشنویه؛ گروهان ژاندارمری اشنویه و نیروهای حزب دمکرات

ارتفاعات مرزی اشنویه











## فصل هشتم

# آذربایجان غربی در دفاع مقدس

## آذربایجان غربی در دفاع مقدس

ارتش عراق قبل از آغاز رسمی جنگ، بارها مناطق مرزی استان آذربایجان غربی را هدف حملات هوایی و توپخانه‌یی قرار داده بود، اما در ابتدای جنگ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) برای تضمین موفقیت در جبهه‌های جنوبی و غربی کشور از تجاوز زمینی به استان آذربایجان خودداری کرد و تنها به بمباران برخی شهرها و پادگان‌های استان پرداخت. فرماندهی ارتش عراق این‌گونه می‌پنداشت که با فعالیت گروه‌های تجزیه‌طلب در مناطق کردنشین و حملات پی در پی آنان به شهرها، جاده‌ها، مراکز نظامی و انتظامی، نیازی به حمله‌ی زمینی به مرزهای استان آذربایجان غربی نیست، اما هنگامی که پیشروی واحدهای ارتش عراق در جبهه‌های جنوبی و غربی متوقف شد، اولین واحدهای لشکر ۷ پیاده‌ی عراق در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در مناطق مرزی حاج‌عمران (مقابل پیرانشهر) مستقر شدند. یگان‌های تحت امر قرارگاه حمزه سیدالشهدا در استان آذربایجان غربی با آن‌که درگیر جنگ ضد شورش‌گری در مناطق کردنشین استان بودند، ضمن آزادسازی شهرهای مرزی و راه‌های ارتباطی بین شهری، تلاش برای مستقر شدن در مرز را آغاز کردند. اولین واحد رزمی در ۲۷ مهر ۱۳۵۹ بعد از آزادسازی پیرانشهر در منطقه‌ی مرزی ترمچین مستقر شد و سپس با اجرای عملیات تأمین مرز در مناطق اشنویه و سردشت، یگان‌های تابع قرارگاه حمزه در بیش‌تر مناطق مرزی استقرار یافتند.

پس از آن‌که یگان‌های سپاه و ارتش توانستند مناطقی را که ارتش عراق در جنوب و غرب ایران اشغال کرده بود، آزاد کنند، قرارگاه حمزه با توجه به برقراری امنیت نسبی در مناطق شمال غرب کشور، به منظور اجرای استراتژی تنبیه متجاوز، جبهه‌ی جدیدی علیه ارتش عراق در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان باز کرد. از این زمان به بعد، عملیات‌های متعددی در مرزهای استان به دو شکل منظم و نامنظم اجرا شدند که اجرای عملیات‌های منظم به عهده‌ی یگان‌های سپاه و ارتش بود و عملیات‌های نامنظم را واحدهای قرارگاه رمضان با همکاری حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی در مناطق عمقی کردستان عراق اجرا می‌کردند.

بدین ترتیب، می‌توان تجاوزات عراق را در منطقه‌ی آذربایجان غربی به ۲ دوره‌ی زمانی قبل از آغاز هجوم سراسری ارتش عراق و بعد از آن تقسیم کرد و تجاوزات عراق بعد از هجوم سراسری ارتش آن کشور را نیز به دو نوع تجاوزات هوایی و تجاوزات زمینی تقسیم کرد و واکنش‌های خودی را نیز در دو نوع عملیات منظم و نامنظم زمینی دسته‌بندی کرد.



## تجاوزات عراق قبل از آغاز جنگ

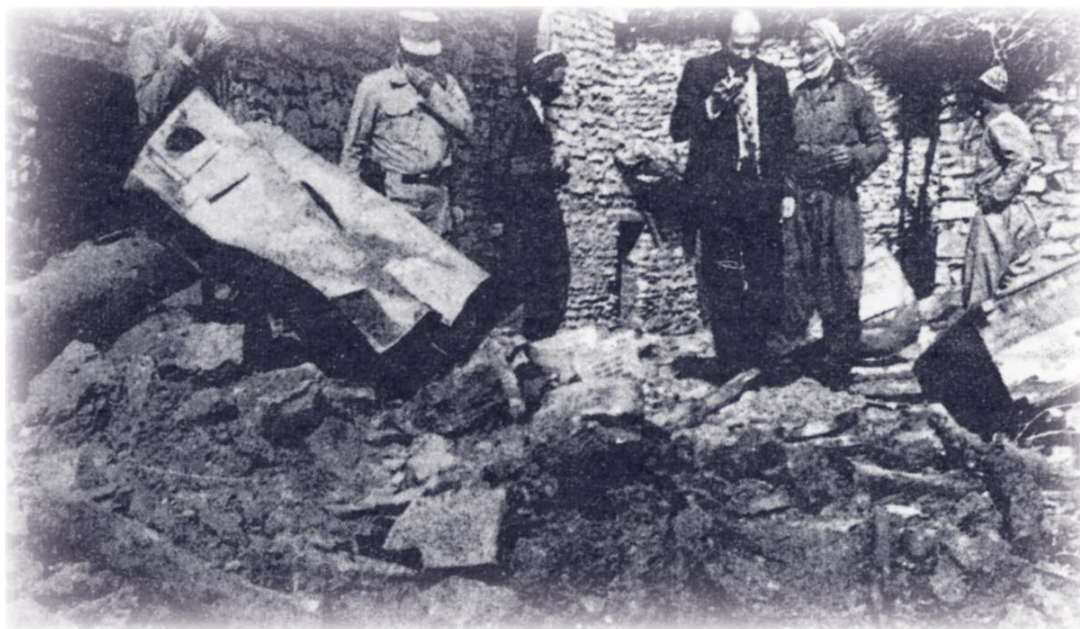
نوکان، ساران، داودآباد و بیدلان را بمباران کردند. نیم ساعت بعد از آن، ۲ بال‌گرد عراقی وارد حریم هوایی ایران شدند و مردم این روستاها را که در حال فرار به ارتفاعات منطقه بودند به رگبار مسلسل و راکت بستند. سپس، ۴ جنگنده بمبافکن دیگر، این روستاها را با بمب ناپالم (آتش‌زا) بمباران کردند که بر اثر آن بسیاری از خانه‌های روستاییان و لوازم آن‌ها در آتش سوختند.

در این حمله‌ی هوایی، ۶ نفر از ساکنان روستاها شهید و ۲۲ نفر مجروح شدند. همچنین صدها رأس گاو و گوسفند اهالی این مناطق از بین رفتند. ارتش عراق ادعا کرد این حمله به منظور از بین بردن مرکز استقرار نیروهای وابسته به مسعود بارزانی (قیاده موقت) در مرزهای ایران و عراق انجام شده است، در حالی که همه‌ی آسیب‌دیدگان این حمله ایرانی بودند.

ارتش عراق پیش از آغاز جنگ تحمیلی ۳۰ بار به مرزهای استان آذربایجان غربی تجاوز کرد که مهم‌ترین آن، دو بار بمباران خونین شهرستان سردشت بوده است.

### اولین بمباران سردشت

اولین حمله‌ی هوایی عراق به مناطق مرزی استان آذربایجان غربی، ۱۵ ماه قبل از هجوم سراسری ارتش عراق و اندکی بعد از کوتای بدون خونریزی صدام حسین علیه حسن البکر انجام شد. در طول این حمله که در ساعت ۱۴:۳۰ دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ و در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی انجام شد، ابتدا ۲ هواپیمای شناسایی عراق روستاهای منطقه‌ی آلماتان سردشت را شناسایی و سپس ۲ جنگنده بمبافکن عراق روستاهای گروه‌شیر، کانی‌زرد، توژال،



### دومین بمباران سردشت

ساعاتی قبل از آغاز کودتای نوژه در ایران، ۸ هواپیمای میگ و سوخوی نیروی هوایی عراق در ساعت ۱۱:۳۰ روز چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹، روستاهای زوران و گوره‌شیر را در منطقه‌ی مرزی آلوatan سردشت بمباران کردند. در این تهاجم هوایی ۱۱ نفر از مردم شهید و بسیاری نیز مجروح شدند و خسارت‌های فراوانی به مناطق مسکونی این دو روستا و احشام روستاییان وارد شد.

کودتاچیان بعد از دست‌گیری، اعتراف کردند در هماهنگی انجام‌شده با عراق، مقرر شده بود نیروی هوایی این کشور، یکی از مناطق مرزی ایران را در غرب کشور بمباران کند، سپس بدین بهانه کودتاچیان برای پاسخ‌گویی به اقدام تجاوزکارانه‌ی ارتش عراق از مقامات ایران مجوز پرواز از پادگان شهید نوژه‌ی همدان و اجرای عملیات هوایی در عراق را اخذ کنند، اما به جای پرواز به سمت عراق، به طرف تهران حرکت و برخی مناطق مهم در تهران از جمله جماران را بمباران کنند.



## هجوم سراسری ارتش عراق

مناطق بمباران شده استان در ماه اول جنگ

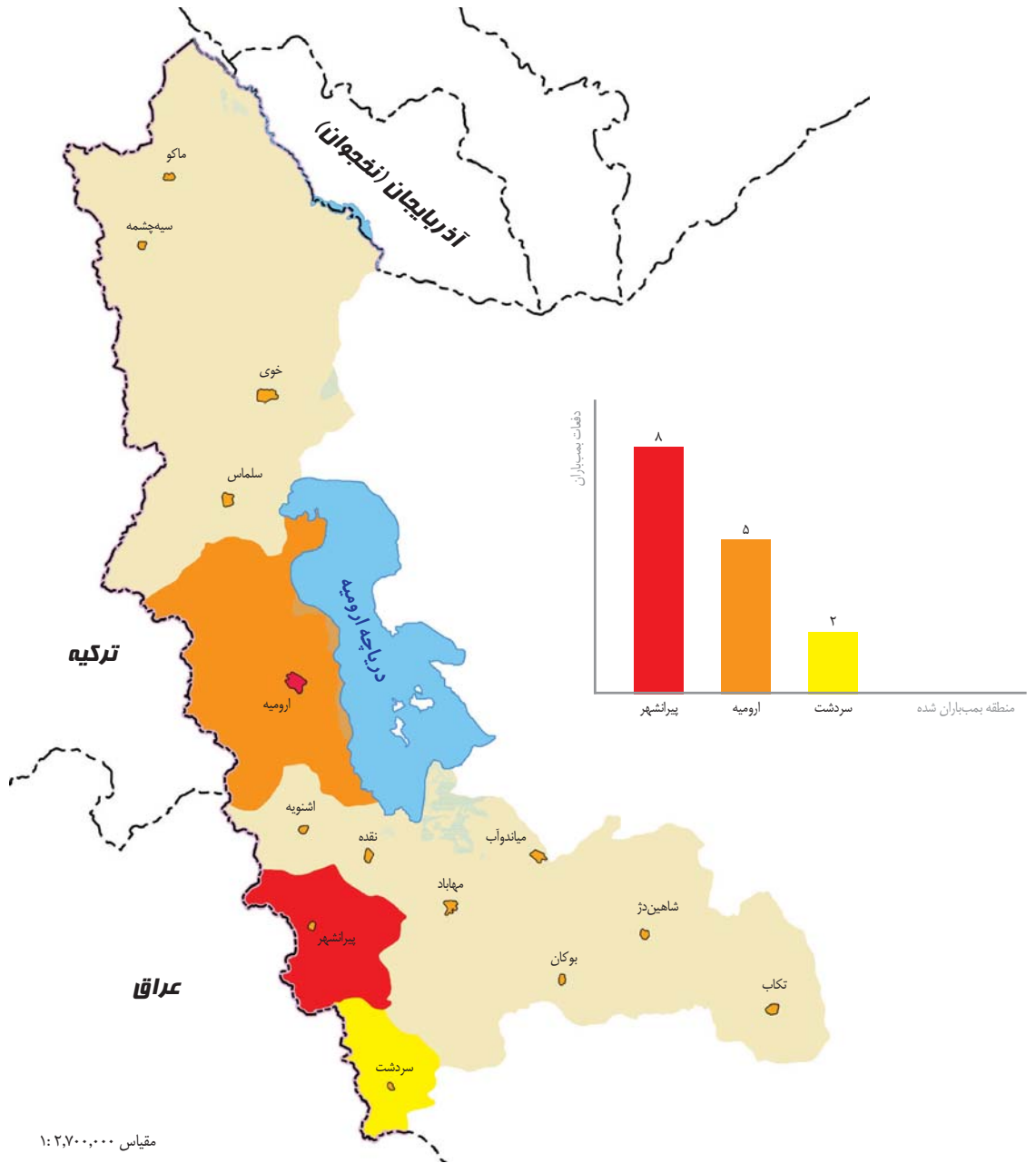
نقاط بمباران شده	منطقه	تاریخ
پادگان قوشچی	ارومیه	۱۳۵۹/۶/۳۱
نقاط مسکونی و پادگان پیرانشهر	پیرانشهر	۱۳۵۹/۶/۳۱
پادگان لشکر ۶۴	ارومیه	۱۳۵۹/۷/۱
پادگان جلدیان و پادگان پیرانشهر	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۱
انبار مهمات در کنار دریاچه‌ی ارومیه	ارومیه	۱۳۵۹/۷/۳
روستای هنگ‌آباد	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۵
روستای اوران	سردشت	۱۳۵۹/۷/۵
مناطق مسکونی شهر	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۶
مناطق مسکونی شهر	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۱۲
فرودگاه ارومیه	ارومیه	۱۳۵۹/۷/۱۵
مناطق مسکونی شهر	سردشت	۱۳۵۹/۷/۱۸
پادگان جلدیان	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۱۸
پادگان جلدیان	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۲۲
تصفیه‌خانه‌ی آب	ارومیه	۱۳۵۹/۷/۲۳
پادگان پیرانشهر	پیرانشهر	۱۳۵۹/۷/۲۷

مأموریت سپاه یکم ارتش عراق تأمین محدوده‌ی مرزی عراق با استان کردستان و آذربایجان غربی و حمایت و پشتیبانی از گروه‌های تجزیه‌طلب بود که مرکز آن در کرکوک قرار داشت.

یگان‌های سازمانی سپاه یکم ارتش عراق شامل دو لشکر پیاده کوهستانی ۷ و ۱۱ بود که هر دو لشکر در روزهای آغازین جنگ در منطقه‌ی سرزمینی خود مستقر بودند، اما مقاومت در خرمشهر موجب شد لشکر ۱۱ عازم جبهه‌ی خرمشهر - آبادان شود. در دوران اشغال خرمشهر، فرماندهی شهر به عهده‌ی لشکر ۱۱ بود و در عملیات آزادی خرمشهر بیش‌ترین اسیر از لشکر ۱۱ گرفته شد.

اما لشکر ۷ پیاده کوهستانی در جبهه‌ی شمالی باقی ماند. ارتش عراق در سال اول و دوم جنگ به دلیل تداوم فعالیت‌های شورش‌گران در جبهه‌ی آذربایجان غربی، به‌جز حمایت از شورش‌گران و تجاوزهای هوایی و عملیات در مرز پیرانشهر، به اقدامات مهم دیگری دست نزد. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ پایگاه هوایی کرکوک، پادگان قوشچی ارومیه و نقاط مسکونی پیرانشهر و پادگان تیپ مستقر در این شهر را - هم‌زمان با ۱۷ شهر دیگر ایران - بمباران کرد. از نیمه‌ی دوم مهر ۱۳۵۹، اخباری مبنی بر آماده شدن ارتش عراق برای استقرار در منطقه‌ی مرزی پیرانشهر دریافت می‌شد، اما به دلیل تسلط گروه‌های تجزیه‌طلب بر پیرانشهر و منطقه‌ی مرزی تمرچین، یگان‌های ارتش و نیروهای سپاه نمی‌توانستند در این منطقه مستقر شوند.

بعد از آن‌که نیروهای سپاه و ارتش توانستند در ۲۷ مهر ۱۳۵۹، پیرانشهر را از اشغال گروه‌های شورشی خارج کنند، واحدهای عملیاتی ایران موفق شدند در منطقه‌ی تمرچین استقرار یابند، در حالی که واحدهای ارتش عراق چهار روز قبل، یعنی در ۲۳ مهر ۱۳۵۹، در مرز حاج‌عمران مستقر شده بودند.



## بمباران زندانیان دولتو

و مخالفانش را که در نقاط گوناگون استان آذربایجان غربی دستگیر کرده بود، در این زندان و در چند ساختمان مجزا از یکدیگر زندانی کرده بود و حدود ۱۵۰ زندانبان از آنان مراقبت می‌کردند.

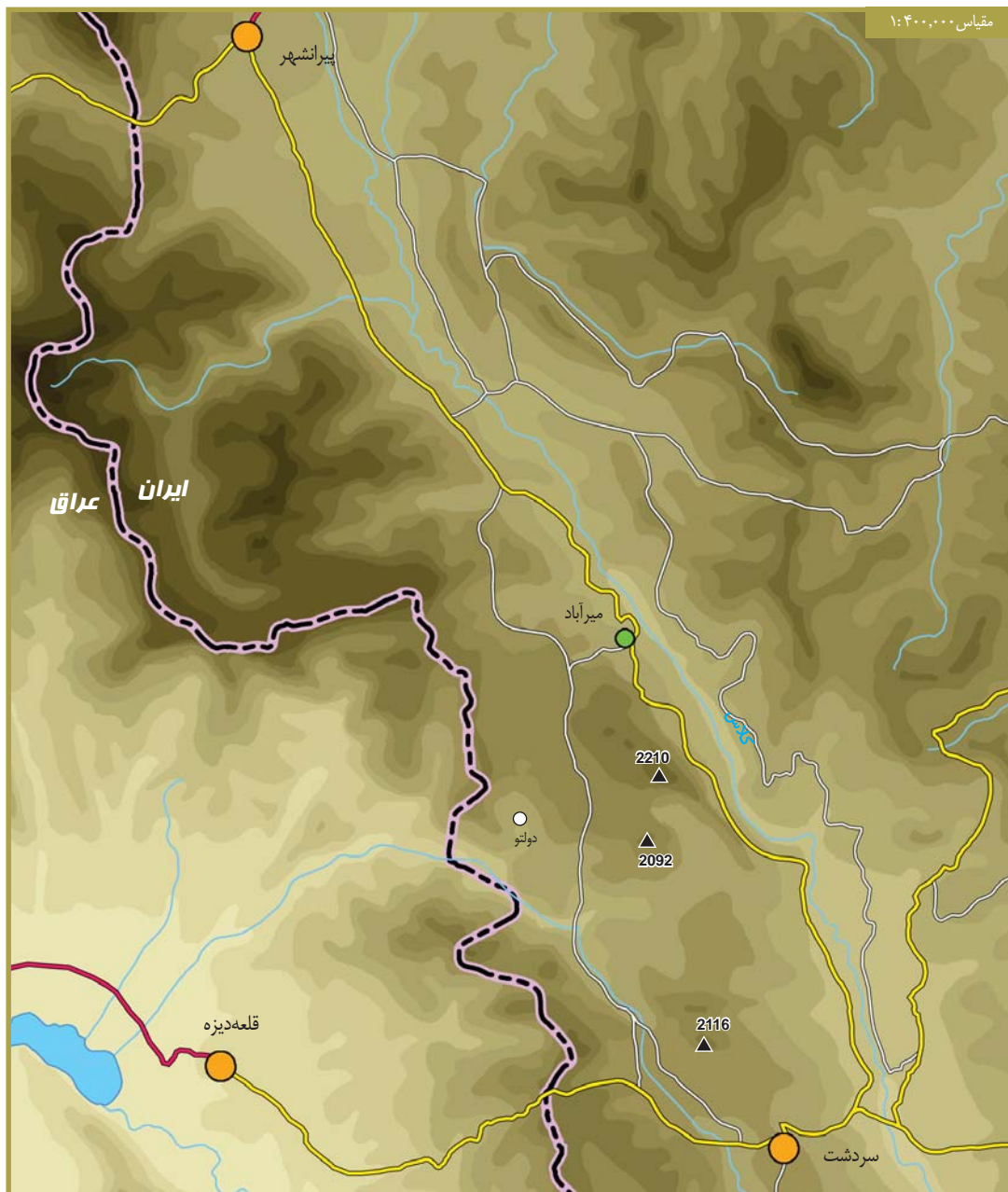
در ساعت ۱۱ روز پنج‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۰، در حالی که زندانیان مشغول بیگاری در محوطه‌ی زندان بودند، ۲ هواپیمای میگ عراقی به اجرای مانور بر فراز روستای دولتو پرداختند. در این زمان، زندانبانان بی‌درنگ همه‌ی زندانیان را مجبور کردند به داخل ساختمان‌ها بروند و سپس درها را قفل کردند و خودشان از زندان فاصله گرفتند و در تپه‌های اطراف پراکنده شدند. سپس، هواپیماهای مهاجم ساختمان زندان را بمباران کردند و بعد از آن، ۵ بالگرد عراقی با حضور در فضای محوطه‌ی زندان، افراد سالم و مجروح را که در حال فرار به اطراف بودند با راکت و تیربار به گلوله بستند. شماری از اسیران نیز با شلیک گلوله‌ی نگهبانان به شهادت رسیدند. در این اقدام جنایت‌کارانه‌ی مشترک ارتش بعث عراق و حزب منحله‌ی دمکرات، ۸۰ نفر از اسیران شهید و بیش از ۱۰۰ نفر مجروح شدند. شورشیان ۷۴ نفر از زندانیانی را که آسیبی ندیده بودند، بار دیگر دستگیر کردند.

در این حادثه ۴ قیضه تیربار کالیبر ۵۰ متعلق به شورشیان - که در اطراف زندان مستقر بودند - هیچ‌گونه واکنشی در مقابل هواپیماها و بالگردهای عراقی نشان ندادند. حزب منحله‌ی دمکرات مدتی بعد برای بی‌گناه جلوه دادن خود در این اقدام جنایت‌کارانه، شماری از مجروحان را آزاد کرد تا تحت درمان قرار گیرند.

ارتش عراق بعد از ناکامی‌های اولیه در هدف‌های راهبردی خود پس از هجوم سراسری و نیز در حالی که اختلاف‌ها در مرکزیت جمهوری اسلامی به شدت ادامه داشت و جناح طرفدار رئیس‌جمهور وقت مرکب از جبهه‌ی ملی، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و حزب دمکرات کردستان (به رهبری قاسملو) از یک سو و دولت، مجلس و قوه‌ی قضاییه از طرف دیگر در برابر یکدیگر جبهه‌گیری کرده بودند، نیروی هوایی عراق در اقدامی جنایت‌آمیز و هماهنگ با حزب دمکرات کردستان ایران، زندان دولتو را بمباران کرد. این زندان در روستای دولتو قرار داشت و حزب دمکرات کردستان ایران از ماه‌ها قبل، حدود ۲۸۰ نفر از افراد سپاه، بسیج، ارتش، ژاندارمری، پیش‌مرگان مسلمان کرد، کارکنان ادارات







## بمباران شیمیایی سردشت

در هفتمین سال دفاع مقدس و ناکامی‌های پی در پی و ۷ ساله‌ی ارتش بعث عراق، حکومت عراق دست به اقدامی فاجعه‌آمیز زد که در طول تاریخ ۷ ساله‌ی جنگ بی‌سابقه بود. در ساعت ۱۶:۱۰ روز ۷ تیر ۱۳۶۶، چند هواپیمای عراقی وارد حریم هوایی سردشت شدند و ابتدا پادگان سپاه را در غرب سردشت بمباران و سپس چند شیمیایی در نقاط مسکونی شهر رها کردند.

با آن‌که ارتش بعث عراق بارها مواضع رزمندگان را در جنوب و غرب کتسور بمباران شیمیایی کرده بود و رزمندگان آمادگی مقابله با حملات شیمیایی عراق را در این نقاط داشتند، اما این اولین بار بعد از جنگ جهانی دوم بود که یک شهر مسکونی بمباران شیمیایی می‌شد. از آن‌جا که یگان‌های سپاه، ارتش، دستگاه‌های دولتی و مراکز درمانی آمادگی و توانایی مقابله با این فاجعه را نداشتند، مداوای مجروحان و مصدومان با مشکلات و نارسایی‌های فراوانی همراه شد و در این حادثه ۱۰۸ نفر از مردم سردشت شهید و صدها نفر نیز شیمیایی شدند.

این اقدام جنایت‌کارانه‌ی ارتش عراق که با سکوت مجامع و سازمان‌های بین‌المللی همراه بود، موجب شد صدام و حزب بعث در عملیات والفجر ۱۰ جسارت بیشتری از خود نشان دهند و شهر حلبچه را به طور گسترده بمباران شیمیایی کنند و هزاران مرد و زن و کودک را از بین ببرند.



شهیده مریم بانکرزاده

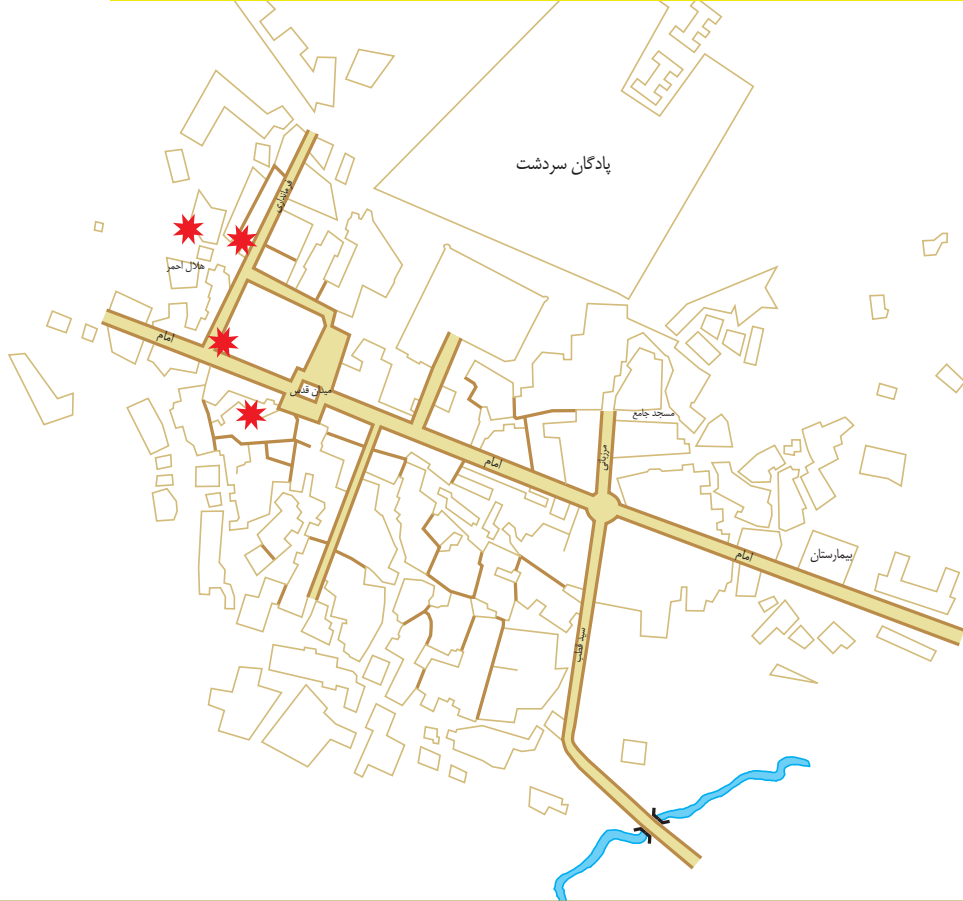


شهید محمد امینی



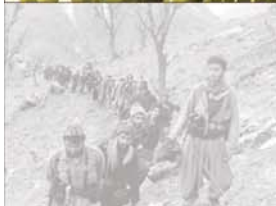
شهید کمال قادرپور

سردشت : کشف یک بمب شیمیایی عمل نکرده پس از ۲۴ سال



نقاط اصابت بمب در بمباران شیمیایی شهر سردشت





# فصل هشتم

## تعقیب ارتش دشمن در آن سوی مرز

## عملیات‌های منظم

خاک عراق آزاد شد؛ ۲۳,۹۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و زخمی شدند؛ ۲,۶۱۲ نفر آنان به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند و خسارت‌های فراوانی به تجهیزات آنان وارد شد.

### عملیات‌های منظم در جبهه‌ی آذربایجان غربی

ردیف	نام عملیات	تاریخ آغاز	منطقه‌ی مرزی
۱	والفجر ۲	۱۳۶۲/۴/۲۹	پیرانشهر
۲	قادر	۱۳۶۴/۴/۲۴	اشنویه
۳	کربلای ۲	۱۳۶۵/۶/۱۰	پیرانشهر
۴	کربلای ۷	۱۳۶۵/۱۲/۱۳	پیرانشهر
۵	نصر ۷	۱۳۶۶/۵/۱۴	سردشت
۶	نصر ۸	۱۳۶۶/۸/۲۹	سردشت
۷	بیت‌المقدس ۲	۱۳۶۶/۱۰/۲۵	سردشت
۸	بیت‌المقدس ۳	۱۳۶۶/۱۲/۲۳	سردشت
۹	بیت‌المقدس ۶	۱۳۶۷/۲/۲۶	سردشت

### خسارات ارتش عراق در جبهه‌ی آذربایجان غربی

تجهیزات	انهدام	غنیمت
هواپیما	۷ فروند	—
بالگرد	۱۵ فروند	—
تانک و نفربر	۱۰۸ دستگاه	۲۵ دستگاه
توپ	۵ قبضه	—
ادوات	نامشخص	۱۹ قبضه
لودر، بولدوزر	۷ دستگاه	۹ دستگاه
خودرو	۲۱۵ دستگاه	۲۳۳ دستگاه

مرزهای زمینی آذربایجان غربی با کشور عراق، بخشی از جبهه‌ی شمالی در جنگ ۸ ساله‌ی عراق علیه ایران محسوب می‌شود. جبهه‌ی شمالی - که منطقه‌ی مأموریت سپاه یکم عراق بود - علاوه بر استان آذربایجان غربی، تمام مرز استان کردستان و بخشی از مرز استان کرمانشاه را نیز در برمی‌گیرد. این جبهه از شمال به اشنویه و از جنوب به نوسود محدود می‌شود.

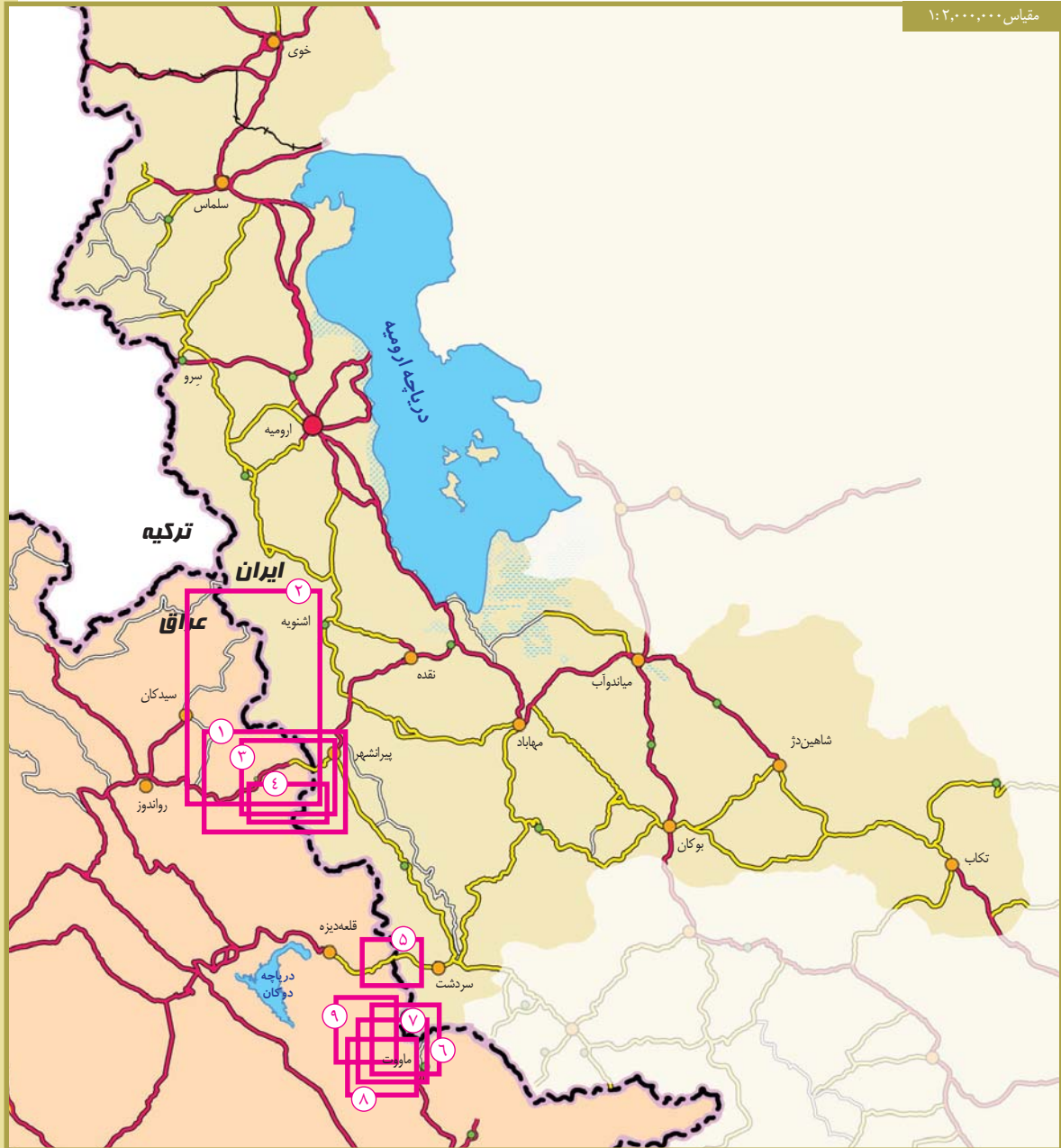
ارتش عراق در هجوم سراسری‌اش به مرزهای زمینی ایران، به غیر از نوار مرزی نوسود تا مریوان، در سایر نقاط مرزی جبهه‌ی شمالی، از مرزهای زمینی ایران عبور نکرد. بنابراین، در نوار مرزی آذربایجان غربی منطقه‌ی اشغال شده‌ی وجود نداشت که برای آزادسازی آن از اشغال ارتش تجاوزگر اقدام شود، اما پس از بیرون راندن متجاوزان از بیش‌تر مناطق اشغالی در جبهه‌های میانی و جنوبی و پس از اتخاذ استراتژی تنبیه متجاوز، جبهه‌ی آذربایجان غربی نیز فعال شد.

نبردهای جبهه‌ی شمالی و استان آذربایجان غربی به دو دلیل اهمیت داشتند:

۱. تابستان معتدل این منطقه عامل مهمی بود که مانع از سرد شدن تنور جنگ - در ایام تابستان بسیار داغ جنوب - می‌شد و بنابراین بیش‌تر نبردهای تابستانی دوران جنگ در این جبهه به وقوع می‌پیوست. ضمن این‌که جبهه‌ی شمالی بنا به دلایلی در زمستان ۱۳۶۶ نیز بسیار فعال بود.

۲. جغرافیای نظامی منطقه‌ی شمالی، امکان به‌کارگیری توان زرهی دشمن را - که عامل برتری ارتش عراق در میدان‌های جنگ بود - کاهش می‌داد.

با توجه به این موارد، از ماه‌های پایانی سومین سال جنگ، جبهه‌ی آذربایجان غربی فعال شد و در سه محور اشنویه، پیرانشهر و سردشت چند عملیات اجرا شد که در نتیجه‌ی آن بیش از ۴۶۰ کیلومتر مربع از



## عملیات والفجر ۲

رمز: یا الله

تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۲۹ تا ۱۳۶۲/۵/۱۲

پس از اجرای موفق استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغالی در جنگ، اولین عملیاتی که در جبهه‌ی شمال غرب کشور به منظور اجرای استراتژی تنبیه متجاوز انجام شد، عملیات والفجر ۲ بود که به همت یگان‌های رزمی سپاه و ارتش به طور مشترک اجرا شد. اهداف اصلی این عملیات عبارت بودند از:

- خارج کردن پیرانشهر از زیر آتش توپخانه‌ی ارتش عراق.
- تصرف پادگان حاج‌عمران و بخشی از سرزمین عراق.
- کنترل یکی از مسیرهای اصلی تردد گروه‌های شورشی از عراق به داخل کشور.

در این عملیات، ارتفاعات گرده‌کوه (۲۴۳۵ متر) و گرده‌مند (۲۵۱۹ متر) و پادگان حاج‌عمران به تصرف رزمندگان درآمدند و منطقه‌ی به وسعت ۲۰۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین ۴۰۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته و زخمی شدند و ۱۶۴ نفر نیز به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

از چپ به راست: محسن رضایی فرمانده کل سپاه، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین



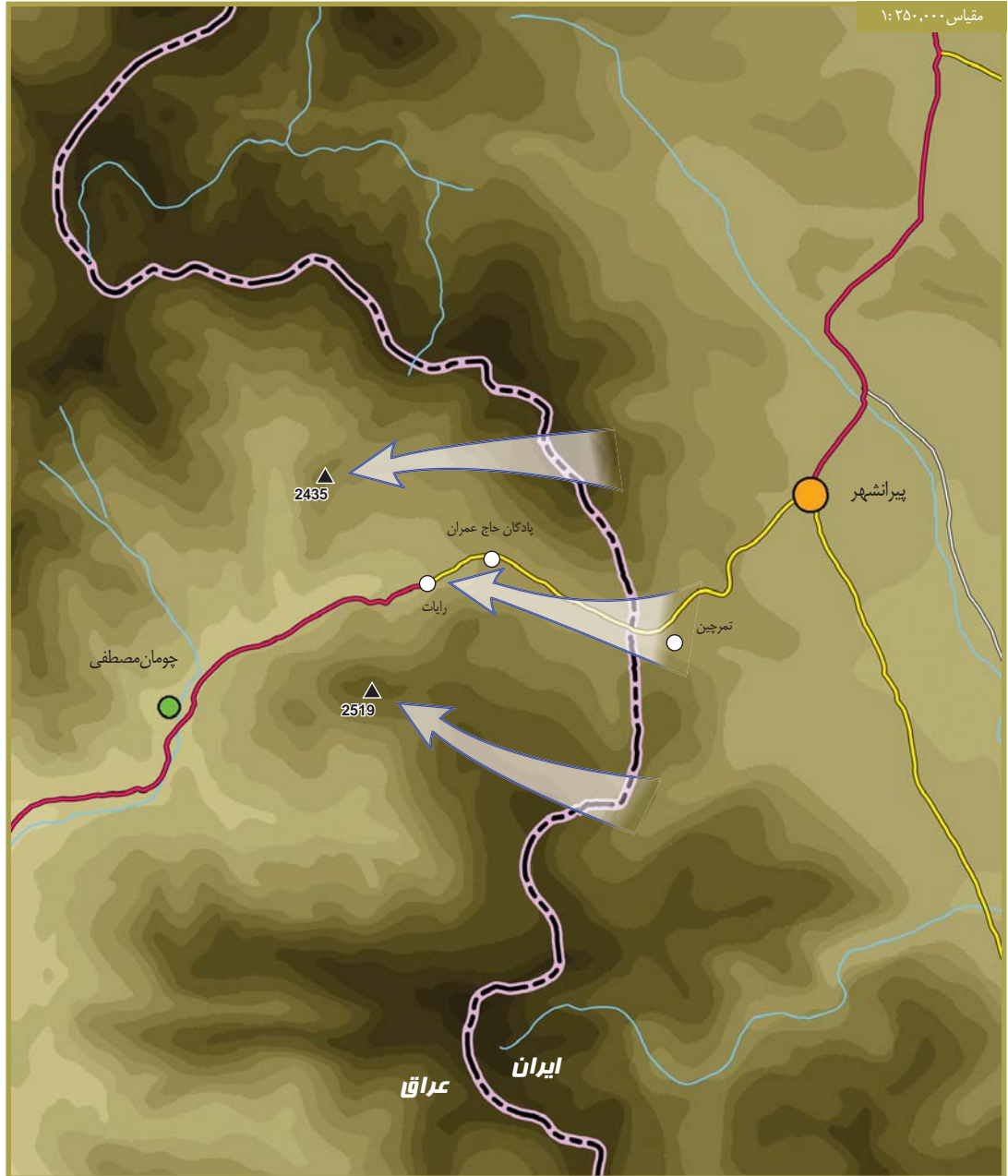
### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۸ گردان	۲۳ گردان	پیاده
-	۱ گردان	مکانیزه
۸ گردان	-	کماندو

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
-	۵ فروند	هواپیما
-	۹ فروند	بالگرد
-	۴۰ دستگاه	تانک و نفربر
۵۰ دستگاه	۴۵ دستگاه	خودرو







## عملیات قادر

رمز: یا صاحب‌الزمان (عج)

تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۲۴ تا ۱۳۶۴/۶/۱۸

پس از عملیات بدر و در ابتدای سال ۱۳۶۴، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، پذیرفت که ارتش و سپاه به طور جداگانه و در مناطق گوناگون وارد عمل شوند و عملیات‌های مستقلی را علیه ارتش عراق اجرا کنند.

منطقه‌ی عمومی سیدکان عراق در محور اشنویه و پیرانشهر از جمله مناطقی بود که سپاه پاسداران با مدیریت قرارگاه رمضان از مدت‌ها قبل آن را آماده‌ی عملیات می‌کرد. هدف سپاه از اجرای عملیات در این منطقه عبارت بود از:

- فراهم کردن موقعیت برای اجرای جنگ‌های نامنظم در داخل عراق.
- اجرای عملیات‌های محدود موفق به منظور پیشبرد استراتژی درازمدت جنگ.

با اعلام آمادگی ارتش برای اجرای عملیات در این منطقه، سپاه پاسداران به دستور آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مدیریت عملیاتی این منطقه را به نیروی زمینی ارتش واگذار کرد و سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش نیز پس از برنامه‌ریزی‌های لازم، دستور اجرای عملیات قادر را در منطقه‌ی مرزی اشنویه و پیرانشهر به یگان‌های تحت امرش ابلاغ کرد.

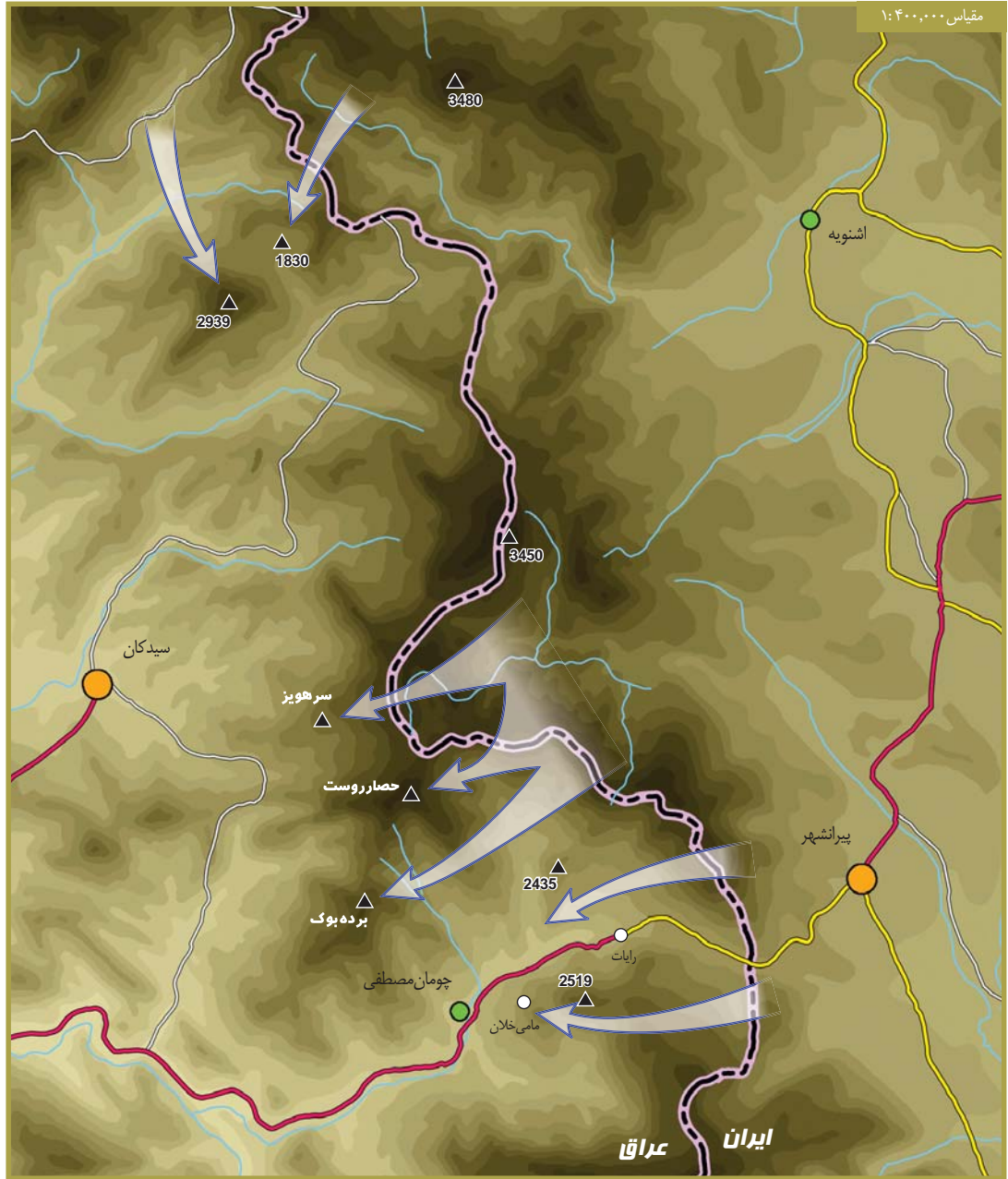
در این عملیات تعدادی از یگان‌های رزمی سپاه به نیروی زمینی ارتش مأمور شدند تا عملیات با فرماندهی ارتش اجرا شود. این عملیات که در ۲۴ تیر ۱۳۶۴ آغاز شده بود، تا ۱۸ شهریور ۱۳۶۴، سه بار تکرار شد، اما هر بار بنا به دلایلی، اهداف عملیات تأمین نمی‌شد و در نهایت با تصرف بخشی از اهداف عملیات به پایان رسید. در این عملیات ۱۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته یا زخمی و ۲۰ نفر اسیر شدند.

### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۷ گردان	۳۰ گردان	پیاده
۱ گردان	-	زرهی
۱ گردان	-	کماندو
-	۹ گردان	نیروی مخصوص

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
-	۱ فروند	هوایما
-	۱ فروند	بال‌گرد
-	۲۰ دستگاه	تانک و نفربر



## عملیات کربلای ۲

رمز: یا اباعبدالله الحسین(ع)

تاریخ: ۱۳۶۵/۶/۱۰ تا ۱۳۶۵/۶/۱۱

بعد از شکست عراق در عملیات والفجر ۸ (در شبه جزیره‌ی فاو)، ارتش این کشور راهبرد دفاع متحرک را در پیش گرفت و توانست با اجرای عملیات‌هایی برخی مناطق تحت تصرف نیروهای خودی را پس بگیرد. نیروهای عراقی در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۵ نیز عملیاتی را در منطقه‌ی حاج‌عمران اجرا کردند و توانستند ارتفاعات گرده‌کوه (۲۴۳۵ متر) و گرده‌مند (۲۵۱۹ متر) را تصرف کنند.

پس از این اقدام ارتش عراق، قرارگاه حمزه سیدالشهدا با به‌کارگیری یگان‌های تحت امر خود به همراه یگان‌های اعزامی سپاه از منطقه‌ی غرب و جنوب، عملیات کربلای ۲ را با هدف تصرف مجدد مناطق از دست رفته طرح‌ریزی و اجرا کرد که در طول آن رزمندگان سپاه اسلام موفق شدند ارتفاع ۲۴۳۵ را بار دیگر تصرف کنند. در این عملیات ۳۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۷۷ نفر از آنان نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

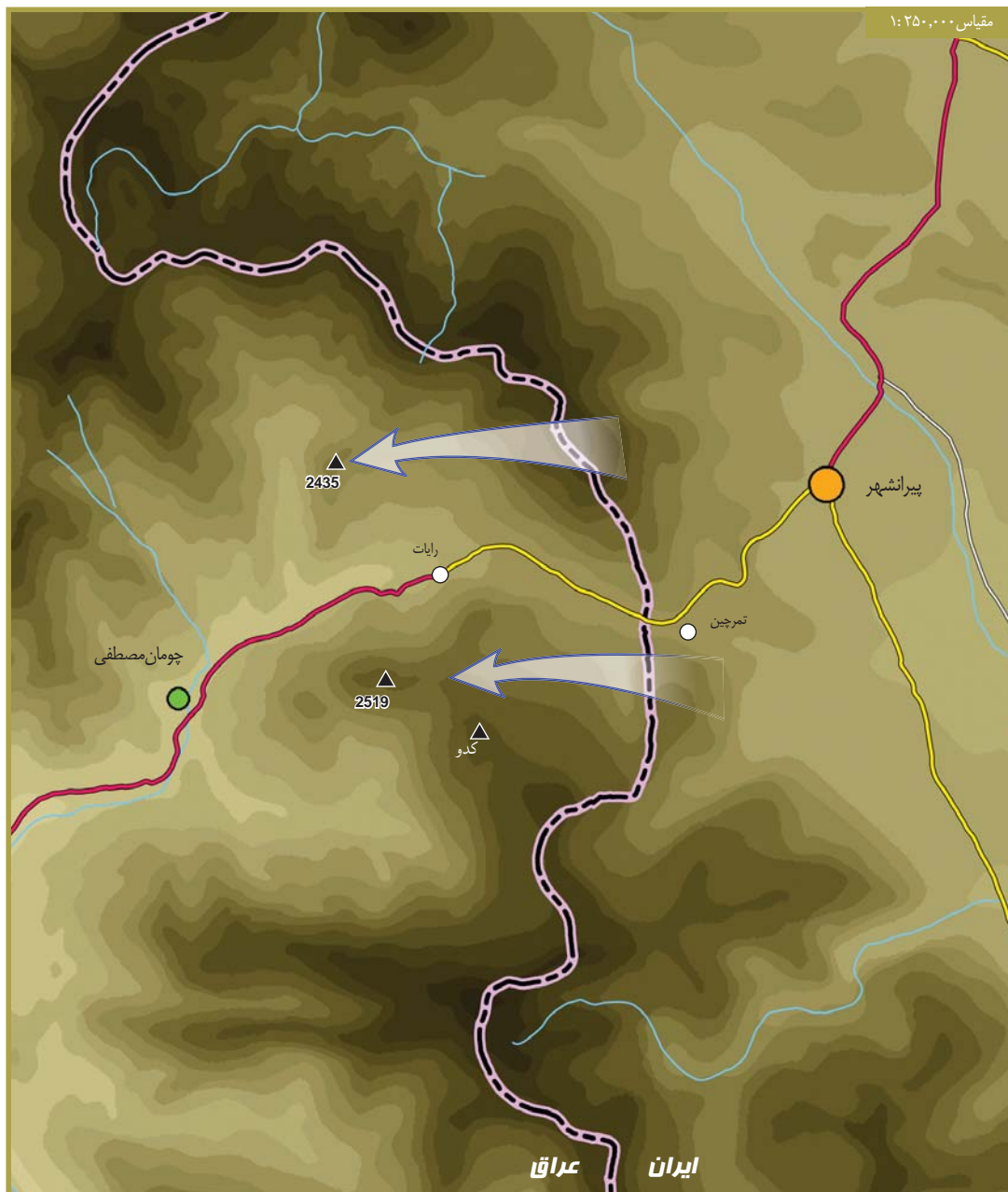
### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۸ گردان	۲۶ گردان	پیاده
۱ گردان	-	زرهی
۴ گردان	-	کماندو
۵ گردان	۴ گردان	توپخانه

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
-	۱ فروند	هواپیما
-	۱ فروند	بالگرد
۶ دستگاه	نامشخص	تانک و نفربر
ده‌ها دستگاه	نامشخص	خودرو





## عملیات کربلای ۷

رمز: یا مولای متقیان (ع)

تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۱۳ تا ۱۳۶۵/۱۲/۱۷

ارتفاع گرده‌کوه (۲۴۳۵ متر) از منطقه‌ی عملیات والفجر ۲ (حاج‌عمران) که در راهبرد دفاع متحرک عراق سقوط کرده بود، در عملیات کربلای ۲ به تصرف یگان‌های سپاه درآمد، اما ارتفاع گرده‌مند (۲۵۱۹ متر) در کنترل ارتش عراق باقی ماند. نیروی زمینی ارتش ایران تصمیم گرفت با اجرای عملیات کربلای ۷ این ارتفاع را تصرف کند.

عملیات کربلای ۷ در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۶۵ اجرا شد و به مدت ۵ روز ادامه یافت. لشکر ۶۴ ارومیه با اجرای این عملیات توانست به اهداف تعیین‌شده دست یابد. در این عملیات ۳۰۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۲۷۲ نفر نیز به اسارت نیروهای ایرانی درآمدند.

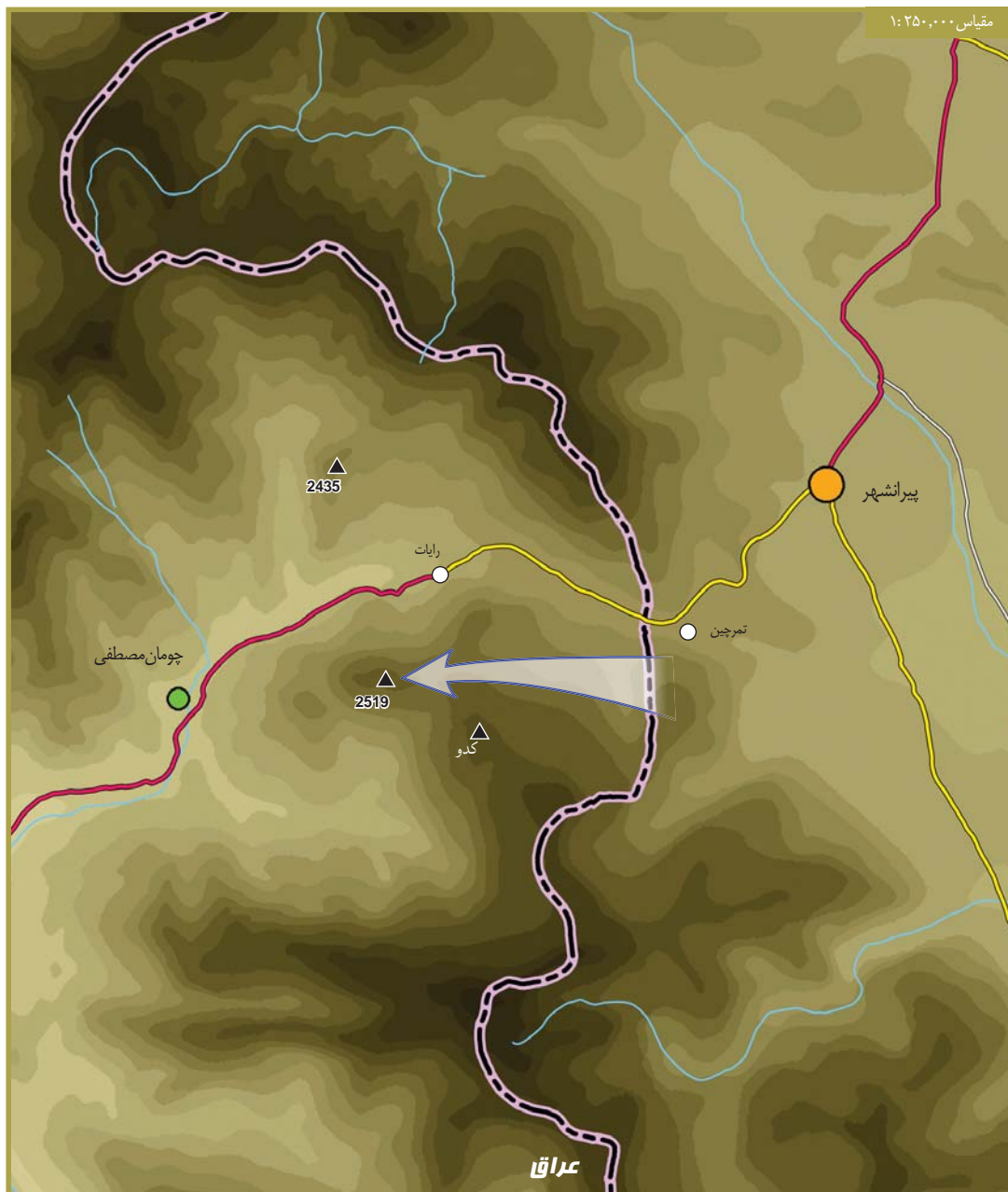
### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۶ گردان	۹ گردان	پیاده
۲ گردان	-	زرهی
۱ گردان	-	کماندو

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
۸ دستگاه	۱۰ دستگاه	تانک و نفربر
-	۵۰ دستگاه	خودرو





## عملیات نصر ۷

رمز: یا فاطمة الزهراء(س)

تاریخ: ۱۳۶۶/۵/۱۴ تا ۱۳۶۶/۵/۲۳

دو هفته بعد از تصویب قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل و ۳ روز پس از فاجعه‌ی کشتار حجاج ایرانی در مکه‌ی معظمه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای نمایش توان رزمندگان اسلام عملیات نصر ۷ را در منطقه‌ی مرزی سردشت اجرا کرد.

در طول این عملیات، یگان‌های نیروی زمینی سپاه موفق شدند با تصرف ارتفاعات مهم دوپازا با ۲۳۷۹ و بلفت با ۲۱۴۴ متر ارتفاع، شهر سردشت را از زیر آتش توپخانه‌ی عراق خارج کنند و بر منطقه‌ی عمومی قلعه‌دیزه‌ی عراق مشرف شوند. در این عملیات، حدود ۷۰۰۰ نفر از نیروهای بعثی عراق کشته یا زخمی و ۲۵۹ نفر نیز اسیر شدند.

### استعداد نیروهای درگیر

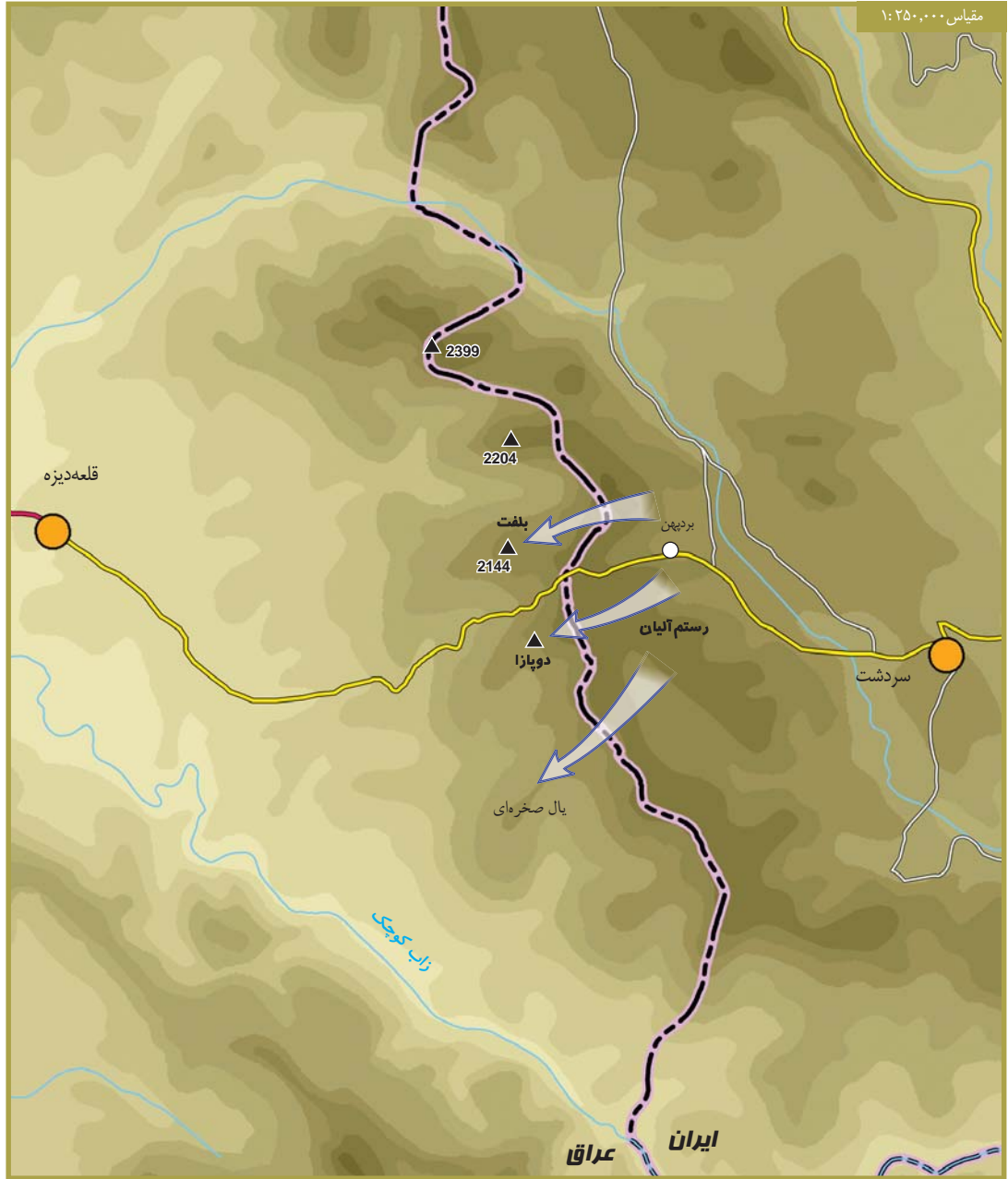
عراق	ایران	رسته
۲۲ گردان	۱۰ گردان	پیاده
۴ گردان	-	زرهی
۱ گردان	-	مکانیزه
۴ گردان	-	کماندو
۶ گردان	۹ گردان	توپخانه

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
-	۴ فروند	بال‌گرد
-	۱۰ دستگاه	تانک و نفربر
-	۵ قبضه	توپ
۵۵ دستگاه	۱۰۰ دستگاه	خودرو







## عملیات نصر ۸



رمز: یا محمد بن عبدالله(ص)

تاریخ: ۱۳۶۶/۸/۲۹ تا ۱۳۶۶/۸/۳۰

### استعداد نیروهای درگیر

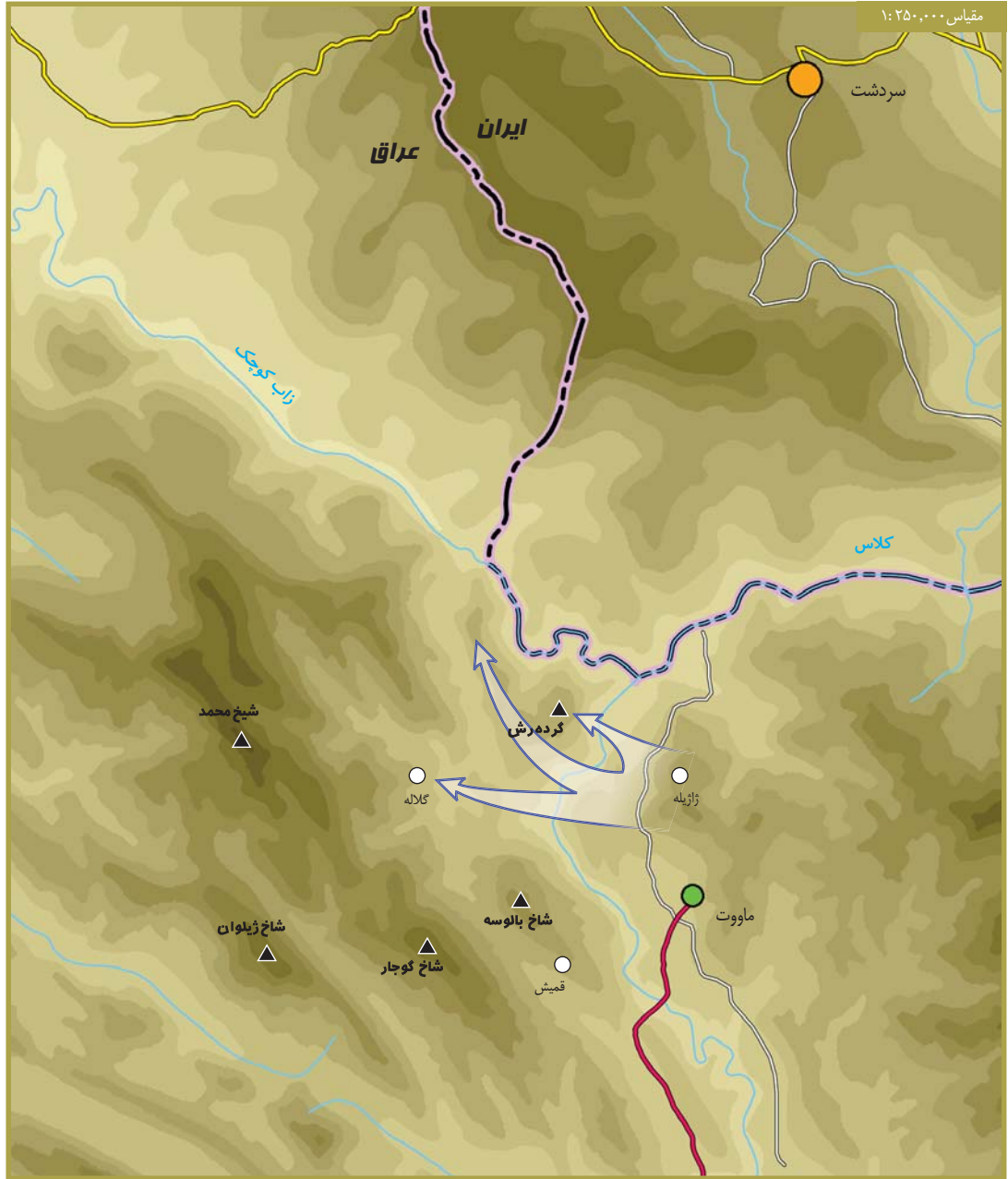
عراق	ایران	رسته
۲۰ گردان	۱۱ گردان	پیاده
۱ گردان	-	زرهی
۲ گردان	-	کماندو
۲ گردان	-	توپخانه

با حضور ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس و دریای عمان در اواسط سال ۱۳۶۶، درگیری‌هایی بین شناورهای دریایی سپاه و ارتش با ناوگان امریکا رخ داد. بعد از کاهش تنش‌های نظامی بین نیروهای ایرانی و امریکایی، بار دیگر عملیات زمینی در جبهه‌های جنگ تحمیلی در اولویت قرار گرفت و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران درصدد برآمد با به‌کارگیری یگان‌های تابعه در منطقه‌ی عمومی سردشت، عملیات جدیدی را طرح‌ریزی و اجرا کند تا با تصرف ارتفاعات منطقه، سرپل مناسبی را برای عملیات‌های بعدی به دست آورد.

یگان‌های نیروی زمینی سپاه موفق شدند در عملیات نصر ۸ ارتفاع مهم گرده‌رش و چند ارتفاع دیگر را در منطقه‌ی عمومی ماوت عراق تصرف کنند. در این عملیات بیش از ۳۰۰ نفر از نیروهای ارتش عراق کشته یا زخمی و ۲۰۰ نفر نیز اسیر شدند.

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
۵ دستگاه	۱۳ دستگاه	تانک و نفربر
۱ دستگاه	۵ دستگاه	خودرو مهندسی
۲۰ دستگاه	۲۰ دستگاه	خودرو



## عملیات بیت المقدس ۲

رمز: یا زهرا(س)

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۵ تا ۱۳۶۶/۱۱/۲

منطقه‌ی عملیاتی بیت المقدس ۲ در شمال سلیمانیه قرار داشت و شامل ارتفاعات ویولان، گوجار، قمیش، دولبشک، الاغلو و آمدین می‌شد. این عملیات به منظور پیشروی به سمت جنوب و غرب منطقه و با هدف کنترل شهر سلیمانیه و نزدیک شدن به سد دوکان در منطقه‌ی قلعه‌دیزه طرح‌ریزی شد. تصرف این اهداف باید در چند مرحله انجام می‌شد.

نیروی زمینی سپاه پس از انجام دادن شناسایی‌های لازم و به‌کارگیری دو قرارگاه قدس و نجف، عملیات را از دو محور آغاز کرد. عملیات با پیشروی یگان‌ها در جنوب غربی سردشت و در منطقه‌ی به وسعت ۱۳۰ کیلومتر مربع شروع شد، اما به دلیل بارش برف سنگین؛ دشواری صعود به ارتفاعات و سرمای شدید، رزمندگان به همه‌ی هدف‌های تعیین‌شده نرسیدند و فقط توانستند ارتفاعات قمیش و ویولان را در شمال شرقی سلیمانیه عراق تصرف کنند.

در این عملیات ۲۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی شدند و ۹۲۰ نفر نیز به اسارت نیروهای خودی درآمدند.

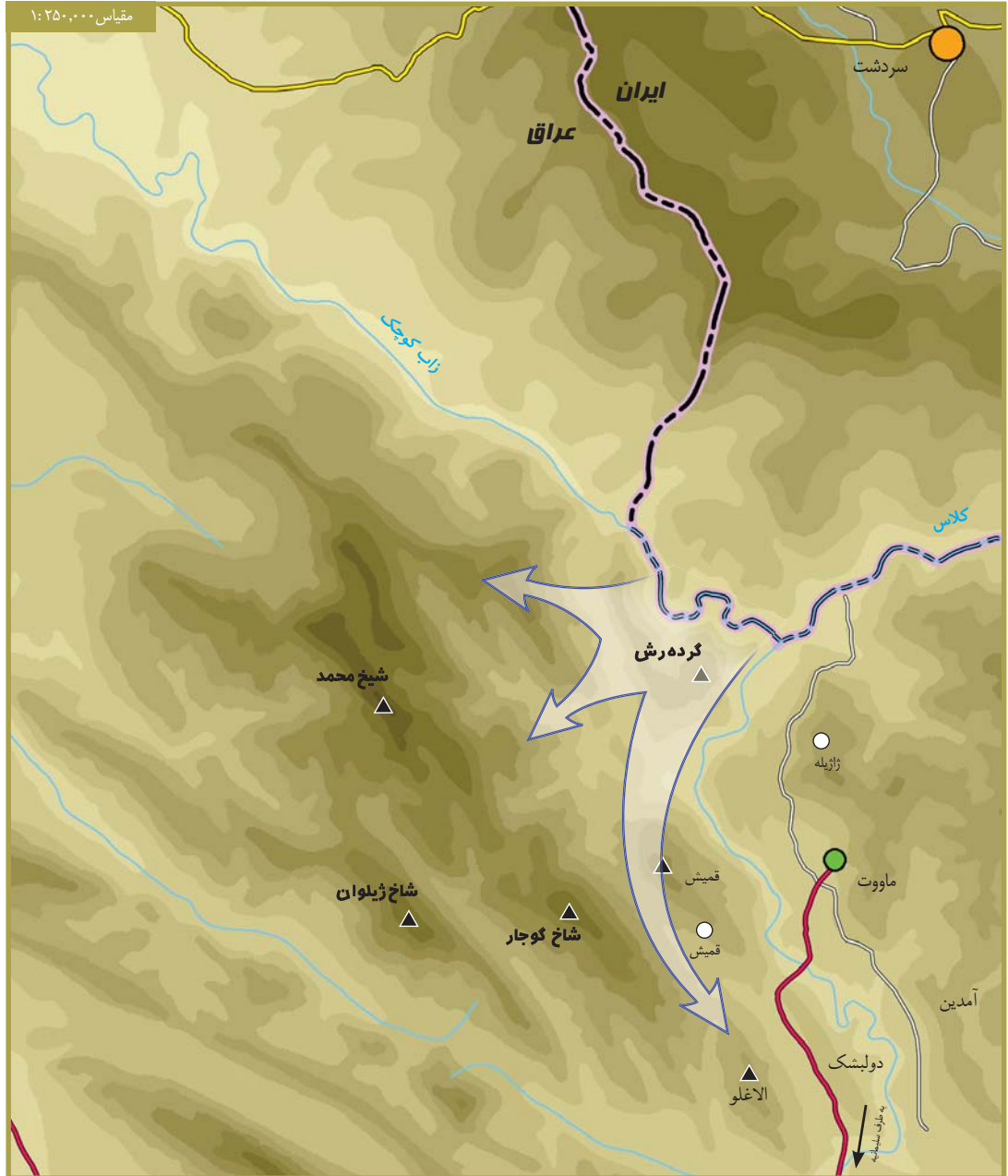
### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۴ گردان	۱۰۴ گردان	پیاده
۲ گردان	۱ گردان	زرهی
۲۰ گردان	-	کماندو
۴ گردان	-	گارد
نامشخص	۴ گردان	توپخانه

### خسارات ارتش عراق

غنیمت	انهدام	تجهیزات
۱۵ دستگاه	۱۵ دستگاه	تانک و نفربر
۱۹ قبضه	نامشخص	ادوات
۸ دستگاه	۲ دستگاه	خودرو مهندسی
۸ دستگاه	نامشخص	خودرو





## عملیات بیت المقدس ۳

رمز: یا موسی بن جعفر (ع)

تاریخ: ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۸

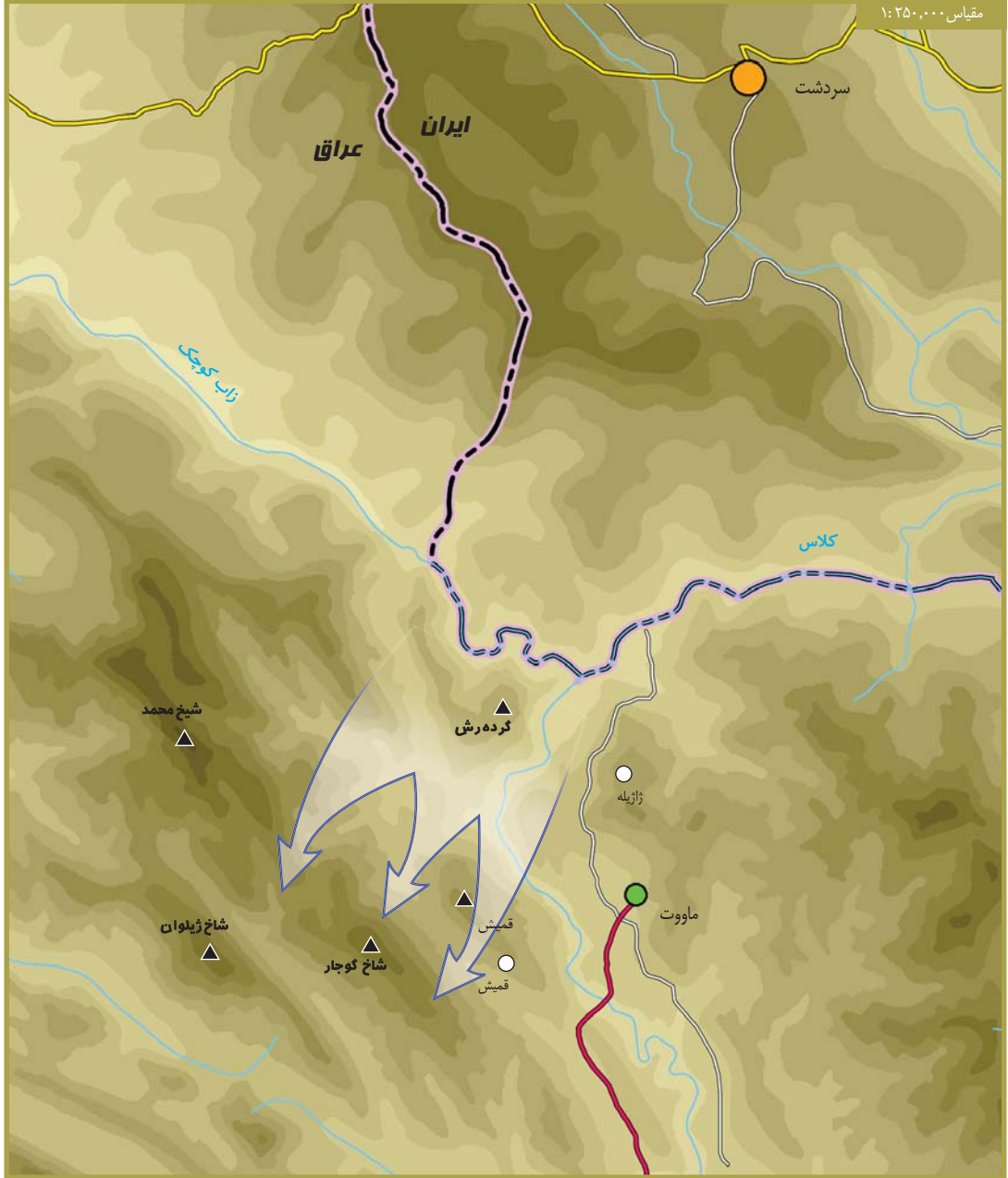
همزمان با اجرای عملیات بیت المقدس ۲، یگان‌های ارتش عراق روی ارتفاعات شاخ گوجار مستقر شدند. این ارتفاعات مشرف به مواضع نیروهای ایران در ارتفاعات قمیش و شاخ بالوسه بود و احتمال آن وجود داشت با مساعد شدن شرایط جوی، ارتش عراق به مواضع نیروهای خودی حمله و ارتفاعات را اشغال کند. به همین دلیل، فرماندهی کل سپاه در صدد برآمد ۲ ماه بعد از عملیات بیت المقدس ۲، عملیات جدیدی را برای تصرف ارتفاعات شاخ گوجار طرح‌ریزی کند.

در این عملیات که در ۲۳ اسفند ۱۳۶۶ اجرا شد، یگان‌های نیروی زمینی سپاه موفق شدند ارتفاعات شاخ گوجار را تصرف و پاتک‌های نیروهای عراقی را دفع کنند. در این عملیات ۱۳۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۱۸۰ نفر نیز اسیر شدند. در آخرین مراحل عملیات، دشمن برخی محورهای عملیاتی را بمباران شیمیایی کرد و بسیاری از نیروها در این محورها مصدوم و از میدان نبرد خارج شدند. بدین ترتیب، عملیات بیت المقدس ۳ پس از شش روز درگیری با موفقیت پایان یافت.

### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۴ گردان	۱۸ گردان	پیاده
۲ گردان	-	زرهی
۲۰ گردان	-	کماندو
۲ گردان	۴ گردان	توپخانه





## عملیات بیت المقدس ۶

رمز: یا امیر المؤمنین (ع)

تاریخ: ۱۳۶۷/۲/۲۶ تا ۱۳۶۷/۲/۲۷

آخرین عملیات انجام شده در جبهه‌ی شمالی و در غرب استان آذربایجان غربی که تکمیل کننده‌ی نبردهای جبهه‌ی ماووت محسوب می‌شد، عملیات منظم بیت المقدس ۶ بود که به همت یگان‌های نیروی زمینی سپاه در جنوب غربی سردشت اجرا شد. این عملیات با هدف تصرف ارتفاعات شیخ محمد و ارتفاعات مشرف به شهر دوکان عراق طرح ریزی و در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۷ آغاز شد و در طول آن نیروهای عمل کننده توانستند ظرف دو روز ارتفاعات شیخ محمد را که بعد از ارتفاعات گامو بلندترین قله‌ی منطقه‌ی عمومی شمال سلیمانیه است، تصرف کنند.

در این عملیات ۱۳۰۰ نفر از بعثیان عراقی کشته یا زخمی و ۳۲۰ نفر اسیر شدند. در پایان عملیات نیز حدود ۱۰۰ خودرو به غنیمت رزمندگان درآمد. رزمندگان با اجرای این عملیات توانستند بر خطوط عقبه‌ی دشمن در محدوده‌ی شهرهای قلعه دیزه و دوکان مسلط شوند.

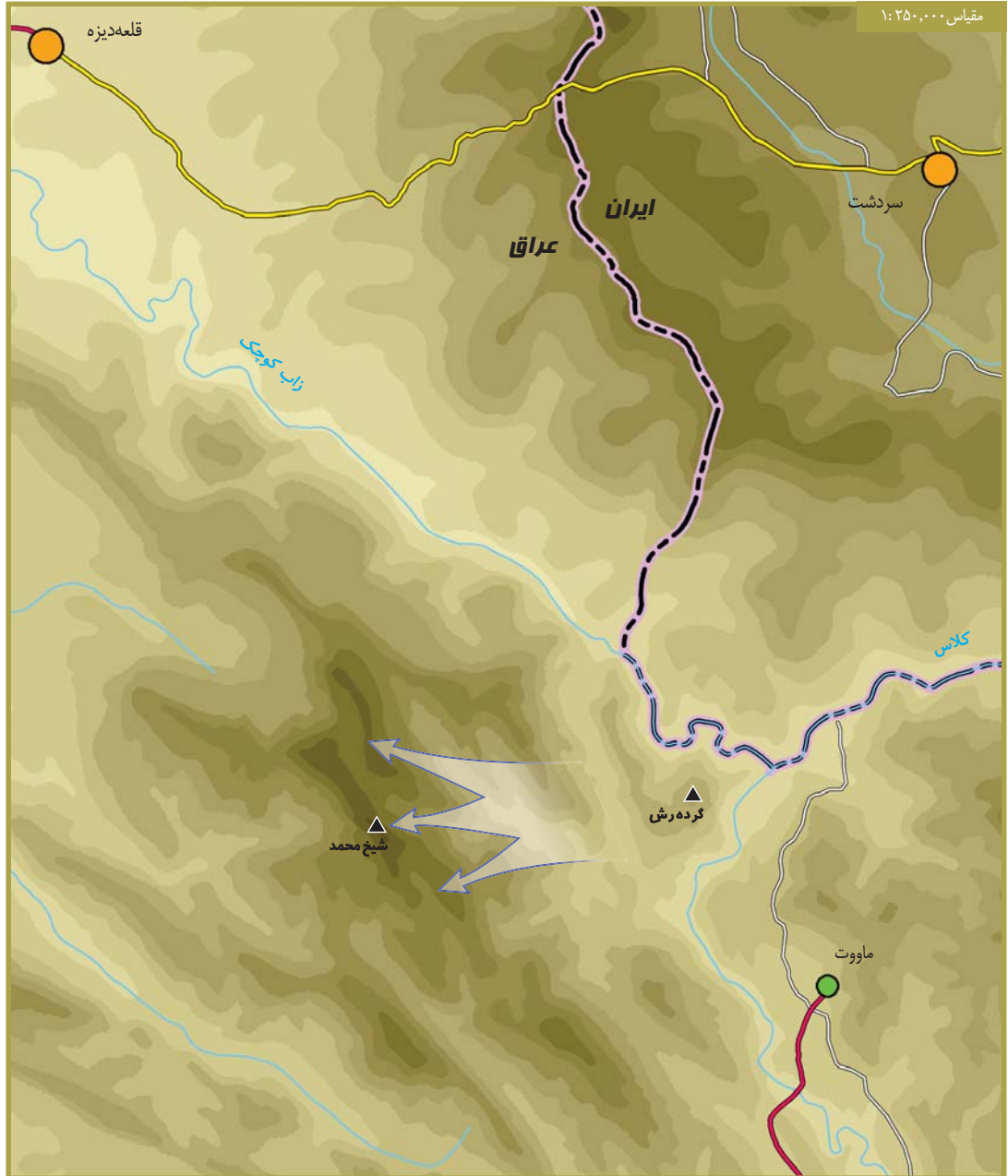
### استعداد نیروهای درگیر

عراق	ایران	رسته
۲۴ گردان	۱۲ گردان	پیاده
۲ گردان	۱ گردان	کماندو
نامشخص	۸ گردان	توپخانه

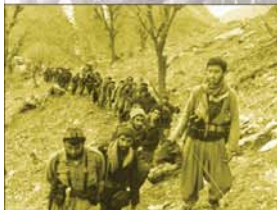
ارتفاعات شیخ محمد











## فصل نهم

# نبردهای نامنظم برون مرزی

## عملیات‌های نامنظم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی، روابط حسنه‌یی با جمهوری اسلامی ایران برقرار کردند. برخی دیگر از گروه‌های مقیم کردستان عراق نیز با جمهوری اسلامی ایران مراودات مثبتی داشتند.

در این میان، گروه اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی، به رغم داشتن موقعیت سیاسی مشابه با سایر گروه‌های کرد عراقی، رفتار دوگانه‌یی را با (جمهوری اسلامی) ایران در پیش گرفت.

اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق با وجود استقبال از تشکیل حاکمیت جدید در ایران (به‌جای حکومت

پهلوی) در جبهه‌ی مخالفان جمهوری اسلامی ایران به فعالیت می‌پرداخت و به شورش‌گرانی که در

مناطق کردنشین ایران فاجعه می‌آفریدند کمک می‌کرد، طوری که در حوادث فاجعه‌آمیز ماه‌های

پس از انقلاب در مناطق کردنشین ایران، نقش اتحادیه‌ی میهنی به‌خوبی مشهود بود.

با وجود این، جمهوری اسلامی ایران توانست با مدیریت صحیح

بحران‌های کشور در وضعیت جنگی، این گروه مخالف خود را به

سازمان همکاری‌کننده تبدیل کند.

از سال ۱۳۶۴ به بعد، سپاه پاسداران با تشکیل

قرارگاه رمضان به فرماندهی محمدباقر

ذوالقدر، توانست به همراه

اتحادیه‌ی میهنی به اجرای

عملیات‌های مشترک

برون‌مرزی در



منطقه‌ی کردستان عراق اقدام کند. بدین ترتیب، قرارگاه رمضان ضمن همکاری با کردهای بارزانی، امکان همکاری مشترک با کردهای طالبانی را نیز به دست آورد و به تناسب موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ی تحت نفوذ بارزانی‌ها (در استان اربیل) و طالبانی‌ها (در استان سلیمانیه) با ۲ قرارگاه فرعی در منطقه‌ی اربیل و سلیمانیه نبردهای تأثیرگذاری را به طور نامنظم در عمق خاک عراق اجرا کرد.

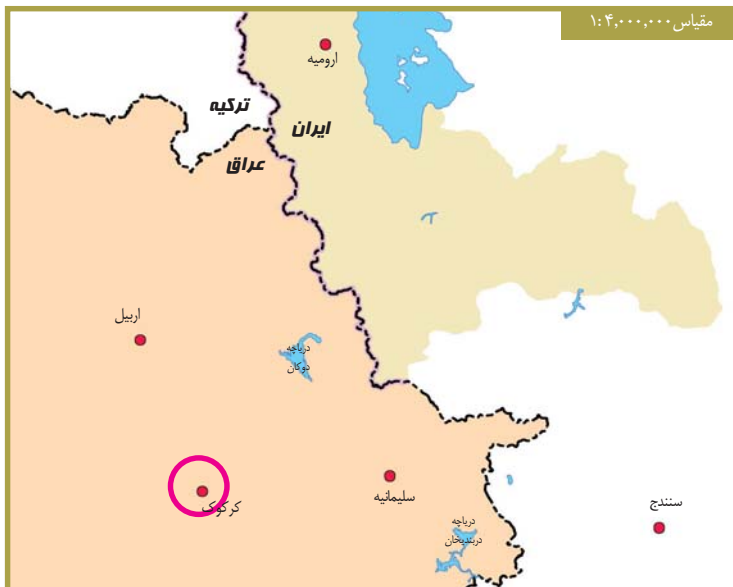
#### عملیات‌های نامنظم در جبهه‌ی آذربایجان غربی

نام عملیات	تاریخ آغاز	منطقه
فتح ۱	۱۳۶۵/۷/۱۹	کرکوک
فتح ۲	۱۳۶۵/۸/۲۹	زاخو و دهوک
فتح ۴	۱۳۶۵/۱۱/۲۲	رواندوز و دیانا
فتح ۶	۱۳۶۶/۳/۲۷	مرگه‌سور و دیانا
فتح ۸	۱۳۶۶/۴/۲۸	اتروش
فتح ۱۰	۱۳۶۶/۶/۱۳	شمال شرقی اربیل
ظفر ۱	۱۳۶۶/۶/۲۷	کانی‌ماسی
ظفر ۴	۱۳۶۶/۸/۲۸	دهوک
ظفر ۵	۱۳۶۶/۱۰/۲۲	دهوک - عمادیه - دیرلوک

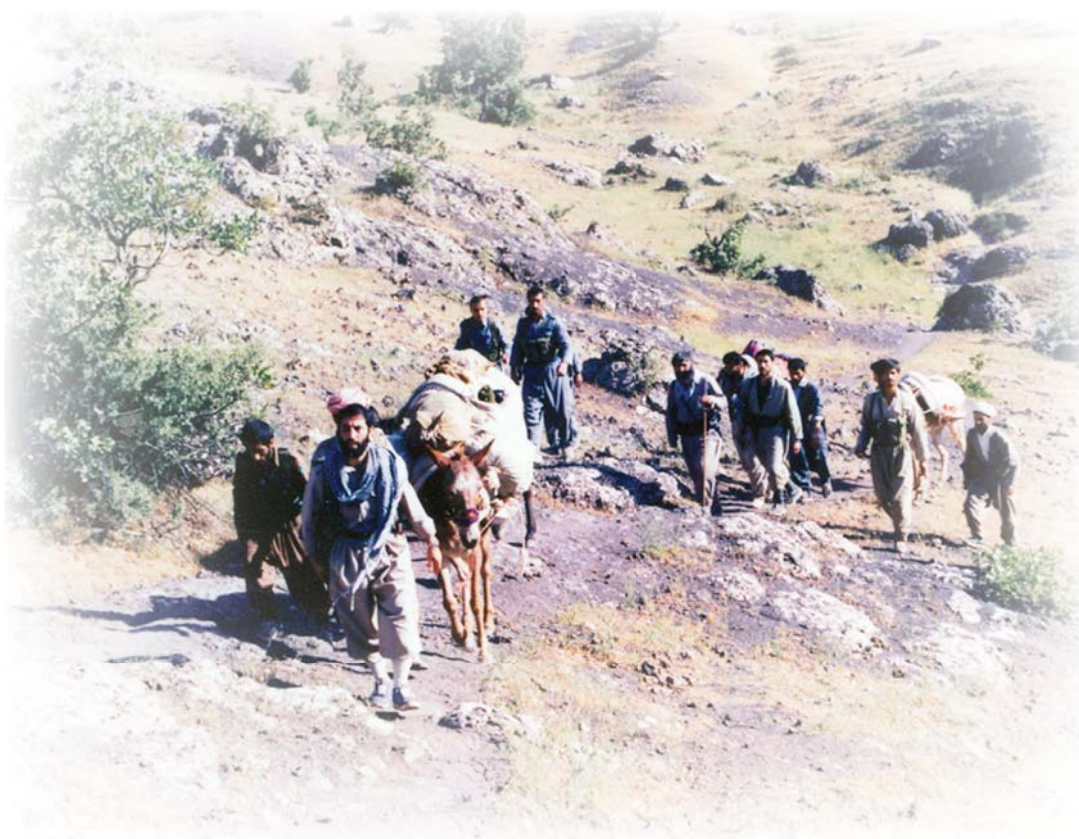
## عملیات فتح ۱

از اواخر سال ۱۳۶۴، فرماندهی سپاه پاسداران درصدد برآمد به منظور اجرای راهبرد تنبیه متجاوز پس از گشودن جبهه‌ی سوم در مناطق مرزی شمال غرب کشور، جبهه‌ی چهارم را در مناطق کردنشین شمال عراق بگشاید. بر اساس این مأموریت، قرارگاه رمضان سپاه موظف شد ضمن افزایش همکاری‌اش با حزب دمکرات کردستان عراق که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده بود، با نادیده گرفتن مداخلات اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق در سال‌های آغازین انقلاب در مناطق کردنشین ایران و حمایتش از گروه‌های شورشی، همکاری جدیدی را با جلال طالبانی رهبر این گروه، آغاز کند.

در پی اقداماتی که قرارگاه رمضان انجام داد، اولین عملیات نامنظم در ۱۹ مهر ۱۳۶۵، با ترکیب نیروهای تحت امر قرارگاه رمضان و نیروهای میهنی کردستان عراق (به استعداد ۲ گردان از نیروهای پاسداران ویژه و یک گردان ادوات سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروهای اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق) در عمق ۱۵۰ کیلومتری این کشور و در شمال و جنوب شهر کرکوک، با رمز "یا زینب(س)" اجرا و خسارت‌های فراوانی به تأسیسات نفتی کرکوک و مراکز دولتی این شهر وارد شد.



- در این عملیات، ۶۰۰ نفر از مزدوران بعثی به هلاکت رسیده یا زخمی شدند و این نتایج کسب شد:
- انهدام تأسیسات پالایشگاه کرکوک.
  - انهدام واحد بهره‌برداری شماره ۱ پالایشگاه کرکوک.
  - انهدام نیروگاه حرارتی برق کرکوک.
  - انهدام ۳ پایگاه موشکی زمینی به هوا.
  - انهدام تأسیسات تفکیک نفت و گاز جمبور و باباگرگر.
  - انهدام مرکز مخابرات کرکوک.
  - انهدام پادگان دارامان.



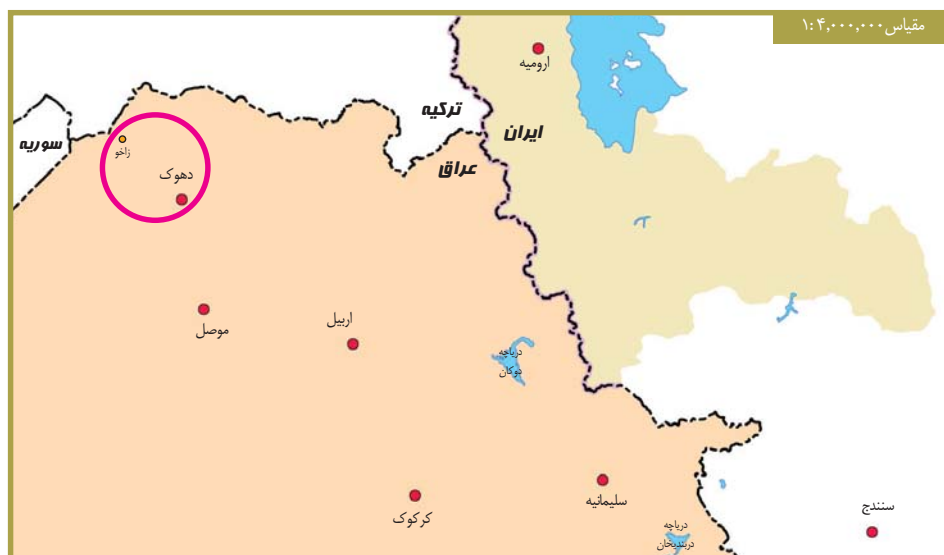
## عملیات فتح ۳

عملیات نامنظم فتح ۳ در شمال عراق، طرح‌ریزی و به همت واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان با همکاری نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق در ۲۹ آبان ۱۳۶۵ انجام شد.

نیروهای شرکت‌کننده در این عملیات (به استعداد ۲ گردان از نیروهای پاسداران ویژه و یک گردان ادوات سپاه پاسداران و ۲ گردان از نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق) توانستند با نفوذ مخفیانه به درون خاک عراق و راه‌پیمایی طولانی، ۳۰۰ کیلومتر از خاک این کشور را پشت سر بگذارند و به مراکز اقتصادی و نظامی شهرهای زاخو و دهوک - که در نزدیکی مرز عراق با ترکیه و سوریه قرار دارند - حمله کنند.

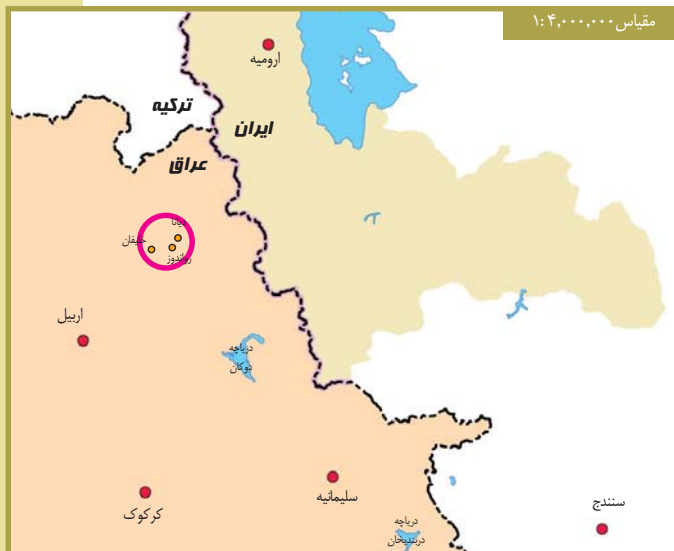
در این عملیات خسارت‌های فراوانی به تأسیسات و مراکز نظامی دو شهر زاخو و دهوک وارد شد و حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای عراقی نیز کشته یا زخمی شدند. همچنین در این عملیات نتایج زیر به دست آمد:

- انهدام مقر لشکر ۳۸ عراق.
- انهدام چند مرکز نظامی و دولتی شهر حی‌صدام.
- انهدام چند مرکز نظامی و دولتی شهر زاخو.
- انهدام چند مرکز نظامی و دولتی شهر دهوک.
- سرنگونی یک بال‌گرد.
- انهدام تعدادی تانک و ۲۰ خودرو نظامی.





## عملیات فتح ۴



- در مرحله‌ی اول این عملیات، اقدامات زیر انجام شد:
- انهدام رادار و ماکروویو مستقر در کوه کورک.
  - اجرای آتش روی پادگان خلیفان.
  - اجرای آتش روی آمادگاه سپاه پنجم در رواندوز.
  - اجرای آتش روی پادگان واقع در شمال رواندوز.
  - اجرای آتش روی مقر فرماندهی لشکر ۲۳ عراق.
  - وارد آوردن خسارت‌هایی به چند مرکز نظامی و دولتی شهرهای قضاصدیق، رواندوز، خلیفان و دیانا.
  - مرحله‌ی دوم عملیات فتح ۴ نیز که در ۴ اسفند ۱۳۶۵ انجام شد، با این حوادث همراه بود:
  - اجرای آتش روی مقر سپاه پنجم در دیانا.
  - انهدام مرکز اطلاعات، پلیس و دو پایگاه نظامی در شهر دیانا.
  - اجرای آتش روی مراکز نظامی و دولتی شهر قضاصدیق.
  - خسارت دیدن چند مرکز نظامی و دولتی شهر رواندوز.

موفقیت در عملیات فتح ۳ زمینه را برای اجرای عملیات فتح ۴ در شمال عراق فراهم کرد. این عملیات در حالی اجرا شد که مناطق مرزی ایران و عراق پوشیده از برف سنگین بود و کمک‌رسانی و پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده در عمق ۷۰ کیلومتری خاک عراق، در صورت نیاز، غیر ممکن یا بسیار دشوار بود. به رغم این موانع، عملیات فتح ۴ در ۲۲ بهمن ۱۳۶۵، با رمز "یا الله" در عمق خاک عراق و در منطقه‌ی عمومی رواندوز و دیانا با همکاری مشترک واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان و حزب دمکرات کردستان عراق در دو مرحله اجرا شد که در هر مرحله خسارت‌های فراوانی به مراکز نظامی و تأسیسات عراق وارد شد و جمعاً بیش از ۱۰۰۰ نفر از ارتشیان عراق و مزدوران محلی آنان کشته یا زخمی شدند.

نمایی از شهر رواندوز عراق



## عملیات فتح ۶



با مناسب شدن اوضاع جوی در مناطق مرزی ایران و عراق، بار دیگر واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان سپاه به شمال عراق نفوذ کردند تا با همکاری نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق عملیات نامنظم دیگری را در محدوده‌ی شهرهای مرگه‌سور و دیانا اجرا کنند. پس از انتقال نیروها و تجهیزات، عملیات فتح ۶ با رمز "یا زهرا(س)" در ۲۷ خرداد ۱۳۶۶ اجرا شد و در طول آن نیروهای عمل‌کننده موفق شدند چند مرکز نظامی و تأسیسات دولتی شهرهای دیانا و مرگه‌سور عراق را منهدم کنند و بیش

- از ۸۰۰ نفر از مزدوران عراقی را به هلاکت برسانند و حدود ۱۳۰ نفر را نیز اسیر کنند.
- با اجرای این عملیات اقدامات زیر انجام شد:
- انهدام پایگاه‌های عراق مستقر در ارتفاعات کورت‌قلندر و سلیم‌خان در شمال دیانا.
  - انهدام مراکز نظامی شهر مرگه‌سور.
  - اجرای کمین در جاده‌ی مرگه‌سور - دیانا.
  - انهدام ۲ گردان جیش‌الشعبی.
  - انهدام ۱۶ خودرو نظامی.



## عملیات فتح ۸

یک ماه بعد از عملیات فتح ۶، عملیات فتح ۸ با همکاری واحدهای قرارگاه رمضان و نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق در اطراف شهر اتروش (در شمال شهر موصل) و در عمق ۲۰۰ کیلومتری کشور عراق طرح‌ریزی شد. این عملیات با رمز "یا رسول الله (ص)" در ۲۸ تیر ۱۳۶۶ اجرا شد و در طول آن بیش از ۸۰۰ نفر از ارتشیان عراق و مزدوران وابسته به آنان کشته یا زخمی و ۳۰ نفر اسیر شدند.

همچنین، نیروهای عمل‌کننده مراکز نظامی متعددی را منهدم و بعضی از آن‌ها را نیز تصرف کردند و سپس با موفقیت به میهن اسلامی ایران بازگشتند. در پایان این عملیات، نتایج زیر به دست آمد:

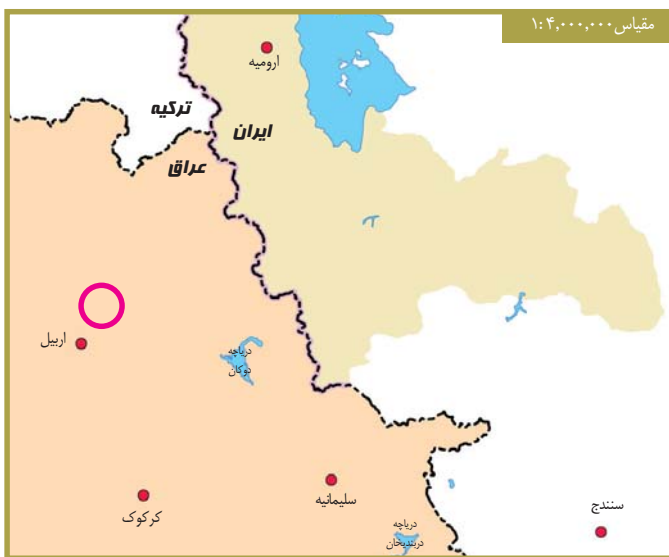
- انهدام بیش از ۴۰ پایگاه و مقر حفاظتی نیروهای عراقی.
- انهدام مرکز آتشبار توپخانه‌ی شهر اتروش.
- انهدام ساختمان سازمان امنیت اتروش.
- انهدام مرکز حزب بعث اتروش.
- انهدام مقر جیش‌الشعبی اتروش.
- انهدام ۳۵ خودرو سبک و نیمه‌سنگین.
- انهدام یک انبار مهمات ارتش عراق.



## عملیات فتح ۱۰

آغاز کردند. در این عملیات، بیش از ۵۰۰ نفر از مزدوران عراقی کشته یا زخمی و ده‌ها نفر نیز اسیر شدند و ده‌ها خودرو؛ تعدادی سلاح انفرادی؛ چند پدافند هوایی و مقدار زیادی مهمات به غنیمت نیروهای عمل‌کننده درآمد و در نهایت نتایج زیر به دست آمد:

- انهدام پایگاه‌های دشمن روی ارتفاعات ۱۳۶۳، ۱۹۶۲، ۱۱۸۵، ۱۱۹۸ و ۱۰۹۶.
- انهدام ۳۶ پایگاه حفاظتی در منطقه.
- انهدام مقر فرماندهی گردان خفیفه.
- انهدام ۱۵ خودرو نظامی.
- انهدام ۳ توپ ضد هوایی.
- انهدام ۴ خودرو مهندسی.
- انهدام ۳ زاغه مهمات ارتش عراق.



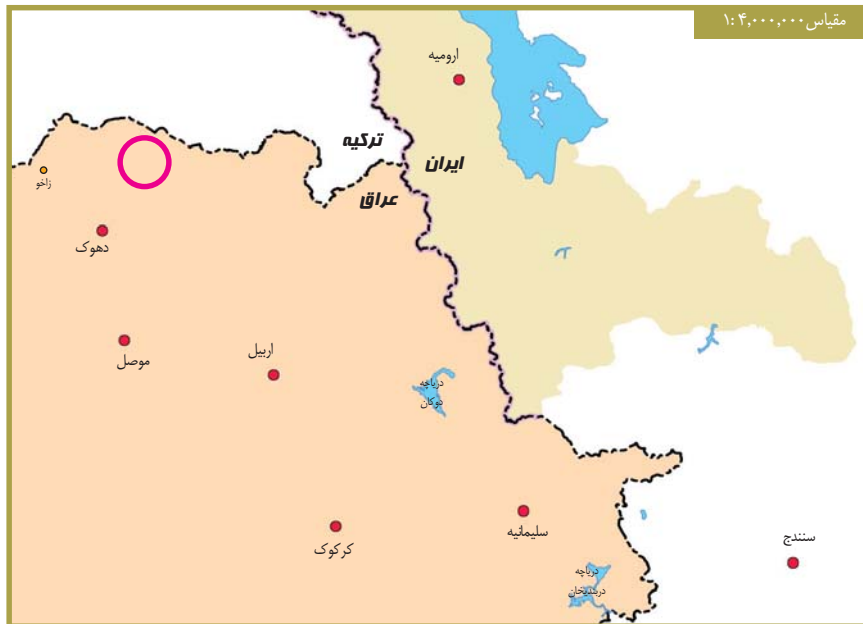
پس از شناسایی‌های انجام‌شده از سوی قرارگاه رمضان، پایگاه‌های ارتش عراق و نیروهای جیش‌الشعبی روی ارتفاعات شمال شرقی شهر اربیل، هدف مناسبی برای اجرای عملیات مشترک تشخیص داده شد.

سپس، واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان سپاه و نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق، در ۱۳ شهریور ۱۳۶۶، عملیات فتح ۱۰ را با رمز "یا ابا عبدالله الحسین(ع)" برای انهدام مراکز و پایگاه‌های شناسایی‌شده

## عملیات ظفر ۱

عملیات ظفر ۱ در شمال شرقی استان دهوک، در عمق ۲۰۰ کیلومتری خاک عراق و در نزدیکی مرز عراق با ترکیه طرح‌ریزی شد. واحدهای قرارگاه رمضان این عملیات را با همکاری بارزانی‌ها در ۲۷ شهریور ۱۳۶۶، در منطقه‌یی به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع در اطراف شهر کانی‌ماسی، اجرا کردند و در طول آن نیروهای عمل‌کننده توانستند تعداد زیادی از پایگاه‌های ارتش عراق و مزدوران گردان‌های خفیفه را منهدم کنند. در این عملیات حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای عراقی کشته یا زخمی و ۵۰۰ نفر اسیر شدند. همچنین، ده‌ها تانک و نفربر؛ تعدادی خودرو و چند انبار مهمات عراق منهدم شد و مقداری سلاح و تجهیزات به غنیمت نیروهای عمل‌کننده درآمد و در پایان این نتایج به دست آمد:

- انهدام ۶۰ پایگاه حفاظتی در اطراف کانی‌ماسی و جاده‌ی باتوفه - زاخو.
- انهدام مراکز چند گردان عراقی.
- انهدام مقر گردان ۱۹ خفیفه.



## عملیات ظفر ۴

در ۲۸ آبان ۱۳۶۶، واحدهای تحت امر قرارگاه رمضان به عمق ۲۵۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کردند و همراه با نیروهای حزب دمکرات کردستان عراق، عملیات نامنظم ظفر ۴ را اجرا کردند.

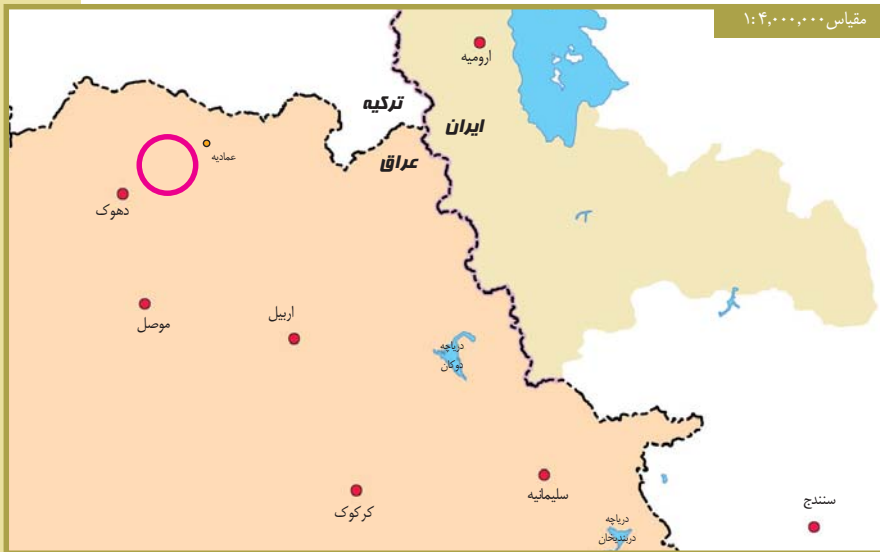
در این عملیات که با رمز "یا رسول الله(ص)" و با هدف انهدام تأسیسات نظامی - اقتصادی عراق در شهر دهوک انجام شد، نیروهای عمل‌کننده توانستند علاوه بر انهدام اهداف تعیین‌شده، ۱۰ پایگاه حفاظتی را که برای برقراری عبور و مرور در جاده‌ی بغداد - ترکیه ایجاد شده بود، تصرف و از رفت و آمد در این جاده به طور موقت جلوگیری کنند.

همچنین، نیروهای عمل‌کننده توانستند بیش از ۴۰۰ نفر از نیروهای بعثی عراق را به هلاکت برسانند یا زخمی کنند و پس از اجرای پیروزمندانه‌ی عملیات به سرزمین اسلامی ایران بازگردند. از دیگر نتایج عملیات می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- انهدام مقر تیپ ۱۱۹ پیاده‌ی عراق در دهوک.
- انهدام تأسیسات انتقال برق سد دهوک.
- انهدام مرکز پست و تلگراف، مقر پلیس، مرکز استخبارات و یک جایگاه پمپ‌بنزین در دهوک.
- تصرف و انهدام ۱۰ پایگاه حفاظتی در جاده‌ی بغداد - ترکیه.



## عملیات ظفر ۵



عملیات نامنظم ظفر ۵، ۲۲ دی ۱۳۶۶ در عمق ۲۰۰ کیلومتری عراق، با رمز "یا زهرا(س)" در حالی اجرا شد که ارتفاعات مرزی ایران پوشیده از برف بود و نفوذ نیروهای عمل‌کننده و انتقال وسایل و تجهیزات مورد نیاز برای عملیات تا عمق خاک عراق به سختی انجام شد.

در این عملیات، واحدهای تابعه‌ی قرارگاه رمضان سپاه و نیروهای بارزانی توانستند بسیاری از پایگاه‌های حفاظتی مستقر در اطراف شهرهای دهوک، عمادیه، دیرلوک و شیلاذیزه را منهدم کنند؛ خسارت‌های فراوانی به

- مراکز دولتی و تأسیسات اقتصادی عراق در این منطقه وارد آورند؛ بیش از ۱۵۰۰ نفر از نیروهای بعثی را به هلاکت رسانده یا زخمی کنند و ۵۰۰ نفر را نیز به اسارت درآورند. نتایج دیگر عملیات به این شرح است:
- انهدام مراکز دولتی و نظامی از جمله استخبارات ارتش عراق.
  - انهدام ۳۶ پایگاه حفاظتی در ارتفاعات شهر دیرلوک.
  - انهدام مرکز فرماندهی و ستاد لشکر ۲۱ عراق.
  - انهدام پایگاه‌های حفاظتی جاده‌ی شیلاذیزه - عمادیه.
  - انهدام یک هواپیما.
  - انهدام ۴۶ خودرو سبک و سنگین.
  - انهدام ۷ خودرو راه‌سازی.
  - انهدام انبار مهمات ارتش عراق در منطقه.



## پایان سخن

با پایان جنگ ایران و عراق، مردم استان آذربایجان غربی یک دهه بحران و جنگ را سپری کردند و در تاریخ ایران زمین مقاومت، سلحشوری، رشادت و ایثارگری را به یادگار گذاشتند. لحظه‌لحظه‌ی تاریخ انقلاب و جنگ، سرشار از دلیری و شجاعت مردان و زنان آذربایجان است که با تقدیم جوانانی همچون مهدی باکری، به حفظ استقلال و امنیت مرزهای ایران اسلامی کمک کردند.

مردم این سرزمین در دوران بازسازی و توسعه نیز گام‌های بلندی برای آبادانی ایران برداشتند که فراموش‌نشدنی است.

نبردهای مشترک نیروهای خودی و کُردهای معارض عراقی علیه ارتش صدام حسین نیز در کردستان عراق، آثار مهمی بر جای گذاشت که در انتفاضه‌ی مردم عراق و سقوط حکومت بعثی به خوبی مشهود است.





آزادراه ارومیه - تبریز : میان گنر دریاچه ارومیه



۱. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، آرشیو اسناد.
۲. بنیاد شهید بروجردی، اسناد استان آذربایجان غربی.
۳. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان ارومیه.
۴. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان اشنویه.
۵. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان بوکان.
۶. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان پیرانشهر.
۷. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان تکاب.
۸. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان خوی.
۹. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان سردشت.
۱۰. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان سلماس.
۱۱. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان شاهین‌دژ.
۱۲. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان ماکو.
۱۳. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان مهاباد.
۱۴. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان میاندوآب.
۱۵. بنیاد شهید بروجردی، اسناد شهرستان نقده.
۱۶. بنیاد شهید بروجردی، اسناد عملیات‌های آزادسازی محورهای مواصلاتی.
۱۷. بنیاد شهید بروجردی، اسناد عملیات‌های آزادسازی مناطق بینابینی.
۱۸. بنیاد شهید بروجردی، اسناد عملیات‌های آزادسازی مناطق مرزی.
۱۹. مؤسسه اطلاعات، آرشیو عکس.
۲۰. مؤسسه کیهان، آرشیو عکس.
۲۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، کارنامه نبردهای زمینی، تهران، ۱۳۸۱.
۲۲. انصاری، مهدی و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب چهارم، هجوم سراسری، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۷۲.
۲۳. تبلیغات و انتشارات سپاه، کارنامه عملیات سپاهیان اسلام، تهران، ۱۳۶۸.
۲۴. تبلیغات و انتشارات سپاه، کارنامه عملیات سپاهیان اسلام، تهران، ۱۳۷۰.

۲۵. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، اطلس راهنمای استان‌های ایران، ۱۳۸۱.
۲۶. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، ۱۳۸۱.
۲۷. مؤسسه گیتاشناسی، اطلس کامل گیتاشناسی، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۱.
۲۸. مرکز آمار ایران، جمعیت شهرهای ایران ۷۵-۱۳۳۵، مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ارومیه، ۱۳۸۲.
۳۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ارومیه، ۱۳۸۴.
۳۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، گزارش اقتصادی و اجتماعی استان آذربایجان غربی، ارومیه، ۱۳۸۲.
۳۲. وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه‌ی نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، جلد‌های ۸، ۱۰ و ۱۷، تهران، ۱۳۶۱.
۳۳. آزادی، مجتبی، تاریخ فرهنگ و اطلاعات گردشگری ارومیه، انتشارات حسام‌الدین چلبی، ارومیه، ۱۳۸۱.
۳۴. انزلی، حسن، اورومیه در گذر زمان، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۷۸.
۳۵. زنده‌دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۷.
۳۶. حیدری، رضا، سیمای میراث فرهنگی آذربایجان غربی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۲.
۳۷. سیف‌قازی، محمدرضا، اسرار محاکمه قاضی محمد و یارانش، نشر آنا، تهران، ۱۳۸۵.
۳۸. خوشحالی، بهزاد، قاضی محمد و جمهوری در آینه اسناد، چاپ فردوسی، همدان، ۱۳۸۰.
۳۹. محمدیان، حسین، بویی ناآشنا، نشر عابد، تهران، ۱۳۸۰.
۴۰. سجادی، علاءالدین و رئوف کریمی، تاریخ جنبش‌های کردستان، انتشارات کردستان، سنندج، ۱۳۸۱.
۴۱. روزنامه‌ی اطلاعات، سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰.
۴۲. روزنامه‌ی کیهان، سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰.
۴۳. روزنامه‌ی جمهوری اسلامی، سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰.
۴۴. سایت استانداری آذربایجان غربی ([www.ostan-az.ir](http://www.ostan-az.ir))
۴۵. سایت سازمان آمار ایران ([www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir))
۴۶. سایت مرکز آمار ایران ([www.sci.org.ir](http://www.sci.org.ir))

## راهنمای نقشه‌ها



	مرز بین‌المللی
	راه آسفالتی
	راه شنی
	راه خاکی
	راه آهن
	رودخانه - نهر
	باتلاق
	شوره زار
	اراضی مورد طغیان آب
	مرکز استان
	مرکز شهرستان
	مرکز بخش
	سایر نقاط
	ارتفاعات
	نقاط ارتفاعی
	محور هجوم خودی